تفسیر قرآن مهر

نگارش: دکتر محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران

ویژه جوانان



جلد ۶

بسم الله الرحمن الرحیم

تفسیر قرآن مهر

نویسنده:

محمدعلی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

تفسیر قرآن مهر جلد ششم

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضایی اصفهانی محمدعلی ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدیدآور : تفسیر قرآن مهر / محمدعلی رضایی‌اصفهانی ، با همکاری جمعی از پژوهشگران قرآنی. مشخصات نشر : قم انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن ۱۳- مشخصات ظاهری : ج. شابک : ؛ ۳۴۰۰۰ ریال (ج.۶) یادداشت : فهرستنویسی بر اساس جلد هجدهم ۱۳۸۸. یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : The mehr commentary on the holy Quran. یادداشت : ج. ۱ تا ۱۲، ۱۴ ،۱۷ ۱۹، ۲۱ و ۲۲ (چاپ اول: ۱۳۸۷). یادداشت : عنوان روی جلد: تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. یادداشت : کتابنامه. مندرجات : ج.۶. سوره‌ی انعام. عنوان روی جلد : تفسیر قرآن مهر ویژه جوانان. موضوع : تفاسیر شیعه -- قرن ۱۴ رده بندی کنگره : BP۹۸/ر۶ت۶۶ ۱۳۰۰ی رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۷۹ شماره کتابشناسی ملی : ۱۳۰۹۴۸۴

یادآوری‌ها

تشکر: از زحمات اساتید و دوستان محترم بویژه: ناظر محترم نوشتار مرحوم حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله مشاوران علمی تفسیر: دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب همکاران تفسیر و ترجمه: شهید غلامعلی همایی، حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی و محمدرضا احمدی ویراستاران محترم محمد جواد شریفی و خانم انصاری تشویق‌کنندگان وحامیان: حجج‌اسلام قمی، دکترکلانتری، دکترعلی اکبری تفسیر قرآن مهر در مجلدات متعدد منتشر می‌شود، از این رو: الف: مقدمه و شیوه تفسیر و تذکرات لازم در مقدمه جلد اول آورده شد. ب: مهمترین ویژگی‌های این تفسیر عبارت است از: ۱. روان و خوش فهم است. ۲. مخاطب تفسیر جوانان، بویژه دانشجویان هستند. از این رو نکات روانشناختی و جامع‌شناختی در خور رعایت شده است. ۳. از ترجمه‌ای دقیق و برابر استفاده شده است. ۴. نمای کلی و موضوعات هر آیه در یک سطر آمده است. ۵. به شأن نزول‌ها توجه شده است اما معنای آیه در آنها منحصر نگردیده است. ۶. نکات و اشارات تفسیری آیه، بصورت کوتاه آمده است. ۷. آموزه‌ها و پیام‌های آیه براساس الغاء خصوصیت بیان شده بطوری که قاعده‌ای کلی باشد که با نیازهای زمان قابل تطبیق باشد. ۸. به دیدگاه مشهور مفسران توجه شده و به اختلافات تفسیری مفسران در مورد ضرورت (و بیشتر در پاورقی‌ها) اشاره شده است. ۹. تفسیر براساس آموزه‌های مذهب اهل‌بیت علیهم السلام سامان یافته است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴ ۱۰. از روش تفسیر قرآن به قرآن- روائی- عقلی- اجتهادی- علمی و اشاری استفاده شده و از تفسیر به رأی پرهیز شده است. ۱۱. در برخی موارد آیات یا احادیث بصورت موضوعی گردآوری شده است که فهرست آن‌ها در جلد اول ذکر شد. ۱۲. واژه‌های مهم در پاورقی (و به ندرت در متن) توضیح داده شده است. ۱۳. از اشعار مناسب با مضامین آیه استفاده شده است. ۱۴. از اشارات عرفانی امام خمینی قدس سره به مناسبت بهره برده شده است. ۱۵. این ترجمه و تفسیر از همکاری استادان حوزه و دانشگاه بهره‌مند شده است. ۱۶. این تفسیر از نظر قرآن پژوه بزرگ معاصر حضرت آیةاللّه معرفت رحمه الله گذشته است. ۱۷. برخی از بخش‌های این تفسیر مکرر در دانشگاه و حوزه تدریس شده و از صدا و سیما پخش شده و بازخوردگیری شده است. ۱۸. در موارد لزوم از نقشه‌های اطلس برای روشن کردن مطالب تاریخی و جغرافیایی استفاده شده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵ بسم اللّه الرحمن الرحیم وصلی اللّه علی محمد و آله الطاهرین «۱» وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ «۲» ؛ و آگاه کننده (: قرآن) را به سوی تو فرو فرستادیم، تا آنچه را به سوی مردم فرود آمده، برای آنان روشن کنی؛ و تا شاید آنان تفکّر کنند.

درآمد

قرآن کریم پیام آسمانی است که خدای متعال برای راه‌نمایی بشر فرو فرستاده است تا در آن تفکر کند، سفره‌ای الهی که تا رستاخیز گسترده است، «۳» پیامی جاویدان برای همه‌ی زمان‌ها و همه‌ی مکان‌ها و همه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶ انسان‌ها که برای هر نسل مطلبی تازه به ارمغان می‌آورد. «۱» قرآن کلامی الهی است که اختلاف در آن راه ندارد، «۲» معجزه‌ای جاوید که همگان را به هماوردی طلبیده است، «۳» ولی با گذشت چهارده قرن، هنوز کسی نتوانسته است مثل آن بیاورد. قرآن کلامی زیبا و رساست که در اوج فصاحت و بلاغت قرار گرفته و برای هر گروه از انسان‌ها پیامی در خور دارد که همه‌ی مردم به صورت عام و متخصصان علوم به صورت خاص می‌توانند از آن بهره ببرند. ولی بهره‌برداری از این کلام الهی، نیازمند فراهم آمدن مقدمات و شرایطی است و با رشد خرد انسانی و پیشرفت دانش‌های بشری، در هر عصر توضیح‌ها و تفسیرهای جدیدی می‌طلبد، تا نقاب از چهره‌ی قرآن گشوده شود و نسل نو بتواند پیام مناسب خویش را دریابد و آیات آن را بر نیازها، موضوعات و مصادیق عصر خود تطبیق کند. از علامه طباطبایی، مفسر بزرگ قرآن، حکایت شده که قرآن در هر دو سال یک بار نیازمند تفسیر جدیدی است. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷ نوشتاری که در پیش رو دارید می‌کوشد مطالب قرآن را بازخوانی، بازیابی، تحلیل، ساماندهی و به صورت نوین عرضه کند، تا نسل جوان عصر ما بتوانند از آن بهتر بهره ببرند. این کتاب هم‌چون تفاسیر دیگر مبانی و روش خاص دارد و مراحل اجرایی را طی کرده است که آنها را به صورت مختصر در طی مقدماتی بیان می‌کنیم. «۱» امید است این تفسیر مورد پذیرش خدای متعال و مورد عنایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام ایشان به ویژه حجهٔ ابن الحسن علیه السلام و مورد استفاده‌ی جامعه‌ی اسلامی قرار گیرد؛ و از قرآن پژوهان و تفسیردوستان محترم انتظار می‌رود با مطالعه‌ی این تفسیر ما را از ارشادهای خود بهره‌مند سازند، تا اشکالات آن برطرف و به کمال نزدیک‌تر گردد. در پایان لازم است از همه‌ی استادان و همکارانی که ما را در این اثر یاری کردند تشکر کنیم؛ به ویژه از قرآن‌پژوه و مفسر سترگ حضرت آیهٔ اللَّه محمدهادی معرفت رحمه الله که مشوق ما و ناظرعلمی این اثر بودند و مرحوم تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸ استاد شهید غلامعلی همائی که یار فداکار ما در این تفسیر و ترجمه بودند و نیز فضلای محترم، حجج اسلام حسین شیرافکن، محمد امینی، محسن اسماعیلی، محسن ملاکاظمی، دکتر آذربایجانی، دکتر مؤدب، آقای محمدرضا احمدی و محمد جواد شریفی و خانم انصاری که هر کدام در بخشی از این اثر یاور ما بودند، و نیز از همکاری دوستان رادیو قرآن و سیمای قرآن، به ویژه استاد شریف‌زاده و نیز دوستان نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، به ویژه حجهٔالاسلام والمسلمین دکتر قمی و دکتر ابراهیم کلانتری و نیز دکتر حسن علی اکبری و همکاران و قرآن‌پژوهان مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی به ویژه آقایان نصراللَّه سلیمانی، نعمت اللَّه صباغی و جواد و اکبر رحمتی و محمد رضایی و اکبر جعفری سپاس‌گزاریم. خداوند قرآن به آنان جزای نیک عطا فرماید. والحمد للَّه‌رب العالمین قم- ۲۴/ ۸/ ۱۳۸۶ محمدعلی رضایی اصفهانی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹

سوره‌ی انعام

اشاره

فراخوان به اصول سیاسی دین ابراهیم بت شکن تاریخ احکام گوشت‌های حلال و حرام ممنوعیت فرزندکشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱

سیمای سوره انعام

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم به نام خدای مهرگستر مهرورز شمارگان: سوره‌ی انعام در مکه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شده و دارای ۱۶۵ آیه و ۳۸۶۰ کلمه «۱» و ۱۲۲۵۴ حرف است. نزول: این سوره پنجاه و چهارمین سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده «۲» (بعد از سوره‌ی حِجر و قبل از سوره‌ی صافات) و تاریخ نزول آن را سال چهارم بعثت گفته‌اند؛ یعنی هنگامی که دعوت سرّی پیامبر صلی الله علیه و آله پایان گرفت و ایشان مأموریت یافتند که به طور علنی مردم را به اسلام فرا خوانند. اما از نظر ترتیب فعلی قرآن، انعام، ششمین سوره است. نام‌ها: تنها نام این سوره، «انعام»، به معنای «حیوانات چهار پا» است. سبب این نام‌گذاری آن است که در آیات ۱۳۶– ۱۴۶ این سوره مکرراً از تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲ چهارپایان سخن گفته شده و احکام و قوانین مربوط به آنان بیان شده است. فضایل: در مورد فضیلت این سوره در روایات حکایت شده که سوره‌ی انعام را به هنگام نزول، هفتاد هزار فرشته بدرقه کردند و کسی که آن را بخواند، تمام آن فرشتگان برای او آمرزش می‌طلبند. «۱» البته این پاداش برای کسی است که در پرتو این سوره، جانش را از سرچشمه‌ی توحید سیراب کند و به محتوای آن عمل نماید. ویژگی‌ها: سوره‌ی انعام، در چینش فعلی قرآن، بعد از سوره‌ی حمد، اولین سوره‌ای است که به عنوان سوره‌ی مکی از آن یاد می‌شود و از روایات اهل بیت علیهم السلام و سخنان مفسران استفاده می‌شود که این سوره یک‌باره بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است. در این سوره، نام خدا ۷۰ بار یاد شده است.

اهداف

اهداف اساسی این سوره دعوت به اصول اساسی دین، یعنی توحید، نبوت و معاد است.

مطالب

الف) عقاید: ۱. پافشاری بر یگانگی خدا (در آیات ۱، ۱۲، ۵۹ و ۶۰)؛ ۲. مبارزه با شرک و بت‌پرستی (در آیه‌ی ۱۵۱ و ...)؛ ۳. اثبات رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و بیان جایگاه قرآن (در آیات ۱۹ و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳ ۱۱۴)؛ ۴. مباحث مربوط به قیامت و ایمان به روز واپسین (در آیات ۱۲ و ۱۶۴). ب) داستان‌ها: ۱. اشاره‌ای به تکذیب و استهزای پیامبران پیشین (در آیه‌ی ۱۰)؛ ۲. داستان ابراهیم، پیامبر بت‌شکن (در آیات ۷۵ و ۸۳). ج) احکام و قوانین: ۱. احکام مربوط به حلال و حرام بودن گوشت چهارپایان، از قبیل گاو، گوسفند، شتر، و ردّ عقاید خرافی در این موارد (در آیات ۱۳۶– ۱۴۶)؛ ۲. ممنوعیت کارهای زشت آشکار و پنهان (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۳. ممنوعیت آدم‌کشی (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۴. ممنوعیت فرزندکشی (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۵. نهی از خوردن مال یتیم (در آیه‌ی ۱۵۱)؛ ۶. انصاف در وزن و پیمانه کردن کالاها (در آیه‌ی ۱۵۱). د) مسائل فرعی: ۱. مجادله و بحث با مشرکان با برهان‌های عقلی و آیات تکوینی؛ ۲. لزوم رعایت عدالت در گفتار (در آیه‌ی ۱۵۲)؛ ۳. لزوم وفای به عهد و پیمان (در آیه‌ی ۱۵۲). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴

دوم: محتوای سوره انعام

قرآن کریم آیه‌ی اول سوره‌ی انعام را با حمد و ستایش خدا آغاز می‌کند و با توجه به آفرینش جهان می‌فرماید: ۱. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی خَلَقَ السَّموتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِینَ کَفَرُواْ بِرَبِّهِمْ یَعْدِلُونَ ستایش مخصوص خدایی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و تاریکی‌ها و نور را قرار داد؛ سپس کسانی که کفر ورزیدند، برای پروردگارشان، [شریکِ مساوی قرار می‌دهند. نکته‌ها و

اشاره‌ها: ۱. از امام علی و امام صادق علیهما السلام حکایت شده که این آیه به سه گروه از منحرفان پاسخ می‌گوید: الف) با اشاره به خالق هستی، به مادی‌ها، که جهان را ازلی می‌پنداشتند، پاسخ می‌دهد. ب) با اشاره به نور و ظلمت، به دوگانه‌پرستان پاسخ می‌دهد. ج) با ردّ عقاید کافران، به مشرکان عرب که برای خدا شریک قایل بودند، پاسخ می‌دهد. «۱» ۲. ظلمت، «عدم» است و چیزی نیست؛ پس تعبیر «قرار دادن ظلمت»، یا به خاطر آن است که ظلمت غالباً به معنای نور بسیار کم و ضعیف، در برابر نور فراوان و قوی به کار می‌رود و یا به خاطر آن است که ظلمت، عدم خاص است تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵ که به تبعیت، خلق می‌شود. «۱» ۳. در آیه‌ی فوق، «ظلمات» جمع و «نور» مفرد است. این اختلاف ممکن است به خاطر آن باشد که منبع نور یکی است و آن خدای متعال است «۲» و نورهای دیگر همه پرتوی از نور اویند، اما ظلمت‌های جهل، خرافات، شرک، کفر، نفاق و گمراهی متعدد هستند و هر کدام منشأی جداگانه دارند؛ نور حق یکی است اما باطل‌ها متعددند. از طرف دیگر، نور همیشه رمز وحدت و اجتماع موجودات زنده، اما ظلمت و تاریکی رمز جدایی‌ها، پراکندگی‌ها و اختلافات است. ۴. توحید یک اصل فطری و عقیده‌ی همگانی بشر بود و بعدها شرک به صورت یک انحراف پیدا شد. این از تعبیرهای آیه‌ی فوق نیز به دست می‌آید. «۳» ۵. آیه‌ی فوق انسان را به آفرینش عالَم کبیر یا نظام هستی، آیه‌ی بعد او را به آفرینش عالَم صغیر یا انسان، و آیه‌ی بعد از این‌ها، به نظام اعمال و رفتار انسان توجه می‌دهد. «۴» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، ستایش پروردگار است و کفرورزی انحراف از اصل به شمار می‌آید. ۲. تمام ستایش‌های خود را نثار خالق هستی کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دوم سوره‌ی انعام به خلقت انسان و سرنوشت ثابت و متغیّر او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲. هُوَ الَّذِی خَلَقَکُم مِّن طِینٍ ثُمَّ قَضَی أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمّیً عِندَهُ ثُمَّ أَنتُمْ تَمْتَرُونَ او کسی است که شما را از گِل آفرید؛ سپس سرآمد (غیر حتمی برای عمر شما) مقرّر داشت؛ و سرآمد معیّن (و حتمی عمر شما) نزد اوست؛ سپس شما (در توحید و قدرت او) تردید می‌کنید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آفرینش انسان‌های کنونی، به چند صورت به خاک برمی‌گردد: الف) آفرینش انسان از پدر و مادر است، اما از آن‌جا که آفرینش اولین انسان از خاک بوده، پس صحیح است که به ما بگویند شما را از خاک آفریدیم. «۱» ب) انسان‌ها همگی از مواد و عناصر موجود در خاک، یعنی از طریق تغذیه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم عناصر خاکی به وجود می‌آیند. «۲» ۲. در آیه‌ی فوق «اجَل» به دو معنا به کار رفته است: «اجل» اول به معنای عمر و مدت غیر حتمی آن، یعنی اجل مُعلَّق است و «اجل» دوم به معنای عمر و مدت معیّن آن است که بر اثر حوادث و تقدیرات و اعمال انسان کم یا زیاد نمی‌شود. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷ به عبارت دیگر، انسان بر اساس استعدادها و ساختمان وجودی خود، دارای یک عمر طبیعی است که کم یا زیاد نمی‌شود و آن همان اجل حتمی است. همین عمر انسان ممکن است بر اثر سوء تغذیه، بیماری‌ها، انجام گناهان، خودکشی، حوادث و تقدیرات دیگر کم شود و انسان زودتر از پایان عمر طبیعی از دنیا برود، که به این مرگ زودرس «اجل غیرحتمی یامُعلَّق» گفته می‌شود. در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به هر دو نوع اجل اشاره شده است. «۱» ۳. در مورد اجل غیرحتمی، در روایات اسلامی حکایت شده که ارتباط با خویشاوندان و صدقه و زکات و دعا، سبب زیاد شدن عمر، و قطع رابطه با خویشاوندان و ظلم سبب کم شدن عمر می‌شود. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر آفرینش انسان و مدت عمر او، همه به دست خداست، پس (در مبدأ و معاد) شک نکنید. ۲. با مطالعه در منشأ حیات خود و مدت آن، (خداشناس شوید و) تردید نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سوم سوره‌ی انعام به علم بی‌کران الهی و الوهیت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳. وَهُوَ اللَّهُ فِی السَّموتِ وَفِی الْأَرْضِ یَعْلَمُ سِرَّکُمْ وَجَهْرَکُمْ وَیَعْلَمُ مَا تَکْسِبُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸ و او در آسمان‌ها و در زمین خداست؛ پنهان شما و آشکارتان را می‌داند؛ و آنچه را بدست می‌آورید، می‌داند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان عرب به «اللّه» معتقد بودند، اما برای هر دسته از موجودات نیز، خدا و مدبّری قایل شده بودند و به خدای باران، خدای جنگ، خدای صلح و خدای آسمان و مانند آن اعتقاد داشتند. آیه‌ی فوق در پاسخ آنان می‌گوید: کسی که خالق است، تدبیر و تصرف همه چیز نیز به دست اوست؛ «۱» خدا در همه جا حاضر است و احاطه به همه‌ی مکان‌ها دارد؛ حضور او حضور

علمی، قیّومی و احاطه‌ای است نه حضور جسمی؛ و جایی از آسمان‌ها و زمین از وجود او خالی نیست. هواخواه تو ام جانا و می‌دانم که می‌دانی که هم نادیده می‌بینی و هم ننوشته می‌خوانی (حافظ) ۲. مقصود از «آنچه به دست می‌آورید»، نتایج اعمال و حالات روحی است که از افعال خوب و بد انسان حاصل می‌شود؛ پس معنای آیه این می‌شود که خدا هم از اعمال و نیّات شما آگاه است و هم از آثاری که این اعمال در روح شما می‌گذارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. منطقه‌ی فرمان‌روایی خدا تمام هستی است و علم او بی‌کران است. ۲. به فرمان‌روایی و علم بی‌کران الهی توجه کنید (و مراقب کردار و دست‌آوردهای خود باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹ قرآن کریم در آیه‌ی چهارم سوره‌ی انعام به واکنش مشرکان در برابر نشانه‌های خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴. وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُواْ عَنهَا مُعْرِضِينَ و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان برای آنان نمی‌آید، مگر اینکه از آن رویگردانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابتدایی‌ترین شرط هدایت و راه‌یابی، تحقیق و جست وجوگری است. این شرط نه تنها در مشرکان وجود ندارد، بلکه هر گاه چشمه‌ی آب زلالی بر در خانه‌ی آنها بجوشد، روی برمی‌تابند و به آیات پروردگار توجه نمی‌کنند. روی‌گردانی و عدم تحقیق در باره‌ی حق، در عصر ما نیز در برخی کافران متعصب و لجوج وجود دارد. غفلت نگر! که پشت به محراب کرده‌اند در کشوری که قبله‌نما موج می‌زند (صائب) ۲. تعبیرِ «از طرف پروردگارشان» تعبیر لطیفی است و اشاره دارد که مقصود خدا از آیات، تربیت آنهاست و این آیات هم از طرف پروردگار «خودشان» آمده است، ولی از آنها روی می‌گردانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انسان‌های لجوج، به هیچ گونه دلیل و نشانه‌ای توجه ندارند و از همه‌ی آنها روی برمی‌تابند. ۲. از نشانه‌ها و آیات الهی روی برنتابید که از طرف پروردگار شما و برای تربیت شماست. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰ قرآن کریم در آیه‌ی پنجم سوره‌ی انعام به تکذیب و مسخره کردن حق توسط مشرکان اشاره می‌کند و ضمن هشدار به آنها می‌فرماید: ۵. فَقَدْ كَذَّبُواْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنبؤُاْ مَا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ و بیقین آنان، هنگامی که حق به سراغشان آمد، تکذیب کردند! پس در آینده اخبار بزرگ چیزی که همواره آن را ریشخند می‌کردند، به آنان خواهد رسید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه و آیه‌ی قبل از آن، به سه مرحله از کفر اشاره شده است: الف) اعراض و روی‌گردانی از آیات الهی؛ ب) تکذیب حق؛ ج) مسخره کردن حقایق و آیات خدا. این مطالب نشان می‌دهد که انسان در راه کفر، در یک مرحله متوقف نمی‌شود و هر چه پیش می‌رود، بر شدت انکار و دشمنی او با حق و بیگانگی‌اش با خدا افزوده می‌شود. ۲. مراحل سه‌گانه‌ی فوق هر کدام در مرحله‌ی بعدی تأثیر می‌گذارد و زمینه‌ی آن را فراهم می‌سازد؛ یعنی کسی که از حق روی می‌گرداند، در نتیجه، آن را نمی‌شناسد و هنگامی که با آن مواجه می‌شود به راحتی انکار و تکذیبش می‌کند و کسی که حق را تکذیب کرد، کم‌کم به مسخره کردن آن می‌پردازد؛ یعنی مراحل سقوط را یکی پس از دیگری می‌پیماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برای کافران خبرهای تلخی در راه است (پس به آرامش و سرمستی موقت خود دلشاد نباشند). ۲. حق را دروغ نشمارید و ریشخند نکنید که این شیوه‌ی کافران است. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۱ قرآن کریم در آیه‌ی ششم سوره‌ی انعام به سرنوشت طغیان‌گران پیشین اشاره می‌کند و با هشدار به مشرکان می‌فرماید: ۶. أَلَمْ يَرَوْاْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّن قَرْنٍ مَّكَّنهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَاراً وَجَعَلْنَا الْأَنْهَرَ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْناً ءَاخَرِينَ آیا اطلاع نیافته‌اند که پیش از آنان چه بسیار، گروه‌هایی را هلاک کردیم؟! که در زمین به آنان امکاناتی دادیم، که برای شما آنچنان امکاناتی فراهم نکردیم؛ و [باران‌های پی در پی آسمان را بر آنان فرستادیم؛ و نهرهایی قرار دادیم، که از زیر (شهرهای) آنان روان باشد؛ و آنان را بخاطر پیامدهای (گناهان) شان هلاک ساختیم؛ و گروه‌های دیگری بعد از آنان پدید آوردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قرآن مکرر به این موضوع اشاره شده که امکانات فراوان مادی، سبب غرور و غفلت افراد کم‌ظرفیت می‌شود، به طوری که خود را از پروردگار بی‌نیاز می‌پندارند «۱» و به گناه و نافرمانی روی می‌آورند، در حالی که هر لحظه محتاج خدا هستند. قرآن در این مورد هشدار می‌دهد که این‌گونه رفتارها، سبب نابودی انسان‌ها می‌شود. این هشدار برای انسان عصر حاضر نیز هست. ۲. اگر انسان در تاریخ زندگی فرعون‌های مصر،

پادشاهان سبأ، سلاطین کَلِده و آشور، قیصرهای روم، پادشاهان ایران باستان و زندگانی افسانه‌ای آنها و عواقب دردناك کفر و طغیان و بیدادگری آنان بنگرد، به عظمت و اسرار سخنان قرآن در آیه‌ی فوق پی می‌برد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۲ ۳. طغیان‌گران تصور نکنند که تنها انسان‌های زمین هستند، بلکه خدا هر گاه ملتی «۱» را نابود می‌کند، مردمی دیگر جای‌گزین آنان می‌نماید؛ بنابراین هر قومی که نافرمانی کند، هلاك می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناه سبب هلاکت ملت‌ها می‌شود. ۲. از تاریخ ملت‌های پیشین و سرنوشت شوم گناهکاران عبرت بگیرید. ***قرآن کریم در آیه‌ی هفتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی و لجاجت مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷. وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتباً فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ و اگر (بر فرض) نوشته‌ای در صفحه (کاغذ) بر تو فرو فرستیم، و آن را با دست‌هایشان لمس کنند، حتماً کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند: «این، جز سِحری آشکار نیست!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از بت‌پرستان، هم‌چون نَضر بن حارث و عبد اللّه بن امیّه، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفتند: ما تنها در صورتی ایمان می‌آوریم که نامه‌ای از طرف خدا، با چهار فرشته بر ما نازل کنی؛ آیه‌ی فوق در این باره فرود آمد و بهانه‌تراشی آنان را افشا کرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عوامل انحراف، لجاجت است. این صفت سبب می‌شود که انسان در برابر دلیل روشن تسلیم نشود و حتی امور تجربی و محسوس و بدیهیاتی را که می‌بیند، انکار کند؛ اگر برای کافران لجوج صفحه‌ای کاغذی، «۱» به صورت معجزه‌آسا، فرود آید، باز هم آن را انکار می‌کنند. ۲. «سحر» از رایج‌ترین تهمت‌هایی است که به پیامبران الهی می‌زدند و آنان را ترور شخصیتی می‌کردند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی منتظر لجاجت‌ها و تهمت‌ها باشند. ۲. در هنگام لجاجت هیچ دلیل و معجزه‌ای کارساز نیست. ۳. به دنبال قانع کردن کافران لجوج نباشید، که سودی ندارد. ***قرآن کریم در آیه‌ی هشتم سوره‌ی انعام به برخی دیگر از بهانه‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸. وَقَالُواْ لَوْ لَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكاً لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَايُنظَرُونَ و [مشرکان گفتند: «چرا هیچ فرشته‌ای بر او فرود نیامد.» و [لی اگر (بر فرض) فرشته‌ای فرود می‌آوردیم، حتماً کار تمام شده بود؛ سپس (اگر مخالفت می‌کردند) مهلت داده نمی‌شدند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله معجزاتی هم چون قرآن را آورده بود، پس جایی برای بهانه‌جویی در مورد نزول فرشته نبود، علاوه بر آن، قدرت و استعداد فرشتگان برای رسالت و نبوّت، از انسان بیش‌تر نبود. ۲. اگر فرشته‌ای بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود می‌آمد و به صورت حسّی همه او را می‌دیدند، این یك معجزه‌ی شهودی و آخرین مرحله‌ی اتمام حجت بود و در این صورت اگر کسی مخالفت می‌کرد، مجازات او قطعی می‌بود و به او مهلت داده نمی‌شد؛ پس خدا از لطف خود و برای دادن فرصت تجدید نظر به بندگان، معجزات حسّی و شهودی را فوراً نمی‌آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کافران در برابر حق بهانه‌تراشی می‌کنند. ۲. به پیامدهای خطرناك برخی بهانه‌جویی‌ها توجه کنید و از رهبران الهی چیزهایی نخواهید که به زیان خودتان باشد. ۳. بعد از معجزات شهودی، حجت و مهلت تمام می‌شود. ***قرآن کریم در آیه‌ی نهم سوره‌ی انعام پاسخ دیگری به بهانه‌جویی‌های مشرکان می‌دهد و می‌فرماید: ۹. وَلَوْ جَعَلْنَهُ مَلَكاً لَّجَعَلْنَهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ و اگر (بر فرض) او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت مردی در می‌آوردیم؛ و مسلماً (به پندار آنها کار را) بر آنان مشتبه می‌ساختیم؛ آنچه (را بر دیگران) مشتبه می‌سازند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: الف) مقصود آن باشد که اگر فرشته‌ای می‌آمد، به صورت مردی می‌آمد، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۵ که در این صورت، فقط کافی بود شکل مرد را داشته باشد. ب) مقصود آن باشد که اگر پیامبر فرشته می‌شد، به صورت مردی می‌آمد که در این صورت باید تمام صفات ظاهری و باطنی انسان را داشته باشد، تا بتواند الگوی انسان‌های دیگر باشد. «۱» البته ظاهر آیه با همان معنا و احتمال اول سازگارتر است. ۲. در این آیه، پرده‌پوشی و اشتباه‌کاری از دیدگاه مشرکان مطرح شده است؛ یعنی اگر فرشته‌ای می‌فرستادیم، می‌بایست به صورت و سیرت انسانی باشد، که در این صورت، به عقیده‌ی مشرکان، ما مردم را به اشتباه انداخته بودیم؛ همان‌طور که آنان افراد بی‌خبر را به اشتباه می‌افکنند و چهره‌ی حقیقت را از

آنان می‌پوشانند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همیشه راه بهانه‌جویی مشرکان باز است (حتی اگر فرشته‌ای نازل شود). ۲. مشرکان فرافکنی می‌کنند و در حالی که خود مشتبه‌نما هستند، دیگران را به مشتبه‌نمایی متهم می‌سازند. ۳. مواظب مشتبه‌نمایی مشرکان باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی دهم سوره‌ی انعام به ریشخند نمودن پیامبران پیشین و کیفر این کار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰. وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُواْ مِنْهُم مَّا كَانُواْ بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۶ و بیقین پیش از تو فرستادگانی ریشخند شدند؛ و [لی آنچه که همواره آن را ریشخند می‌کردند، کسانی از آنان را که ریشخند می‌کردند فرو گرفت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی خبرهایی از مجازات کافران را بیان می‌کردند، اما مخالفان آنها را انکار می‌کردند و سرانجام، این مجازات‌ها دامن آنان را می‌گرفت. ۲. روش قرآن آن است که با یادآوری مشکلات و صبر پیشینیان، به مؤمنان دل‌داری می‌دهد و صبر آنان را زیاد می‌کند. ۳. مبلّغان دین نباید از ریشخند مخالفان دل‌تنگ شوند؛ این شیوه‌ی همیشگی و نوعی جنگ روانی دشمن است که باید در برابر آن صبر و استقامت کرد. ۴. استهزا و مسخره کردن پیامبران، یکی از گناهان کبیره است که وعده‌ی عذاب بر آن داده شده است. ۵. آیه‌ی فوق نوعی تسلّی خاطر برای پیامبر صلی الله علیه و آله است که تزلزلی در اراده‌اش واقع نشود؛ و در همان حال، تهدیدی برای مخالفان لجوج است که به عواقب دردناک کارخویش بیندیشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان دین و مسخره کنندگان رهبران مذهبی مغرور نباشند که سرانجام عذاب الهی دامن آنان را خواهد گرفت. ۲. رهبران الهی منتظر ریشخند مخالفان دین باشند (و در برابر آنها استقامت کنند) که خدا با آنان برخورد خواهد کرد. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۷ قرآن کریم در آیه‌ی یازدهم سوره‌ی انعام مردم را به جهان‌گردی هدفمند و عبرت‌آموز فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۱۱. قُلْ سِيرُواْ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عِقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ بگو: «در زمین گردش کنید! سپس بنگرید فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان در کتاب‌ها برای انسان بسیار سازنده است، اما مشاهده‌ی عینی آثار باستانی و دیدن سرنوشت اقوام نابود شده، تأثیر بیش‌تری بر انسان دارد؛ زیرا این آثار حقایق تاریخی ملت‌های گذشته را ملموس و محسوس می‌سازد. «۱» در کارگه کوزه‌گری رفتم دوش دیدم دو هزار کوزه گویا و خموش از دسته‌ی هر کوزه برآورد خروش صد کوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش (خیام) ۲. واژه‌ی (سپس) معمولًا برای «عطف همراه با فاصله‌ی زمانی» به کار می‌رود و به کار بردن آن در آیه‌ی فوق، شاید به این هدف باشد که به انسان تذکر دهد که پس از مشاهده‌ی آثار باستانی، در قضاوت خود عجله نکند و با حوصله و دقت بیندیشد و عاقبت کار آنان را با چشم خود ببیند. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که منظور از آیه‌ی فوق، نظر به آثار پیامبران الهی و قرآن کریم است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۸ روشن است که این گونه احادیث مصادیق و موارد آیه را مشخص می‌کند، ولی آیه‌ی فوق و نظر و تفکر و سیر و سیاحت منحصر در این موارد نیست و همه‌ی سفرهای علمی و آموزنده و عبرت‌آور در دیدار از آثار باستانی، ستوده و نیکوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جهان‌گردیِ هدفمند و عبرت‌آموز نیکوست. ۲. از آثار باستانی دیدن کنید و عبرت بگیرید. ۳. گردشگری هدفمند داشته باشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۹

جهانگردی هدفمند در قرآن و حدیث

الف) فراخوانی به جهان‌گردی: ۱. قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به جهان‌گردی فرا می‌خواند (آل‌عمران، ۱۳۷؛ انعام، ۱۱؛ نحل، ۳۶؛ نمل، ۶۹؛ عنکبوت، ۲۰ و روم، ۴۲). ۲. قرآن کریم در آیات متعدد، از افراد پرسش می‌کند که چرا جهان‌گردی نکرده‌اند و درس عبرت نگرفته‌اند؟ (یوسف، ۱۰۹؛ حج، ۴۶؛ روم، ۹؛ فاطر، ۴۴؛ غافر، ۲۱ و ۸۲ و محمد، ۱۰). ب) اهداف جهان‌گردی و گردشگری: ۱. شناخت چگونگی آغاز آفرینش (عنبکوت، ۲۰)؛ ۲. خردورزی و تعقل (حج، ۴۶)؛ ۳. شناخت تاریخ اقوام گذشته و فرجام آنان (یوسف، ۱۰۹ و ...)؛ ۴. عبرت‌آموزی از سرگذشت اقوام نیرومند (غافر، ۲۱ و فاطر، ۴۴)؛ ۵. عبرت‌آموزی از سرگذشت

اقوام تکـذیب‌گر (که با راه پیامبران الهی مخالفت کردنـد) (نحل، ۳۶)؛ ۶. عبرت‌آموزی از فرجام خلافکاران تاریـخ (نمل، ۶۹). ج) مسافرت در احادیث: ۱. مسافرت کنیـد تا سالم شویـد و غنیمت به دست آوریـد (پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله). «۱» ۲. اول رفیق (پیـدا کنیـد) سـپس راه (و مسافرت را شـروع کنیـد) (پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله). «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۴۰ ۳. مسافرت را با صدقه آغاز کنید (امام صادق علیه السـلام). «۱» ۴. وقتی سه نفر با هم‌دیگر مسافرت کردیـد یک نفر فرمانده (و مدیر) باشد (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۲» ۵. از لقمان حکایت شده که به فرزندش سـفارش کرد که در مسافرت با همراهانت زیاد مشورت کن و به روی آنان لبخند بزن، به آنان کرامت و بخشـش کن، هر گاه تو را خواندند اجابت کن، اگر از تو کمک خواستند به آنان یاری رسان، ... در کارها با آنان هماهنگ باش، مگر در نافرمانی خـدا، ... هنگامی که صـدقه یا وام می‌دهند تو نیز همراهی کن، به سـخن بزرگ‌ترهـا گوش فرا ده .... «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۱ قرآن کریم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی انعام به برهان رحمت در اثبات معاد و رابطه‌ی بی‌ایمانی با زیانکاری اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۲. قُل لِّمَن مَّا فِی السَّموتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ کَتَبَ عَلَی نَفْسِهِ الرَّحْمَـهَٔ لَیَجْمَعَنَّکُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیمَـهِٔ لَارَیْبَ فِیهِ الَّذِینَ خَسِـرُواْ أَنفُسَـهُمْ فَهُمْ لَایُؤْمِنُونَ بگو: «آنچه در آسـمان‌ها و زمین است، از آنِ کیست؟» بگو: «از آنِ خداست؛» بخشش را بر خویشتن مقرّر کرده است، (از این رو) قطعاً شما را در روز قیامت، که در آن هیـچ تردیـدی نیست، جمع‌آوری خواهـد کرد. کسـانی که به خودشـان زیـان رسانده‌انـد، پس آنـان ایمان نمی‌آورنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه بـا اسـتفهام تقریری آغـاز می‌شود؛ یعنی از آن‌جا که در نظر فطرت، مالکیت خـدا بر جهان هستی مسـلم است و مشـرکان نیز بدان اعتراف دارند، از آن می‌پرسد و خود بدان پاسخ می‌دهد. این یکی از شیوه‌های تبلیغی و تربیتی قرآن کریم است. ۲. آیه‌ی فوق به «برهـان رحمت» برای اثبـات معـاد اشـاره می‌کنـد؛ یعنی خـدایی که مالـک جهـان و دارای رحمت وسـیع، فیّاض و پرجوش است، لازمه‌ی رحمتش آن است که هر موجودی را به تکامل نهایی خویش برسانـد. رحمت الهی اقتضا می‌کنـد که انسانی که اسـتعداد زندگی جاوید دارد، پس از مرگ متوقف نشود و سیر ابدی خود را در لباس نوینی در رستاخیز ادامه دهد. این حقیقتی است که تردیدی در آن وجود ندارد. ۳. زندگی جاوید، رحمت رستاخیز و نعمت‌های فراوان برای همه‌ی انسان‌ها آماده شده است، اما برخی از انسان‌ها از سـرمایه‌های وجودی خویش در این جهان اسـتفاده می‌کننـد و از رحمت آخرت بهره می‌برند و بعضـی دیگر راه خویش را کج نموده، زمینه‌های رحمت را به زحمت و عذاب تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۴۲ تبدیل می‌کنند. ۴. هستی بر اسـاس رحمت اسـتوار است و رحمت الهی بر همه چیز و در همه جـا گسترده است. قرآن کریم در آیـات مختلف مظاهر و مصادیق رحمت الهی را بیان کرده است که عبارت‌انـد از: قرآن، آزادی، پیامبر، باران، باد و .... در احادیث آمده است: هر کس رحم نکند، مـورد رحمت قرار نمی‌گیرد؛ پس شـرط اسـتفاده از رحمت الهی، رحم داشـتن به بنـدگان خـداست. «۱» ۵. زیان و ضـرر، گاهی به «اصل سـرمایه» و گاهی به «سود سـرمایه» است؛ البته زیان به سـرمایه مهم‌تر است؛ سـرمایه نیز گاهی در درون و گاهی بیرون از جان انسان است، و سـرمایه‌ی درونی مهم‌تر است؛ پس بزرگ‌ترین زیان آن است که انسان سـرمایه‌ی هستی خویش و استعدادهای آن را از دست بدهد. آری، مشـرکان لجوج، سرمایه‌های عمر، فکر، فطرت و مواهب روحی و جسمی خویش را از دست می‌دهند و آن را در راه حق و ایمان به کار نمی‌گیرنـد و به تکامل نمی‌رسانند، در نتیجه، به معاد ایمان نمی‌آورند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شیوه‌ی اصلی خـدا رحمت بر مردم است (نه خشم بر آنان). ۲. از رحمت الهی به معاد پی ببریـد. ۳. بی‌ایمانی، ضـرر زدن به خویشتن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی سیزدهم سوره‌ی انعام به مالکیت خـدا بر موجودات در بستر زمان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۳. وَلَهُ مَا سَکَنَ فِی الَّیْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۳ و آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد، فقط برای اوست؛ و او، شنوا [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تعبیر «شب و روز» در آیه‌ی فوق آن است که جهان مادی، زمان‌مند است و شب و روز مخصوص زمین و منظومه‌ی شمسـی نیست، بلکه همه جا یا تاریکی و شب است، یا روشـنایی و روز. ۲. ممکن است این آیه به یکی از اسـتدلال‌های توحیـد اشاره داشـته باشد؛ یعنی می‌گوید: اجسام از حرکت و سـکون خالی نیسـتند؛ «۱» و آنچـه از حرکت و

سکون خالی نیست، نمی‌توانـد ازلی باشـد؛ بنابراین تمام اجسام حادث‌اند و هر حادثی نیازمند آفریدگار است. ۳. آیه‌ی فوق با ذکر صفت شـنوایی و دانایی خدا، به این مطلب اشاره می‌کند که وسعت جهان و موجوداتی که در افق زمان و مکان واقع می‌شوند، مانع آگاهی خدا از اسـرار آنها نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کل نظام هستی در بستر زمان از آن خـداست (همان‌طور که علم و نظارت بر آنها نیز با اوست). ۲. با مطالعه در سـکون (و حرکت) چیزها در بستر زمان، خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۴ قرآن کریم در آیه‌ی چهاردهم سوره‌ی انعام ولایت همه‌ی خدایان دروغین را رد می‌کند و می‌فرماید: ۱۴. قُلْ أَغَیْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِیّاً فَاطِرِ السَّموتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ یُطْعِمُ وَلَا یُطْعَمُ قُلْ إِنِّی أُمِرْتُ أَنْ أَکُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِکِینَ بگو: «آیا غیر خـدا را سرپرست گیرم؟! (خـدایی) که شـکافنده [و آفریننـده آسـمان‌ها و زمین است؛ و اوست که غـذا می‌دهد، و غذا داده نمی‌شود.» بگو: «در واقع، من فرمان داده شده‌ام، نخستین کسـی باشم که اسـلام آورد؛ و (به من فرمان داده شده که:) هرگز از مشرکان مَباش!» شأن نزول: حکایت شـده که گروهی از مشـرکان مکه خـدمت پیامبر صـلی الله علیه و آله رسـیدند و گفتنـد: ای محمد! تو، به خاطر فقر، آیین قوم خود را ترک کردی؛ ما حاضـریم اموال خود را با تو تقسـیم کنیم تا ثروتمنـد شوی و دست از خدایان ما برداری و به آیین شرک بـازگردی. «۱» آیـه‌ی فـوق و دو آیه‌ی بعـد در این بـاره فرود آمـد و به آنـان پاسـخ داد. «۲» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. مشرکان، خدایان و ارباب انواع داشتند؛ یعنی به خدای باران، خدای نور، خدای ظلمت و خدای جنگ و صلح و رزق معتقد بودند و هر کدام از بت‌ها را در مورد یکی از نیازمنـدی‌های خود تکیه‌گاه و پناهگاه قرار می‌دادند، ولی قرآن همه‌ی این پندارهای غلط را رد کرد؛ با وجود خـدای آفریننـده‌ی همه چیز، دلیلی وجود نـدارد که انسان غیر از او را ولیّ و سـرپرست خود قرار دهـد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۵ ۲. خـدا شـکافنده‌ی آسـمان‌ها و زمین است. شاید این تعبیر اشاره به شـکافتن توده‌ای کوچک و پیدایش سـتارگان، سیارات و کهکشان‌ها از دل آنها باشد که در عصـر حاضـر به «انفجار بزرگ اولیه» مشهور است. «۱» ۳. بیش‌تر وابستگی‌های بشر به خـاطر نیـاز مـادی اوست و همین نیـاز است که انسـان را به کرنش در مقابل غیر خـدا وا می‌دارد و شایـد به همین خاطر، آیه‌ی فوق اشـاره می‌کنـد کـه روزی شـما به دست اوست، نه به دست بت‌هـا و صاحبـان زر و زور. ۴. پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله اولین مسـلمان جهان نبود، پیامبران پیشین و امت‌های آنان نیز مسلمان و تسلیم خدا بودند؛ پس مقصود از «اولین مسلمان» بودن پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه‌ی فوق، «اولین مسـلمان از امت اسـلام» است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ولایت سـزاوار کسی است که خالق و رازق باشـد؛ و او فقط خداست. ۲. رهبر جامعه بایـد در انجام دسـتورات الهی از همه پیشـگام‌تر باشـد. ۳. تسـلیم غیر خدا نشوید و شـرک نورزید. ۴. با مطالعه در پیـدایش جهان هستی و روزی‌دهنـده‌ی مردم، خداشـناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پانزدهم سوره‌ی انعام از زبان پیامبرش در مورد نافرمانی و عـذاب هشـدار می‌دهـد و می‌فرماید: ۱۵. قُلْ إِنِّی أَخَافُ إِنْ عَصَیْتُ رَبِّی عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیمٍ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۶ بگو: «در واقع من (نیز) اگر نافرمانی پروردگارم کنم، از عـذاب روزی بزرگ می‌ترسم! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قانون الهی برای همه‌ی مردم یکسان است و حتی اگر پیامبر خـدا نیز نافرمانی کنـد، بایـد از گرفتاری آن بترسـد؛ البته احساس مسئولیت پیامبران بیش از احساس مسئولیت دیگران است. ۲. ترس اولیای خدا، ترس از مردم یا طاغوت‌ها نیست که ناپسند باشد؛ ترس از قهر الهی و عذاب خداست که ترسی پسندیده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شناخت رستاخیز و ترس از عذاب آن یکی از عوامل بازدارنـده از گناه است. ۲. برای دفع خواسـته‌های نابه‌جای دیگران، عـذاب قیامت را به یاد آنان بیاوریـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی شانزدهم سوره‌ی انعام به رابطه‌ی رحمت الهی با رستگاری انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶. مَّن یُصْرَفُ عَنْهُ یَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذلِکَ الْفَوْزُ الْمُبِینُ هر کس در آن روز، (عـذاب) از او برگردانـده شود، پس حتماً [خـدا] او را رحم کرده، و این کام‌یـابی آشـکار است.» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیه آخرین درجه‌ی توحیـد را بیـان می‌کنـد، که حتـی پیـامبران نیز، در برابر بارگـاه الهی، دسـتگاه مستقلی ندارند و نیازمند رحمت او هستند. ۲. در حـدیث آمـده است که رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به خـدایی که تفسیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۴۷ جـانم در دسـت اوست، هیـچ کسـی در قیـامت بـا عمـل خـود به بهشت نمی‌رود.

پرسیدند: حتی شما یا رسول اللّه! فرمود: حتی من؛ مگر آن‌که فضل و رحمت خدا مرا دریابد. سپس دستان خود را بر سر نهادند و آیه‌ی فوق را تلاوت کردند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رحمت الهی می‌تواند شما را از عذاب الهی نجات بخشد. ۲. کام‌یابی و رستگاری حقیقی، نجات از عذاب در رستاخیز است. ۳. به دنبال جلب رحمت الهی باشید تا رستگار شوید. ۴. برای رستگاری خویش بر رحمت الهی تکیه کنید (نه بر اعمال خودتان). *** قرآن کریم در آیه‌ی هفدهم سوره‌ی انعام اشاره می‌کند که سررشته‌ی همه‌ی امور به دست خداست و می‌فرماید: ۱۷. وَإِن يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و اگر خدا (برای امتحان یا مجازات) زیانی به تو رساند، پس جز او هیچ بر طرف کننده‌ای برای آن نیست؛ و اگر به تو نیکی رساند، پس او بر هر چیزی تواناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. توجه به غیر خدا و کمک خواستن از صاحبان زر و زور و تسلیم شدن در مقابل آنان و پرستش آنها، یا به خاطر آن است که انسان‌ها، غیر خدا را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۸ سرچشمه‌ی نیکی‌ها می‌دانند و یا معتقدند که غیر خدا می‌تواند مشکلات آنها را برطرف سازد. آیه‌ی فوق این دو عقیده را رد می‌کند و سرچشمه‌ی همه‌ی امور را به دست خدا می‌داند. ۲. این آیه عقیده‌ی دوگانه‌پرستان را که به دو مبدأ خیر و شر معتقد بودند رد می‌کند و می‌گوید همه چیز، چه سود و چه زیان، از ناحیه‌ی خداست. ۳. آیه‌ی فوق خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است، اما مفهوم و مطلب آن عام است و شامل همه‌ی انسان‌ها می‌شود؛ یعنی سود و زیان همه‌ی انسان‌ها به دست خداست و پناهگاهی جز او ندارند. یکی درد و یکی درمان پسندد یکی وصل و یکی هجران پسندد من از درمان و درد و وصل و هجران پسندم آنچه را جانان پسندد (بابا طاهر) ۴. واژه‌ی «زیان»، به کمبودهای انسان، اعم از کمبودهای جسمی، روحی ومالی اشاره دارد؛ مثل نقص عضو و از بین رفتن ثروت و فرزند، که در ظاهر سلب نعمت است، ولی در واقع خیر است؛ زیرا برای بیدارباش و تربیت انسان‌ها و برطرف کردن غرور و خودخواهی آنان یا مصالح دیگر به وجود می‌آید. ۵. یکی از روش‌های تربیتی قرآن آن است که انسان را بین ترس و امید نگاه می‌دارد؛ یعنی نه امید او را به خدا قطع می‌کند و نه او را رها می‌سازد تا سرکشی کند، بلکه با قهر الهی به او هشدار می‌دهد. این روش حالت تعادل در روح انسان ایجاد می‌کند و برای رشد و تربیت او بسیار مؤثر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نیکی‌ها و مشکلات، همه به دست خدای تواناست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۴۹ ۲. همه‌ی امید شما به خدا باشد و از قهر او بیم داشته باشید. ۳. در مشکلات به خدا پناه ببرید تا آنها را برطرف سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی هیجدهم سوره‌ی انعام بر تسلّط بی‌رقیب خدا تأکید می‌کند و می‌فرماید: ۱۸. وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ و او بر بندگان خود، چیره است؛ و او فرزانه آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «فوق» برای نشان دادن تسلط و تأکید بر غلبه‌ی خداست؛ «۱» پس مقصود در این‌جا فوقیت و برتری مقامی است، نه مکانی؛ زیرا خدا جسم نیست تا مکان داشته باشد. ۲. قدرت و غلبه‌ی خدا همراه با علم و حکمت است و مثل طاغوت‌ها نیست که قدرت را بدون علم و حکمت به کار می‌برند که منتهی به ستمکاری شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا بی‌رقیب است و همگان در برابر او مقهور هستند (پس فقط بر او تکیه کنید و او را بپرستید). ۲. قدرت و غلبه‌ی بر مردم را با حکمت و آگاهی همراه سازید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۰ قرآن کریم در آیه‌ی نوزدهم سوره‌ی انعام به گواهی خدا به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و جهانی بودن پیام قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۹. قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْءَانُ لِأُنذِرَكُم بِهِ وَمَن بَلَغَ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَى قُل لَّآ أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ بگو: «گواهی چه چیزی با عظمت‌تر است.» بگو: «خدا، میان من و شما گواه است. و این قرآن بر من وحی شده تا بوسیله آن، شما و هر کس را که (این قرآن به او) می‌رسد هشدار دهم. آیا قطعاً شما گواهی می‌دهید که معبودان دیگری با خداست؟!» بگو: «گواهی نمی‌دهم.» بگو: «او تنها معبود یگانه است؛ و مسلماً من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان مکه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: تو چه پیامبری هستی که احدی را با تو موافق نمی‌بینیم و حتی یهودیان و مسیحیان نیز بر اساس محتوای تورات و انجیل، به حقانیت تو

گواهی نمی‌دهند؟ پس حداقل کسی را به ما بنما که گواه رسالت تو باشد. «۱» این آیه و آیه‌ی بعد ناظر به این جریان‌اند و پاسخ آنان را می‌دهند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از این آیه استفاده کرده‌اند که قرآن بزرگ‌ترین و بالاترین گواه صدق رسالت پیامبر است؛ و برخی دانشمندان، خاتمیت نبوت را نیز از این آیه استفاده کرده‌اند؛ زیرا تعبیرات آیه شامل تمام کسانی می‌شود که تا پایان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۱ این جهان به دنیا قدم می‌گذارند. «۱» ۲. تعبیر «کسانی که این سخن به آنها می‌رسد»، رسالت جهانی قرآن و دعوت همگانی آن را اعلام می‌کند؛ یعنی قرآن مخصوص نژاد یا زمان یا منطقه‌ی خاصی نیست. ۳. در آیه‌ی فوق فقط سخن از «هشدار قرآن به مردم» است و به «بشارت» اشاره نشده است؛ زیرا این آیه در برابر کسانی که در مخالفت با اسلام اصرار دارند، موضع‌گیری می‌کند. ۴. از احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که مقصود از ابلاغ قرآن، تنها رساندن عین متن آن به اقوام دیگر نیست، بلکه ترجمه‌ی آن به زبان‌های دیگر نیز مقصود آیه است. «۲» ۵. از آیه‌ی فوق این قاعده استفاده می‌شود که هر گاه قانونی به کسی ابلاغ شود، او در برابر آن مسئولیت دارد، اما وقتی حکمی به او نرسد، در برابر آن مسئولیتی ندارد (مگر آن‌که در فرا گرفتن آن حکم کوتاهی کرده باشد). ۶. پرسش و پاسخی که در پایان آیه در مورد گواهی به وحدانیت خدا مطرح شد، برای این نکته‌ی روانی است که مشرکان گمان نکنند تزلزلی در روحیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله حاصل شده است؛ و قاطعیت این گفتار، امید آنان را به کلی به یأس تبدیل می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا و قرآن گواه پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. ۲. رسالت قرآن، جهانی و برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و افراد است. ۳. به وسیله‌ی قرآن به مردم هشدار دهید (تا کج‌روی نکنند). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۲ ۴. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! توحید و برائت از شرک را علناً اعلام کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیستم سوره‌ی انعام با اشاره به شناخت اهل کتاب از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: ۲۰. الَّذِینَ ءَاتَیْنٰهُمُ الْکِتٰبَ یَعْرِفُونَهُ کَمَا یَعْرِفُونَ أَبْنَآءَهُمُ الَّذِینَ خَسِرُواْ أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَایُؤْمِنُونَ کسانی که کتاب [الهی به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [: محمد] را می‌شناسند؛ کسانی که به خودشان زیان رسانده‌اند، پس آنان ایمان نمی‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی فوق و آیات دیگر قرآن «۱» به این مطلب اشاره شده که یهودیان و مسیحیان بر اساس نویدهای تورات و انجیل، از ظهور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و خصوصیات ایشان اطلاع داشتند، ولی این اطلاعات را پنهان می‌داشتند. «۲» ۲. انسان فرزندان خود را دقیق‌تر از دوستان و خویشاوندان و دیگر اعضای خانواده‌اش می‌شناسد؛ حتی روز تولد آنان را با تمام خصوصیات زمانی و مکانی می‌داند؛ از این رو در آیه فرمود: مثل شناخت فرزندانشان، پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌شناسند. ۳. خسارت‌هایی که به انسان می‌رسد اقسامی دارد؛ گاهی به مال، گاهی به خویشان و گاهی به جان انسان خسارت وارد می‌شود. بالاترین زیان آن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۳ است که انسان سرمایه‌ی وجودی خود را از دست بدهد و در مقابل، کمال و سودی به دست نیاورد. کافران دچار این زیان روحی و جانی شده‌اند؛ زیرا سرمایه‌ی عمر خود را آگاهانه از دست داده، ولی ایمان نیاورده و کمالی کسب نکرده‌اند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یهودیان و مسیحیان به حقّانیّت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پی برده‌اند ولی حق‌پوشی می‌کنند. ۲. اگر می‌خواهید گرفتار خسارت روحی و جانی نشوید، ایمان آورید. ۳. چیزی را که شناختید انکار نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و یکم سوره‌ی انعام ستمکارترین مردم را معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۲۱. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَی عَلَی اللَّهِ کَذِباً أَوْ کَذَّب بِئَایٰتِهِ إِنَّهُ لَایُفْلِحُ الظّٰلِمُونَ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، یا نشانه‌های او را دروغ انگاشته است؟! براستی که ستمکاران، رستگار نخواهند شد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، با جمله‌ی «کسانی که بر خدا دروغ بسته‌اند»، به منکران توحید، یعنی مشرکان «۱» و با جمله‌ی «کسانی که آیات او را تکذیب کرده‌اند»، به منکران رسالت و نبوت اشاره می‌کند. ۲. شرک از سه جهت ظلم است: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۴ نخست، ستم بر ذات پاک خداست؛ زیرا جماد بی‌ارزش یا انسان ناتوان را همتای او قرار داده است. دوم، ستم بر خویشتن است؛ زیرا ارزش و شخصیت وجود خود را تا سر حدّ پرستش سنگ و چوب پایین آورده است. و سوم، ستم بر اجتماع انسانی است؛ زیرا بر اثر شرک گرفتار تفرقه و پراکندگی شده

است. ۳. قرآن کریم در پانزده مورد ظالم‌ترین مردم را معرفی کرده است «۱» که عبارت‌اند از: مشرکان، منکران آیات خدا و نبوت، منع کنندگان از یاد خدا در مسجدها کتمان کنندگان شهادت، روی گردانندگان از آیات پروردگار، و قوم نوح. اما در بیش‌ترین موارد، قرآن کسانی را ظالم‌ترین مردم معرفی کرده که بر خدا دروغ می‌بندند. اختلاف موارد و مصادیق ظالم‌ترین افراد، شاید به خاطر آن است که ریشه‌ی همه‌ی آنها به شرک برمی‌گردد، که انسان را به کتمان حق و منع از مساجد و روی‌گردانی از آیات الهی می‌کشاند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ‌پردازی در مورد خدا و نشانه‌های او ممنوع است. ۲. اگر رستگاری می‌طلبید، از ستمکاری نسبت به فرهنگ دینی دست بردارید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۵ قرآن کریم در آیه‌ی بیست و دوم سوره‌ی انعام، با اشاره به بازپرسی از مشرکان در قیامت، می‌فرماید: ۲۲. وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُواْ أَيْنَ شُرَكَآؤُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ و [یاد کن روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم؛ سپس به کسانی که شرک ورزیدند، می‌گوییم: «کجایند شریک‌های شما، (همان) کسانی که همواره (شما آنان را شریکان خدا) می‌پنداشتید؟» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قیامت از عقیده‌ی انسان بازپرسی می‌کنند و او را در یک دادگاه علنی محاکمه می‌کنند؛ پس هر کس آماده‌ی پاسخ‌گویی در مورد عقاید خود باشد. ۲. از آن‌جا که مشرکان بت‌ها را یاور خود در مشکلات می‌دانستند و بیش‌ترین مشکلات مشرکان در قیامت است، جا دارد که بت‌ها کمک خود را در آن‌جا ظاهر کنند، ولی قرآن اشاره می‌کند که در رستاخیز هیچ کمکی از بت‌ها مشاهده نمی‌شود؛ پس شرک و شریک قایل شدن برای خدا، خیالی بیش نیست. ۳. در برخی احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که مقصود از آیه‌ی فوق شریک قایل شدن در ولایت علی علیه السلام است. «۱» روشن است که این‌گونه روایات به بطن و تأویل آیه اشاره دارد؛ یعنی با توسعه در معنای آیه، مصادیق جدیدی برای شرک بیان می‌کند؛ و یا اشاره دارد که عدم پذیرش ولایت علی علیه السلام، نافرمانی خدا و رسول صلی الله علیه و آله است و این مرتبه‌ای از شرک است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز، روز گردآمدن افراد و آشکار شدن ناتوانی معبودان مشرکان است. ۲. شرک، پنداری بیش نیست. ۳. برای بازپرسی رستاخیز آماده شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و سوم سوره‌ی انعام به پاسخ و پوزش مشرکان در قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۳. ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّآ أَن قَالُواْ وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ سپس عذرشان جز این نیست که می‌گویند: «سوگند به خدایی که پروردگار ماست، (ما) مُشرک نبودیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از مجموع سخنان و دیدگاه‌های مفسران «۱» به دست می‌آید که مقصود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۷ از فتنه در آیه‌ی فوق، همان سخنان (انکارآمیز یا پوزش‌خواهانه‌ی) مشرکان است که برای نجات خود می‌گویند، ولی سودی ندارد. ۲. چگونه مشرکان در قیامت اجازه‌ی سخن گفتن و انکار شرک می‌یابند؟ مفسران قرآن در این مورد دو پاسخ داده‌اند: نخست آن‌که در قیامت مراحلی وجود دارد؛ در مراحل نخست مردم اجازه‌ی سخن گفتن دارند و مشرکان می‌پندارند با دروغ‌گویی یا انکار و معذرت‌خواهی نجات می‌یابند، اما بعدها پرده‌ها کنار می‌رود و چاره‌ای جز اعتراف ندارند. این پاسخ در برخی از احادیث از امام علی علیه السلام نیز حکایت شده است. «۱» دوم آن‌که آیه‌ی فوق در مورد کسانی است که واقعاً خود را مشرک نمی‌دانند؛ مانند مسیحیان که قایل به تثلیث هستند و در عین حال خود را موحد می‌دانند؛ و یا کسانی که دم از توحید می‌زنند، اما دستورات خدا و پیامبر را کنار گذاشته، ولایت اولیای الهی را انکار می‌کنند. به این احتمال دوم در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۸ البته هر دو جواب قابل قبول است و ممکن است آیه به هر دو گروه اشاره داشته باشد، ولی پاسخ دوم با آیه‌ی بعد سازگارتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در دادگاه رستاخیز، سوگند و فتنه‌گری (و اعتذار) کارساز نیست. ۲. مشرکان قبل از آن‌که رستاخیز فرا رسد، فکر چاره باشند (و دست از شرک بردارند). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و چهارم سوره‌ی انعام با اشاره به دروغ‌گویی مشرکان می‌فرماید: ۲۴. انظُرْ كَيْفَ كَذَبُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُواْ يَفْتَرُونَ ببین چگونه به خودشان (نیز) دروغ می‌گویند، و آنچه را همواره (بر خدا شریک) می‌بستند، از (نظر) ایشان گم شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «نگاه کن» در این آیه، نگاه با دیده‌ی

خرد و عبرت‌آموزی است، نه نگاه با چشم و دیده‌ی حسّی؛ زیرا صحنه‌های قیامت در دنیا قابل مشاهده نیست. ۲. مقصود از این‌که می‌فرماید: «آنان بر خودشان دروغ می‌بندند.»، یا آن است که مشرکان در دنیا خود را فریب می‌دهند، و یا سخنان انکارآمیز مشرکان در قیامت است که سوگند یاد می‌کنند ما مشرک نبوده‌ایم، در حالی که مسلماً آنان مشرک بوده‌اند. البته معنای دوم با سیاق آیات تناسب بیش‌تری دارد. ۳. تکیه‌گاه‌های غیر الهی و شریک‌هایی که کافران برای خدا می‌گیرند، خیالی بیش نیست و در رستاخیز هنگامی که حقایق آشکار می‌شود، همه‌ی آن معبودان دروغین گم می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۵۹ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان در رستاخیز دچار دروغ‌پراکنی و خودفریبی می‌شوند. ۲. معبودان دروغین، پنداری و گم شدنی‌اند. ۳. به حالات منافقان و ناکامی آنان بنگرید و عبرت بگیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و پنجم سوره‌ی انعام به لجاجت و دشمنی برخی مشرکان با پیامبر صلی الله علیه و آله و قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۵. وَ مِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْراً وَإِن يَرَوْاْ كُلَّ ءَايَةٍ لَايُؤْمِنُواْ بِهَا حَتَّى إِذَا جَآءُوكَ يُجدِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُواْ إِنْ هذَآ إِلَّآ أَسطِيرُ الْأَوَّلِينَ و برخی از آنان کسانی هستند که به (سخنانِ) تو، گوش فرا می‌دهند؛ در حالی که بر دل‌های آنان پرده‌هایی افکنده‌ایم. تا آن را بطور عمیق نفهمند؛ و در گوش‌های آنان، سنگینی [قرار داده‌ایم.] و اگر هر نشانه [معجزه وار] را ببینند، به آن ایمان نمی‌آورند؛ حتی هنگامی که نزد تو می‌آیند با تو جدال می‌کنند؛ کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «این [قرآن جز افسانه‌های پیشینیان نیست!» شأن نزول: حکایت کرده‌اند که ابوسفیان با گروهی از مشرکان در کنار کعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می‌دادند. به «نضر بن حارث» (داستان‌سرای مشهور) گفتند: چه می‌خواند؟ گفت: به خدای کعبه نمی‌فهمم چه می‌خواند، ولی چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست، که مشابه آنها را برای شما گفته‌ام. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۰ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن کریم قصه‌ها و داستان‌هایی آمده که همه واقعی‌اند «۱» و بسیاری از آنها شواهد تاریخی و حتی باستان‌شناسی دارند؛ ولی مشرکان به قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند که او اسطوره می‌گوید. «۲» ۲. از آن‌جا که خدا علت‌العلل است و همه‌ی چیزها در نهایت به او ختم می‌شود، پرده افکندن «۳» بر دل «۴» و گوش به خدا نسبت داده شده است، و گر نه این امور نتایج اعمال خود انسان است؛ در اثر کج روی و لجاجت، روح انسان هم‌چون آینه‌ی موج‌داری می‌شود که همه چیز را کج نشان می‌دهد. ۳. مقصود از «پرده» بر قلب و گوش انسان، آن است که تعصب‌های کورکورانه‌ی جاهلی و پیروی از هوس‌ها، هم چون پوششی بر عقل و خرد آدمی چیره می‌شود، به گونه‌ای که نه حقیقتی را می‌شنود و نه درک صحیحی از مسائل و قرآن دارد. در حقیقت این یکی از آثار و مجازات‌های اصرار بر گناه است که دامان گناهکاران لجوج را می‌گیرد. عجب نبود گر از قرآن نصیبت نیست جز حرفی که از خورشید جز گرمی نبیند چشم نابینا ۴. چون مشرکان با موضع‌گیری قبلی و با دید منفی و با قصد مجادله و خرده‌گیری با پیامبر صلی الله علیه و آله ملاقات می‌کردند، از هدایت او بی‌بهره می‌شدند، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۱ در حالی که اگر به قصد حقیقت‌جویی و بهره گرفتن از نور آن حضرت شرف‌یاب حضور ایشان می‌شدند، حتماً هدایت می‌یافتند. ۵. برخی از مشرکان حقایق را نمی‌فهمند، اما همه‌ی مشرکان این‌گونه نیستند و نباید از هدایت آنها مأیوس باشیم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام حقایق را به درستی درک نمی‌کنند؛ از این رو ایمان نمی‌آورند. ۲. منتظر بحث و جدل کافران و مقابله‌ی آنان با قرآن باشید. ۳. انتظار نداشته باشید هر کس مطالب حق را شنید ایمان آورد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و ششم سوره‌ی انعام به قرآن‌گریزی و قرآن‌ستیزی مشرکان و فرجام هلاکت بار آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۶. وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْئَوْنَ عَنْهُ وَإِن يُهْلِكُونَ إِلَّآ أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ و آنان (مردم را) از آن منع می‌کنند؛ و (خود نیز) از آن دوری می‌کنند، و جز خودشان را هلاک نمی‌کنند؛ و [لی با درک حسّی متوجه نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان، نه تنها قرآن را اسطوره می‌خوانند، بلکه از آن دوری می‌جویند و مردم را از فهم و عمل بدان منع می‌کنند ولی متوجه نیستند که جز به خودشان زیان نمی‌رسانند. یکی بر سر شاخ بن می‌برید خداوند بستان نگه کرد و دید بگفتا گر این مرد بد می‌کند نه با من که با نفس خود می‌کند (سعدی) ۲. مشرکان متوجه نمی‌شوند که

قرآن‌ستیزی و قرآن‌گریزی آنـان موجب هلاـکت خودشـان را فراهم می‌سـازد؛ آنـان با این کار خود را از برنامه‌ای تفسـیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۶۲ سـعادت‌بخش محروم می‌سازنـد و فرجـامی عـذاب‌آلود برای خـود فراهـم می‌کننـد. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌هـا: ۱. مشـرکان همـواره در راه کارشـکنی و بازداشـتن مردم از قرآن تلاـش می‌کننـد. ۲. دوری از قرآن مـوجب هلاـکت انسـان است. ۳. قرآن‌گریز و قرآن‌ستیز نباشـید که هلاک می‌شویـد. *** تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۶۳ قرآن کریـم در آیـه‌ی بیست و هفتم سوره‌ی انعام به آرزوی مشـرکان برای برگشت به دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۷. وَلَوْ تَرَى إِذْ وُقِفُواْ عَلَى النَّارِ فَقَالُواْ يلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِئَايَتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ و اگر (بر فرض، حال مشـرکان را) می‌دیـدی، هنگامی که در برابر آتش (دوزخ) بازداشـت شده‌انـد و می‌گوینـد: «ای کـاش (بـار دیگر، به دنیـا) بـاز گردانـده می‌شـدیم، و نشانه‌هـای پروردگارمان را دروغ نمی‌انگاشتیم و از مؤمنان می‌شدیم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به مشـرکان کافر هشدار می‌دهد که حالات خود را در رستاخیز به یاد آورید که در برابر آتش دوزخ قرار می‌گیریـد، در حـالی که پشـیمان شـده، تقاضـای بـازگشت به دنیـا و جبران گناهانتان را می‌کنیـد ولی سودی ندارد؛ پس تا فرصت باقی است، ایمان آورید و دست از تکذیب‌گری بردارید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دروغ انگاشتن نشانه‌های الهی، موجب پشـیمانی در رسـتاخیز است. ۲. مخالفـان دین، تـا فرصت دنیـا باقی است ایمان آورنـد، و گرنه گرفتار آتش می‌شونـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و هشـتم سوره‌ی انعام به بیـداری زودگذر و دروغ‌گویی مشـرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۸. بَلْ بَدَا لَهُم مَّا كَانُواْ يُخْفُونَ مِن قَبْلُ وَلَوْ رُدُّواْ لَعَادُواْ لِمَا نُهُواْ عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ تفسـیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۶۴ (ولی در واقـع چنین نیست) بلکه آنچه را پیش از [این همواره پنهان می‌کردند، برای آنان آشکار شده؛ و اگر (بر فرض به دنیا) باز گردانده شوند، حتماً به آنچه که از آن منع شـده بودنـد بر می‌گردنـد؛ و قطعاً که آنان دروغگویانند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان دچار فریب وجدان و خودفریبی و مخفی کردن حقایق از خویش شده‌اند. آنان برخی حقایق را نه تنها از مردم، بلکه از خود نیز مخفی می‌دارند تا آرامش کاذبی پیـدا کنند، اما در عرصه‌ی قیامت این حقایق آشـکار می‌شود. ۲. مقصود از دروغ‌گو بودن مشـرکان در «آرزوی بازگشت به دنیا»، آن است که آنان با این آرزویشان، از «تصـمیم خود به ایمان آوردن و تکذیب نکردن» خبر می‌دهند. این مفهوم آرزوی آنان است که دروغ است؛ «۱» چون کارهای گناه‌آلود مشـرکان شیوه و خلق و خوی آنان شده است به طوری که نمی‌توانند از آن دست بردارنـد، حتی اگر به دنیا برگردنـد. ۳. مشـرکان هنگامی که نتایـج اعمال خودشان را می‌بیننـد، موقتاً ناراحت و پشـیمان می‌شوند و آرزو می‌کننـد که بتواننـد به دنیا بازگردنـد و جبران کنند، اما اگر به دنیا بازگردند، همین که مشاهدات عینی‌شان کنار رفت، وضـع سابق تکرار می‌شود و به همان کارها بازمی‌گردنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در قیامت رازها کشف می‌شود و حتی خودفریبی‌ها روشن می‌شود. ۲. برگشـتن از رستاخیز به دنیا محال است «۲» (پس هر چه تلاش دارید در تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۶۵ همین دنیا بکنیـد). *** قرآن کریم در آیه‌ی بیست و نهم سوره‌ی انعام به انکار معاد توسط مشـرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۲۹. وَقَالُواْ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ و گفتنـد: «این، جز زنـدگی پست (دنیایی) ما نیست؛ و ما برانگیخته نخواهیم شـد!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران در مورد این آیه دو احتمال داده‌اند: نخست آن‌که آیه‌ی فوق ادامه‌ی آیه‌ی قبل باشد که مشرکان اگر به دنیا باز گردنـد اعمال گذشـته را تکرار می‌کننـد و می‌گویند: زندگی فقط همین حیات دنیاست. و دوم آن‌که آیه‌ی فوق یک مطلب جدید باشـد و حال مشـرکان را بیان می‌کند که هم اکنون در دنیا معاد را انکار می‌کنند. «۱» در هر صورت، آیه‌ی فوق بیان حال مشـرکان است و سـخنان آنان را در مورد انکار معاد در دنیا بیان می‌کنـد. ۲. مشـرکان، منکر رستاخیزند و زندگی را منحصر به دنیا می‌دانند، «۲» اما قرآن کریم انسان را محـدود به زندان تن و زندگی پست دنیا نمی‌داند و برای او چند نوع حیات قایل است؛ مثل: حیات دنیا، حیات برزخی و حیات ابـدی در تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۶۶ رسـتاخیز که هر کـدام دلیـل و منطق خاص خود را دارد «۱». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک انسان را به انکار معاد می‌کشاند. ۲. هم‌چون مشرکان، زندگی را محدود به دنیا ندانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی‌ام سوره‌ی انعام به سرنوشت مشرکان در رستاخیز و اقرار آنان به حقانیّت معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۰. وَلَوْ تَرَى

إِذْ وُقِفُواْ عَلی رَبِّهِمْ قَالَ أَلَیْسَ هـذَا بِالْحَقِّ قَالُواْ بَلَی وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُواْ الْعَذَابَ بِمَا کُنتُمْ تَکْفُرُونَ و اگر (بر فرض حال مشرکان را) به هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند ببینی، [خدا] گوید: «آیا این حق نیست؟» می‌گویند: «آری، سوگند به پروردگارمان (که حق است!)» [خدا] گوید: «پس بخاطر اینکه همواره کفر می‌ورزیدید، عذاب را بچشید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در رستاخیز همه چیز به صورت عینی مشاهده می‌شود و حقیقت دوزخ و بهشت ملموس می‌گردد؛ از این رو مشرکان نیز به حقّانیّت معاد اقرار می‌کنند، ولی آن روز دیر است و ایمان و اقرار سودی ندارد و روز حساب و مجازات کافران است. ۲. مقصود از «ایستادن در برابر پروردگار»، ایستادن در برابر صحنه‌های مجازات اوست و یا کنایه از حضور در دادگاه الهی «۲» و یا کنایه از اطلاع و آگاهی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۷ از پروردگار است، «۱» نه آن که خدا مکانی دارد و در مقابل آن می‌ایستند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در رستاخیز قاضی و بازپرس، خود خداست. ۲. مشرکان در قیامت به حقّانیّت معاد اقرار می‌کنند، اما دیگر سودی به حال آنان ندارد (پس تا دیر نشده در همین جهان به فکر چاره باشند). ۳. کفر زمینه‌ساز عذاب است. ۴. اگر می‌خواهید از عذاب الهی نجات یابید، دست از کفر و انکار معاد بردارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و یکم سوره‌ی انعام به زیانکاری و سخنان حسرت‌آلود منکران معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۱. قَدْ خَسِرَ الَّذِینَ کَذَّبُواْ بِلِقَآءِ اللَّهِ حَتَی إِذَا جَآءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُواْ یحَسْرَتَنَا عَلَی مَا فَرَّطْنَا فِیهَا وَهُمْ یَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَی ظُهُورِهِمْ أَلَا سَآءَ مَا یَزِرُونَ مسلماً کسانی زیان کردند که ملاقات خدا را دروغ انگاشتند تا هنگامی که ناگهان ساعتِ [قیامت به آنان در رسد، گویند: «ای افسوس بر ما، در باره آنچه در آن کوتاهی کردیم!» و آنان بارهای سنگین (گناهان) شان را بر دوششان می‌کشند؛ آگاه باشید! چه بد است آنچه را که بر دوش می‌کشند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «ملاقات خدا» یا ملاقات معنوی است، یا ایمان شهودی (باطنی) و یا کنایه از ملاقات صحنه‌های رستاخیز و پاداش و جزاست. ۲. مقصود از «ساعَة» روز قیامت است. سبب نامگذاری قیامت به «ساعة»، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۸ یا آن است که حساب‌رسی مردم در آن‌جا به سرعت انجام می‌گیرد، و یا آن است که وقوع قیامت، ناگهانی و برق‌آساست و در ساعتی، همه‌ی مردم از جهان برزخ به عالم رستاخیز منتقل می‌شوند. «۱» ۳. واژه‌ی «حسرت» به معنای تأسف برای از دست دادن چیزی است، «۲» ولی عرب‌ها هنگام تأثر شدید، حسرت خود را مخاطب قرار می‌دهند، آن‌چنان که گویی حسرت در مقابل آنان مجسّم شده است. قرآن این تعبیر مشرکان را حکایت کرده تا شدت تأسف آنان را بنماید. ۴. گناهان انسان در رستاخیز همچون باری بر دوش او سنگینی می‌کند؛ «۳» چرا که دست‌آورد خود اوست و از وی جدا نمی‌شود. برخی از مفسران، تعبیر «بر دوش کشیدن گناهان» را دلیل تجسّم اعمال در قیامت دانسته‌اند. «۴» ۵. منکران معاد گرفتار خسران و زیان می‌شوند؛ زیرا ایمان به معاد انسان را آماده‌ی زندگی سعادتمند می‌کند و او را به کسب کمالات علمی و عملی سوق می‌دهد و تأثیرات سازنده‌ای برای انسان دارد، اما کسانی که به معاد ایمان ندارند از این کمالات محروم می‌شوند. آری؛ کسانی که قیامت را نمی‌پذیرند، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده‌اند و این بزرگ‌ترین خسارت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انکار معاد، یکی از عوامل زیانکاری انسان‌ها در رستاخیز است. ۲. قیامت ناگهان فرا می‌رسد (و کسی از زمان وقوع آن باخبر نیست؛ پس باید آمادگی لازم را برای آن روز کسب کنیم). ۳. رستاخیز روز حسرت است؛ پس قبل از آن‌که گرفتار حسرت شوید، به تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۶۹ فکر چاره باشید. ۴. در دنیا کوتاهی نکنید تا در رستاخیز گرفتار زیانکاری و حسرت نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و دوم سوره‌ی انعام با فراخواندن به خردورزی، دنیا را بازیچه معرفی می‌کند و می‌فرماید: ۳۲. وَمَا الْحَیَوةُ الدُّنْیَآ إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَیْرٌ لِّلَّذِینَ یَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ و زندگی پست (دنیا) جز بازی و سرگرمی نیست! و حتماً سرای آخرت، برای کسانی که خود نگهداری می‌کنند بهتر است! پس آیا خردورزی نمی‌کنید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی، «۱» از آن نظر است که بازی‌ها و سرگرمی‌ها معمولًا کارهای بی‌هدف و بی‌اساس و دور از متن حقیقی زندگی‌اند و پیروزی‌ها و شکست‌های بازی، واقعی نیست و پس از بازی همه چیز به حالت اول بازمی‌گردد. آری؛ دنیا همچون نمایش‌نامه‌ای است که بازیگران آن، مردم هستند و آنان که به دنیا دل

بسته‌اند، در واقع کودکان هوس‌بازی هستند که عمری را به بازی گذارنده، از همه چیز بی‌خبر مانده‌اند. دنیا و بازی هر دو کوتاه‌مدت و زود گذرند، همان‌گونه که هر دو تفریح و خستگی دارند و با تلخی و شیرینی آمیخته‌اند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۰ ۲. سرای آخرت، برای افراد پارسا و خودنگه‌دار بهتر است؛ زیرا حیاتی جاویدان و فناناپذیر و در جهانی وسیع‌تر و در سطحی بالاتر است که نعمت‌هایش خالص و بدون رنج و زحمت است. سرای آخرت آباد کن به حُسن عمل که اعتماد بقا را نشاید این بنیان بس اعتماد مکن بر دوام دولت و عمر که دولتی دگرت در پی است جاویدان (سعدی) ۳. با توجه به فریبندگی دنیا، حقیقت برتر آخرت را فقط متفکّران درمی‌یابند و افراد غافل و بی‌هدف بازی می‌کنند و دنیامداری را شغل خویش قرار می‌دهند. ۴. مقصود آیه‌ی فوق مبارزه با وابستگی و دل‌بستگی به مظاهر جهان مادی است که موجب فراموش کردن مقصد نهایی می‌شود، و گر نه آنان که دنیا را وسیله‌ای برای سعادت اخروی قرار می‌دهند، در حقیقت به دنبال آخرت‌اند «۱» آری، دنیایی که مقدمه و مزرعه‌ی آخرت باشد، میدان رشد افراد با تقواست و آخرت برای این‌گونه افراد نیکوست. «۲» چیست دنیا؟ از خدا غافل شدن نه قماش و نقده و میزان و زن (مولوی) ۵. به دنیا دل نبندیم و در اندیشه‌ی آخرت باشیم: امام عارفان در این مورد می‌نویسد: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۱ دامن همّت به کمر زن و هر قدر توانی بستگی دل را از این دنیا کم کن و ریشه‌ی محبت را سست کن و این زندگی چندروزه را ناچیز شمار. «۱» من عجالتاً برای جناب عالی فرض می‌کنم در حال خیال- که مایه ندارد- صد و پنجاه سال عمر و فراهم بودن تمام بساط شهوت و غضب و شیطنت و فرض می‌کنم که هیچ ناملایمی هم برای شما پیش‌آمد نکند و هیچ چیز بر خلاف مقصد شما نشود، آیا بعد از این مدت کم، کم مثل باد می‌گذرد، عاقبت شما چیست؟ آیا از این لذّات چه ذخیره‌ای کردید برای زندگی همیشگی خود؟ «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دنیای منهای آخرت بازیچه‌ای بیش نیست (که انسان را سرگرم می‌کند و از هدف نهایی بازمی‌دارد). ۲. تقوا و خودنگه‌داری زمینه‌ی استفاده از نعمت‌های اخروی است. ۳. تفکر کنید تا به حقیقت و فواید دنیا و آخرت پی ببرید. ۴. اگر می‌خواهید بازی نخورید، دل به دنیای فانی و پست نبندید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و سوم سوره‌ی انعام به پیامبر اسلام دلداری می‌دهد و می‌فرماید: ۳۳. قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَايُكَذِّبُونَكَ وَلكِنَّ الظلِمِينَ بِئَايتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۲ بیقین می‌دانیم که آنچه می‌گویند، تو را سخت اندوهگین می‌کند؛ و [لی در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند؛ و لیکن ستمگران نشانه‌های خدا را انکار می‌نمایند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در مورد تعبیر «آنان تو را تکذیب نمی‌کنند»، مفسران قرآن چند احتمال داده‌اند: الف) مقصود از تعبیر فوق آن است که هدف اصلی مشرکان در حقیقت انکار آیات و نشانه‌های خداست، نه تکذیب تو؛ پس ناراحت مباش. ب) مقصود از تعبیر فوق آن است که مخالفان پیامبر در حقیقت به صدق و راستی او معتقدند و نبوّت پیامبر را تکذیب نمی‌کنند، هر چند به خاطر حفظ منافعشان در مقابل حق تسلیم نمی‌شوند. البته ممکن است هر دو معنا مورد نظر باشد و جمع آنها منافاتی ندارد. ۲. شواهد تاریخی زیادی در تاریخ اسلام وجود دارد که مخالفان سرسخت اسلام، هم‌چون ابوجهل و ابوسفیان، در باطن در مورد صدق و راستی پیامبر شک نداشتند و حتی گاهی شبانه و مخفیانه به آیات دل‌انگیز قرآن گوش می‌دادند و آن را تحسین می‌کردند و حتی در مجالس خصوصی به حقانیّت پیامبر اعتراف داشتند، اما منافع مادی و حفظ مقام، مانع ایمان آوردن آنها می‌شد. «۱» ۳. اندوه انسان در برابر مشکلات، امری طبیعی است و حتی برای پیامبر صلی الله علیه و آله نیز پیش آمده است، ولی مهم آن است که این اندوه، روح یأس و ناامیدی را بر انسان مسلط نکند. ۴. از این آیه می‌آموزیم که لازم است رهبران و افرادی را که در مقابل تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۳ دشمنان، مظلوم واقع شده و دل شکسته شده‌اند، دلداری داد و تشویق کرد؛ این نوعی حمایت از مظلوم است. ۵. کسانی که آیات الهی را تکذیب می‌کنند ستمگرند؛ چرا که به خود ظلم کرده، خودشان را از هدایت محروم کرده‌اند؛ به رسول خدا نیز ستم کرده و او را ناراحت نموده‌اند؛ و به جامعه و نسل آینده و مکتب و دین نیز ستم کرده‌اند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدف اصلی دشمنان اسلام، مخالفت با آیات الهی است (نه با شخص رهبر). ۲. انکار آیات و نشانه‌های الهی، ستم (به خویش و جامعه) است. ۳. رهبران الهی در هنگام

هجوم ناراحتی‌ها و تکـذیب‌ها، به احاطه‌ی علمی خـدا توجه کننـد (تا آرام شوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و چهارم سوره‌ی انعام با یادآوری مشکلات پیامبران، به سنت الهی در مورد پیروزی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۴. وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُواْ عَلَى مَا كُذِّبُواْ وَأُوذُواْ حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَآءَكَ مِن نَّبَإِيْ الْمُرْسَلِينَ و بیقین فرستادگانی پیش از تو (نیز) تکـذیب شدنـد؛ و بر آنچه تکـذیب شدنـد و آزار دیدند، شکیبایی کردند، تا هنگامی که یاری ما به آنان رسـید. و هیچ تغییر دهنده‌ای برای سـخنان (سـنت گونه) خدا نیست؛ و بیقین برخی خبر [های بزرگ فرسـتادگان [خدا] به تو رسـیده است. تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۷۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه‌ی فوق به این اصـل کلی اشاره می‌کنـد که همیشه رهبران صالـح اجتماع که برای هـدایت مردم طرح‌هـای سازنـده می‌آورنـد و بـا سـنت‌های غلـط جامعه مبارزه می‌کننـد، با مخالفت سرسـختانه‌ی گروهی سودجو و زورگو روبه‌رو می‌شونـد که به خاطر حفظ منافع خود در مقابل مکتب جدید ایسـتادگی می‌کنند و به هر نوع حربه‌ای، مثل تکذیب، تهمت، محاصـره‌ی اقتصادی، شـکنجه و قتل و غارت دست می‌یازند؛ پس این شـیوه‌ی جدیدی در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و رهـبران الهی نیست. ۲. در آیه‌ی فوق به این قـانون و سـنت الهی نیز اشـاره شـده که «حقیقت»، با جاذبه‌ای که دارد، سـرانجام خارها را از سـر راه برمی‌دارد و مردان الهی در نهایت پیروز می‌شوند، اما شـرط اساسـی این پیروزی صبر و اسـتقامت است. آری، از نظر قرآن، آینـده‌ی جریان حق، روشن و نویـدبخش است. ۳. واژه‌ی «کلمـات» در اصـل به معنـای تأثیری است که با چشم و گوش درک می‌شود، سـپس توسـعه می‌یابـد و علاوه بر الفاظ، شامل معانی هم می‌شود و حتی به عقیده، مکتب، روش و سـنت نیز «کلمه» گفته می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی نباید انتظار داشته باشند که همه ایمان بیاورند و آزار ندهند، چرا که راه حق هیـچ‌گاه هموار نبوده است. ۲. مردان الهی در برابر تکـذیب‌گری و دگرآزاری مخالفان دین اسـتقامت کنند که پیروزی نهایی از آن مردان خـداست. ۳. با مطالعه‌ی تاریخ پیامبران پیشـین عبرت بگیرید و درس شـکیبایی بیاموزید. ۴. حق پیروز است، اما شرط آن صبر و تحمل مشکلات است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۵ ۵. قوانین اجتماعی و سنت‌های الهی تغییرناپذیرند. *** قرآن کریم در آیه‌ی سـی و پنجم سوره‌ی انعام با اشاره به لجاجت مشـرکان، پیامبر صـلی الله علیه و آله را به آرامش فرا می‌خواند و می‌فرماید: ۳۵. وَإِن كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَن تَبْتَغِيَ نَفَقاً فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّماً فِي السَّمَآءِ فَتَأْتِيَهُم بِئَايَةٍ وَلَوْ شَآءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَهِلِينَ و اگر روی‌گردانیِ آنـان بر تـو سـنگین است، پس اگر می‌تـوانی رخنه‌ای در زمین، یا نردبانی در آسـمان جستجو کنی. و نشانه‌ای (معجزه‌وار) برای آنان بیاوری (پس چنین کن!) و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، حتماً آنـان را بر هـدایت جمع آوری می‌کرد؛ پس هرگز از نادانـان مبـاش! شأن نزول: حکایت شـده که پیامبر صـلی الله علیه و آله علاقه داشت که حرث بن عـامر بن نوفل مسـلمان شود و در این مورد تلاش زیادی می‌کرد، ولی او بـد عاقبت شـد. آیه‌ی فوق در این باره نـازل شـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله به شـدت نـاراحت وضـع مشـرکان بود و علاقه داشت که بـا هر وسـیله‌ای شـده آنها را نجات دهد و به صف مؤمنان بکشاند، «۲» به طوری که اگر می‌توانست از راه‌هـای زیرزمینی یا آسـمانی برای این منظور استفاده می‌کرد. «۳» تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۷۶ ولی خـدا در آیه‌ی فوق به ایشان آرامش و دل‌داری می‌دهد و یادآوری می‌کنـد که کوشـش‌های تو در برابر مشـرکان لجوج به جایی نخواهـد رسـید؛ پس ناراحت نباش و کارهای جاهلانه نکن. «۱» ۲. اگر خـدا بخواهـد، می‌توانـد همه را به هـدایت مجبور سـازد، امـا ایمـان اجبـاری بیهوده است و با فلسـفه‌ی آفرینش و تکامل اختیـاری بشـر سازگـاری نـدارد و اگر همه‌ی مردم بـا اجبار ایمان بیاورنـد و آزادی اراده‌ی انسان نادیـده انگاشـته شود، ارزش افراد روشن نمی‌شود و راست‌گو و دروغ‌گو، و مؤمن و کافر با هم برابر خواهنـد بود. آری، خـدا می‌تواند همه‌ی مردم را به اجبار هدایت کنـد، اما حکمت او اقتضا می‌کنـد که انسان آزاد باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هیچ نقصـی در آموزه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و کوشـش‌های هدایتگرانه‌ی ایشان نیست (بلکه نقص از ناحیه‌ی مشرکان است که در برابر حق لجاجت می‌کنند). ۲. ای رهبران الهی و مبلغـان دینی وقتی وظیفه‌ی تبلیغی خود را در حـد توان انجـام داده‌ایـد از روی‌گردانی مردم ناراحت نباشـید. ۳. خدا هدایت

اجباری مردم را نمی‌خواهـد؛ پس بیش از انـدازه‌ی متعارف تلاش نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششـم، ص: ۷۷ قرآن کریم در آیه‌ی سی و ششم سوره‌ی انعام به مردگان زنده‌نما اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۶. إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ تنها کسانی (دعوت تو را) می‌پذیرنـد که گوش شـنوا دارنـد؛ و [لی مردگان را خـدا (در قیامت) ایشان را بر خواهد انگیخت؛ سپس فقط به سوی او، باز گردانیده می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مردگان» در این آیه، مردگان معنوی است، نه جسـمانی؛ آری، انسان‌هـا دو نوع مرگ و حیـات دارنـد: مـادی و معنوی. حیـات مـادی، مشترک بین انسان و حیوانات، اما حیات معنـوی مخصـوص انسـان است. قرآن کریم بر حیـات معنـوی انسان‌هـا تأکیـد می کنـد؛ زیرا این زنـدگی معنـوی و انسـانی است که مسئولیت‌پذیری، بیـداری، آگـاهی و احساس دردهای اجتماعی را به دنبال می‌آورد. «۱» از ایـن رو به برخی افراد زنـده که چشم و گوش ظاهر دارند، نابینا و ناشنوا و مرده گفته می‌شود؛ چرا که مثل یک انسان زنده، در برابر حقایق از خود واکنش نشان نمی‌دهند. هر آن کس که درین حلقه نیست زنـده به عشق بر او نمرده به فتوای من نمـاز کنیـد (حافظ) ۲. افرادی که بر گناه و عقایـد انحرافی اصـرار می‌ورزنـد، به مرحله‌ی مرگ معنوی و نابینـایی و ناشـنوایی معنوی می‌رسـند؛ زیرا انسان‌هایی که چشم جان خود را بر حقایق می‌بندنـد، به تدریج قدرت دید معنوی خویش را از دست می‌دهند. تفسیر قرآن مهر جلد ششـم، ص: ۷۸ ۳. این آیه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تسلّی و دلداری می‌دهـد که مردم دو گروه‌انـد، شـما به دنبال هـدایت زنـده‌دلان باش و مردگان زنـده‌نما را به قیامت و خـدا واگـذار کن. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شـنیدن (و پـذیرفتن) حق از نشانه‌های حیات معنوی و زنـده‌دلی است. ۲. هر کس حق‌پـذیر نیست و حیات معنوی نـدارد، در حقیقت مرده‌ای متحرک و زنـده‌نماست. ۳. سـخن (حق) را بشـنوید (و بپذیرید) تا حیات واقعی و معنوی پیدا کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هفتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی‌های مشرکان اشاره می کند و می‌فرماید: ۳۷. وَقَالُواْ لَوْ لَانُزِّلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَن يُنَزِّلَ ءَايَةً وَلكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَايَعْلَمُونَ و گفتنـد: «چرا نشانه (معجزه‌واری) از طرف پروردگـارش بر او فرو فرسـتاده نمی‌شود؟!» بگو: «درحقیقت خـدا توانـاست بر اینکه نشـانه‌ای فرود آورد؛ ولیکن بیش‌تر آنان نمی‌دانند!» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از سـران قریش، وقتی از معارضه با قرآن عاجز شدند، خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: این‌ها فایده ندارد، اگر راست می گویی معجزاتی همانند عصای موسـی و شتر صالح برای ما بیاور. آیه‌ی فوق فرود آمـد و به آنـان پاسـخ داد «۱». تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۷۹ نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. پیشـنهاد مشرکان و درخواست معجزه‌ی جدیـد نوعی بهانه‌جویی بود و دلایل و شواهـد زیر این مطلب را تأییـد می کند: نخست آن‌که قرآن به عنوان یک معجزه‌ی جاویـدان بر پیـامبر صـلی الله علیه و آله نازل شـده و بارها آنان را به مبارزه دعوت کرده بود، اما آنها اعتنا نکردنـد و این پیشـنهاد از طرف سـران قریش و برای تحقیر و نادیـده انگاشـتن قرآن مطرح شـده بـود. دوم آن‌که مشـرکان انسان‌هـای لجـوجی بودنـد که اگر معجزات مکرری هم برای آنـان نـازل می‌شـد، بـاز بهانه‌جویی کرده، آن را سـحر می‌خواندنـد و به آن ایمان نمی‌آوردنـد. قرآن در برخی آیات به این مطلب اشاره کرده است. «۱» سوم آن‌که طبق تواریخ و احادیث اسلامی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آیات و خـوارق عـادات مختلفی داشت «۲»؛ پس درخـواست مجـدد مشـرکان در این مـورد بهـانه‌ای بیش نبود. ۲. اگر معجزات درخواسـتی مشـرکان محقق می‌شـد، حجت تمام می‌شـد و در صورتی که ایمان نمی‌آوردند، همگی گرفتار عذاب الهی می‌شدند؛ از این رو در پایان آیه اشاره شده که اکثر مشـرکان (عواقب و لوازم این درخواست را) نمی‌دانند. آموزه‌ها و پیام‌ها: تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۸۰ ۱. مخالفان اسلام بهانه‌جویی می کنند (و با وجود قرآن) معجزه می‌طلبند، ولی از قدرت خدا و پیامد این بهانه‌تراشی‌ها آگاه نیستند. ۲. به بهانه‌جویی‌های مشـرکان پاسخ منفی دهید (اگر چه قدرت بر انجام آنها داشته باشید). *** قرآن کریم در آیه‌ی سی و هشـتم سوره‌ی انعام به وجود امت‌هایی در بین حیوانات و رسـتاخیز آنان اشاره می کنـد و می‌فرماید: ۳۸. وَمَا مِن دَآبَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طٰئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُم مَّا فَرَّطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِن شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ و هیـچ جنبنـده‌ای در زمین نیست، و هیچ پرنده‌ای که با دو بالش پرواز می کند، مگر اینکه امت‌هایی همانند شـما هسـتند؛ (ما) هیچ چیز را در کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس

(همگی) فقط به سوی پروردگارشان گردآوری خواهند شد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حیوانات «۱» و پرندگان «۲» امت‌هایی «۳» همانند انسان‌ها دارند. در مورد وجه این همانندی و شباهت مفسران احتمالات متعددی داده‌اند؛ از جمله گفته‌اند: الف) از جهت اسرار شگفت‌انگیز خلقت با هم شباهت دارند. ب) از جهت نیازمندی‌های زندگی با هم شباهت دارند. ج) از جهت درک و فهم با هم شباهت دارند؛ یعنی آنان نیز در عالَم خود با شعور هستند و خدا را می‌شناسند و به اندازه توانایی خود او را تسبیح تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۱ می‌گویند. «۱» البته ممکن است همه‌ی این احتمالات مقصود آیه باشد و جمع آنها با هم منافاتی ندارد. ۲. از ظاهر آیه‌ی فوق و آیات دیگر قرآن «۲» استفاده می‌شود که حیوانات نیز مثل انسان در قیامت گردآوری شده و محشور «۳» می‌شوند «۴» و حتی جزا و کیفر دارند. البته در برخی احادیث نیز آمده است «۵». که خدا در قیامت میان حیوانات داوری می‌کند و ستمکاری برخی از آنان را قصاص می‌کند. ۳. در آیات زیادی از قرآن مطالبی آمده که بر فهم و شعور برخی حیوانات دلالت دارد؛ مثل سخن گفتن مورچگان در برابر سلیمان، «۶» خبرنگاری هُدهد برای سلیمان «۷» و محشور شدن وحوش. «۸» البته فهم و تربیت برخی حیوانات و وفاداری آنان و شواهد تجربی دیگر، دلیل وجود مرتبه‌ای از شعور در حیوانات است. ۴. مراتب تکلیف در انسان و حیوان بر اساس مراتب شعور و درک آنهاست؛ یعنی حیوانات هم به اندازه‌ی شعور باطنی خود مسائل معیّنی را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۲ درک می‌کنند و به همان اندازه هم مسئول هستند. آری، بلوغ و عقل، شرط اساسی تکلیف در مرحله‌ی عالی و کامل آن است، اما در مراحل پایین‌تر، مثل گناهانی که زشتی‌اش برای کودکان و حیوانات نیز قابل درک است، بلوغ و عقل کامل شرط نیست. ۵. آیه‌ی فوق می‌تواند این هشدار را به مشرکان منکر قیامت بدهد که خدایی که امت‌های حیوانات را آفرید و برای آنان حشر و قیامت قرار داد، چگونه برای شما قرار نمی‌دهد؟! ۶. ممکن است مقصود از واژه‌ی «کتاب» در آیه‌ی فوق، قرآن باشد؛ یعنی تمام کلیات امور مربوط به هدایت و تکامل انسان در قرآن وجود دارد؛ همان‌طور که برخی احکام جزئی نیز در آن آمده است. «۱» و ممکن است مقصود از کتاب، «جهان هستی» باشد؛ یعنی جهان هستی همانند کتاب بزرگی است که همه چیز در آن آمده است «۲». و احتمال سوم آن است که منظور از کتاب لوح محفوظ (علم الهی) باشد؛ «۳» ولی مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نظم و نظام زندگی اجتماعی و حشر قیامت، در حیوانات نیز وجود دارد. ۲. رستاخیز را منکر نشوید؛ که حیوانات نیز رستاخیز دارند. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۳ قرآن کریم در آیه‌ی سی و نهم سوره‌ی انعام به گمراهی منکران و اختیار خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۳۹. وَالَّذِینَ کَذَّبُواْ بِئَایتِنَا صُمٌّ وَبُکْمٌ فِی الظُّلُمتِ مَن یَشَإِ اللَّهُ یُضْلِلْهُ وَمَن یَشَأْ یَجْعَلْهُ عَلَی صِرطٍ مُّسْتَقِیم و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، ناشنوایان و گُنگ‌هایی هستند که در تاریکی‌ها [قرار دارند.] خدا هر کس را بخواهد (بخاطر کارهای او،) گمراهش می‌کند؛ و هر کس را بخواهد (و شایسته بداند،) بر راه راست قرارش خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها همان‌طور که دارای گوش و چشم جسمانی و طبیعی هستند، گوش و چشم معنوی نیز دارند. گاهی انسان به صورت طبیعی می‌شنود، اما حقایق را درک نمی‌کند؛ یعنی افراد خودخواهی که در تاریکی خودپرستی و لجاجت و جهل غوطه‌ور شده‌اند، نمی‌توانند حقایق را بشنوند و بفهمند و از گوش معنوی محروم‌اند. بر عکس، گاهی افراد گوش طبیعی ندارند، اما حقایق را به خوبی درک می‌کنند و نور معنوی آنان را احاطه کرده است. ۲. برخی مفسران بر آن‌اند که مقصود از افراد ناشنوا در آیه‌ی فوق، مقلّدانی هستند که بدون چون و چرا از رهبران گمراه خویش تبعیت می‌کنند و مقصود از افراد گُنگ، همان رهبران گمراهی هستند که حقایق را درک می‌کنند، اما برای حفظ موقعیت خویش، مهر سکوت بر لب زده‌اند. «۱» ۳. در برخی احادیث، آیه‌ی فوق را بر تصدیق کنندگان وتکذیب کنندگان اوصیا (ی پیامبر صلی الله علیه و آله، یعنی ائمه علیهم السلام) تطبیق کرده‌اند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۴ روشن است که این گونه احادیث از باب تعیین مصداق «آیات» است. ۴. با توجه به آیات دیگر قرآن «۱» مقصود از جمله‌ی «خدا هر که را بخواهد گمراه یا هدایت می‌کند.»، جبر نیست، بلکه اشاره به پیامد کردار نیک و بد انسان است؛ یعنی اعمال زشت، چشم حقیقت‌بین انسان را نابینا و گوش او را ناشنوا می‌سازد و در تاریکی جهل و کفر

سرگردان و گمراهش می‌کند. اما بر عکس، کارهای نیک سبب نورانیت و روشنایی دل و جان انسان می‌شود و موجب می‌شود که او حقایق را درک کند و به هدایت و راه مستقیم برسد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. کفر و انکار آیات الهی، مانع حق‌شنوی و حق‌گویی می‌شود. ۲. اگر می‌خواهید در تاریکی (جهل و کفر) گرفتار نشوید، آیات الهی را انکار نکنید. ۳. خدا آزاد است و شما را (براساس اعمالتان) هدایت یا گمراه می‌سازد. *** قرآن کریم در آیات چهلم و چهل و یکم سوره‌ی انعام به خداشناسی فطری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۰ و ۴۱. قُلْ أَرَءَيْتَكُمْ إِنْ أَتَكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِن كُنتُمْ صَدِقِينَ* بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَآءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۵ بگو: «آیا ملاحظه کردی، اگر عذاب الهی به سراغ شما آید، یا ساعتِ (قیامت) به شما در رسد؛ آیا (کسی) غیر خدا را می‌خوانید؟! اگر راستگویید (پس غیر خدا را بخوانید.)»* بلکه تنها او را می‌خوانید! و اگر [خدا] بخواهد، آنچه را به خاطر آن (او را) خوانده‌اید، برطرف می‌سازد؛ و آنچه را شریک [خدا] قرار می‌دهید، فراموش می‌کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه خطاب به مشرکان است، اما روح معنای آیه برای همه‌ی انسان‌ها قابل تجربه است. انسان در هنگام مرگ یا در حوادث شدید «۱» همه چیز را فراموش می‌کند و در قلب خود به حقیقت مطلقی توسّل می‌جوید که همان خداست. ۲. در آیه‌ی فوق به خداشناسی و توحید فطری استدلال شده است و دانشمندان از آن برای اثبات وجود خدا و اثبات یگانگی او استفاده کرده‌اند. ۳. خدا می‌تواند دعا را مستجاب و خطر را برطرف کند، ولی این کار بستگی به اراده‌ی حکیمانه‌اش دارد؛ گاهی مصلحت نمی‌داند که مشکلات برطرف شود و از این رو دعا را مستجاب نمی‌کند. ۴. هر چه غیر خداست، در شرایط عادی جلوه دارد، اما در هنگام خطرهای جدّی، همه‌ی آنها فراموش می‌شود و فقط توسّل به خدا مفید است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اگر خواستید خدا را بشناسید، در هنگام مشکلات سخت، به دل خود بنگرید که چه کسی را می‌خواند. ۲. انسان به طور فطری خداشناس است و راهی از درون به سوی او دارد. ۳. انتظار نداشته باشید همه‌ی دعاهای شما مستجاب شود؛ اجابت دعا تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۶ بستگی به اراده‌ی حکیمانه‌ی الهی دارد. ۴. به غیرخدا دل نبندید که در سختی‌ها و مشکلاتِ سخت تنها می‌مانید. *** قرآن کریم در آیات چهل و دوم و چهل و سوم سوره‌ی انعام به مشکلات حکمت‌آمیز ملت‌های پیشین و واکنش منفی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۲ و ۴۳. وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَى أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَهُم بِالْبَأْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ* فَلَوْ لَاإِذْ جَآءَهُم بَأْسُنَا تَضَرَّعُواْ وَلكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطنُ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ و بیقین به سوی امّت‌هایی که پیش از تو بودند (پیامبرانی) فرستادیم، (و با آنان مخالفت کردند؛) و آنان را با سختی (زندگی) و زیان (جسمی و روحی) گرفتار ساختیم، تا شاید آنان (فروتن و) تسلیم گردند!* پس چرا هنگامی که سختی (مجازات) ما به آنان رسید، (فروتن و) تسلیم نشدند؟! و لیکن دل‌هایشان سخت گردید؛ و شیطان آنچه را همواره انجام می‌دادند، برایشان آراست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به یکی از فلسفه‌های مشکلات و زیان‌ها و ناراحتی‌های جسمی و روحی «۱» اشاره می‌کند که همان بیداری و تربیت انسان‌هاست. آری، حوادث دردناک باعث می‌شود که انسان از خواب غفلت بیدار گردد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۷ و از غرور و سرکشی دست بردارد و تسلیم حق شود «۱» و به سوی خدا بازگردد. ۲. واژه‌ی «لعلّ» که به معنای شاید و تردید است، اشاره دارد که این حوادث به‌تنهایی برای بیدار شدن انسان کافی نیست، بلکه زمینه‌ای برای تربیت و توجه دل‌های آماده است. آری، هر مشکلی در زندگی نشانه‌ی قهر الهی نیست، بلکه خدا هم‌چون پدری است که گاهی برای تربیت فرزندانش از فشار هم استفاده می‌کند، ولی این به تنهایی کافی نیست و عوامل دیگری، از جمله اراده و پذیرش فرد نیز در این روی‌کرد تربیتی مؤثر است. ۳. واژه‌ی «شیطان» در قرآن، اعم از جنس انسان و غیر آن است و ابلیس یکی از افراد و مصادیق شیطان است. آری، ابلیس و انسان‌های شیطان‌صفت، کارهای بد را برای انسان زیبا جلوه می‌دهند تا منحرف شود. ۴. قساوت قلب و سختی دل عواملی دارد؛ «۲» از جمله اصرار بر گناهان؛ یعنی گناه روح را کدر می‌کند، به طوری که دیگر حقایق را درک نمی‌کند و با زنگ‌های خطر بیدار نمی‌شود. ۵. در این آیه به دو مانع بیداری و هدایت و بازگشت به سوی خدا اشاره شده است: قساوت قلب و فریب‌های شیطانی، که یکی از بیرون و

دیگری از درون بر انسان هجوم می‌آورند و مانع فروتنی و تسلیم او در برابر حق می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گاهی مشکلات جنبه‌ی تربیتی دارد (و از لطف خداست، نه قهر او). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۸ ۲. سختی‌دلی و وسوسه‌های شیطانی از موانع تربیت‌پذیری انسان است. ۳. با مطالعه در مشکلات امت‌های پیشین عبرت بگیرید. ۴. در هنگام مشکلات به سوی خدا بازگردید و تسلیم حق شوید. *** قرآن کریم در آیات چهل و چهارم و چهل و پنجم سوره‌ی انعام به آزمایش‌های الهی و سرانجام کافران پیشین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۴ و ۴۵. فَلَمَّا نَسُواْ مَا ذُكِّرُواْ بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَبَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُواْ بِمَآ أُوتُواْ أَخَذْنَهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُم مُّبْلِسونَ* فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَلَمِينَ و هنگامی که آنچه را بدان یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمت‌ها) را به روی آنان گشودیم تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شادمان گردیدند؛ ناگهان (گریبان) آنان را گرفتیم، و ناگهان آنان از ناامیدی اندوهگین شدند.* و دنباله گروهی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خدایی است، که پروردگار جهانیان است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نعمت‌های الهی دو نوع است: گاهی برای ابراز محبت و تشویق است و گاهی برای مجازات گناهکاران و ستمکاران؛ یعنی نوعی نعمت استدراجی است که افراد گناهکار را کم کم «۱» در ناز و نعمت فرو می‌برد و یک‌باره همه‌چیز را از آنان می‌گیرد. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۸۹ ۲. اگر کسی تذکرات بیدارگر الهی را عمداً به فراموشی بسپارد و بدانها عمل نکند، گرفتار مجازات به‌ظاهر شیرین می‌شود. ۳. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده: هنگامی که می‌بینی خدا در برابر گناهان نعمت می‌بخشد، آگاه باش که مقدمه‌ی مجازات است. سپس حضرت آیه‌ی فوق را تلاوت نمود.» ۴. در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام، آیه‌ی فوق بر ترک ولایت علی علیه السلام و به وجود آمدن دولت‌هایی مثل بنی العباس و سپس ظهور ناگهانی امام عصر علیه السلام تطبیق شده است. «۲» روشن است که این‌گونه روایات از نوع توسعه در معنای آیه و بیان برخی مصادیق آن است؛ یعنی نوعی تأویل و باطن آیه بیان شده است، و گر نه ظاهر آیه در مورد مشرکان پیشین است. ۵. نابود کردن ریشه‌ی ظلم و فساد و ستمکاران، بسیار مهم است و جای سپاس‌گزاری دارد؛ آری، نابودی ستمگران و قطع کارها و حرکت‌ها و نسل آنان، «۳» سبب تربیت دیگران است؛ از این رو این آیه خدا را با صفت «ربّ» ستایش می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رفاه زندگی، (همیشه نشانه‌ی رحمت الهی نیست، بلکه) گاهی زمینه‌ی عقوبت است. ۲. قهر الهی ناگهان فرا می‌رسد (پس مراقب کردار خود باشید). ۳. از هر نعمتی خوشحال نشوید، شاید مقدمه‌ی عذاب باشد. ۴. تذکرات الهی را فراموش نکنید که گرفتار عذاب و ناامیدی می‌شوید. ۵. ستمکاری در نسل آینده‌ی افراد تأثیر منفی دارد. ۶. هر گاه ستمکاری ضربه خورد، پروردگار را سپاس گویید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و ششم سوره‌ی انعام نعمت‌های الهی را یادآور می‌شود و می‌فرماید: ۴۶. قُلْ أَرَءَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُم مَّنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِهِ انظُرْ كَيْفَ نُصرِّفُ الْآيتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ بگو: «آیا ملاحظه کردی اگر خدا، شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد، و بر دل‌های شما مهر نهد، چه معبودی غیر از خدا، آن [ها] را به شما می‌دهد؟!» بنگر چگونه نشانه‌ها را بگونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، سپس آنان روی بر می‌تابند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن‌جا که مشرکان خدا را قبول داشتند، ولی بت‌ها را به عنوان شفیع می‌پرستیدند، قرآن به آنان می‌گوید: چرا مستقیماً به خدا روی نمی‌آورید که سرچشمه‌ی همه‌ی نیکی‌هاست؟ آیا فکر نمی‌کنید که بت‌های بدون عقل و چشم و گوش چگونه می‌توانند این نعمت‌ها را به شما ببخشند؟! ۲. این آیه به نعمت‌های چشم و گوش و قلب اشاره شده است؛ این‌ها وسیله‌ی شناخت و سبب هدایت انسان است و اگر خدا آنها را از انسان بگیرد، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۱ راه شناخت او بسته می‌شود و کسی نمی‌تواند این ضرر را از انسان دفع کند. «۱» در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به این مطلب اشاره شده است. «۲» ۳. مقصود از «قلب» در قرآن، همان روح و نفس، یعنی بُعد دوم انسان یا شخصیت واقعی اوست و از آن رو بدان قلب می‌گویند که سریعاً متحوّل می‌شود؛ و مقصود از مهر زدن بر قلب، حالتی است که انسان نتواند به خوبی تفکر کند و حق و باطل را جدا سازد. «۳» ۴. خدا در این آیه و آیات دیگر قرآن، نشانه‌ها و

دلایل را به صورت‌های مختلف بیان می‌کند «۴» تا شاید مشرکان از خواب غفلت بیدار شوند، ولی آنان روی می‌گردانند «۵» و لجاجت می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدر نعمت خدادادِ شناخت و وسایل آن را بدانید و به سوی غیرخدا نروید. ۲. با مطالعه در وسایل شناخت و منشأ پیدایش آنها، خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۲ قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هفتم سوره‌ی انعام به عذاب ناگهانی الهی و نابودی ستمگران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۷. قُلْ أَرَءَیْتَکُمْ إِنْ أَتَاکُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ یُهْلَکُ إِلَّا الْقَوْمُ الظلِمُونَ بگو: «آیا ملاحظه کردی اگر عذاب خدا ناگهان (و پنهان) یا آشکارا به شما در رسد، آیا جز گروه ستمکاران هلاک خواهند شد؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از آن‌جا که روی سخن سوره‌ی انعام با مشرکان است، منظور آیه‌ی فوق آن است که خدا تنها کسی است که قادر به مجازات و گرفتن نعمت‌هاست و ممکن است مخفیانه یا آشکارا ستمکاران را مجازات کند «۱» و بت‌ها در این میان نقشی ندارند. ۲. از تعبیر «ستمکاران» که در آیه‌ی فوق آمده است استفاده می‌شود که «ظلم» معنای وسیعی دارد و انواع شرک و گناهان را شامل می‌شود، بلکه هر گونه روی‌گردانی از دعوت پیامبران نیز ستمکاری است. ۳. در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که آیه‌ی فوق به نابودی ناگهانی بنی امیه و نابودی آشکار بنی العباس اشاره دارد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ستمکاران (از مهلتی که خدا به آنان داده، مغرور نشوند؛ که) ممکن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۳ است عذاب الهی ناگهان در رسد. ۲. (خدا کسی را غیرعادلانه مجازات نمی‌کند و) اگر کسی گرفتار عذاب می‌شود، به خاطر ستمکاری خود اوست. ۳. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب الهی نشوید، دست از ستمکاری (و شرک) بردارید. ***

اهداف پیامبران چیست؟

قرآن کریم در آیه‌ی چهل و هشتم سوره‌ی انعام به اهداف پیامبران و سرانجام مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۴۸. وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِینَ إِلَّا مُبَشِّرِینَ وَمُنذِرِینَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَیهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُونَ و (ما) فرستادگانِ [خود] را، جز مژده‌آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و کسانی که ایمان آورند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قسمت اول این آیه بیان شده که اهداف پیامبران بشارتگری و هشداردهی است و در قسمت دوم آیه جلوه‌ای از بشارت به مؤمنان به نمایش گذاشته شده و به آنان مژده داده شده که از اندوه و ترس نجات می‌یابند. چنین است فرمان چرخ بلند که بر بی‌گناهان نیاید گزند (فردوسی) ۲. شیوه‌ی کلّی کار فرستادگان خدا یک‌سان بود و همگی از روش تربیتی «بیم و امید» استفاده می‌کردند. این شیوه‌ی تربیتی مردم را در حالت تعادل روحی نگاه می‌دارد و از گناه بازمی‌دارد و به خدا و آینده امیدوار می‌سازد. ۳. مُؤمنی اهل نجات است که در جهت اصلاح گام بردارد و نه تنها صالح، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۴ بلکه اصلاح‌گر نیز باشد؛ یعنی گذشته‌ی خود را جبران و اصلاح کند، همان‌طور که جامعه و دیگران را اصلاح می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان و کردار شایسته، انسان را بیمه می‌کند و از ترس و اندوه نجات می‌دهد. ۲. هشدارگری و مژده‌رسانی از اهداف رهبران الهی است. ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی برای هدایت مردم از شیوه‌ی تربیتی «بیم و امید» استفاده کنند. ۴. اگر بهداشت روانی می‌خواهید، مؤمنی اصلاح‌طلب باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی چهل و نهم سوره‌ی انعام به منکران و فاسقان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۴۹. وَالَّذِینَ کَذَّبُواْ بِئَایتِنَا یَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا کَانُواْ یَفْسُقُونَ و کسانی که نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، بخاطر آنچه همواره (در مورد آن) نافرمانی می‌کردند، عذاب (الهی) با آنان تماس یابد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «لمس کردن عذاب» ممکن است اشاره به این باشد که گویا مجازات همه‌جا به دنبال آنان می‌گردد، سپس آنان را فرا می‌گیرد. «۱» ۲- واژه‌ی «فِسْق» معنای وسیعی دارد و شامل هر گونه نافرمانی، حتی کفر می‌شود. در آیه‌ی فوق نیز به همین معنا به کار رفته است؛ یعنی کسانی که نافرمانی را به حد کفر برسانند، گرفتار عذاب الهی می‌شوند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فسق و تکذیب نشانه‌های الهی، زمینه‌ساز عذاب الهی است. ۲. نشانه‌های الهی را دروغ نشمارید و نافرمانی نکنید تا گرفتار عذاب الهی

نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاهم سوره‌ی انعام با اشاره به نقش راهبردی وحی و تفکّر می‌فرماید: ۵۰. قُل لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِندِی خَزَآئِنُ اللَّهِ وَلَآ أَعْلَمُ الْغَیْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّی مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا یُوحَی إِلَیَّ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْأَعْمَی وَالْبَصِیرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ بگو: «به شما نمی‌گویم که منابع الهی نزد من است؛ و از (آنچه از حسّ) پوشیده، آگاه نیستم! و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام؛ [زیرا] جز آنچه به سوی من وحی می‌شود، پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا مساویند؟! پس چرا تفکّر نمی‌کنید؟!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. طبق آیات قرآن، مخالفان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهانه‌ها و درخواست‌های عجیبی داشتند: گاهی از پیامبر، خانه‌های طلایی و باغ‌های انگور و خرما و «۱» گاهی نزول فرشته می‌خواستند. «۲» آیه‌ی فوق در حقیقت به بهانه‌جویان پاسخ می‌دهد که منابع الهی «۳» نزد پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۶ ۲. علم غیب دو قسم است: علم غیب بالذات (و استقلالی)، که مخصوص خداست و اوست که از هر چیز، در هر زمان و مکانی با خبر است؛ علم غیب بالعرض، یعنی آگاهی از اسرار جهان که گاهی خدا مصلحت می‌داند آن را در اختیار برخی رهبران الهی بگذارد، تا وظیفه‌ی خویش را بهتر انجام دهند. در آیه‌ی فوق از قسم اول علم غیب سخن گفته شده و در برخی دیگر از آیات قرآن از قسم دوم سخن به میان آمده است. «۱» ۳. پیامبر صلی الله علیه و آله براساس وحی عمل می‌کرد، نه طبق سلیقه و خیالات و تمایلات و قیاس‌ها. ۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حتی آنچه را ندارد صریحاً بیان می‌کند و ادعای گزاف نمی‌کند و با شخصیت‌سازی کاذب به مبارزه برمی‌خیزد و در همین راستاست که اهل بیت علیهم السلام نیز مردم را از غُلو در باره‌ی خود منع کرده‌اند. ۵. آیه‌ی فوق ممکن است اشاره به این مطلب باشد که دیدن حقایق و فهمیدن دلایل توحید و حقانیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چشم بینا می‌خواهد، که در مشرکان وجود ندارد؛ آری کوردلان با بیداردلان برابر نیستند و حقایق را یک‌سان درک نمی‌کنند. ۶. مقصود از بصیرت، دیدن با چشم معمولی نیست؛ چه بسیار افرادی که چشم ظاهر دارند اما بصیرت ندارند و کور دل‌اند؛ یعنی در اثر تعصبات و جهل و انحراف، حقایق را به خوبی درک نمی‌کنند و چه بسیارند افرادی که به ظاهر نابینا هستند ولی بصیرت دارند. ۷. آیه‌ی فوق اهمیت تفکر را در اسلام می‌رساند حتی مخالفان دین را به تفکر فرامی‌خواند؛ چرا که فکر صحیح، انسان را به راه حق ره‌نمون می‌شود و خدا و پیامبران را بهتر می‌شناسد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۷ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رهبران الهی و مبلغان دینی نگذارند مردم شخصیت کاذب برایشان بتراشند و آنها را بیش از آنچه هستند بپندارند (و راه غُلو در پیش گیرند). ۲. منشور اساسی رهبر الهی، وحی است. ۳. رهبران الهی وحی را مبنای حرکت و برنامه‌ی خویش قرار دهند. ۴. افراد با بصیرتِ بیداردل را با افراد کوردل یک‌سان نپندارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و یکم سوره‌ی انعام به زمینه‌های تبلیغ اسلامی و هشدارپذیری اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۱. وَأَنذِرْ بِهِ الَّذِینَ یَخَافُونَ أَن یُحْشَرُواْ إِلَی رَبِّهِمْ لَیْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِیٌّ وَلَا شَفِیعٌ لَّعَلَّهُمْ یَتَّقُونَ و بوسیله آن (قرآن) کسانی را که ترس دارند که به سوی پروردگارشان گردآوری شوند، هشدار ده! در حالی که جز او [: خدا]، برای شان هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ تا شاید آنان [خودشان را] حفظ کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برای تربیت و هدایت مردم چند چیز لازم است: الف) یک رهبر لایق مثل پیامبر صلی الله علیه و آله؛ ب) آمادگی و استعداد در افراد. آری بذر و نور خورشید، هنگامی ثمر می‌دهد که زمین آماده و مساعد باشد. ۲. مقصود از بیم و هراس، همان احتمال زیان است، که هر عاقلی به هنگام قرار گرفتن در برابر دعوت رهبران الهی، احتمال می‌دهد که گفتار آنان به حق باشد و مخالفت با فرستاده‌ی خدا، سبب ضرر و عذاب شود و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۸ سخنان مشرکان در باره‌ی شفاعت بت‌ها و یاری آنان بیهوده باشد؛ از این رو به فکر «دفع ضرر احتمالی» می‌افتد و به مطالعه در باره‌ی دلایل توحید و معاد و نبوت می‌پردازد. «۱» ۳. شفاعت و ولایت دو قسم است: نخست ولایت و شفاعت بالذات (و استقلالی) که مخصوص خداست؛ و دوم ولایت و شفاعت بالعرض که خدا به هر کس بخواهد اجازه‌اش را می‌دهد. در آیه‌ی فوق به قسم اول شفاعت و در برخی آیات دیگر به قسم دوم شفاعت اشاره شده است «۲». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آمادگی روحی و روانی افراد، زمینه و شرط تأثیرگذاری تبلیغات است. ۲. عقیده به معاد و بیم از رستاخیز، زمینه‌ساز تأثیر قرآن و

پارسایی است. ۳. رهبران و مبلغان دینی، قرآن را وسیله‌ی تبلیغ و هدایت مردم قرار دهند. ۴. قبل از تبلیغ و هشدارگری به زمینه‌های هشدارپذیری توجه کنید. ۵. چشم امید به غیرخدا نداشته باشید (که بدون اجازه‌ی او از کسی کاری ساخته نیست). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و دوم سوره‌ی انعام طرد کردن مؤمنان عبادتگر را ستمکاری می‌خواند و می‌فرماید: ۵۲. وَلَا تَطْرُدِ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدوةِ وَالْعَشِیِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَیْکَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَیْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِکَ عَلَیْهِم مِّن شَیْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَکُونَ مِنَ الظلِمِینَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۹۹ و کسانی را مَران، که بامدادان و عصرگاهان پروردگارشان را می‌خوانند، در حالی که ذات او را اراده می‌کنند؛ از حساب آنان هیچ چیزی بر عهده تو نیست، و از حساب تو (نیز) هیچ چیزی بر عهده آنان نیست، تا ایشان را برانی و از ستمکاران شوی. شأن نزول: حکایت شده که گروهی از قریش از کنار مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله می‌گذشتند، که افراد فقیری هم‌چون بلال و عمار را نزد ایشان دیدند. با تعجب گفتند: ای محمد! آیا به همین افراد قناعت کرده و آنان را از میان ما انتخاب نموده‌ای؟ ما پیرو اینان باشیم؟ آنان را از اطراف خود دور کن، تا شاید ما به تو نزدیک شویم و پیرو تو گردیم. این آیه نازل شد و پیشنهاد آنان را ردّ کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. عبادت و نیایش مؤمنان تهی‌دست فقط برای ذات خداست «۲» نه بر اساس ریاکاری؛ یعنی خدا را فقط برای خودش می‌خواهند. عبادت به اخلاص نیّت نکوست و گرنه چه آید ز بی‌مغز پوست ۲. تعبیر «صبح و شام» شاید کنایه از آن باشد که مؤمنان بینوا همیشه به فکر خدا هستند و یا کنایه از نمازهای روزانه باشد؛ «۳» خوشا آنان که دایم در نمازند. ۳. مشرکان ثروتمند تفکر طبقاتی داشتند و معیار برتری طبقاتی را «ثروت» می‌دانستند و سعی می‌کردند این امتیاز و سنت غلط را بر مسلمانان هم تحمیل کنند، اما اسلام در مقابل این تفکر غلط ایستاد و آن را به شدت تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۰ سرکوب کرد و معیار برتری «ایمان، تقوا، علم و جهاد» را جانشین آن کرد. ۴. اسلام با تبعیضات ناروا و نظام طبقاتی سرمایه‌داری مخالف است و در اسلام، هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی‌کند و حتی طرد مؤمنان محروم، ستمکاری به شمار می‌آید و حرام است و حفظ نیروهای مخلص و فقیر مسلمان مهم‌تر از راضی کردن سرمایه‌داران کافر است. ۵. مقصود از «حساب» در آیه‌ی فوق، حساب رزق و روزی آنهاست؛ یعنی آنان با آن‌که فقیرند غذایشان به عهده‌ی خداست. و یا این‌که مقصود حساب اعمال در روز قیامت است؛ یعنی حساب اعمال آنان و قبولی یا ردّ آنها به عهده‌ی کسی نیست و کسی نباید آنان را براند. ۶. یکی از امتیازات بزرگ اسلام آن است که آمرزش گناهان و حساب مؤمنان تنها به دست خداست؛ پس هیچ کس حق بخشیدن گناهان یا طرد افراد را ندارد. ۷. در برخی روایات تاریخی حکایت شده که بعد از نزول آیه‌ی فوق، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از مجلس بینوایان برنمی‌خاست، تا آن‌که اول آنان برخیزند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بی‌توجهی نسبت به مؤمنان محروم مخلص و عبادتگر، نوعی ستمکاری است. ۲. رهبران و مبلغان دینی به مؤمنان مخلص توجه کنند. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و سوم سوره‌ی انعام به تفکر طبقاتی و آزمایش انسان‌ها به وسیله‌ی آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۱ ۵۳. وَکَذلِکَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّیَقُولُواْ أَهؤُلَآءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَیْهِم مِّن بَیْنِنَآ أَلَیْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشکِرِینَ و بدین گونه برخی آنان را با برخی [دیگر] آزمودیم؛ تا بگویند: «آیا اینانند که خدا از میان ما بر آنان مِنَّت نهاده است؟!» آیا خدا به (حال) سپاسگزاران داناتر نیست؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، با توجه به شأن نزول آیه‌ی قبل، هشداری به ثروتمندان بی‌درد است؛ یعنی «۱» مشرکانی که سال‌ها با تفکر برتری طبقاتی ثروتمندان عادت کرده‌اند، اینک در برابر یک آزمایش قرار گرفته‌اند؛ آیا می‌توانند زنجیرهای خرافات و غرور طبقاتی را در هم بشکنند و به آیینی بپیوندند که پیشگامان آن از طبقه‌ی فقرا هستند؟ ۲. مؤمنان فقیر، نعمت نبوت را شناخته و شکر آن را به‌جا آورده و اسلام را پذیرا شده‌اند و خدا به حال آنان آگاه است و به آنها نعمت بخشیده و پیش‌گام اسلام قرارشان داده است. ۳. «منت» به نعمتِ سنگین گفته می‌شود. گاهی منّت در فعل و عمل ظاهر می‌شود که همان بخشش نعمت از طرف خداست و گاهی در گفتار ظاهر می‌شود که همان منت گذاردن و یادآوری نعمت بر دیگری است که بین مردم رایج است، «۲» که در این‌جا نعمت عملی خدا مقصود است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۲ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مؤمنان فقیر و عبادتگر مورد لطف الهی هستند

و به آنان نعمت سنگینی داده شده است. ۲. مؤمنان فقیر، وسیله‌ی آزمایش ثروتمندان هستند. ۳. مؤمنان مخلص عبادتگر را تحقیر نکنید (که در امتحان الهی مردود می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و چهارم سوره‌ی انعام به لطف الهی نسبت به بدکاران جاهل و لزوم برخورد محبت‌آمیز با آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۴. وَإِذَا جَآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِئَايَتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنكُمْ سُوءَاً بِجَهَلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ و هر گاه کسانی که به نشانه‌های ما ایمان می‌آورند نزد تو آیند، پس بگو: «سلام بر شما باد! پروردگارتان، رحمت را بر خویشتن مقرّر کرده است؛ که هر کس از شما کار بدی از روی نادانی مرتکب شده، سپس بعد از آن توبه و اصلاح نماید، پس حتماً او بسیار آمرزنده [و] مهرورز است.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از گناهکاران نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ما گناهان زیادی کرده‌ایم. پیامبر سکوت کرد تا آیه‌ی فوق نازل شد «۱». البته برخی مفسران نیز احتمال می‌دهند آیه‌ی فوق ادامه‌ی آیات قبل باشد؛ یعنی در مورد مؤمنان محروم، که به پیامبر دستور داده شد آنان را طرد نکند و اینک فرمان داده شد که با آنها برخورد محبت‌آمیز داشته باشید؛ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۳ البته جمع بین دو احتمال فوق نیز ممکن است؛ چون معنای آیه وسیع است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. رهبر مسلمانان، هیچ فرد با ایمانی را، از هر طبقه و نژاد که باشد، از خود نراند و با آغوش باز همه را بپذیرد و حتی افرادی آلوده به گناه را با محبت بپذیرد، تا مقدمات توبه و اصلاح آنان فراهم گردد. ۲. واژه‌ی «سلام» در اصل به معنای سلامت از آفات ظاهری و باطنی است. سلام گاهی لفظی است همان‌طور که مردم به هم سلام می‌کنند که نوعی شعار مسلمانان است. و گاهی عملی است، مثل سلام خدا که «بخشیدن سلامت حقیقی» است که بقای جاویدان و غنای بدون فقر و عزّت بدون ذلت و صحت بدون بیماری است. «۱» ۳. اگر گناه انسان از روی نادانی باشد، نه از سر لجاجت و تکبر، بخشودنی است و انسان پس از توبه و اصلاح گذشته مشمول رحمت الهی می‌شود؛ پس گناهکاران از بخشش الهی ناامید نباشند. طمع ز فیض کرامت مبُر که خُلق کریم گنه ببخشد و بر عاشقان ببخشاید (حافظ) ۴. در اسلام، رابطه‌ی رهبری با مردم رابطه‌ی انس و محبت است و رهبری باید با سلام کردن به مردم، به آنان شخصیت بدهد و پیام مهر و محبت الهی را به مردم ابلاغ کند و آنان را جذب راه خدا کند و راه توبه را به رویشان بگشاید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. باب مهر و لطف و آمرزش الهی بر روی شما گشوده است. ۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! پیام مهر الهی را به مردم برسانید. ۳. با مردم برخوردی محبت‌آمیز داشته باشید. ۴. راه بازگشت و توبه و اصلاح به روی گناهکاران باز است. ۵. لغزش‌های ناآگاهانه را عفو کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و پنجم سوره‌ی انعام به جداسازی راه مجرمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۵. وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ و این چنین آیات [خود] را بیان می‌کنیم، و تا راه خلافکاران آشکار گردد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «مُجرمان» در این آیه، گناهکاران سرسختی هستند که به هیچ صورت تسلیم حق نمی‌شوند، و گر نه در آیه‌ی قبل به پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که گناهکاران عادی را بپذیرد. «۱» هنگامی که آیات قرآن به تفصیل بیان می‌شود و ویژگی‌های مؤمنان و مجرمان را بیان می‌کند، نوعی افشاگری در مورد مجرمان تحقّق می‌یابد و خلافکاری‌های آنان روشن می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مورد خلافکاران (لجوج) افشاگری کنید. ۲. افشای راه خلافکاران، از ثمرات آیات قرآن است. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۵ قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و ششم سوره‌ی انعام به موضع‌گیری پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۶. قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُل لَّآأَتَّبِعُ أَهْوَآءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذاً وَمَآ أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ بگو: «براستی من منع شده‌ام که کسانی را که غیر از خدا می‌خوانید، بپرستم!» بگو: «از هوس‌های شما، پیروی نمی‌کنم؛ آنگاه (اگر چنین کنم،) حتماً گمراه شده‌ام؛ و من از هدایت یافتگان نیستم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات و لحن آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که گویا مشرکان از پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت کرده بودند که به آیین آنان بگرود و پیامبر صریحاً به آنان پاسخ منفی می‌دهد و اشاره می‌کند که بت‌پرستی همواره بر من ممنوع بوده است. «۱» ۲. بت‌پرستی ریشه در هواپرستی دارد و هیچ دلیل منطقی برای آن وجود ندارد و با عقل و خرد سازگار نیست؛ عقل

انسان به خوبی درک می‌کند که موجودات دیگر و جمادات، شرافتی بر انسان ندارند و نباید پرستیده شوند و چیزی که ساخته‌ی دست انسان است، نمی‌تواند معبود او باشد. ۳. منبع موضع‌گیری‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، وحی است و حتی واژه‌ی «قل» (بگو) را هم از خدا حکایت می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هواپرستی سرچشمه‌ی شرک است. ۲. رهبران الهی به طور علنی از شرک و بت‌پرستی بیزاری بجویند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۶ ۳. هواپرستی نکنید که گمراه می‌شوید. *** قرآن کریم در آیات پنجاه و هفتم و پنجاه و هشتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی‌ها و عجله‌ی مشرکان برای عذاب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۷ و ۵۸. قُلْ إِنِّی عَلَی بَیِّنَةٍ مِّن رَّبِّی وَكَذَّبْتُم بِهِ مَا عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ یَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَیْرُ الْفَصِلِینَ* قُل لَّوْ أَنَّ عِندِی مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِیَ الْأَمْرُ بَیْنِی وَبَیْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظلِمِینَ بگو: «براستی من دلیل روشنی از جانب پروردگارم دارم؛ در حالی که شما آن را دروغ انگاشته‌اید! آنچه را (از عذاب الهی) بدان شتاب می‌ورزید، نزد من نیست! حکم جز برای خدا نیست، در حالی که حق را (از باطل) جدا می‌کند؛ و او بهترین جدا کنندگان است.»* بگو: «اگر (بر فرض) آنچه را (از عذاب الهی) بدان شتاب می‌ورزید نزد من بود، حتماً کار میان من و شما پایان گرفته بود؛ و خدا به (حال) ستمکاران داناتر است.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دلیل روشنی هم‌چون قرآن داشت «۱» که معجزه‌ی الهی بود و کسی نمی‌توانست همانند آن را بیاورد، ولی مشرکان آن را انکار کرده، درخواست معجزه‌ی عذاب‌آلود می‌کردند. ۲. بسیاری از ملت‌های پیشین نیز از پیامبرانشان درخواست عذاب می‌کردند و می‌گفتند «اگر راست می‌گویی، عذاب الهی را به سراغ ما بفرست!» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۷ برای مثال، قوم نوح «۱» و عاد «۲» و حتی برخی مشرکان و مخالفان اسلام «۳» از پیامبرانشان چنین درخواستی کردند. این درخواست‌های جاهلانه، شاید نوعی ریشخند پیامبران بوده و یا واقعاً به عنوان طلب معجزه صورت می‌گرفته که در این صورت درخواست نابودی خودشان بوده است. ۳. اگر عذاب الهی به سرعت فرا رسد، کافران نابود خواهند شد، اما این با حکمت الهی منافات دارد و سنت خدا آن است که به ستمگران و کافران مهلت دهد تا شاید بیدار شوند. ۴. جمله‌ی «حکم جز برای خدا نیست.»، بدین معناست که هر گونه فرمان در جهان تکوین و آفرینش و نیز هر گونه تشریع و قانون‌گذاری به دست خداست و پیامبران هم به دستور خدا کار می‌کردند. اما «خوارج» از این جمله‌ی حق سوء استفاده کردند و آن را شعار خود قرار دادند. آنان گمان کردند معنای این جمله آن است که هر کس غیر از خدا داوری و حکومت کند، کار خلافی انجام داده است، در حالی که اگر حکومت و داوری افراد به دستور خدا باشد، صحیح است؛ و جالب آن است که خود آنان حکمیت را بر امام علی علیه السلام تحمیل کردند. برخی نیز از آیه‌ی فوق استفاده‌ی جبر کرده‌اند، در حالی که این معنا خلاف آیات دیگر قرآن است که دلالت بر اختیار انسان دارد. «۴» ۵. مقصود از جمله‌ی «خدا حق را قطع می‌کند.»، آن است که خدا حق را کاملًا از باطل جدا می‌سازد و او بهترین جدا کنندگان است.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. دعوت پیامبر اسلام بر دلیل روشن استوار است (نه خیال و تقلید کورکورانه). ۲. فرستادن عذاب به دست خداست (نه دیگران). ۳. رهبران و مبلغان دینی با دلیل روشن به سراغ مردم بروند و از تکذیب آنان نهراسند. ۴. با شتاب عذاب الهی را درخواست نکنید که هلاکت شما در آن است. *** قرآن کریم در آیه‌ی پنجاه و نهم سوره‌ی انعام به علم بی‌کران الهی به همه‌ی جزئیات اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۵۹. وَعِندَهُ مَفَاتِحُ الْغَیْبِ لَایَعْلَمُهَآ إِلَّا هُوَ وَیَعْلَمُ مَا فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِن وَرَقَةٍ إِلَّا یَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِی ظُلُمتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا یَابِسٍ إِلَّا فِی كِتبٍ مُّبِینٍ و کلیدهای (منابعی که از حسّ) پوشیده است تنها نزد اوست؛ جز او کسی آنها را نمی‌داند. و آنچه را در خشکی و دریاست می‌داند؛ و هیچ برگی فرو نمی‌افتد، مگر (اینکه) از آن آگاه است؛ و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین، و هیچ تر و هیچ خشکی نیست جز اینکه در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدای متعال از همه‌ی منابع پنهان و کلیدهای «۱» دسترسی به آنها تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۰۹ اطلاع دارد، و نیز از خشکی‌ها و دریاها «۱» آگاه است که علم بدانها احاطه‌ی علمی خدا بر همه چیز است؛ یعنی او از میلیاردها موجود زنده در اعماق دریاها و خشکی اطلاع دارد، که علم بدانها به صورت عادی غیر ممکن است و او

می‌داند در هر شبانه روز چه تعداد برگ یا دانه بر زمین می‌افتد. ۲. مقصود از آگاهی خدا از تمام تری‌ها و خشکی‌ها، معنای لغوی آن نیست، بلکه این تعبیر نیز کنایه از عمومیت و فراگیری علم الهی به همه‌ی چیزها و حالات آنهاست. ۳. مفسران قرآن در مورد «کتاب مُبین» احتمالات متعددی را بیان کرده‌اند، «۲» ولی به نظر می‌رسد که مقصود از آن، مقام علم خدا و یا کتاب آفرینش و عالم خلقت و سلسله‌ی علت‌ها و معلول‌هاست که همه چیز در آن ثبت است. ۴. علم خدا منحصر در کلّیات نیست، بلکه او به تمام جزئیات جهان آگاه است. یعنی نظام هستی و جزئیات آن برنامه‌ی طراحی شده و یک مرکز اصلی اطلاعات دارد. البته علم خدا به حالات و کارهای ما، دلیل مجبور بودن ما نیست، بلکه ما آزادیم و راه هدایت و گمراهی و هر کار دیگر را خودمان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۰ انتخاب می‌کنیم. ۵. در برخی از احادیث، بیان شده که منظور از دانه، فرزند است و مراد از ظلمت زمین، رحم مادران و ... است. «۱» این‌گونه احادیث در حقیقت نوعی توسعه در معنای آیه و بیان بطن آن است؛ یعنی مفهوم دانه در آیه‌ی فوق منحصر به دانه‌های گیاهی نیست، بلکه حتی نطفه‌های انسانی را نیز شامل می‌شود که خدا از آن‌ها آگاه است. ۶. اطلاع انسان از علم و آگاهی بی‌کران خدا نسبت به جزئیات، یک اثر تربیتی برای بشر دارد؛ چون موجب می‌شود که انسان مراقبت بیش‌تری از اعمال، افکار و نیّت‌های خویش بنماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا از همه چیز و همه جا و تمام جزئیات آگاه است (پس مواظب اعمال خودتان باشید). ۲. خدا را آگاه از همه چیز (و ناظر درون و برون خود) بدانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصتم سوره‌ی انعام به مرگ موقت انسان در خواب و نیز علم بی‌کران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۰. وَهُوَ الَّذِی یَتَوَفَّیکُم بِالَّیْلِ وَیَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ یَبْعَثُکُمْ فِیهِ لِیُقْضَی أَجَلٌ مُّسَمّیً ثُمَّ إِلَیْهِ مَرْجِعُکُمْ ثُمَّ یُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ و او کسی است که (روح) شما را در (خواب) شبانگاه می‌گیرد؛ و از آنچه در روز کسب کرده‌اید، آگاه است؛ سپس در آن (روز) شما را بر می‌انگیزد، تا سرآمد معیّنِ (مرگ حتمی) فرا رسد؛ سپس بازگشت شما فقط به سوی اوست؛ سپس شما را از آنچه همواره انجام می‌دادید با خبر می‌سازد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه خواب را نوعی «باز گرفتن روح» معرّفی کرده است. «۱» مرگ تعطیلی کامل دستگاه مغز و قطع پیوند روح با جسم است، اما خواب تعطیلی بخشی از دستگاه مغز و ضعیف شدن آن پیوند است؛ بنابراین، خواب مرحله‌ی کوچکی از مرگ به شمار می‌آید که بعد از آن رستاخیز کوچکی به پا می‌شود و انسان بیدار می‌گردد و تا زمان مرگ حتمی «۲» ادامه‌ی حیات می‌دهد. ۲. خدا از همه‌ی اعمال و چیزهایی که به دست می‌آورید آگاه است «۳» و در رستاخیز که به سوی او بازمی‌گردید، اخبار آنها را برای شما باز می‌گوید و براساس آن کیفر و پاداش می‌دهد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خوابیدن نوعی مردن موقت است و بیداری نوعی رستاخیز. ۲. خدا از اعمال شما آگاه است و به سوی او بازمی‌گردید (پس مواظب کردار خود باشید). ۳. با مطالعه در نظام مرگ و زندگی خداشناس شوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۲ قرآن کریم در آیه‌ی شصت و یکم سوره‌ی انعام به تسلّط خدا بر بندگان و فرشتگان محافظ انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۱. وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَیُرْسِلُ عَلَیْکُمْ حَفَظَةً حَتَّی إِذَا جَآءَ أَحَدَکُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَایُفَرِّطُونَ و او بر بندگانش چیره است؛ و نگهبانانی بر شما می‌فرستد؛ تا هنگامی که مرگ به یکی از شما برسد فرستادگان ما (جان) او را به صورت کامل می‌گیرند؛ در حالی که آنان کوتاهی نمی‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قاهر» از ماده‌ی «قهر» و به معنای «غلبه و تسلط کامل بر چیزی است»؛ به طوری که آن چیز، هیچ‌گونه توانایی مقاومت نداشته باشد. این کلمه معمولًا در جایی به کار می‌رود که طرف مقابل دارای عقل باشد؛ آری، خدا تسلّط کامل بر انسان‌ها دارد. ۲. مقصود از محافظان در این آیه، فرشتگان مأمور حفظ انسان از حوادث و بلاها «۱» و یا فرشتگان مأمور نگه‌داری حساب اعمال انسان‌ها هستند. «۲» البته این احتمال نیز وجود دارد که هر دو معنا در این آیه مقصود باشد. ۳. فرشتگانِ مأمورِ مرگِ انسان‌ها کوتاهی نمی‌کنند و لحظه‌ای مرگ را جلو و یا عقب نمی‌اندازند؛ همان‌گونه که فرشتگان مأمور حفظ انسان و اعمال او، کم‌ترین کوتاهی در کار خویش ندارند. «۳» ۴. هر دسته از فرشتگان مأموریت خاصی نسبت به انسان دارند؛ برخی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۳ جان او را حفظ می‌کنند و برخی جانش را می‌ستانند؛ آنان مأمورانی دقیق هستند

و فرمان الهی را اجرا می‌کنند. ۵. اعتقاد به فرشتگان و محافظت انسان و ثبت اعمال، عامل تربیت، دقت و مواظبت بیش‌ترانسان در کارها و موجب سپاس‌گزاری اوست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. همه‌ی شما تحت تسلّط الهی هستید، همان‌گونه که تحت مراقبت فرشتگان او هستید (پس مواظب کردار خود باشید). ۲. فرشتگان الهی، هم از شما محافظت می‌کنند و هم جانتان را می‌گیرند (تا خدا چه اراده کند). ۳. خود را مستقل و رها ندانید؛ که تحت کنترل شدید هستید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و دوم سوره‌ی انعام به فرجام انسان و سرعت حساب‌رسی خدا اشاره کرده، می‌فرماید: ۶۲. ثُمَّ رُدُّواْ إِلَى اللَّهِ مَوْلَيهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَسِبِينَ سپس (بندگان) به سوی خدا، که مولای بحق آنهاست، باز گردانده می‌شوند؛ آگاه باشید که حکم تنها از آنِ اوست؛ و او سریع‌ترین حسابرسان است! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حساب‌رسی خدا به قدری سریع است که در برخی احادیث آمده است: خدا حساب همه‌ی بندگان را در یک لحظه (چشم بر هم زدن) انجام می‌دهد. «۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۴ البته این مطلب با توجه به سرعت‌های زیاد ابر رایانه‌ها در عصر حاضر، چیز بعیدی نیست. و اگر در برخی احادیث آمده که برخی افراد در قیامت معطّل می‌شوند، به خاطر آن است که باید پاسخ‌گوی اعمال خویش باشند. ۲. خدا مولای حقیقی انسان است؛ آفرینش، مراقبت، خواب و بیداری، مرگ، رستاخیز و حساب‌رسی انسان به دست اوست؛ پس همه‌ی مولاها و سرپرست‌های دیگر، یا باطل‌اند و یا مجازی. ۳. بازگشت همه به سوی اوست که تنها داور قیامت است و این بازگشت اجباری است و به دنبال آن حساب‌رسی و کیفر و پاداش است (پس مراقب کردار خود باشید). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقصد شما خداست که مولای حقیقی‌تان است. ۲. بازگشتگاه خود را بشناسید و به فکر داور و حساب‌رس باشید. *** قرآن کریم در آیات شصت و سوم و شصت و چهارم سوره‌ی انعام به فطرت خداشناسی انسان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۳ و ۶۴. قُلْ مَن يُنَجِّيكُم مِّن ظُلُمتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضرُّعاً وَخُفْيَةً لَّئِنْ أَنجَينَا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشكِرِينَ* قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُم مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنتُمْ تُشْرِكُونَ بگو: «چه کسی شما را از تاریکی‌های خشکی و دریا نجات می‌بخشد؟ در حالی که او را فروتنانه (و آشکارا) و پنهانی می‌خوانید؛ (و می‌گویید:) اگر از این‌ها ما را نجات بخشد، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود.»* تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۵ بگو: «خدا شما را از اینها، و از هر اندوهی نجات می‌بخشد؛ سپس شما (برای او) شریک قرار می‌دهید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ظلمت و تاریکی بر دو گونه است: ظلمت حسّی که همان حالت کمبود یا عدم نور در فضاست؛ و ظلمت معنوی که همان مصیبت‌هایی هم‌چون، جهل، شرک و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فکری و انحرافات اخلاقی است که عاقبت آنها ناپیداست. «ظلمت» در این آیه می‌تواند به هر دو معنا باشد. ۲. اگر انسان دچار مشکلات و اندوه «۱» شود و خود را در تاریکی‌ها تنها حسّ کند، نوری در او می‌درخشد و فطرتش او را به طرف خدا می‌برد و او فروتنانه و در نهان و آشکارا خدا را می‌خواند و دعا می‌کند. «۲» تا نگرید کودک حلوافروش بحر رحمت در نمی‌آید به جوش (مولوی) ۳. در هنگام بروز مشکلات، خداشناسی و خداجویی فطری انسان‌ها ظاهر می‌شود؛ زیرا در این حالت فطرت انسان بیدار می‌شود و روح خدایابی او شکوفا می‌گردد. ۴. برخی مفسران آورده‌اند که آیه‌ی فوق به چهار حالت روانی انسان اشاره می‌کند که هر کدام یک نوع عکس العمل در برابر مشکلات است. این چهار حالت عبارت‌اند از: حالت دعا و نیاز، حالت تضرّع و فروتنی، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۶ حالت اخلاص و حالت التزام به سپاس‌گزاری به هنگام نجات از مشکلات. ۵. در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از کنار گروهی می‌گذشت که با صدای بلند دعا می‌خواندند. به آنان فرمود شما شخص ناشنوا و پنهان و دوری را نمی‌خوانید؛ کسی را می‌خوانید که هم شنوا و هم نزدیک است. «۱» و در حدیث دیگری آمده است: بهترین دعا، دعای پنهانی است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در هنگام مشکلات و ناراحتی‌ها، فطرت خداجو و خداشناس انسان بیدار می‌شود. ۲. در هنگام مشکلات، به فطرت خود مراجعه کنید تا خدا را بشناسید. ۳. روح سپاس‌گزاری و پیمان شکرگزاری خود را فراموش نکنید و شرک نورزید. ۴. نجات بخش خود را بشناسید و شرک نورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و پنجم سوره‌ی انعام به قدرت خدا و انواع عذاب‌های الهی اشاره می‌کند و با هشدار می‌فرماید: ۶۵. قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَن يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَاباً مِّن

فَوْقِکَمْ أَوْ مِن تَحْتِ أَرْجُلِکَمْ أَوْ یَلْبِسَکَمْ شِیَعاً وَیُذِیقَ بَعْضَکم بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ کَیْفَ نُصَرِّفُ الْآیتِ لَعَلَّهُمْ یَفْقَهُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۷ بگو: «او تواناست که از بالای (سر) شما یا از زیر پای شما، عذابی بر شما برانگیزد؛ یا به صورت گروه‌هایی شما را (با هم) بیامیزد؛ و قدرت (جنگ) برخی شما را به برخی [دیگر] بچشاند.» بنگر چگونه نشانه‌ها را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم! تا شاید آنان بطور عمیق بفهمند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «عذاب از طرف بالا و پایین»، ممکن است شامل عذاب‌های آسمانی (صاعقه‌ها و طوفان‌ها) و زمینی (زلزله‌ها و سیل‌ها)، هم چنین فشارها و عذاب‌های طبقات حاکم اجتماع و بلاهای فرومایگان جامعه و نیز سلاح‌های جنگی خطرناک هوایی و زمینی و دریایی و زیر زمینی بشود. «۱» ۲. تعبیر «به صورت دسته‌های پراکنده شما را به هم بیامیزد و قدرت (جنگ) برخی از شما را به برخی دیگر بچشاند.»، نشان می‌دهد که مسألهٔ اختلافات اجتماعی به قدری خطرناک است «۲» که در ردیف عذاب‌های الهی قرار گرفته است؛ گاهی بر اثر تفرقه برخی کشورها به نابودی کشیده می‌شوند و مردم به دست هم دیگر مجازات می‌شوند و این یکی از عذاب‌های الهی است. ۳. در اثر خودخواهی‌ها و سودجویی‌های شخصی مردم، نفاق و تفرقه بین آنان پدید می‌آید، ولی از آن‌جا که، خدا چنین اثری را در این اعمال زشت قرار می‌دهد این مسأله به خدا نسبت داده می‌شود. ۴. جامعهٔ مشرک، گرفتار اقسام بلاهای آسمانی و زمینی و کشمکش‌های خونین می‌شود- همان‌طور که در جهان امروز می‌بینیم- اما طبق احادیث اهل بیت علیهم السلام که ذیل آیهٔ فوق آمده است: «همهٔ این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۸ کیفرها در بین مسلمانان نیز واقع می‌شود»؛ «۱» یعنی اگر مسلمانان نیز از مسیر توحید منحرف شوند و خودپرستی جای اخوت اسلامی را بگیرد و دستورات خدا فراموش شود، جامعهٔ اسلامی نیز به چنین سرنوشتی گرفتار خواهد شد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قدرت خدا محدود نیست و او می‌تواند هرگونه که بخواهد شما را مجازات کند. ۲. اختلافات اجتماعی یکی از عذاب‌های الهی است. ۳. در گونه‌های آیات و نشانه‌های خدا دقت کنید تا آنها را به طور عمیق بفهمید. *** قرآن کریم در آیات شصت و ششم و شصت و هفتم سورهٔ انعام به حقّانیّت قرآن و تکذیب آن توسط مخالفان اشاره کرده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۶۶ و ۶۷. وَکَذَّبَ بِهِ قَوْمُکَ وَهُوَ الْحَقُّ قُل لَّسْتُ عَلَیْکُم بِوَکِیلٍ* لِّکُلِّ نَبَإٍ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ و قوم تو آن (: قرآن) را دروغ انگاشتند، در حالی که آن حق است! (به آنان) بگو: «من حمایتگر (و نگهبان) شما نیستم.»* برای هر خبر بزرگی هنگام استقراری هست؛ و در آینده خواهید دانست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن و تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله و عذاب الهی «۲» حق است؛ چون دلایل تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۱۹ گوناگونی از طریق عقل و فطرت و تجربه، آنها را تأیید می‌کند؛ پس انکار و تکذیب مشرکان از اهمیت این حقایق نمی‌کاهد و براساس برنامه‌ای زمان‌بندی شده حقایق الهی بر مردم روشن می‌شود و وعده‌های الهی تحقق می‌یابد. «۱» ۲. در این آیه و آیات متعددی از قرآن آمده «۲» که «پیامبر صلی الله علیه و آله وکیل شما نیست.» مقصود از «وکیل» در این موارد، کسی است که مسئول هدایت عملی و ضامن و حافظ دیگران باشد؛ یعنی این مردم هستند که باید تصمیم نهایی را در مورد قبول حقیقت بگیرند و هدایت شوند، و پیامبر فقط مأمور ابلاغ رسالت است، نه وکیل و نگهبان. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. تکذیب مخالفان از ارزش و حقانیّت حقایق الهی (همچون قرآن) نمی‌کاهد. ۲. رهبران و مبلغان دینی مسئول انجام وظیفه هستند، نه وکیل مردم و ضامن نتیجه. ۳. مخالفان عجله نکنند، که براساس برنامهٔ زمان‌بندی شده، به زودی حقیقت اخبار الهی برای شما روشن می‌شود. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۰ قرآن کریم در آیهٔ شصت و هشتم سورهٔ انعام به یکی از راه‌کارهای نهی از منکر، یعنی دوری از مجالس اهل باطل اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۶۸. وَإِذَا رَأَیْتَ الَّذِینَ یَخُوضُونَ فِی ءَایتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّی یَخُوضُواْ فِی حَدِیثٍ غَیْرِهِ وَإِمَّا یُنسِیَنَّکَ الشَّیْطنُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّکْرَی مَعَ الْقَوْمِ الظلِمِینَ و هر گاه کسانی را دیدی که (به قصد ریشخند) در آیات ما فرو می‌روند، پس از آنان روی گردان تا به سخنی غیر از آن در آیند؛ و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس بعد از یادآوری، با آن گروه ستمکار مَنشین. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و در مورد دوری از مجالس مشرکان است، اما این حکم اختصاص به ایشان و مشرکان ندارد و شامل تمام مؤمنان و

مخالفان دین می‌شود و یک راه‌کار عملی برای نهی از منکر به شمار می‌آید. ۲. فلسفه‌ی روی‌گردانی از مخالفانی که سخنان باطل می‌گویند و آیات الهی را ریشخند می‌کنند «۱» آن است که اگر مسلمانی در مجالس این افراد شرکت کند، آنان به سخنان ناروای خود ادامه می‌دهند، اما اگر به آنان بی‌اعتنایی شود، طبعاً سکوت کرده، یا به مسایل دیگر می‌پردازند. ۳. در این آیه از تسلّط شیطان بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و به فراموشی انداختن ایشان سخن گفته شده است. آیا این مطلب با عصمت ایشان سازگار است؟ برخی از مفسران گفته‌اند: اگر چه روی سخن آیه‌ی فوق با پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما در حقیقت مقصود پیروان ایشان هستند که گرفتار فراموشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۱ می‌شوند. «۱» ۴. ترک مجالس باطل یکی از شیوه‌های مبارزه‌ی منفی با زشتکاری و یکی از مراحل نهی از منکر و راه‌کارهای عملی آن است. ۵. ریشخند کردن آیات و نشانه‌های الهی، ظلم (به خود و جامعه و قرآن) است؛ همان‌طور که گوش دادن به سخنان باطل و شرکت در آن مجالس و سکوت در مقابل آنها نیز نکوهیده است. ۶. در برخی احادیث از پیامبر صلی الله علیه و آله حکایت شده که فرمودند هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، در مجلسی که به امام (و رهبر مسلمانان) دشنام داده می‌شود، یا غیبت مسلمانی می‌شود، شرکت نکند. سپس آیه‌ی فوق را قرائت کردند. «۲» روشن است که این‌گونه احادیث مصادیق مجالس باطل و آیات الهی را معرفی می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با ریشخند کنندگان آیات الهی و باطل‌گرایان مبارزه‌ی منفی کنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۲ ۲. ریشخند کردن آیات الهی، ستمکاری است. ۳. در مجالس ناروا ننشینید (و نهی از منکر کنید). *** قرآن کریم در آیه‌ی شصت و نهم سوره‌ی انعام یک مورد هم‌نشینی با اهل باطل را جایز می‌شمارد و می‌فرماید: ۶۹. وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ وَلكِن ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ و هیچ چیز از حساب آن (مشرک) ان بر عهده کسانی که (در آن مجالس شرکت می‌کنند و) خودنگهداری می‌نمایند، نیست. و لیکن یادآوری (به مشرکان نمایند) تا شاید که خودشان را حفظ کنند. شأن نزول: حکایت شده که پس از نزول آیه‌ی قبل در مورد دوری از مجالس کافرانِ مسخره کننده‌ی آیات الهی، گروهی از مسلمانان گفتند: اگر بخواهیم به این دستور عمل کنیم، باید به مسجدالحرام و طواف نرویم (چرا که در همه جا مشرکان هستند و سخنان مسخره‌آمیز در مورد آیات الهی می‌گویند و ما می‌شنویم). در این هنگام آیه‌ی فوق فرود آمد و یک مورد را استثنا کرد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به مسلمانان خودنگه‌دار و باتقوا که تحت تأثیر مخالفان دین قرار نمی‌گیرند و می‌توانند بر آنان تأثیر بگذارند اجازه می‌دهد که در مجالس آنها شرکت کنند و به سخنان باطل آنان گوش دهند و به ارشادشان بپردازند. آری، پارسایان هم‌چون کسانی هستند که در برابر بیماری‌ها واکسینه شده و مصونیت یافته‌اند، بلکه حالت ضد بیماری دارند. ۲. هر گاه مسأله‌ی مهم‌تری مثل هدایت مردم پیش بیاید، می‌توان از مسأله‌ی مهمی مثل ممنوعیت شرکت در مجالس باطل، صرف نظر کرد. رعایت اهم و مهم از اصول عقلی و اسلامی است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. در مسایل اجتماعی، حساب مؤمنان خود نگه‌دار را از افراد دیگر جدا کنید. ۲. هنگام هم نشینی با مخالفان تذکرات لازم را بیان کنید، شاید اثر کند. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتادم سوره‌ی انعام به عذاب دین‌بازان و فریب‌خوردگان دنیا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۰. وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُواْ دِينَهُمْ لَعِباً وَلَهْواً وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَن تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِن دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَّايُؤْخَذْ مِنْهَآ أُوْلئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُواْ بِمَا كَسَبُواْ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُواْ يَكْفُرُونَ و رها کن کسانی را که دینشان را به بازی و سرگرمی گرفتند! و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داده است. و بوسیله این (قرآن) یادآوری نما، مبادا شخصی به سبب آنچه کسب کرده گرفتار شود؛ در حالی که غیر از خدا، برای او هیچ یاور (و سرپرست) و شفاعت‌گری نیست؛ و اگر هرگونه تاوانی در مقابل بپردازد، از او پذیرفته نخواهد شد. آنان کسانی هستند که به سبب آنچه کسب کرده‌اند، گرفتار شده‌اند. نوشابه‌ای از آب سوزان و عذابی دردناک برای آنان است، بدان سبب که همواره کفر می‌ورزیدند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «به بازی گرفتن دین»، یا اشاره به آن است که آیین مشرکان، اعمالی پوچ و بی‌محتوا و کودکانه است که نام دین بر آن نهاده‌اند. یا اشاره به آن است که گروهی از کافران، حتی

نسبت به آیین خود به عنوان بازی و سرگرمی می‌نگریستند. و یا اشاره به آیین حق است که به صورت فطری در همه‌ی انسان‌ها وجود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۴ دارد و مشرکان این آیین حق فطری را به بازی گرفتند. «۱» ۲. آیه‌ی فوق اختصاص به مشرکان ندارد و هشداری است به همه‌ی کسانی که مقدسات و احکام الهی را بازیچه‌ی هدف‌های مادی و شخصی قرار می‌دهند، که در دنیا رها می‌شوند و در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد. ۳. مجازات مشرکان بر اثر عوامل خارجی نیست که قابل دفع باشد، بلکه از درون ذات و صفات آنها سرچشمه می‌گیرد. آنان اسیر کارهای زشت و عقاید کفرآمیز خویش‌اند. «۲» ۴. مشرکان در قیامت، هم از درون به وسیله‌ی آب سوزان و هم از برون به وسیله‌ی آتش عذاب می‌شوند. ۵. این سختی‌ها و محرومیت از شفاعت و یاری و نپذیرفتن تاوان آنها، «۳» برای کسانی است که اصرار بر کفر داشته باشند. «۴» ۶. مقصود از «رها کردن مشرکان» در آیه‌ی فوق، قطع رابطه با آنان در شرایط خاص است که گاهی به نبرد با آنان نیز می‌انجامد؛ پس مقصود نفی جهاد با آنان نیست و آیه‌ی فوق با آیات جهاد نسخ نشده است؛ چون هر کدام ظرف زمانی خاص خود را دارد و در همان شرایط قابل اجراست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عامل بدبختی و عذاب انسان، کفرورزی و عمل‌کرد خود اوست. ۲. دین‌داری با سستی و به بازی گرفتن مکتب سازگار نیست. ۳. فریب دنیای پست را نخورید و دین را به بازی نگیرید که گرفتار عذاب الهی می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و یکم سوره‌ی انعام پاسخی دیگر به مشرکان می‌دهد و می‌فرماید: ۷۱. قُلْ أَنَدْعُواْ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَایَنفَعُنَا وَلَا یَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَی أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ کَالَّذِی اسْتَهْوَتْهُ الشَّیطِینُ فِی الْأَرْضِ حَیْرَانَ لَهُ أَصْحبٌ یَدْعُونَهُ إِلَی الْهُدَی ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَی اللَّهِ هُوَ الْهُدَی وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَلَمِینَ بگو: «آیا غیر از خدا، چیزی را بخوانیم (و پرستش کنیم) که سودی به ما نمی‌رساند و زیانی (نیز) به ما نمی‌رساند؛ و بعد از اینکه خدا ما را راهنمایی کرد به گذشته‌های (کفرآمیز) مان باز گردانده شویم؟! همانند کسی که شیطان‌ها او را به سقوط (و گمراهی) کشانده‌اند، در حالی که در زمین سرگردان است. (و) او همراهانی دارد که وی را به هدایت فرا می‌خوانند، (و می‌گویند:) به سوی ما بیا! بگو: «براستی رهنمایی خدا، تنها راهنمایی (حقیقی) است؛ و به ما فرمان داده شده: برای پروردگار جهانیان تسلیم باشیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به قاعده‌ی «دفع ضرر و جلب منفعت» اشاره می‌کند. معمولًا کارهای انسان دو سرچشمه دارد، یا برای جلب منافع مادی و معنوی است، و یا برای دفع زیان‌های مادی و معنوی؛ و بت‌ها نه نفعی دارند که آن را به دست آوریم، نه ضرری دارند که از آن بترسیم؛ پس شرک و بت‌پرستی کاری تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۶ غیرمنطقی و نامعقول است. ۲. در این آیه بیان شده که انسان بین دو راهی است: از طرفی شیطان او را وسوسه می‌کند و به سوی سقوط می‌کشاند و از طرف دیگر، برخی افراد هدایتگر راه صحیح را به او نشان می‌دهند؛ و این خود انسان است که می‌تواند راه هدایت را انتخاب کند و تسلیم پرودگار شود. ۳. پیامبر اسلام هیچ سابقه‌ی شرک و بت‌پرستی ندارد. آیه‌ی فوق از زبان تمام مسلمانان سخن می‌گوید که برخی سابقه‌ی شرک و بت‌پرستی داشتند؛ از این رو می‌گوید: «بت‌پرستی، ما را به حال سابق بازمی‌گرداند». و به خاطر همین، ضمیرهای آیه را جمع آورده است. ۴. قرآن کریم برای بیان مطالب حق، از مثال و تشبیه استفاده می‌کند؛ هم‌چون آیه‌ی فوق که می‌فرماید: «شیطان، برخی انسان‌ها را به پیروی از هوای نفس و سقوط می‌کشاند، به طوری که در حیرت فرو می‌روند و سرگردان می‌شوند.» البته قبلًا بیان کردیم که واژه‌ی «شیطان» به معنای هر موجود شرور، اعم از انسان و جن است. و مقصود از کشاندن انسان، مجبور کردن او نیست؛ چرا که شیطان انسان را وسوسه می‌کند و این خود انسان است که اراده و اختیار دارد و راهی را انتخاب می‌کند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک ورزیدن، کاری غیر منطقی، ارتجاعی و نوعی سرگردانی است. ۲. شیطان شما را به سقوط می‌کشاند (پس از او پیروی نکنید). ۳. بر سر دو راهی‌ها، راه هدایت را انتخاب کنید. ۴. تسلیم خدا باشید (نه معبودهای دروغین). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۷ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و دوم سوره‌ی انعام، به برپاداشتن نماز و پارسایی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۲. وَأَنْ أَقِیمُواْ الصَّلَوةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِی إِلَیْهِ تُحْشَرُونَ و (نیز به ما فرمان داده شده به) اینکه: نماز را به پا دارید؛ و [خودتان را] از [عذاب او حفظ کنید؛ و او کسی است که فقط به سوی او

گردآوری خواهید شد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در حقیقت آخرین جمله‌ی آیه‌ی قبل و جملات این آیه یک برنامه‌ی چهار ماده‌ای را برای سعادت انسان بیان می‌کنند که عبارت است از: الف) توحید و تسلیم در مقابل خدا؛ ب) توجه به معاد و بازگشت به سوی خدا؛ ج) محکم ساختن پیوند انسان با خدا از طریق نماز؛ د) حفظ خود و پرهیز از زیان‌های گناه. ۲. با توجه به نزول سوره‌ی انعام در مکه، از این آیه روشن می‌شود که دستور خواندن نماز برای مسلمانان، در مکه نیز بوده است. ۳. آیه‌ی فوق، با توجه به آیه‌ی قبل، اشاره دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان تسلیم دستورات الهی هستند و از آن‌جا که معتقد به توحید و معاد و متعهد در برابر نماز و تقوا هستند، نمی‌توانند شرک بورزند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. به وسیله‌ی نماز با مبدأ هستی ارتباط برقرار کنید و به معاد و انتهای هستی توجه داشته باشید و مسیر را با تقوا بپیمایید. ۲. توجه به مبدأ و معاد و تقوا داشته باشید (تا گرفتار شرک نشوید). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۸ قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و سوم سوره‌ی انعام به نشانه‌ها و صفات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۳. وَهُوَ الَّذِی خَلَقَ السَّموتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَیَوْمَ یَقُولُ کُن فَیَکونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْکُ یَوْمَ یُنفَخُ فِی الصُّورِ عِلِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهدَةِ وَهُوَ الْحَکِیمُ الْخَبِیرُ و او کسی است که آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید؛ و روزی که (خدا) می‌گوید: «باش پس (فوراً موجود) می‌شود.» سخنش حق است؛ و روزی که در «شیپور» دمیده می‌شود، فرمانروایی فقط از آنِ اوست؛ (او) دانای نهان و آشکار است؛ و او فرزانه آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «حق» در این آیه همان هدف و نتایج و مصالح و حکمت‌هاست؛ یعنی خدا آسمان‌ها و زمین را به خاطر هدف و مصلحتی آفرید «۱» نه بیهوده، بازیچه و بدون هدف؛ همان‌طور که سخن او نیز حق و هدف‌دار است. ۲. مقصود از «باش» این نیست که فرمان لفظی توسط خدا صادر می‌شود، بلکه منظور آن است که هر گاه خدا اراده‌ی آفرینش چیزی را بنماید، بدون نیاز به هیچ عامل دیگری، به اراده‌اش جامه‌ی عمل می‌پوشاند و اگر اراده کند که چیزی، به طور دفعی یا تدریجی به وجود آید، همان‌گونه می‌شود. ۳. مالکیت و فرمان‌روایی خدا در دنیا و آخرت، هر دو هست؛ در دنیا اسباب و عواملی وجود دارد که انسان را غافل می‌کند، ولی در رستاخیز این اسباب از کار می‌افتد و مالکیت و فرمان‌روایی او روشن‌تر می‌گردد. ۴. در آیه‌ی فوق به صفات «علم و حکمت الهی» اشاره شده است. این که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۲۹

ماجراهای ابراهیم (ع)

خدا هم آگاه است و هم حکیم؛ یعنی به مقتضای آگاهی‌اش اعمال نهان و آشکار بندگان را می‌داند و به مقتضای حکمتش به هر کس جزای مناسب می‌دهد و در مجازات افراد عجله نمی‌کند. ۵. قرآن کریم در آیه‌ی فوق از یک «نفخ صور» (دمیدن در شیپور رستاخیز)، اما در آیه‌ی ۶۸ زُمر از دو نفخ صور سخن به میان آورده که یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده‌ی مردم است (ان شاء اللّه- ذیل آیه‌ی ۶۸ سوره‌ی زمر این مبحث را پی می‌گیریم). آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آفرینش جهان هدف‌دار و حکیمانه است. ۲. اراده‌ی الهی هدف‌دار و حتمی است. ۳. خدا از نهان و آشکار شما آگاه است (پس مراقب کردار خود باشید). ۴. با مطالعه در آفرینش هدف‌دار جهان، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و چهارم سوره‌ی انعام به مبارزات ابراهیم با شرک و بت‌پرستی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۴. وَإِذْ قَالَ إِبْرهِیمُ لِأَبِیهِ ءَازَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَاماً ءَالِهَةً إِنِّی أَرَاکَ وَقَوْمَکَ فِی ضَلَلٍ مُّبِینٍ و (یاد کن) هنگامی را که ابراهیم به پدرِ (مادرش یا عموی) ش «آزَر»، گفت: «آیا بت‌هایی را معبودان (خود) می‌گیری؟! در واقع من، تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «اب» در لغت عرب غالباً به پدر گفته می‌شود، اما گاهی به جد مادری، عمو، مربّی و معلم نیز گفته می‌شود. بنا به دلایلی، در آیه‌ی فوق، مقصود از «پدر ابراهیم»، یا پدر مادری او و یا عموی اوست: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۰ الف) در منابع تاریخی نام پدر ابراهیم «تارِح» گفته شده و حتی در کتاب‌های عهدین (تورات و انجیل و ملحقات آنها) نیز «آزر» پدر ابراهیم شمرده نشده است. «۱» ب) از طرفی، قرآن کریم می‌فرماید: مسلمان حق

ندارد برای مشرکان استغفار کند «۲» و از طرفی می گویـد: ابراهیم در اواخر عمر خویش برای «والد» و پدر خود طلب آمرزش کرد؛ «۳» پس معلوم می‌شود که «والد» و پدر ابراهیم غیر از آزر است که از او به عنوان «اب» یاد شده است. «۴» ج) در قرآن کریم واژه‌ی «اب» گـاهی به عمو نیز گفته شـده است؛ مثل آیه‌ی ۱۳۳ سوره‌ی بقره، که از اسـماعیل، عموی یعقوب، با عنوان اب (آباء) یاد شـده است. د) در برخی از احادیث که شیعه و سنی نقل کرده‌اند، از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت شده که همواره خدا مرا از صُلب پـدران پـاک به رحم مـادران پـاک منتقـل می‌سـاخت و هرگز مرا به آلودگی‌های دوران جاهلیت آلوده نساخت. «۵» ه) تمام دانشمندان و مفسران شیعه و گروهی از دانشمندان اهل سنت گفته‌اند که آزر پدر ابراهیم نبود. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۱ ۲. ابراهیم در دعـوت خـود به سـوی خـدا، خویشاونـدانش را فرامـوش نکرده است. آری شـیوه‌ی صـحیح دعـوت آن است که رهبران و مبلغان دینی، نخست از نزدیکان خود شـروع کنند و با بیانی نرم و آرام عقاید آنان را اصـلاح کنند. ۳. بت‌پرستی گمراهی آشـکار است؛ زیرا انحرافی است که وجـدان‌های سـالم و عقـل بشـر آن را نمی‌پـذیرد؛ و کـدام گمراهی از این آشـکارتر که انسان مخلوقی را معبود خویش قرار دهـد؛ آری، بت‌پرستی یـک انحراف است و بایـد بـا آن مبارزه کرد و در این‌جا سن و کثرت جمعیت طرف‌داران مطرح نیست، بلکه حق و باطـل مطرح است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بت‌پرستی، کژروی آشـکار است (از آن بپرهیزید). ۲. اصلاحات عقیدتی را از نزدیکان خود شروع کنید. ۳. در هدایت مردم و نهی از منکر از بیانی نرم استفاده کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و پنجم سوره‌ی انعام به مشاهـده‌ی ملکوت توسط ابراهیم اشاره می کنـد و می‌فرمایـد: ۷۵. وَكَذٰلِكَ نُرِى إِبْرٰهِيمَ مَلَكُوتَ السَّموٰتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ و اینگونه، فرمانروایی مطلق آسـمان‌ها و زمین را به ابراهیم نمایاندیم؛ (تا بدان اسـتدلال کند) و بخاطر آنکه از یقین کننـدگان باشد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ملکوت، فرمان‌روایی مطلق خدا بر جهان هستی است، اما حقیقت تفسیر قرآن مهر جلد ششـم، ص: ۱۳۲ ملکـوت چه بوده است؟ «۱» مفسـران قرآن در این مورد دیدگاه‌های متفاوتی دارند: برخی بر آن‌اند که این آیه فشـرده‌ای از آیات بعد است که در آن‌جا سـخن از مشاهده‌ی وضع خورشـید و ماه و سـتارگان به میان آمده است. «۲» و برخی دیگر گفته‌انـد عـالم ملکـوت، عـالم اسـرار و نظـم و شـگفتی و جهـان غیب است. «۳» ۲. در حـدیثی از امـام باقر علیه السـلام حکایت شده: خدا به چشم ابراهیم قدرت و نوری بخشـید که عمق آسـمان‌ها و زمین را مشاهده کند. «۴» و در برخی از احادیث نیز آمده است که خدا همان‌گونه که به ابراهیم علیه السلام ملکوت را نشان داد، به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز نشان داد. «۵» ۳. یکی از آثار دیدن ملکوت، یقین است و یقین عالی‌ترین درجه‌ی ایمان است. ابراهیم علیه السلام یقین استدلالی و فطری بر یگانگی خدا داشت، اما با مطالعه در اسـرار آفرینش، یقین او به حد کمال رسـید. تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۱۳۳ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. ملکوتیـان اهل یقین می‌شونـد. ۲. هم‌چون ابراهیم زنـدگی کنیـد تـا به اسـرار ملکوت دست یابیـد و اهل یقین شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و شـشم سوره‌ی انعام به استدلال منطقی ابراهیم بر توحید از طریق غروب ستاره اشاره کرده، می فرماید: ۷۶. فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ الَّيْلُ رَءَا كَوْكَباً قَالَ هذَا رَبِّى فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآأُحِبُّ الْآفِلِينَ و هنگامی که شب بر او پرده افکند، سیاره‌ای مشاهـده کرد، گفـت: «این پروردگـار من است؟» و هنگـامی که غروب کرد، گفت: «غروب کننـدگان را دوست نـدارم.» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «کوکب» در این آیه چیست؟ شاید کوکب، سیاره‌ی زهره یا مشتری باشد. از روایات تاریخی استفاده می‌شود که این دو سـیاره در زمان‌های قـدیم پرستیـده می‌شدنـد. «۱» مشـتری، ربّ النـوع «عـدل و علم» به شـمار می‌رفت، مریـخ ربّ النـوع «جنگ»، و خورشـید هم پادشاه همه. «۲» در برخی از احـادیث اهل بیت علیهم السـلام نیز تصـریح شـده که مقصود از «کوکب» در آیه‌ی فوق همان زُهره است. «۳» ۲. مقصود از این‌که ابراهیم علیه السلام گفت: «این خدای من است.» چیست؟ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۴ در این مورد حـداقل دو احتمـال تفسیری وجود دارد: نخست این‌که ابراهیم، در عمق فطرت خویش به خـدا ایمـان داشت، امـا می‌خـواست خـود بینـدیشـد و از راه دلیـل عقلی، مصـداق حقیقی آن را بیابـد و به مرحله‌ی «حق الیقین» برسـد؛ پس این جمله‌ی ابراهیم علیه السـلام یـک خبر قطعی نیست، بلکه یـک فرض و احتمـال برای تفکر و اسـتدلال و راهی برای تحقیق بیش‌تر و

شناسایی بهتر است. احتمال دوم آن است که ابراهیم این جمله را از باب همراهی با بت‌پرستان و برای جلب توجه آنان گفت، تا بتواند بر مبنای آنان سخن بگوید و توحید را اثبات کند؛ یعنی در حقیقت می‌گفت: «به اعتقاد شما این خدای من است.» و یا به صورت پرسشی می‌گفت: «آیا این خدای من است؟» در مورد هر دو احتمال فوق احادیثی نیز از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است. «۱» ۳. در حدیثی از امام باقر یا صادق علیهما السلام حکایت شده که ابراهیم این سخن را به عنوان تحقیق در باره‌ی پروردگارش گفت و هرگز سخن او کفر نبود؛ و هر کس در این مورد تفکر و تحقیق کند، همانند ابراهیم خواهد بود. «۲» ۴. شکل استدلال ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق به چند صورت ترسیم می‌شود: الف) پروردگار و مربّی موجودات باید همیشه در ارتباط نزدیک با آنان باشد؛ بنابراین، موجودی که غروب می‌کند و از موجودات زمینی جدا می‌شود، نمی‌تواند پروردگار و ربّ باشد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۵ ب) سیاره‌ای که دارای غروب و طلوع است، خود اسیر قوانین طبیعت است؛ پس این سیاره چگونه می‌تواند حاکم و مالک و ربّ آنها باشد. ج) سیاره‌ای که دارای حرکت است، حتماً حادث است و چیزی که در معرض حوادث است نمی‌تواند یک موجود ازلی و ابدی باشد. «۱» د) استدلال ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق مبتنی بر محبت است؛ یعنی من محبت و کشش درونی به ستارگان غروب کننده و بی‌دوام ندارم؛ محبت و عشق من به موجودی باکمال و دایمی است. ۵. معبود انسان باید محبوب و معشوق او باشد؛ و محبوب واقعی کسی است که اسیر مکان و زمان محدود و متغیّر نباشد. آری، روح دین، محبت و عشق است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. موجودات ناپایدار را به عنوان معبود و محبوب خود انتخاب نکنید. ۲. با مطالعات کیهان‌شناسی، خداشناس شوید. ۳. برای شناخت معبود، مشاهده و تفکر و استدلال کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هفتم سوره‌ی انعام به استدلال ابراهیم علیه السلام بر توحید از طریق غروب ماه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۷. فَلَمَّا رَءَا الْقَمَرَ بَازِغاً قَالَ هـذَا رَبِّی فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ یَهْدِنِی رَبِّی لَأَکُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّینَ و هنگامی که ماه را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است؟» و هنگامی که غروب کرد، گفت: «اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام با مشاهده‌ی طلوع ماه تابان، آن را خدای خویش خواند، ولی هنگام غروبِ ماه، «۱» ماه‌پرستی را نفی کرد. «۲» این همان شیوه‌ای است که در مورد سیاره‌ی زهره یا مشتری به کار برد، تا شاید عقل و فطرت ستاره‌پرستان بیدار شود و هدایت گردند. ۲. ابراهیم علیه السلام در استدلال خویش برای نفی شرک و اثبات توحید، از روش گام به گام استفاده کرد. در آیه‌ی قبل گفت: سیاره‌پرستی را دوست ندارم و در این آیه گفت: ماه‌پرستی، انحراف و گمراهی است. ۳. در راه شناخت، لازم است به فیض و هدایت الهی تکیه کنیم که بدون آن نمی‌توانیم به سرچشمه‌ی زلال معارف برسیم و گمراه می‌شویم. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و نجات از گمراهی، کار خداست. ۲. با مطالعات و کیهان‌شناسی، خداشناس شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و هشتم سوره‌ی انعام به استدلال ابراهیم علیه السلام بر توحید از طریق غروب خورشید اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۸. فَلَمَّا رَءَا الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هـذَا رَبِّی هـذَآ أَکْبَرُ فَلَمَّآ أَفَلَتْ قَالَ یَقَوْمِ إِنِّی بَرِیءٌ مِّمَّا تُشْرِکُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۷ و هنگامی که خورشید را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است؟ این (از همه) بزرگ‌تر است!» و هنگامی که غروب کرد، گفت: «ای قوم [من ! براستی که من نسبت به آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بی‌تعهدم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در برخی احادیث از امام رضا علیه السلام حکایت شده که ابراهیم علیه السلام با سه گروه بت‌پرست روبه‌رو بود: گروهی زهره، گروهی ماه و گروهی خورشید را می‌پرستیدند «۱» (و شاید به همین دلیل سه بار استدلال کرد) . ۲. بزرگی و کوچکی اجسام در عبودیت تأثیری ندارد، مهم آن است که این اجسام مادی، ناپایدار و زوال‌پذیرند، پس نمی‌توانند خدا باشند. ولی ابراهیم علیه السلام راه توحید را گام به گام پیمود؛ اول عبادت سیاره، بعد ماه و بعد خورشید را بررسی و نقد کرد. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برائت از شرک، فریادی ابراهیمی است. ۲. اول استدلال کنید و اگر مؤثر نشد، برائت و بیزاری بجویید. ۳. در استدلال، گام به گام و از کوچک به بزرگ پیش بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هفتاد و نهم سوره‌ی انعام به

توحید و حق‌گرایی ابراهیم علیه السلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۷۹. إِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّموتِ وَالْأَرْضَ حَنِیفاً وَمَآ أَنَاْ مِنَ الْمُشْرِکِینَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۸ براستی که من حق‌گرایانه رویِ (وجود) خود را به سوی کسی متوجه کردم، که آسمان‌ها و زمین را شکافته [و آفریده است. و من از مشرکان نیستم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام مظهر توحید خالص و حق‌گرایی است. «۱» او بـا تمام وجود رو به سوی خـدا آورد و توحیـد را فریاد زد و از شـرک و بت‌پرستی بیزاری جست، تا الگو و آموزه‌ای برای همه‌ی جهانیان باشد. ۲. «فَطَر» به معنای شکافتن از طول است و به خلق و آفرینش هم «فطر» گفته می‌شود؛ زیرا جهان به صورت توده‌ی واحـدی بود که شـکافته شـد و خلق گردید؛ شاید این تعبیر اشاره به انفجار بزرگ در پیدایش جهان باشد. «۲» ۳. واژه‌ی «وَجه» به معنـای ذات و صورت می‌آیـد و از آن‌جـا که در هنگام توجه به کسـی یا چیزی، انسان صورت خود را به آن طرف می‌گردانـد، این تعـبیر نشـان دهنـده‌ی توجه و عنـایت به یـک مطلب است؛ آری، ابراهیم بـا تمـام وجود رو به سوی خـدا داشت. ۴. مراحل و منازل سـیر و سـلوک تا ترنم خلیلی: امام عارفان در این مورد می‌نویسند: انسان سالک پس از آن‌که، متسنّن به سنن الهیّه و متلبّس به لباس شـریعت شد و اشـتغال به تهذیب باطن و تصقیل سرّ و تطهیر روح و تنزیه قلب پیدا کرد، کم کم از انوار غیبیه‌ی الهیه در مرآت (آئینه) قلبش تجلّیـاتی حاصل شود و با جـذبه‌های باطنّیه و عشق فطری جبلّی، مجـذوب عالم غیب گردد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۳۹ و پس از طی این مراحل، سلوک الی اللَّه با دست‌گیری باطنی غیبی شروع شود و قلب، حق‌طلب و حق‌جو شود و وجهه‌ی قلب از طبیعت منسلخ و به حقیقت منسلک گردد و با جذوه‌ی نار محبت و نور هدایت که یکی رفرف عشق و یکی براق سیر است، به سوی کوی محبوب و جمال جمیل ازل رهسپار شود و دست و رو از آلودگیِ توجه به غیر، شـست وشو دهـد و با قلب پاک از آلودگی به رجز (: پلیدی) شـیطان که حقیقت سوائیت (: جدایی) و اصل اصول شجره‌ی منحوسه‌ی خبیثه‌ی غیریّت و کثرت است، متوجه مقصـد و مقصود گردد و مترنّم به «وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذِی فَطَرَ السَّمـاوَاتِ وَالْأَرْضَ» گردد و خلیـل آسـا، تنفر از آفلین (: غروب کننـدگان) که مقار نقص و رجز است، پیـدا کنـد و توجه به کمال مطلق، نقشه‌ی قلب او گردد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه صحیح توحید، حق‌گرایی و دوری از شـرک است. ۲. هم‌چون ابراهیم علیه السـلام، توحید شـما همراه با برائت از مشرکین باشد. ۳. هر گاه راه را یافتید، با قاطعیت اعلام کنید و پیش بروید و از تنهایی نهراسید. ۴. با مطالعه در آفرینش جهان، به توحید و خداشناسی برسید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۰ قرآن کریم در آیه‌ی هشتادم سوره‌ی انعام به گفت وگوی مشرکان و ابراهیم علیه السـلام در باره‌ی خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۰. وَحَآجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحجُّونِّی فِی اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَ لَآأَخَافُ مَا تُشْرِکُونَ بِهِ إِلَّآ أن یَشَآءَ رَبِّی شَیْئاً وَسِعَ رَبِّی کُلَّ شَیْءٍ عِلْماً أَفَلَا تَتَذَکرُونَ و [لی قومش به بحث [و جدل با او پرداختند؛ [ابراهیم گفت: «آیا در باره خدا با من گفتگو (و جدل) می‌کنید؟! و حال آنکه (خدا مرا) راهنمایی کرده است؛ و من از آنچه شـریک او قرار می‌دهید، ترسـی ندارم (و به من زیـانی نمی‌رساننـد،) مگر پروردگـارم چیزی را بخواهـد؛ علم پروردگـارم بر هر چیز گسترده است؛ آیا (غافلیـد) و متـذکّر نمی‌شویـد؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشـرکان می‌کوشـیدند، ابراهیم علیه السـلام را از عقیـده‌ی توحیـدی‌اش باز دارنـد و به بت‌پرستی بکشانند، ولی او با شـهامت کامل مقاومت کرد و با دلایل منطقی به آنان پاسخ داد. ۲. تعبیر ابراهیم علیه السلام که گفت: «مگر این که خدا بخواهد.»، برای آن بود که بگوید: اگر در گیر و دار مبارزه حادثه‌ای برای او پیش آید، ربطی به بت‌ها ندارد، بلکه خواست پروردگار است؛ چرا که بت‌های بی‌شعور و بی‌جان نمی‌تواننـد به کسـی زیان برسانند. ۳. اشـاره به علم بی‌کران الهی، دلیل دیگری اسـت بر این که از بت‌هـا کـاری سـاخته نیست؛ یعنی بت‌هـایی که علم و آگـاهی ندارنـد، نمی‌تواننـد منشأ سـود و زیـان باشـند. ۴. مشـرکان دچار توهّمات و خرافات بودند و از بت‌ها و آسیب رساندن آنها می‌ترسیدند؛ یعنی ترس، عامل شرک‌ورزی آنان بود، اما انسـان موحّـِد از این خرافـات و ترس‌ها به دور است. آری، انسان موحّـِد نه از جمعیت زیاد می‌ترسـد و نه از بت‌ها؛ و در مقابل همه می‌ایسـتد و سخن حق خود را می‌گوید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۱ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هدایت و توحید، عامل شجاعت است. ۲. اگر مخالفـان با شـما بحث کردنـد، به آنان پاسـخ مناسب بدهیـد. ۳. موحّدان از شـرک (و مشـرکان) نهراسـند (که خدا با

آنهاست). ۴. سود و زیان شما به دست خدای داناست (پس، از مشرکان نهراسید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و یکم سوره‌ی انعام مقایسه‌ی منطقی مشرکان با ابراهیم موحد را حکایت می‌کند و می‌فرماید: ۸۱. وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطناً فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ و چگونه از آنچه شریک (خدا) قرار می‌دهید، بترسم؟ و حال آنکه شما نمی‌ترسید از اینکه چیزی را شریک خدا قرار می‌دهید، که هیچ دلیلی در باره آن بر شما فرو نفرستاده است. پس اگر می‌دانید، کدام یک از دو دسته (بت‌پرستان و خداپرستان)، به امنیت سزاوارترند؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. هیچ دلیل و برهانی بر پرستش بت‌ها وجود ندارد؛ زیرا چنین دستوری، یا باید از طریق عقل اعلام شود و یا وحی و نبوت، ولی هیچ یک از این دو نبود؛ پس مشرکان برهان ندارند. «۱» ۲. این آیه مشرکان را سرزنش می‌کند که چرا از خدا نمی‌ترسید و برای او شریک قرار می‌دهید بت‌پرستان «اللّه» را به عنوان خالق آسمان‌ها و زمین پذیرفته بودند و فقط بت‌ها را در عبادت او شریک می‌دانستند. منطق ابراهیم علیه السلام در آیه‌ی فوق یک منطق عقلی است که می‌گوید: شما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۲ مرا تهدید به خشم بت‌هایی می‌کنید که تأثیر وجودی آنها موهوم است، اما از خشم خدایی که من و شما هر دو او را پذیرفته‌ایم، وحشتی ندارید؛ یعنی چرا یک موضوع قطعی را رها کرده و به یک موضوع موهوم چسبیده‌اید. ۳. ابراهیم علیه السلام در بحث و مناظره، وجدان و عقل افراد را به داوری می‌طلبید و تعصّب به خرج نمی‌داد و با این‌که حق با او بود، می‌گفت: «کدام یک از ما به امنیت سزاوارتر است؟». آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحید امنیت به بار می‌آورد (بر خلاف شرک). ۲. شرک عقیده‌ای بی‌منطق و بی‌دلیل است (بر خلاف توحید). ۳. اگر امنیت می‌خواهید، از شرک دوری گزینید و به سوی توحید روی آورید. ۴. هم‌چون ابراهیم علیه السلام، تابع برهان و دلیل باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و دوم سوره‌ی انعام به شرایط ایمان و نتایج آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۲. الَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَمْ يَلْبِسُواْ إِيمنَهُم بِظُلْمٍ أُوْلَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُم مُّهْتَدُونَ کسانی که ایمان آوردند، و ایمانشان را با ستم (شرک) نیامیختند، امنیت تنها برای آنهاست؛ و آنان ره‌یافتگانند!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ابراهیم علیه السلام در سخن خویش، که در آیه‌ی قبل بیان شد، اشاره کرد که ایمان موجب امنیت و شرک موجب ترس و ناامنی است و اینک در این سخن «۱» این قانون کلی را بیان می‌کند که هر کس ایمان آورد و به خویشتن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۳ ستم نکند و ایمانش را با شرک آلوده نسازد، به هدایت الهی دست یافته است و در امنیت خواهد بود. ۲. مقصود از «امنیت» در آیه‌ی فوق، معنای اعم آن است که شامل امنیت از حوادث دردناک اجتماعی و امنیت از مجازات پروردگار و آرامش روحی می‌شود. یعنی زمانی جنگ‌ها، مفاسد، جنایات و ناراحتی‌های روحی از بین می‌رود و بشریت به آرامش دست می‌یابد که دو اصل ایمان و عدالت بر جهان حاکم شود و کفر و شرک و ستم از جهان رخ بر بندد. «۱» ۳. در برخی احادیث از اهل بیت علیهم السلام حکایت شده که منظور از آیه‌ی فوق آن است که امنیت برای کسانی است که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله به ولایت ایمان آورند و آن را با ولایت و رهبری دیگران مخلوط نکنند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۴ روشن است که این‌گونه روایات، در حقیقت، بطن آیه‌ی قرآن را بیان می‌کند؛ یعنی در آیه سخن از رهبری و ولایت خدا و آمیخته نکردن آن با رهبری غیر اوست و رهبری علی علیه السلام هم پرتوی از رهبری خدا و پیامبر است؛ پس اگر معنای آیه را توسعه دهیم و ملاک و روح و بطن آیه را به دست آوریم، شامل ولایت علی علیه السلام نیز می‌شود. اما معنای آیه منحصر در این مفهوم نیست و از این روست که در برخی دیگر از احادیث آیه‌ی فوق بر خوارج تطبیق شده که از ولایت خدا بیرون رفتند و تحت ولایت شیطان قرار گرفتند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرک، ظلم به خویشتن است. ۲. ظلم (و شرک) آفت امنیت و هدایت انسان است. ۳. اگر امنیت و هدایت می‌خواهید، ایمان آورید و از ظلم و شرک دوری کنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشتاد و سوم سوره‌ی انعام یک نتیجه‌ی کلی از دلایل ابراهیم علیه السلام می‌گیرد و می‌فرماید: ۸۳. وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ ءَاتَيْنَهَآ إِبْرهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجتٍ مَّن نَّشَآءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ و این [ها] دلیل ما بود که آنها را به ابراهیم در برابر قومش دادیم! رتبه‌های هر کس را بخواهیم (و شایسته باشد) بالا می‌بریم؛ براستی که پروردگار تو، فرزانه‌ای داناست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم،

ص: ۱۴۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. استدلال‌های ابراهیم، جنبه‌ی منطقی داشت و او با نیروی عقل و الهام از فطرت بدانها رسیده بود، ولی چون نیروی عقل و فطرت هم از ناحیه‌ی خداست، همه‌ی این استدلال‌ها از مواهب الهی شمرده می‌شود. ۲. واژه‌ی «تِلک» برای اشاره به دور است، ولی گاهی اهمیت موضوع و بلندپایه بودن آن سبب می‌شود که یک موضوع نزدیک، مثل دلایل ابراهیم علیه السلام بر توحید، با اسم اشاره‌ی دور ذکر شود. «۱» ۳. دو واژه‌ی «حکیم» و «علیم» در پایان آیه، اشاره دارد که خدا درجات افراد را بر اساس آگاهی به شایستگی آنان و موافق موازین حکمت می‌دهد و تبعیضی قایل نمی‌شود؛ به عبارت دیگر، اراده‌ی الهی تابع علم و حکمت اوست و بدون دلیل درجه‌ی کسی را بالاـ نمی‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا، با الهام دلایل، به رهبران الهی یاری می‌رساند. ۲. درجات معنوی شما به دست خداست و براساس علم و حکمت تنظیم می‌شود. ۳. در برابر مردم، براساس حجّت و دلیل سخن بگویید. *** قرآن کریم در آیات هشتاد و چهارم تا هشتاد و هفتم سوره‌ی انعام به نعمت‌های الهی بر ابراهیم و نسل او و تأثیر نیکوکاری آنها در این باره اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۸۴– ۸۷. وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحاً هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهٰرُونَ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۶ الْمُحْسِنِينَ* وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِينَ* وَإِسْمٰعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطاً وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعٰلَمِينَ* وَمِنْ ءَابَائِهِمْ وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَإِخْوٰنِهِمْ وَاجْتَبَيْنٰهُمْ وَهَدَيْنٰهُمْ إِلَىٰ صِرٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ و اسحاق و یعقوب را به او [: ابراهیم بخشیدیم؛ در حالی که همگی را راهنمایی کردیم؛ و نوح را پیش از (این) راهنمایی نمودیم؛ و از نسل او، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (راهنمایی کردیم)؛ و اینگونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم!* و (نیز) زکریا و یحیی و عیسی و الیاس (را راهنمایی کردیم)؛ در حالی که همگی از شایستگانند.* و اسماعیل و الیَسَع و یونس و لوط (را راهنمایی کردیم)؛ و همگی را بر جهانیان برتری دادیم.* و از پدرانشان و نسل آنان و برادرانشان (برخی را بر جهانیان برتری دادیم) و آنان را برگزیدیم؛ و ایشان را به راه راست، راهنمایی کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. نسل نیکو و فرزندان صالح، لایق و برومند، یکی از موهبت‌های الهی است که خداوند به افرادی همچون ابراهیم علیه السلام عنایت می‌کند. این عنایت الهی نوعی سپاس‌گزاری نسبت به زحمات ابراهیم علیه السلام و فداکاری او در راه توحید است، هر چند تربیت پدر و شایستگی فرزندان نیز در این باره اثر دارد. ۲. در این آیات اشاره به اسحاق شد، اما به فرزند دیگر حضرت ابراهیم، یعنی اسماعیل، در آیات بعد اشاره می‌شود. شاید این به خاطر تولد عجیب اسحاق بود که از مادری عقیم و پیر به دنیا آمد که خود موهبتی مضاعف بود. ۳. آیات فوق با تأکید بر هدایت فرزندان ابراهیم، «۱» بدین نکته اشاره دارد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۷ که پیامبرزادگی به تنهایی نمی‌تواند مایه‌ی افتخار باشد، بلکه افتخارات در سایه‌ی هدایت و نیکوکاری حاصل می‌شود. ۴. قبل از ابراهیم علیه السلام نیز پیامبران بزرگی همچون نوح، بودند؛ نوح نخستین پیامبر اولوالعزم و دارای شریعت بود و ابراهیم ادامه دهنده‌ی خط توحیدی پیامبران قبلی بود. ۵. در این آیات نام ۱۷ تن از پیامبران الهی آمده است. در آیه‌ی اول نام پیامبرانی آمده که غالباً حکومت داشتند؛ در آیه‌ی دوم نام پیامبرانی آمده که زاهدانه زندگی کردند؛ و در آیه‌ی سوم نام پیامبرانی آمده که مشکلات ویژه‌ای داشتند» و هجرت کردند. ۶. سنت هدایت بشر توسط پیامبران، همواره جریان داشته است، و هدایت بی‌جهت به افراد داده نمی‌شود، بلکه بر اساس اعمال نیک و شایستگی آنان است. ۷. در این آیات، عیسی علیه السلام از فرزندان ابراهیم شمرده شده است، با این‌که او پدر نداشت و فقط از طرف مادر به ابراهیم علیه السلام منسوب بود. این دلیل بر آن است که سلسله‌ی نسب از طرف پدر و مادر یکسان است و نوه‌های پسری و دختری هر دو فرزند انسان محسوب می‌شوند. ۸. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام به آیه‌ی فوق استدلال شده که امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرزندان و ذرّیه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، همان‌طور که عیسی فرزند و ذرّیه‌ی ابراهیم بود. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۸ ۹. «الیَسَع» نام یکی از پیامبران پیشین، از نسل ابراهیم علیه السلام بود «۱» و حضرت «لوط» برادرزاده یا خواهرزاده‌ی ابراهیم علیه السلام بود، امّا در لغت عرب گاهی لفظ «اب» (: پدر) به عمو نیز گفته می‌شود، همان‌طور که لفظ ذُرّیه (: نسل) و فرزند، به برادرزاده و خواهرزاده نیز گفته

می‌شود؛ پس مانعی نـدارد که بر اساس ظاهر آیه، لوط را منسوب به ابراهیم بـدانیم. «۲» ۱۰. در مورد حضرت «یونس» بین مورخان اختلاف هست؛ برخی او را از نسل ابراهیم شـمرده و برخی او را یکی از پیامبران بنی اسـرائیل دانسـته‌اند، ولی اشـکالی نـدارد که بر اساس ظاهر آیه، یونس را منسوب به ابراهیم علیه السـلام بـدانیم. «۳» ۱۱. برخی مفسـران تعبیرات «برگزیدن و هدایت نمودن» را در آیه‌ی فوق دلیل بر نبوت گرفته‌انـد؛ بنابراین، معنای آیه این می‌شود که برخی از پدران و فرزندان و برادران پیامبران را به مقام نبوّت برگزیدیم. با توجه به این تفسیر، لازم نیست بگوییم برخی پدران پیامبران هدایت شده و برخی هدایت نشده‌اند، بلکه می‌توان گفت همه‌ی پـدران پیـامبران بـا ایمـان و هـدایت یافته بودنـد اما برخی از آنان به مقام نبوّت نرسـیدند. «۴» ۱۲. هدف از بیان داسـتان‌های پیامبران در قرآن چیست؟ امام عارفان در این مورد می‌نویسـند: تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۴۹ عزیزا! این آیات الهیّه و تعالی ربانیّه برای بیدار کردن ما بیچاره‌های خواب و هشـیار نمودن ما سرمسـتان غافل آمده. این قصص قرآنیّه که حاصل معارف تمام انبیا و خلاصه‌ی سـیر و رشد همه‌ی اولیا و بیان درد و درمان هر عیب و مرض نفسانی و نور هدایت طریق الهی و انسانی است، برای قصه گفتن وتاریخ عالَم نیامده. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسل نیکو از مواهب الهی است. ۲. مواهب الهی براساس نیکوکاری و شایستگی افراد عطا می‌شوند. ۳. پیامبران نیکوکار و صالح و برتری آنان را بر جهانیان بشناسـید (و راه مسـتقیم آنها را ادامه دهید). *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و هشـتم سوره‌ی انعـام به هـدایت پیـامبران توسـط خـدا و نـابودی اعمـال به وسـیله‌ی شـرک اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۸۸. ذلِکَ هُـدَی اللَّهِ یَهْـدِی بِهِ مَن یَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْـرَکُواْ لَحَبِطَ عَنْهُم مَّا کَانُواْ یَعْمَلُونَ این، رهنمود خـداست؛ که هر کس از بندگانش را (شایسـته بداند و) بخواهد، با آن راهنمایی می‌کند! و اگر (بر فرض) شـرک ورزند، آنچه همواره انجام داده‌اند حتماً از ایشان تباه می‌شود. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیامبران الهی با نیروی عقل در طریق هدایت گام برمی‌داشتند، ولی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۰ اگر توفیق الهی شامل حال آنان نمی‌شـد، به نعمت نبوت و هدایت دست نمی‌یافتند. ۲. این آیه به این قانون و سنت الهی اشاره دارد که شرک موجب نابودی اعمال نیک افراد می‌شود؛ چرا که همه‌ی برکات و هدایت‌ها و سعادت‌های دنیوی و اخروی در سایه‌ی توحید به دست می‌آید و اگر کسـی از خط راست توحید منحرف شود، تمام تلاش‌های قبلی خود را ضایع ساخته است. ۳. پیامبران نیز مشـمول قوانین الهی هسـتند و از این نظر فرقی با دیگران ندارند و تبعیض در کار خدا نیست؛ پس اگر آنان نیز مشـرک شونـد، اعمالشـان نابود می‌شود؛ البته پیامبران معصوم هسـتند و مشـرک نمی‌شونـد. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. شـرک، عامل نابودی اعمال نیک انسان است. ۲. هدایت موهبتی الهی است که با لطف و توفیق خدا شامل حال افراد می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی هشـتاد و نهم سوره‌ی انعـام به سه امتیـاز پیـامبران الهی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۸۹. أُوْلئِکَ الَّذِیـنَ ءَاتَیْنهُمُ الْکِتبَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِن یَکْفُرْ بِهَا هؤُلَآءِ فَقَدْ وَکَّلْنَا بِهَا قَوْماً لَّیْسُواْ بِهَا بِکفِرِینَ آن (پیامبر) ان کسانی هستند که کتاب [الهی و حکم و نَبوّت به آنان دادیم؛ واگر آن (کافر) ان بـدان کفر ورزند، پس حتماً گروه (دیگر) ی را حمایتگر (و نگهبان) آن می‌سازیم که بدان کافر نیسـتند. تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از آیه‌ی فوق آن نیست که به همه‌ی پیامبران «کتاب» داده شـده است، بلکه مقصود آن است که به پیامبران، تعدادی کتاب داده شده است؛ به برخی از پیامبران مسـتقیم و به برخی دیگر غیرمستقیم. ۲. واژه‌ی «حکم» در اصـل به معنـای «منع و جلوگیری» است، اما در آیه‌ی فوق ممکن است به معنای «درک و فهم» یا «مقام داوری» و یا «زمامداری» باشد؛ چرا که هر سه مورد مانع اشـتباهات و سـتم‌هاست. این واژه در قرآن کریم به هر سه معنا به کار رفته است «۱» و مـانعی نـدارد که در آیه‌ی فوق هر سه معنـا مقصود باشـد؛ یعنی برخی از پیـامبران دارای بعضـی از این مقامات بودنـد. ۳. هر گاه کافران از دین و نبوّت سـر باز زننـد، قومی دیگر به جای قوم عرب می‌آیـد و دین اسـلام را می‌پذیرد «۲» و از آن محافظت می‌کنـد. برخی مفسـران بر آنانـد که مقصود آیه، ملت ایران است که زود اسـلام را پذیرفتند و در پیشـرفت آن کوشـیدند و دانشـمندان آنها کتاب‌های زیادی در رشته‌های مختلف تألیف کردند. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه حق بی‌طرف‌دار نمی‌ماند و ادامه خواهد یافت. ۲. مقامات پیامبران الهی و کتاب‌های آنها را بشناسـید و بدانها کفر نورزید. *** تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۲ قرآن کریم در

آیه‌ی نودم سوره‌ی انعام پیامبران الهی را الگویی برای رهبر اسلام معرفی می‌کند و با یادآوری زحمات بدون مزد آنان می‌فرماید: ۹۰. أُوْلَئِکَ الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُل لَّآأَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِنْ هُوَ إِلَّا ذِکْرَی لِلْعَلَمِینَ آن (پیامبر) ان کسانی هستند که خدا (آنان را) راهنمایی کرده؛ پس از هدایت آنان پیروی کن! بگو: «از شما هیچ پاداشی بر این (رسالت) نمی‌طلبم؛ این (رسالت و قرآن چیزی) جز یادآوری برای جهانیان نیست!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصول دعوت پیامبران الهی یکی است، اما از نظر ویژگی‌ها، به تناسب نیازمندی‌های زمان و مکان، متفاوت است و هر دین جدید، نسبت به ادیان قبل کامل‌تر شده تا به برنامه‌ی نهایی اسلام رسیده است؛ بنابراین بر پیامبران و رهبران الهی لازم است که اصول اعتقادی ادیان الهی (مثل توحید و معاد) و اصول اخلاقی (مثل نیکی به دیگران) را بپذیرند «۱» و همان خط را دنبال کنند. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به هدایت پیامبران قبلی اقتدا می‌کرد، با این حال اسلام ناسخ ادیان قبلی است؛ چون اسلام اصول کلی ادیان قبل را نسخ نکرد، بلکه قسمتی از احکام شریعت آنها را نسخ کرد. ۳. در این آیه اشاره شده که اقتدا به هدایت پیامبران پیشین نیز حالت استقلالی ندارد، بلکه هدایت آنان از آن جهت مطلوب است که هدایت الهی است. ۴. در حدیثی از امام صادق علیه السلام حکایت شده که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۳ هیچ راهی برای مؤمنان زیرک سالم‌تر از اقتدا نیست؛ چون آن راه واضح‌تر و مقصد استوارتر است. (سپس با ذکر آیه‌ی فوق فرمود) اگر برای دین خدا راهی استوارتر از اقتدا بود، پیامبران و اولیای خود را به آن تشویق می‌کرد. «۱» ۵. ارزش انسان‌ها به خط فکری و سیره‌ی عملی آنان است؛ از این رو نفرمود به خود پیامبران اقتدا کن، بلکه فرمود به «هدایت پیامبران» اقتدا کن. ۶. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در برابر رسالت خویش پاداش مادی نمی‌خواست؛ چون اولًا، در این مورد به روش پیامبران قبلی اقتدا می‌کرد «۲» و ثانیاً، رسالت او یک ودیعه‌ی الهی بود و او وظیفه‌ی رساندن آن را داشت و ثالثاً، نعمت قرآن، هدایت و رسالت، یک نعمت همگانی، هم چون نور خورشید و بارش باران است که جنبه‌ی عمومی دارد و خرید و فروش نمی‌شود. این یکی از تفاوت‌های راه پیامبران با سایر رهبران در دنیاست. ۷. رسالت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مایه‌ی بیداری و تذکر جهانیان است. از این تعبیر استفاده می‌شود که آیین اسلام جنبه‌ی قومی و منطقه‌ای ندارد، بلکه یک آیین جهانی و همگانی است. «۳» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خط همه‌ی پیامبران یکی است و به هدایت الهی ختم می‌شود. ۲. رهبران الهی و مبلغان دینی برنامه‌ی پیامبران پیشین را الگوی خود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۴ قرار دهند. ۳. مبلّغ دینی لازم است به مردم بفهماند که در پی دنیاطلبی نیست. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و یکم سوره‌ی انعام از کسانی انتقاد می‌کند که خدا را چنان‌که باید نشناخته‌اند و از این رو به پیامبرش خرده می‌گیرند و می‌فرماید: ۹۱. وَمَا قَدَرُواْ اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُواْ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ عَلَی بَشَرٍ مِّن شَیْءٍ قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْکِتبَ الَّذِی جَآءَ بِهِ مُوسَی نُوراً وَهُدیً لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِیسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ کَثِیراً وَعُلِّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُواْ أَنتُمْ وَلَا ءَابَاؤُکُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِی خَوْضِهِمْ یَلْعَبُونَ و هنگامی که گفتند: «خدا، هیچ چیز بر هیچ بشری فرو نفرستاده است!» خدا را به حقیقتِ معرفتش نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتاب را که موسی آورد، فرو فرستاد؟! در حالی که (آن کتاب) برای مردم، نور و رهنمود بود؛ (و) آن را به صورت صفحه (کاغذ) های پراکنده قرار می‌دهید؛ که (بخشی را) آشکارش می‌کنید، و (بخش) زیادی را پنهان می‌دارید؛ و حال آنکه آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید، (بوسیله آن) آموزش داده شدید.» بگو: «خدا!» سپس آنان را در فرو رفتنشان (در باطل) رها کن؛ در حالی که بازی می‌کنند! شأن نزول: حکایت شده که گروهی از یهودیان یا مشرکان «۱» به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله گفتند: آیا به‌راستی خدا کتابی بر تو فرستاده است؟ و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله پاسخ مثبت دادند، آنان گفتند: به خدا سوگند که خدا هیچ کتابی از آسمان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۵ فرو نفرستاده است. «۱» آن‌گاه آیه‌ی فوق فرود آمد و به آنان پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه یهودیان و مشرکان «۲» را به عقیده‌ی خودشان الزام می‌کند و می‌گوید: شما که منکر نزول وحی هستید، چرا منکر نزول تورات بر موسی نیستید؟ مشرکان نیز دین موسی و تورات را برای یک عصر خاص قبول داشتند و حتی برای جست‌وجوی علایم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به یهود مراجعه می‌کردند. ۲. آیه‌ی فوق یهودیان را مذمّت می‌کند که چرا

تورات را روی کاغذهای «۳» پراکنده می‌نوشتند و فقط آنچه به سودشان بود، به مردم عرضه می‌کردند و آنچه به زیانشان بود مخفی می‌کردند. ۳. مقصود از جمله‌ی «خدا را آن چنان که شایسته است نشناختند»، چیست؟ این جمله، یا اشاره به صفت حکمت خداست؛ بدین معنا که هر کس خدا را خوب بشناسد می‌داند که حکیم است و انسان را برای هدفی آفریده و در این راه احتیاج به برنامه‌ای خاص دارد که باید از طریق وحی و کتاب تأمین شود. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۶ و یا اشاره به رحمت عام و خاص خداست که هر کس خدا را با صفت رحمت بشناسد، می‌داند که خدا اجازه نمی‌دهد انسان در مسیر سعادت تنها بماند و کسی و برنامه‌ای را برای راه‌نمایی او نفرستد. و برخی مفسران برآن‌اند که منظور آن است که خدا را به حقیقت معرفتش نشناختند و یا بزرگی خدا را، چنان‌که باید، بزرگ نداشتند. «۱» البته مانعی ندارد که هر سه معنا مقصود آیه باشد. بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد ورنه سزاوار خداوندی‌اش کس نتواند که به جای آورد (سعدی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از راه‌ها و منابع معرفت بشری وحی است. ۲. منکران قرآن، خدا (و صفات حکمت و رحمت و لطف او) را نشناخته‌اند. ۳. با اهل کتاب براساس مبانی خودشان بحث و استدلال کنید. ۴. اگر استدلال‌های شما بر مخالفان اثر نگذاشت، توحید را تذکر دهید و از آنها روی بگردانید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۷ خدای متعال در آیه‌ی نود و دوم سوره‌ی انعام به مبارك بودن قرآن و هدف نزول آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۲. وَهـذَا كِتبٌ أَنزَلْنَهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِى بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ و این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ که آنچه [از کتابهای الهی پیش از آن آمده است را مؤیِّد است. و برای اینکه (مردم) امُّ القُری [: مادر شهرها: مکّه و کسانی را که پیرامون آن هستند، هشدار دهی! و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند، به آن [قرآن ایمان می‌آورند، در حالی که آنان بر نمازهایشان محافظت می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از تصدیق کتاب‌های آسمانی توسط قرآن چیست؟ منظور آن است که اصول اساسی تعالیم آنها (مثل توحید)، مورد تأیید قرآن است و یا آن که قرآن با نشانه‌هایی که در آن کتاب‌ها آمده بود تطبیق می‌کند. ۲. در این آیه دو نشانه برای حقانیّت قرآن بیان شده است: یکی از نظر سند تاریخی، یعنی تصدیق و مطابقت با کتاب‌های قبلی، و دیگری از نظر محتوایی که قرآن در بردارنده‌ی خیر و برکت و سعادت بشر است. ۳. در این آیه، «هشدار» هدف قرآن معرفی شده، اما به بشارت و اهداف دیگر قرآن اشاره نشده است؛ چرا که روی سخن قرآن در این‌جا با منکران و مشرکان سرکش و طغیان‌گر است؛ و هشدار به اشخاص طغیان‌گر از مهم‌ترین برنامه‌های قرآن کریم است؛ و شاید از این روست که در قرآن ۱۲۰ بار هشدار و ۸۰ بار بشارت آمده است. ۵. آیین اسلام جهانی است. دلایل و شواهد زیادی در این باره وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۸ الف) آیاتی که پیامبر را دعوت کننده‌ی تمام مردم جهان معرفی می‌کند. «۱» ب) نامه‌های پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به زمامداران بزرگ دنیا، مانند کسری و قیصر. ج) تعبیر «کسانی که پیرامون آن هستند» در آیه‌ی فوق، که به معنای تمام مردم روی زمین است که گرداگرد مکه قرار دارند. «۲» ۶. مکه، «ام القُری»، «۳» یعنی مادر شهرهاست؛ پس لازم است که تغذیه‌ی علمی، روحی و امیدبخشی جهان اسلام از آن‌جا تأمین شود و نقش مادر جهان اسلام را داشته باشد. ۷. شاید تعبیر هشدار به مردم مکه برای آن باشد که تبلیغ و دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله مراحلی دارد؛ از دعوت خویشاوندان شروع می‌شود و بعد به مردم شهر و منطقه و سپس به همه‌ی مردم جهان می‌رسد. ۸. هر کس ایمان به آخرت دارد، به قرآن ایمان می‌آورد؛ چون این‌گونه افراد، جهان را مقدمه‌ای برای رسیدن به یك هدف عالی می‌دانند که برای حرکت به سوی آن هدف، برنامه و وحی و کتاب لازم است. ۹. در آیه‌ی فوق از بین تمام دستورات دینی تنها به نماز اشاره شده است؛ نماز که مظهر پیوند با خداست، از همه‌ی عبادات برتر است و به تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۵۹ عقیده‌ی برخی از مفسران، تنها فریضه‌ی اسلامی در هنگام نزول این آیات، نماز بود. «۱» و منظور از محافظت بر نماز، مراقبت برای انجام آن، یا در مورد وقت نمازهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن بابرکت و هشدارگر است. ۲. عقیده به جهان دیگر، زمینه‌ساز عقیده به قرآن است. ۳. قرآن‌باوری و

معادباوریِ افراد را تقویت کنید تا به نماز اهمیت دهند. ۴. اگر برکت می‌خواهید، به محضر قرآن بروید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و سوم سوره‌ی انعام به مدعیان و دروغ‌پردازان حوزه‌ی وحی اشاره می‌کند و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۹۳. وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِباً أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَآ أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّلِمُونَ فِى غَمَرَتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَئِكَةُ بَاسِطُواْ أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُواْ أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ ءَايَتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بندد، یا گوید: «به سوی من، وحی فرستاده شده.» در حالیکه به سوی او هیچ چیزی وحی نشده است، و کسی که گوید: «بزودی نظیر آنچه را خدا فرو فرستاده، فرود می‌آورم؟!» و اگر (بر فرض) ببینی هنگامی را که ستمکاران در شداید مرگ فرو رفته‌اند، در حالی که فرشتگان دست‌هایشان را گشوده‌اند، (خواهی دید که وضع آنان بسیار دردناک است و فرشتگان به آنان می‌گویند:) جان‌هایتان را بیرون دهید! امروز به [سزای آنچه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۰ همواره بناحق بر خدا می‌گفتید، و (در برابر) نشانه‌های او همواره تکبر ورزیدید، به عذابی خوار کننده مجازات خواهید شد! شأن نزول: حکایت شده که شخصی به نام «عبد اللّه بن سعد» که برادر رضاعی عثمان و از نویسندگان وحی بود، خیانت کرد و پیامبر او را طرد نمود. او فرار کرد و ادعا نمود که من می‌توانم همانند آیات قرآن را بیاورم. «۱» آیه‌ی فوق در این مورد فرود آمد و به او و همه‌ی مدعیان نبوت هشدار داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مخالفان وحی و نبوّت سه گروه‌اند: نخست کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند و آیات الهی را تحریف می‌کنند؛ دوم، کسانی که می‌گویند وحی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل نشد و اصل وحی و نبوت را منکر می‌شوند؛ و سوم، کسانی که به دروغ ادعا می‌کنند که به زودی آیاتی همچون قرآن می‌آورند. گروه اول و سوم مطالب ناحق می‌گویند و گروه دوم در برابر نبوّت تکبر می‌ورزند؛ از این رو گرفتار عذابی خوارکننده می‌شوند. ۲. مدعیان دروغین وحی و نبوت، ستم‌کارند؛ زیرا با گمراه شدن و گمراه کردن دیگران بر خود و آنان ستم می‌کنند و چه ستمی بالاتر از این‌که کسی که لیاقت رهبری ندارد، ادعای رهبری الهی کند. ۳. مضمون و محتوای آیه‌ی فوق یک مطلب کلی و عمومی است و همه‌ی مدعیان نبوت را شامل می‌شود و حتی روح آیه شامل هر کسی می‌شود که به دروغ ادعای مقامی را بنماید که شایسته‌ی آن نیست. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۱ و در برخی احادیث نیز آمده است که تأویل آیه آن است که «هر کس ادعای امامت کند در حالی که امام نیست»، «۱» (مشمول این آیه می‌شود). «۲» ۴. تعبیر «جان خود را خارج سازید»، که خطاب به ستمگران است، نوعی تحقیر آنان از طرف فرشتگان مأمور قبض روح است، و گر نه خارج کردن روح به دست خود ستمکاران نیست، بلکه کار فرشتگان است. ۵. مجازات گناهکاران از همان لحظه‌ی جان دادن «۳» و مرگ با گشودن دست‌های فرشته‌های مرگ «۴» و تحقیر آنان آغاز می‌شود و با عذاب خوار کننده ادامه می‌یابد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ادعای رهبری الهی، از سوی نااهلان، بزرگ‌ترین ظلم (بر بشریت) است. ۲. مرگی سخت و عذابی خوار کننده در انتظار ستمکاران است. ۳. نسبت دادن مطالب غیرحق به خدا و تکبر در برابر آیات الهی از عوامل عذاب است. ۴. ستمکاری نکنید که گرفتار عذاب الهی می‌شوید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۲ ۵. تکبّر در برابر آیات الهی، پیامدی خوارکننده دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و چهارم سوره‌ی انعام به تنهایی انسان در قیامت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۴. وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَدَى كَمَا خَلَقْنَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُم مَّا خَوَّلْنَكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَآءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَؤُاْ لَقَد تَّقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنكُم مَّا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ و بیقین (به ستمکاران گفته می‌شود:) همان گونه که نخستین بار شما را (تنها) آفریدیم، (اکنون نیز) تنها به سوی ما آمده‌اید؛ و آنچه را به شما بخشیده بودیم، پشت سرتان نهاده‌اید! و شفاعتگران شما را، که می‌پنداشتید در واقع آنان در (کار شفاعت ما نسبت به) شما شریک هستند، با شما نمی‌بینیم! حتماً (پیوند) میان شما بریده شده است؛ و آنچه را همواره می‌پنداشتید از (نظر) شما گم شده است. شأن نزول: حکایت شده که یکی از مشرکان، به نام «نَضر»، گفت: در قیامت دو بت «لاتْ» و «عُزّی از من شفاعت خواهند کرد. این آیه بدین مناسبت فرود آمد و به او و افرادی که همانند او فکر می‌کنند پاسخ داد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان عرب بر سه چیز تأکید می‌کردند: قبیله،

اموال «۲» و بت‌ها. آیه‌ی فوق با اشاره به هر سه موضوع می گوید: در هنگام مرگ همه‌ی این‌ها از انسان جدا می‌شوند و او تنها می‌ماند. ۲. آیه‌ی فوق در مورد مشرکان عرب نازل شده، اما اختصاص به آنان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۳ ندارد و همه‌ی انسان‌ها در قیامت تنها هستند و تمام پیوندها و معبودها و تکیه گاه‌ها از انسان جدا می‌شوند. ۳. در برخی احادیث آمده است که مقصود از «فُرادی همان حالت عریانی است، یعنی انسان در لحظه‌ی تولد و بعد از مرگ، عریان است؛ و در برخی دیگر از احادیث، این آیه بر ستمگران بنی امیه تطبیق شده است. «۱» روشن است که این گونه احادیث از باب بیان مصداق و تطبیق بر موارد است و معنای آیه محصور در این موارد نیست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روز تنهایی و بی کسی است. ۲. در اندیشه‌ی روز تنهایی باشید (و برای آن روز چاره بیندیشید). ۳. به اموال و اطرافیان و معبودان غیرخدا دل نبندید که در رستاخیز کاری از آنان ساخته نیست. ***

نشانه های خدا

قرآن کریم در آیه‌ی نود و پنجم سوره‌ی انعام به سه نشانه‌ی خدا در زمین اشاره می کند و می‌فرماید: ۹۵. إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَىَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَىِّ ذلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ براستی که خدا، شکافنده دانه و هسته است؛ زنده را از مرده بیرون می‌سازد و بیرون آورنده مرده از زنده است؛ این خداست! پس چگونه (از حق) بازگردانده می‌شوید؟! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیرات این آیه به مهم‌ترین لحظه‌ی حیات گیاهان اشاره دارد که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۴ لحظه‌ی شکافتن دانه و هسته و تولید گیاه است. «۱» در این لحظات می‌توان به توانایی و عظمت خالق هستی پی برد. ۲. آیه‌ی فوق به نظام «۲» مرگ و حیات و تبدیل یکی به دیگری اشاره دارد. گاهی مواد بی‌جان، چهره‌هایی از حیات را به وجود می‌آورند و گاهی دگرگونی‌ها، حتی موجودات نیرومندی را از پای در می‌آورند و به موجودی بی‌جان تبدیل می کنند. مسأله‌ی حیات و مرگ، هنوز هم از پیچیده‌ترین مسائل علم بشر است و اسرار آن حلّ نشده است. پیامبران بزرگ الهی نیز با یادآوری عظمت پدیده‌ی حیات، بر وجود خدای توانا و حکیم استدلال کرده‌اند. «۳» ۳. در برخی احادیث آمده است که آیه‌ی فوق اشاره به پیدایش انسان‌های مؤمن از انسان‌های کافر و بالعکس دارد. «۴» روشن است که این‌گونه روایات در حقیقت مفهوم آیه را توسعه داده‌اند، تا شامل حیات و مرگ مادی و معنوی بشود؛ یعنی مؤمن که حیات معنوی دارد، از کافری که از نظر معنوی مرده است، پدید می‌آید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توجه به نشانه‌های خدا، از انحراف انسان جلوگیری می کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۵ ۲. با مطالعه در پیدایش گیاهان و نظام مرگ و زندگی، خداشناس‌تر شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و ششم سوره‌ی انعام به سه نشانه‌ی خدا در آسمان‌ها اشاره می کند و می‌فرماید: ۹۶. فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ الَّيْلَ سَكَناً وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَاناً ذلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيم (خدا) شکافنده صبح است؛ و شب را (مایه) آرامش، و خورشید و ماه را (وسیله) حساب قرار داده است؛ این، اندازه گیریِ (خدایِ) شکست‌ناپذیر داناست! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه تشبیه جالبی صورت گرفته است؛ یعنی تاریکی شب به پرده‌ی ضخیمی تشبیه شده که روشنایی سپیده دم، آن را می‌شکافد «۱» و توجه به آن انسان را به یاد خدا می‌اندازد. ۲. شب مایه‌ی آرامش است؛ زیرا انسان در برابر نور تمایل به تلاش دارد و سلول‌های او آماده‌ی فعالیت می‌شود، اما در هنگام تاریکی و شب سلول‌های بدن در یک حالت آرامش و استراحت قرار می گیرند و جهان طبیعت نیز به خواب می‌رود؛ از این رو مناسب‌ترین زمان برای استراحت، شب است. در احادیث نیز از کار، مسافرت و سر بریدن حیوانات در شب سرزنش شده، «۲» اما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۶ توصیه شده که مراسم ازدواج را در شب قرار دهید. «۱» ۳. «حُسبان» به معنای حساب کردن است و شاید مقصود آن باشد که گردش منظم و مرتب خورشید و ماه سبب می‌شود که شما زندگی خود را تحت نظام و حساب درآورید و زمان سال و ماه را محاسبه کنید. و احتمال دیگر در آیه‌ی فوق آن است که مقصود حساب و برنامه و نظام‌مندی خورشید و ماه است که حرکت آنها

میلیون‌ها سال ادامه دارد و یکی از نعمت‌ها و نشانه‌های خـداست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. از نشانه‌های خدا در صحنه‌ی آسمان، به علم و قـدرت الهی پی ببرید. ۲. بـا مطالعات کیهان‌شـناختی، خداشـناس‌تر شویـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هفتم سوره‌ی انعام به فواید سـتارگان آسمان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۹۷. وَهُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَـدُواْ بِهَا فِی ظُلُمتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ و او کسـی است که سـتارگان را برای شـما قرار داد، تـا بوسـیله آنهـا در تاریکی‌هـای خشـکی و دریا، راه یابیـد؛ بیقین نشانه‌ها (یِ خود) را برای گروهی که می‌دانند، تشریح نمودیم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۷ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ستارگان آسـمان همیشه راه‌نمـای خوبی در سـفرهای دریـایی و خشـکی برای بشـر هسـتند و گـاه سـبب نجـات انسان‌هـا از طوفان‌هـا و مرگ می‌شونـد. همین سـتارگان و مطالعه در مورد آنها سـبب پیـدایش علم هیئت یا کیهان‌شناسـی شده است. ۲. در برخی احادیث آمـده است که مقصود از سـتارگان، رهبران الهی، یعنی امامان هستند. «۱» روشن است که این‌گونه روایـات در حقیقت باطن قرآن را بیان می‌کنـد؛ یعنی معنای آیه را توسـعه می‌دهد و سـتارگان را اعم از مادی و معنوی و علمی معرفی می‌کند ولی آیه می‌تواند ناظر به هر دو معنای ظاهری و معنوی باشـد؛ رهبران الهی نیز مردم را از گمراهی‌ها و تاریکی‌های زندگی نجات می‌دهند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با مطالعات کیهان‌شناختی، خداشناس‌تر شوید. ۲. دانشـمندان، نشانه‌ها و آیات خدا را به خوبی متوجه می‌شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و هشـتم سوره‌ی انعام آفرینش انسان را یکی از نشانه‌های خـدا بیان می‌کنـد و می‌فرماید: ۹۸. وَهُوَ الَّذِی أَنشَأَکُم مِّن نَّفْسٍ وحِـدَةٍ فَمُسْـتَقَرٌّ وَمُسْـتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَفْقَهُونَ و او کسـی است که شـما را از یک شـخص پدیـد آورد. (و شـما دو گروه هستیـد:) پایـدار و ناپایـدار؛ بیقین نشانه‌هـا (یِ خود) را برای کسـانی که بطور عمیق بفهمنـد، تشریح نمودیم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۸ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان‌ها با چهره‌ها، ذوق‌ها، رنگ‌ها، افکار و انـدازه‌های متفاوت، بدون هیچ سابقه‌ای، از یک فرد آفریـده شـده و پرورش یافته‌اند. «۱» این نهایت عظمت آفریـدگار را نشان می‌دهـد. ۲. در تورات آمـده است که حوا، نخسـتین «مادر» انسان‌ها، از دنـده‌ی آدم آفریده شد. «۲» اما آیه‌ی فوق می‌فرمایـد: همه‌ی انسان‌ها از یک حقیقت واحـد آفریده شدند؛ و طبق احادیث اسـلامی، آدم و حوا از یک خاک آفریـده شـد و جنس آنها یکی بود. «۳» ۳. مقصود از «مُسـتقر» و «مُستودع» «۴» در آیه‌ی فوق چیست؟ مفسـران قرآن در این مورد چند احتمال داده‌اند: الف) «مستودع» یعنی افرادی که به صورت نطفه در وجود پدر هستند و آفرینش آنان پایان نیافته است و «مسـتقر» یعنی انسان‌هایی که آفرینش آنها کامل شـده است و در قرارگاه رحم یا روی زمین گام نهاده‌انـد. ب) مقصود از «مسـتودع» نطفه‌ی جنس نر انسان (یعنی اسپرماتوزئید) است که متحرک است و «مسـتقر» همان نطفه‌ی ماده (یا اوول) است که تقریباً تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۶۹ ثابت است. ج) مقصود از «مسـتودع» جسم انسان است که ناپایدار و فانی است و «مسـتقر» روح انسان است که پایدار است. د) «مستودع» انسان‌هایی هستند که ایمان ناپایدار دارند و «مستقر» انسان‌هایی هسـتند که ایمان پایـدار دارنـد. این مطلب در برخی احادیث نیز آمده است. «۱» البته ممکن است بگـوییم که این معـانی نوعی ذکر مصـداق است و مفهوم آیه وسیع است و شامل همه‌ی موارد می‌شود. «۲» ۴. انسان‌های نکته‌سـنج می‌توانند در آفرینش انسان عمیقاً بیندیشـند و خدای خود را بشناسند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. این همه تنوّع و نوآوری در آفرینش انسان، نشانه‌ی خـداست. ۲. با مطالعه در آفرینش و تنوع انسان‌ها، خداشناس‌تر شوید. ۳. ژرف‌اندیشی کنید تا نشانه‌ها و آیات الهی را بشناسید. *** قرآن کریم در آیه‌ی نود و نهم سوره‌ی انعام به نشانه‌های خـدا در طبیعت اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۹۹. وَهُوَ الَّذِی أَنزَلَ مِنَ السَّمَـآءِ مَآءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ کُلِّ شَـیْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِـراً نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبّاً مُّتَرَاکِباً وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِیَةٌ وَجَنتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّیْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهاً وَغَیْرَ مُتَشـبِهٍ انْظُرُواْ إِلَی ثَمَرِهِ إِذَآ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۰ أَثْمَرَ وَیَنْعِهِ إِنَّ فِی ذلِکُمْ لَـآیتٍ لِّقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ و او کسـی است که از آسـمان آبی فرو فرسـتاد؛ و بوسـیله آن، گیاهـان (گونـاگون) هر چیز را رویانـدیم؛ و از آن، (ساقه) سبزی، خارج ساختیم، که از آن دانه‌های متراکمی بر می‌آوریم، و از درخت خرما از شـکوفه‌اش، خوشه‌هایی نزدیک است و بوستان‌هایی از انگورها و زیتون و انار، همگون و نـاهمگون (رویانیـدم.) هنگامی که میوه می‌دهـد، به میوه آن و (طرز) رسـیدنش بنگریـد که حتماً در آن، نشانه‌هایی برای

گروهی است که ایمان می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از معانی واژه‌ی «آسمان» جوّ زمین و طرف بالاست؛ «۱» یعنی آب باران را از طرف بالا بر شما فرو فرستاد که منبع سایر نعمت‌ها و سبب رشد گیاهان و ادامه‌ی حیات حیوانات و انسان‌ها می‌شود. ۲. مفسران قرآن در مورد «روییدن هر چیز» دو احتمال را بیان کرده‌اند: الف) مقصود انواع گیاهان است که همه از یک آب و خاک به وجود می‌آیند، ولی با ویژگی‌های متفاوتی پرورش می‌یابند. ب) منظور گیاهان مورد نیاز حیوانات و انسان است؛ یعنی هر کدام از آنها، از این گیاهان بهره‌ای دارند. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد که هر دو نتیجه‌ی نزول باران و نشانه‌ی قدرت خداست. ۳. واژه‌ی «طَلْع» به معنای خوشه‌ی سربسته یا شکوفه‌ی خرماست که در غلاف سبز رنگ زیبایی پیچیده شده است و پس از شکافته شدن، از وسط آن رشته‌های باریکی بیرون می‌آید که به آن «قِنوان» گویند و از همین رشته خوشه‌های خرما تشکیل می‌شود که به هم‌دیگر نزدیک می‌شوند و به زمین تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۱ متمایل می‌گردند. «۱» ۴. تعبیر «با هم‌دیگر شباهت دارند و شباهت ندارند» که در آیه‌ی فوق آمده است ممکن است در مورد زیتون و انار باشد که این دو درخت از نظر ظاهری و ساختمان شاخه‌ها و برگ‌ها با هم شباهت زیادی دارند، در حالی که از نظر میوه و طعم و خاصیت آن بسیار متفاوت‌اند. و ممکن است مقصود شباهت انواع درختان و میوه‌ها و تفاوت‌های آنها باشد؛ «۲» البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد که هر دو نشانه‌ی علم و قدرت خداست. ۵. پیدایش میوه‌ها، همانند تولد فرزند، مراحلی دارد. گرده‌های گیاه نر بر مادگی گیاه قرار می‌گیرد و بعد از لقاح و تغذیه‌ی مناسب، انواع میوه‌ها تولید می‌شوند. قرآن به ما دستور می‌دهد که در این موجودات دقت کنیم و نشانه‌های قدرت و علم الهی را ببینیم. ۶. افراد با ایمان، حقایق و نشانه‌های خدا را می‌بینند؛ زیرا آنان حق‌جو و حق‌باورند، و گرنه اگر با چشم عناد و بی‌اعتنایی و سهل‌انگاری نظر شود، حقایق این نشانه‌ها و آیات دیده نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رابطه‌ی انسان با طبیعت فقط رابطه‌ی مادی و غذایی نباشد، بلکه رابطه‌ی فکری و توحیدی هم باشد. ۲. با مطالعه‌ی صحنه‌ی طبیعت، خداشناس‌تر شوید. ۳. به نزول باران و فواید آن بنگرید و خداشناس شوید. ۴. حق‌باورانه به جهان بنگرید تا نشانه‌های خدا را ببینید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۲ قرآن کریم در آیه‌ی صدم سوره‌ی انعام با سرزنش شرک و خرافات مشرکان می‌فرماید: ۱۰۰. وَجَعَلُواْ لِلَّهِ شُرَكَآءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُواْ لَهُ بَنِينَ وَبَنَتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَنَهُ وَتَعَلَى عَمَّا يَصِفُونَ و (مشرکان) برای خدا همتایانی از جنّ قرار دادند، در حالی که (خدا همه) آنها را آفریده است؛ و بدون هیچ دانشی، برای او، پسران و دخترانی ساختند؛ او منزّه، و برتر است از آنچه وصف می‌کنند! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به مشرکانی اشاره شده است که هر موجود ناپیدا و یا گروهی از جن را می‌پرستیدند. «۱» همان‌گونه که در تاریخ عرب جاهلی حکایت شده، شعبه‌ای از قبیله‌ی «خُزاعه» جن‌پرست بودند «۲» و حتی برخی نوشته‌اند که در یونان قدیم و هند نیز جن‌پرستی وجود داشته است. «۳» و از آیه‌ی ۱۵۸ سوره‌ی صافات استفاده می‌شود که برخی عرب‌های جاهلی بین خدا و جن خویشاوندی قایل بودند «۴» و برخی از قریش نیز معتقد بودند که خدا با جن‌ها ازدواج کرده و فرشتگان ثمره‌ی این ازدواج‌اند. «۵» اما قرآن بر تمام این خرافات خط بطلان می‌کشد و می‌گوید جن مخلوق تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۳ خداست، چگونه می‌تواند هم‌عرض خالق خویش باشد. ۲. برخی خدا را صاحب پسر و برخی صاحب دختر می‌پنداشتند. در آیات دیگر قرآن، عقیده‌ی اول را به مسیحیان، در مورد عیسی، و به یهودیان، در مورد عُزیر، «۱» نسبت داده‌اند. و برخی از مشرکان عرب فرشتگان را دختران خدا می‌دانستند، «۲» اما قرآن خط بطلان بر تمام این خرافات می‌کشد. ۳. تعبیر «بغیر علم» به باطل بودن عقاید خرافی اشاره دارد؛ یعنی مشرکان هیچ دلیلی بر خرافات و موهومات خود نداشتند، بلکه دروغ‌های بی‌حساب در مورد خدا می‌ساختند. «۳» آری؛ جهل، ریشه‌ی اصلی خرافه گویی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خرافات و شرک، دلیل علمی ندارد. ۲. بدون علم در مورد خدا سخن نگویید. ۳. مخلوقات خدا را شریک او قرار ندهید، که خدا از این امور منزّه است. *** قرآن کریم در آیات صد و یکم و صد و دوم سوره‌ی انعام به دلایل بطلان شرک و صفات الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۱ و ۱۰۲. بَدِيعُ السَّموَتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ صحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ* ذلِكمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَآ إِلَهَ

إِلَّا هُوَ خٰلِقُ کُلِّ شَیْ‌ءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْ‌ءٍ وَکِیلٌ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۴ (خدا) پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است؛ چگونه ممکن است برایش فرزندی باشد؟! و حال آنکه برایش همسری نبوده؛ و همه چیز را آفریده؛ و او به هر چیزی داناست.* این خدا پروردگار شماست! هیچ معبودی جز او نیست؛ آفریدگار هر چیزی است؛ پس او را بپرستید؛ و او بر هر چیزی کارساز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه، به سه دلیل برای فرزند نداشتن خدا استدلال شده است. الف) کسی که همه‌ی آسمان‌ها و زمین را ایجاد کرده است، همه مخلوق و نیازمند اویند و او نیازمند کسی نیست تا فرزندی بخواهد. ب) خدایی که همسر ندارد و نیازی نیز به همسر ندارد، چگونه دارای فرزندی باشد. ج) کسی که خالق همه چیز است، کسی هم‌طراز او نیست تا شریک او قرار گیرد. ۲. همسر داشتن خدا از چند جهت اشکال دارد: اولًا، او نیازی به همسر ندارد. ثانیاً، کسی نیست که همسر او باشد؛ زیرا همه مخلوق اویند. ثالثاً، همسر داشتن از عوارض جسمانی است و اصولًا در عالم مجردات، مذکر و مؤنث معنا ندارد و خدا از این عوارض منزّه است. ۳. خدا علت اساسی همه‌ی موجودات است؛ از این رو همه چیز به او نسبت داده می‌شود ولی این به معنای جبر نیست و انسان در کارهای خود آزاد و مختار است. ۴. «بَدیع» به معنای به وجود آورنده‌ی چیزی بدون سابقه است؛ یعنی خدا آسمان‌ها و زمین را بدون سابقه و طرح و نقشه‌ی قبلی ایجاد کرد، اما «خلق» به معنای ایجاد چیزی بدون سابقه یا ایجاد چیزی از چیزی است و در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۵ اصل، همان تقدیر و اندازه زدن صحیح چیزهاست «۱». ۵. هم آفرینش به دست خداست و هم بقا و ثبات و حفظ هر چیز به اراده‌ی اوست؛ پس کلید حلّ مشکلات شما فقط در دست اوست و معنا ندارد که مشکلات خود را نزد دیگری ببرید. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توجه به صفات الهی، مانع شرك‌ورزی و فرزند قایل شدن برای خداست. ۲. توحید، ربوبیّت و خالقیت خدا، زمینه‌ساز و فلسفه‌ی پرستش اوست. ۳. به صفات الهی توجه کنید تا غیر او را معبود خود قرار ندهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سوم سوره‌ی انعام به چند صفت دیگر خدا اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۳. لَاتُدْرِکُهُ الْأَبْصٰرُ وَهُوَ یُدْرِکُ الْأَبْصٰرَ وَهُوَ اللَّطِیفُ الْخَبِیرُ چشم‌ها او را در نمی‌یابند؛ و [لی او چشم‌ها را در می‌یابد؛ و او لطیف [و] آگاه است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا با همه‌ی موجودات جهان تفاوت دارد؛ چرا که برخی موجودات هم دیده می‌شوند و هم می‌بینند (مثل انسان)، برخی نه می‌بینند و نه دیده می شوند (مثل صفات درونی ما). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۶ و برخی دیگر دیده می‌شوند، اما کسی را نمی‌بینند (مثل جمادات). تنها کسی که دیده نمی‌شود، اما همه چیز و همه کس را می‌بیند، ذات پاك خداست. «۱» ۲. چشم‌ها خدا را نمی‌بینند؛ زیرا چشم‌های ما تنها اجسام و یا برخی از کیفیات اجسام (مثل رنگ و حجم و ...) را می‌بینند که محدود و مادی‌اند، در حالی که طبق دلایل عقلی، خدا نامحدود است، پس جسم نیست تا دیده شود. در قرآن نیز آمده است که خدا به موسی گفت: «مرا هرگز نمی‌بینی.» «۲» ۳. انسان به چند صورت می‌تواند حقایق را ببیند و شهود و درك کند: گاهی با چشم سر می‌بیند که با این وسیله، نه در دنیا و نه در آخرت، خدا را نمی‌بیند. گاهی با چشم عقل درك می‌کند، که در این صورت خدا را می‌توان با دلایل عقلی درك کرد (البته هر کس در حد قدرت عقل و فکر خود خدا را می‌شناسد). و گاهی برخی چیزها را با دل و قلب خویش شهود می‌کند، که با این وسیله نیز خدا قابل شهود است؛ همان‌طور که در برخی آیات قرآن «۳» و احادیث اهل بیت بدان اشاره شده است. «۴» ۴. خدا «لطیف» «۵» است، یا بدین معناست که ذات پاك او با احساس کسی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۷ درك نمی‌شود و یا این که او آفریننده‌ی چیزهای ریز و ناپیدا و دارای افعالی است که از محیط قدرت ما بیرون است. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بدین معنا اشاره شده است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به همه چیز احاطه‌ی علمی دارد، در حالی که دیگران بر او احاطه‌ی علمی ندارند. ۲. خدا را جسمانی و قابل مشاهده‌ی حسّی ندانید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهارم سوره‌ی انعام به آزادی انسان در دیدن حقایق اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۴. قَدْ جَآءَکُم بَصَآئِرُ مِن رَّبِّکُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِیَ فَعَلَیْهَا وَمَآ أَنَاْ عَلَیْکُم بِحَفِیظٍ در واقع دلیل‌های بینش آوری از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛ و هر کس با بصیرت بنگرد، پس به سود خود اوست. و هر کس کور (دل) باشد پس به زیان اوست؛ و من بر شما نگهبان

نیستم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. «بَصائر» جمع «بصیرت» است که در اصل به معنای دیـدن است، اما معمولًا در بینش فکری و عقلانی به کار می‌رود؛ و گاهی به تمام اموری گفته می‌شود که سبب درك و فهم مطلب است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۸ اما در آیه‌ی فوق به معنـای دلایل و شواهـدی است که در آیات گذشـته در زمینه‌ی خداشناسـی گفته شـد؛ پس می‌توان گفت که «بصائر» شامل قرآن نیز می‌شود. ۲. مقصود از بینـایی و نابینایی در آیه‌ی فوق، نابینایی و بینایی فکری و عقلی است نه حسّی و با چشم سر؛ یعنی چشم عقل و دل برخی افراد نابیناست و حقایق را نمی‌بینند، هر چند ظاهراً بینا هستند. ۳. مفسران در مورد عبارت «پیامبر صلی الله علیه و آله نگهبان و حافظ شما نیست.»، دو احتمال داده‌اند: نخست آن‌که پیامبر می‌فرماید: من تنها وظیفه‌ی ابلاغ رسالت را دارم و حافظ اعمال و مسئول کارهای شما نیستم؛ خدا همه را نگه‌داری می‌کند و پاداش مناسب به آنها می‌دهد. و دوم آن‌که پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: تنها وظیفه‌ی من بیان منطقی حقایق است و تصـمیم نهایی با خود شماست و من مأمور نیستم که با زور شما را به ایمـان وادار کنم. البته ممکن است آیه‌ی فوق شامـل هر دو معنـا شود. «۱» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. مردم در انتخـاب راه و سود و زیان آزادند. ۲. وظیفه‌ی رهبران الهی و مبلغـان دینی پیام‌رسـانی است، نه نگهبانی و اجبار مردم. ۳. سود و زیـان معنوی را با دلیل و آگاهانه انتخاب کنید. ۴. سود و زیان شما به خودتان بازمی‌گردد (پس بنگرید چه راهی را برمی‌گزینید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۷۹ قرآن کریم در آیه‌ی صـد و پنجم سوره‌ی انعـام به گوناگونی آیات خـدا و واکنش منفی مخالفان اشاره می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۰۵. وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ و بـدینسان آیـات (خود) را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم (و مخالفـان انکـار می‌کننـد)؛ و سـرانجام می‌گوینـد: «درس خوانـده‌ای!» و عاقبت آن را برای گروهی که می‌داننـد، روشـن می‌سـازیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیـات قرآن به صورت‌های گوناگون «۱» برای گروه‌هـای مختلف مردم با سـطوح متفاوت فکری و اجتماعی نازل شـده است؛ از این‌رو تنوّع در بیان و اسـتدلال، افراد را آگاه‌تر و پـذیرش حق را آسان‌تر می‌کند. ۲. مشرکان به پیامبر اسـلام صلی الله علیه و آله تهمت می‌زدند، و هنوز هم مخالفان اسلام می‌گویند که: پیامبر تعلیماتش را از یهودیان و مسیحیان گرفته است، در حالی که: اولًا، در محیط عربستان درس و مکتبی نبود تا پیامبر از آن‌جا مطالبی فرا گیرد. ثانیاً، مسافرت‌های پیامبر به خارج از جزیرهٔ العرب به قـدری کوتـاه بود که وقت اسـتفاده‌ی علمی در آن مـدت نبود. ثالثاً، اگر پیامبر صـلی الله علیه و آله مطالبش را از تورات و انجیل گرفته بود، چرا مطالب تحریف شده و خرافات آن کتاب‌ها در قرآن راه نیافته است. رابعاً، قرآن کریم و پیامبر اسلام بارها در مقابل عقاید یهودیان و مسـیحیان موضع‌گیری سرسختانه کردند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. هر انـدازه هم بیانات هـدایت‌آمیز روشن شود، باز مخالفان کژروی می‌کنند و تهمت می‌زنند. ۲. آیات الهی را با شـیوه‌ها و بیان‌های متنوع برای مردم بیـان کنیـد تا آگاه‌تر شونـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و شـشم سوره‌ی انعام وظایف پیامبر اسـلام را در برابر مشرکان مشخص می‌سازد و می‌فرماید: ۱۰۶. اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ از آنچه که از طرف پروردگـارت به سوی تو وحی شـده، پیروی کن؛ هیـچ معبودی جز او نیست؛ و از مشـرکان، روی گردان. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. این آیـه، در حقیقـت نـوعی دل‌داری و تقـویت روحی برای پیـامبر اکرم صـلی الله علیـه و آله است که در عزم آهنین او کم‌ترین سـستی حاصل نشود و در برابر مشـرکان پایـداری کنـد و از آنان روی برتابـد. ۲. آیه‌ی فوق منافـاتی بـا وظیفه‌ی پیامبر صـلی الله علیه و آله نسـبت به دعوت مشرکان به اسلام و یا جهاد با آنان ندارد؛ چرا که منظور استقامت بیش‌تر پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر سخنان بی اساس مشـرکان است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ای رهبران و مبلغان الهی! در برابر تهمت‌ها و تبلیغات ناروای دشـمنان سـست نشوید. ۲. یکی از شـیوه‌های برخورد با تبلیغات دشـمن، بی‌اعتنایی به آنهاست. *** تفسیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۱۸۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هفتم سوره‌ی انعام با تأکید بر آزادی انسان‌ها در انتخاب راه می‌فرماید: ۱۰۷. وَلَوْ شَآءَ اللَّهُ مَآ أَشْرَكُواْ وَمَا جَعَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظاً وَمَآ أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، (آنان) شـرك نمی‌ورزیدند؛ و تو را بر آنان نگهبان قرار نداده‌ایم؛ و تو حمـایتگر آنان نیستی. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه می‌فرمایـد: «پیامبر نگهبان و وکیل مردم نیست.» «۱» این مطلب به معنای نفی

اجبار مردم است، و گر نه پیامبر وظیفه دارد از طریق تبلیغ آزادانه مردم را به سوی کارهای نیک و ترک کارهای بد فراخواند. ۲. سنت الهی آن است که انسان‌ها در انتخاب راه حق و باطل آزاد باشند؛ چرا که ایمان اجباری ارزشی ندارد و باید از طریق استدلال و منطق، در فکر و روح مردم جاری شود؛ از این رو خدا کسی را مجبور نمی‌کند که دست از شرک بردارد و ایمان آورد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا ایمان اجباری نمی‌خواهد. ۲. ای رهبران الهی و مبلغان دینی! در پی تحمیل دین بر مردم نباشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و هشتم سوره‌ی انعام مسلمانان را از دشنام دادن به بت‌ها منع می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۸. وَلَا تَسُبُّواْ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوَاً بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَى رَبِهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ و (به معبودِ) کسانی که غیر از خدا را می‌خوانند، دشنام ندهید، پس (آنگاه آنان نیز) از روی دشمنی، بدون هیچ دانشی، خدا را دشنام می‌دهند؛ اینچنین برای هر امتی کردارشان را آراستیم؛ سپس بازگشت آنان فقط به سوی پروردگارشان است؛ و آنان را از آنچه همواره انجام می‌دادند، آگاه خواهد ساخت. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. از برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام استفاده می‌شود که گروهی از مؤمنان بر اثر ناراحتی شدید از بت‌پرستی، گاهی بت‌های مشرکان را ناسزا می‌گفتند، اما قرآن کریم این موضوع را ممنوع اعلام کرد. «۱» ۲. با دشنام نمی‌توان کسی را از مسیر غلط بازگرداند؛ دشنام سبب می‌شود که تعصب همراه با جهالت افراد تحریک شود و حتی نسبت به ساحت قدس الهی توهین کنند. چو کردی با کلوخ‌انداز پیکار سر خود را به نادانی شکستی (سعدی) ۳. در احادیث اسلامی بر ممنوعیت دشنام تأکید شده است. در نهج البلاغه می‌خوانیم که امام علی علیه السلام به کسانی که به پیروان معاویه در جنگ صفین دشنام می‌دادند، می‌فرماید: من خوش ندارم که شما فحّاش باشید. اگر شما به جای دشنام، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۳ اعمال آنها را برشمرید و حالات آنان را متذکّر شوید، به حق و راستی نزدیک‌تر و برای اتمام حجت بهتر است. «۱» ۴. در احادیث اهل بیت علیهم السلام حکایت شده است که «هر کس ولیّ خدا را دشنام دهد، خدا را دشنام داده است.» و در احادیث دیگر سفارش شده که به دشمنان فحش ندهید تا به شما ناسزا نگویند. «۲» بنابراین، هر کاری که سبب توهین به مقدسات شود ممنوع است. «۳» ۵. برائت از مشرکان و نفرین به دشمنان، غیر از دشنام است؛ «۴» چون نفرین نوعی دعاست. ۶. زینت یافتن اعمال، در حقیقت آثار عمل خود انسان است؛ یعنی وقتی انسان کاری را مکرر انجام دهد، زشتی آن در نظرش از بین می‌رود و حتی به صورت زیبا و جالبی جلوه می‌نماید و انسان گرفتار نتیجه‌ی سوء عملش می‌شود. ۷. زینت یافتن عمل انسان از آثار عمل خود انسان است اما از آن‌جا که خدا سبب اصلی امور و آفریدگار همه چیز است، همه‌ی تأثیرات به او منتهی می‌شود و به همین دلیل، این‌گونه آثار به خدا نسبت داده می‌شود. گاهی هم این زینت دادن به شیطان نسبت داده می‌شود «۵» چرا که او با وسوسه‌های خود انسان را دچار انحراف می‌کند. «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۴ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ادب و نزاکت در برابر دشمنان نیز نیکوست. ۲. دشمنان نادان را علیه خود تحریک نکنید که به عقاید شما توهین می‌کنند. ۳. استفاده از دشنام در تبلیغات و مناظرات و نهی از منکر، ممنوع است. ۴. با دشنام و ناسزا نمی‌توان مردم را از مسیر غلط بازداشت و به راه راست هدایت کرد. ۵. به رسوایی خود نزد پروردگار بیندیشید (و دشمنام ندهید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۵

ادب در قرآن و احادیث

الف) ادب: ۱. ادب کمال مرد است (علی علیه السلام). «۱» ۲. همین اندازه از ادب تو را کفایت می‌کند که از آنچه از دیگران نمی‌پسندی، خودداری کنی (علی علیه السلام). «۲» ۳. ادب آن است که انسان در حد توقف کند و از اندازه‌ی خود تجاوز نکند (علی علیه السلام) «۳». ۴. در بسیاری از آیات قرآن، خدای متعال مردم را با ادب اسلام آشنا می‌کند؛ از جمله: ۱- احترام رهبر اسلام را نگاه دارید و در حضورش صدای خود را بلند نکنید و بر ایشان پیشی نگیرید، که افراد بی‌ادب کم‌خرد هستند (حجرات، ۱ – ۴). ۲- از افراد نادان روی بگردانید (اعراف، ۱۹۹). ۵. خدا ستمکاران را با بلا ادب می‌کند (علی علیه السلام). «۴» ب) ممنوعیت

دشنام: ۱. به بت‌ها و معبودهای مشرکان دشنام ندهید (انعام، ۱۰۸). ۲. خدا فحش دهنده را دشمن می‌دارد (امام باقر علیه السلام). «۵» ۳. فحش و فحاشی از اسلام نیست (علی علیه السلام). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۶ ۴. دشنام به مؤمن، فسق و نافرمانی است (پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله). «۱» ۵. حکایت شده که امام علی علیه السلام شنید که گروهی از یارانش مردم شام را دشنام می‌دهند، فرمود: من نمی‌پسندم که شما دشنام دهید؛ اعمال و حالات آنان را بیان کنید. «۲» ۶. حکایت شده که امام موسی کاظم علیه السلام در مورد دو نفر که به هم دیگر دشنام می‌دادند فرمود: کسی که آغاز کرده ستمکارتر است و گناهش و گناه طرف مقابل به گردن اوست تا این‌که از مظلوم عذرخواهی کند. «۳» ۷. با مردم به بهترین صورتی که دوست دارید با شما سخن بگویند؛ سخن بگویید، که خدا از افراد لعنت کننده، دشنام دهنده و طعنه زننده بر مؤمنان، در خشم است (امام‌باقر علیه السلام). «۴» ج) چگونگی برخورد با بی‌ادبان: ۱. حکایت شده که زمانی کسی به قنبر دشنام داد و او قصد پاسخ‌گویی داشت؛ امام علی علیه السلام به او دستور داد که وی را رها کند و در مقابل او صبر و سکوت نماید. «۵» ۲. از امام صادق علیه السلام حکایت شده که خدا پیامبرش را با این آیین تأدیب کرد: «عفو (و مدارا) پیش‌گیر و به (کار) پسندیده فرمان ده و از نادان روی گردان.» (اعراف، ۱۹۹). بعد از آن این آیه نازل شد: «تو بر خلق و خوی بزرگی هستی.» (قلم، ۴). «۶» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و نهم سوره‌ی انعام به بهانه جویی‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۰۹. وَأَقْسَمُواْ بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ لَئِنْ جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْأَيتُ عِندَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَآ إِذَا جَآءَت لَايُؤْمِنُونَ و با شدیدترین سوگندهایشان به خدا قسم خوردند، که اگر نشانه (معجزه‌آسا) برای آنان بیاید، قطعاً بدان ایمان می‌آورند؛ بگو: «نشانه‌های (معجزه‌آسا) فقط نزد خداست؛ و چه چیزی شما را (با درک حسّی) متوجه می‌سازد که هر گاه نشانه‌ای (معجزه‌آسا هم) بیاید، ایمان نمی‌آورند.» شأن نزول: حکایت شده که گروهی از مشرکان نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند همان‌طور که از پیامبران قبلی معجزات مهمی حکایت می‌کنی، تو نیز کوه صفا را تبدیل به طلا کن، یا برخی مردگان ما را زنده کن، یا فرشتگان را به ما نشان بده و یا خدا و فرشتگان را با خود بیاور. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: اگر برخی از این کارها را انجام دهم، ایمان می‌آورید؟ گفتند: به خدا سوگند که چنین خواهیم کرد. آن‌گاه مسلمانان نیز از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله خواستند که این معجزات را بیاورد، شاید مشرکان ایمان آورند. پیامبر صلی الله علیه و آله آماده‌ی دعا کردن شد که پیک وحی فرود آمد و پیام آورد که اگر بخواهی، دعایت مستجاب می‌شود، ولی در این صورت، (اتمام حجّت شده و) اگر ایمان نیاورند، همگی سخت کیفر می‌بینند، اما اگر مدتی آنان را رها کنی، برخی از آنان توبه می‌کنند و راه حق را در پیش می‌گیرند؛ و پیامبر صلی الله علیه و آله پذیرفت. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۸ آیه‌ی فوق و آیه‌ی بعد از آن در این باره فرود آمد. «۱» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از خواسته‌های مشرکان، مثل آوردن خدا، محال و نامعقول بود؛ پس مشرکان در صدد حقیقت‌جویی نبودند، بلکه بهانه‌تراشی می‌کردند تا ایمان نیاورند. ۲. معجزه‌خواهی مشرکان نوعی بهانه‌جویی بود و بیش‌تر می‌خواستند مردم را سرگرم و دچار شک و تردید کنند؛ اگر واقعاً معجزه می‌خواستند، به اعجاز قرآن توجه می‌کردند که بالاترین معجزه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریب شعارها و سوگندهای کفّار و مخالفان را نخورید (که به دنبال بهانه‌جویی هستند). ۲. معجزات، همه به دست خدا و به فرمان اوست (نه به میل افراد). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و دهم سوره‌ی انعام به کیفرهای مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۰. وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُواْ بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِى طُغْيَنِهِمْ يَعْمَهُونَ و دل‌های آنان و دیدگانشان را واژگونه می‌سازیم؛ همان گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند؛ و آنان را در حالی که در طغیانشان سرگردان می‌شوند، وا می‌گذاریم. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۸۹ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل سخن از مشرکان بهانه‌جو بود که در برابر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بهانه‌تراشی می‌کردند و ایمان نمی‌آوردند و اینک در این آیه به کیفر آنان و پیامد کردارشان اشاره می‌کند که تغییر بینش و سرگردانی آنهاست. ۲. در آیه‌ی فوق دگرگونی دل‌ها و چشم‌ها به خدا نسبت داده شده است، با این‌که این امور نتایج اعمال خود

مشرکان است؛ زیرا علت العلل این امور و خالق همه چیز، خداست؛ یعنی خدا در لجاجت، تعصب و گناه، این اثر را قرار داده که تدریجاً درک و بینش انسان را از کار می‌اندازد و یا دگرگون می‌سازد. ۳. هر کس که خدا رهایش کند و هدایتش ننماید، سرگردان می‌شود. آری؛ هر کس بدون چراغ در شب حرکت کند به کژراهه می‌رود؛ البته این مجازات نیز نتیجه‌ی کردار خود انسان‌هاست که موجب می‌شود خدا آنها را رها سازد و توفیق هدایت پیدا نکنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بهانه‌تراشی و مخالفت با رهبران الهی موجب دگرگونی بینش و سرگردانی انسان می‌شود. ۲. مراقب باشید که کردار ناپسند شما موجب می‌شود خدا شما را رها سازد و سرگردان شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و یازدهم سوره‌ی انعام به لجاجت مشرکان و ایمان ناپذیری آنان اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۱۱. وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَآ إِلَيْهِمُ الْمَلٰئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَّا كَانُواْ لِيُؤْمِنُواْ إِلَّآ أَن يَشَآءَ اللَّهُ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۰ و اگر (بر فرض) ما فرشتگان را به سوی آنان فرو می‌فرستادیم، و مردگان با آنان سخن می‌گفتند، و همه چیز را برای آنان رویاروی گرد می‌آوردیم، هرگز ایمان نمی‌آوردند؛- جز اینکه خدا بخواهد- و لیکن بیش‌تر آنان نادانی می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در پی بهانه‌تراشی هستند و اگر معجزه‌ای برای آنان آورده شود ایمان نمی‌آورند. اگر آنان واقعاً معجزه می‌خواستند، مهم‌ترین معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله قرآن بود که دیده بودند، ولی ایمان نیاورده بودند؛ آنان افرادی نادان «۱» و لجوج هستند. ۲. خدا می‌تواند مشرکان را مجبور سازد که ایمان آورند، اما این خلاف سنت الهی در مورد آزادی و اختیار انسان است؛ علاوه بر آن، چنین ایمانی، هیچ فایده‌ی تربیتی و اثر تکاملی نخواهد داشت. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مخالفان اسلام، بهانه‌تراش، لجوج و نادان هستند و هر معجزه‌ای ببینند ایمان نمی‌آورند. ۲. رهبران و مبلغان دینی انرژی خود را برای کافران لجوج مصرف نکنند که سودی ندارد. ۳. هر گاه از اراده‌ی منفی مردم سخن می‌گویید، اراده‌ی برتر الهی را فراموش نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و دوازدهم سوره‌ی انعام به وسوسه‌های شیطان و شیطان صفتان در برابر پیامبران الهی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۲. وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوّاً شَيٰطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُوراً وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ و این چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شرورهای (شیطان صفت) انسان و جنّ قرار دادیم؛ در حالی که برخی آنان به برخی [دیگر] برای فریب، سخنان آراسته (و بی‌اساس) با اشاره سریع پنهانی القاء می‌کنند؛ و اگر (بر فرض) پروردگارت می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه تهمت می‌زنند، واگذار. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وجود شیطان‌ها، برای انسان‌های مؤمن، خیر و نیک است؛ یعنی غیر مستقیم به تکامل انسان کمک می‌کند؛ چون رشد انسان‌ها همواره در تکامل‌ها و تضادهاست و وجود دشمنی نیرومند در بسیج نیروها و تقویت اراده‌ی انسان مؤثر است. ۲. اگر خدا می‌خواست، می‌توانست جلوی اعمال شیطان‌ها را بگیرد، ولی این کار را نکرده است، تا مردم آزاد باشند و میدانی برای آزمایش و تکامل و پرورش داشته باشند. دروغ می‌گوید و تهمت می‌زند و با پیامبران مخالفت می‌کند. ۳. «شیاطین» جمع شیطان است و معنای وسیعی دارد و شامل هر موجود سرکش و طغیانگر و آزاردهنده می‌شود. در آیه‌ی فوق واژه‌ی شیطان به معنای برخی از انسان‌ها و جن‌ها به کار رفته است، اما واژه‌ی «ابلیس» اسم خاص شیطانی است که در برابر آدم علیه السلام قرار گرفت و سجده نکرد. او در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۲ حقیقت رئیس همه‌ی شیطان‌هاست. «۱» ۴. مقصود از «وحی» در این‌جا اشارات شیطانی و سخنان درگوشی است؛ یعنی آنان که در اعمال و گفتار شیطانی خود، نقشه‌های سرّی دارند، مطالبی را محرمانه به هم دیگر می‌رسانند «۲» و سخنانی فریبنده و زیبا می‌گویند که باطنی زشت دارد. «۳» ۵. آیه‌ی فوق یادآور می‌شود که این مشکلات برای پیامبران پیشین هم وجود داشته است. این نوعی دل‌داری و آرامش روحی برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. «۴» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برخی انسان‌های شیطان‌صفت، در حقیقت شیطان‌هایی هستند که در برابر رهبران الهی صف کشیده‌اند (پس مواظب آنها باشید). ۲. مخالفان رهبران الهی، در تبلیغات درون‌گروهی خود، از کلمات شیوا و زیبا استفاده می‌کنند (تا هم‌دیگر را فریب دهند؛ پس مراقب توطئه‌های آنان باشید). ۳. انسان و حتی شیطان‌ها در انتخاب راه آزادند. ۴. به تبلیغات

شیطان‌ها و شیطان‌صفتان توجه نکنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۳ ۵. رهبران الهی و مبلغان دینی بدانند که دشمنانی فریبکار از جنیان و انسان‌ها دارند (پس مراقب باشند). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سیزدهم سوره‌ی انعام به مراحل انحراف و تأثیر تبلیغات فریبنده‌ی شیطان‌صفتان بر منکران معاد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۳. وَلِتَصْغَی إِلَیْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِینَ لَایُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِیَرْضَوْهُ وَلِیَقْتَرِفُواْ مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ و سرانجام دل‌های کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، به سوی آن (سخن باطل) می‌گراید و عاقبت به آن راضی شوند؛ و سرانجام آنچه را آنان کسب کننده‌اند، بدست می‌آورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. وسوسه‌ها و تبلیغات شیطانی به تنهایی عامل انحراف نیست، بلکه گوش جان سپردن «۱» و راضی شدن به آنها و عمل کردن طبق آنها، انسان را منحرف می‌سازد. ۲. ایمان به معاد مانع جذب شدن به شیطان‌هاست و انکار معاد زمینه‌ساز افتادن انسان به دام‌های شیطانی است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. انحراف، گام به گام حاصل می‌شود: اول، گوش جان سپردن به وسوسه‌های شیطانی؛ دوم، راضی شدن بدانها و سوم، عمل کردن براساس آنها. ۲. با معادباوری، از تأثیر وسوسه‌های شیطانی جلوگیری کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهاردهم سوره‌ی انعام به داوری خدا و حقانیت قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۴. أَفَغَیْرَ اللَّهِ أَبْتَغِی حَکَماً وَهُوَ الَّذِی أَنزَلَ إِلَیْکُمُ الْکِتبَ مُفَصَّلًا وَالَّذِینَ ءَاتَیْنهُمُ الْکِتبَ یَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّکَ بِالْحَقِّ فَلَا تَکُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِینَ پس آیا غیر خدا را به داوری طلبم؟! در حالی که او کسی است که کتاب [قرآن را به تفصیل به سوی شما فرو فرستاده است؛ و کسانی که به آنان کتاب [الهی دادیم می‌دانند که آن [قرآن از طرف پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است؛ پس هرگز از تردید کنندگان مباش. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. احتمالاً مشرکان تقاضا داشتند که شخصی بین پیامبر صلی الله علیه و آله و آنان داوری کند،» ولی این کار سزاوار نبود؛ زیرا قرآن به عنوان معجزه با آیات روشن آمده بود، به طوری که هر کس می‌توانست حق و باطل را تشخیص دهد؛ «۲» علاوه بر این، اهل کتاب، با توجه به بشارت‌های پیامبران پیشین، می‌دانستند که قرآن حق است. ۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تردیدی نداشت، اما به او گفته می‌شود شک نداشته باش. در این موارد، در حقیقت مردم مخاطب آیه هستند، ولی برای تأکید مطلب به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌شود، تا دیگران حساب کار خود را بکنند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن تردیدناپذیر است، به طوری که مخالفان هم از حقانیت آن آگاه‌اند (اگر چه به ظاهر لجاجت و انکار می‌کنند). ۲. در مورد مسائل دینی، غیرخدا را به داوری نپذیرید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پانزدهم سوره‌ی انعام، به تمام شدن کلمه‌ی پروردگار و تغییرناپذیری آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۵. وَتَمَّتْ کَلِمَتُ رَبِّکَ صِدْقاً وَعَدْلًا لَامُبَدِّلَ لِکَلِمتِهِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ و سخن پروردگارت بر اساس راستی و عدل تمام شده است؛ هیچ تغییر دهنده‌ای برای سخنان (سنت گونه) او نیست؛ و او شنونده [و] داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از «کلمه» «۱» در آیه‌ی فوق، «قرآن یا دین یا وعده‌ی پیروزی به پیامبر صلی الله علیه و آله و یا همان وعده‌ی تغییرناپذیری سخنان الهی» است. البته این احتمال نیز هست که تمام این موارد، مقصود آیه باشد، اما طبق سیاق آیات و این که در آیه‌ی قبل سخن از قرآن بود، معنای قرآن در این‌جا مناسب‌تر است؛ یعنی قرآن از هر نظر کامل و بی‌عیب است و مطالب آن همگی صادق و قوانین آن بر اساس عدل است. «۲» ۲. از آیه‌ی فوق برای تحریف‌ناپذیری قرآن استدلال شده است؛ عدم تبدیل و تغییر در کلمات الهی بدان معناست که هیچ کس نمی‌تواند در قرآن تغییر و تبدیلی ایجاد کند و قرآن برای همیشه از دست‌برد خائنان تحریف‌گر تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۶ محفوظ خواهد ماند. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. وعده‌ها و قوانین الهی و سخنان او تغییرناپذیر است. ۲. سخن الهی (قرآن یا دین اسلام) بر اساس راستی و دادگری کامل شده است. ۳. سخن را براساس راستی و دادگری بنیان نهید، تا دست‌خوش تغییر نشود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شانزدهم سوره‌ی انعام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد پیروی از اکثریت منحرف هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۱۶. وَإِن تُطِعْ أَکْثَرَ مَن فِی الْأَرْضِ یُضِلُّوکَ عَن سَبِیلِ اللَّهِ إِن یَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا یَخْرُصُونَ و اگر از بیشتر کسانی که در زمین هستند اطاعت کنی، تو را از راه خدا گمراه می‌کنند؛ (آنان) جز از گمان پیروی نمی‌نمایند، و جز این نیست که آنان حدس

می‌زننـد (و دروغ می‌بافند). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اکثریت دو گونه است: الف) اکثریت عـددی، یعنی هنگامی که تعـداد زیادتری از افراد یک جامعه دیدگاه خاصـی داشـته باشند، که امروزه در جهان این اکثریت را ملاک و معیار می‌دانند. ب) اکثریت کیفی، یعنی هنگامی که فرهیختگان، عالمان و دانشـمندان و متخصـصان یک جامعه دیـدگاه خاصـی داشـته باشـند، هر چند از نظر تعداد تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۷ کم‌تر از بقیه‌ی مردم باشـند. از آیه‌ی فوق و آیات دیگر استفاده می‌شود که قرآن اکثریت «کیفی» را ملاک می‌داند، نه عددی و کمّی را؛ یعنی اگر اقلیتی با ایمان، عالم و بر حق هستند نظرشان صحیح و برتر است؛ زیرا اکثریت عددی غیرمتخصـص گمانه‌زنی می‌کنند «۱» و از این رو احتمـال اشـتباه آنـان زیـاد است و ممکن است قوانین نادرستی تصویب کننـد. البته جهان کنونی به طرف نظام اکثریت عددی رفته است؛ چون راه‌های دیگر اشـکالات بیش‌تری داشـته، یا سیستمی مناسب برای تحقّق اکثریت کیفی پیـدا نکرده‌اند. «۲» ۲. پیروی از اکثریت عـددی دو صورت دارد: اول آن‌که حقّـانیّت مطلب روشن باشـد و اختلافات سلیقه‌ای بین مردم وجود داشته باشد؛ یعنی همه‌ی مردم حق را پذیرفته باشند، اما در مورد راه‌های اجرای آن و مسائل جزئی اختلاف نظر داشته باشـند، در این صورت، احترام به نظر اکثریت لازم است. دوم آن‌که حقـانیّت اصل مطلب روشن نشـده یا پـذیرفته نشـده باشـد و اکثریت و اقلیت در اصـل حقانیت اختلاف داشـته باشـند، که در این صورت، ملاک دلیل عقلی و نقلی است و نظر اکثریت نمی‌توانـد حقانیّت را ثابت کنـد. به عبارت دیگر، اکثریت در امور اجرایی و سـلیقه‌ای ملاک است، نه در امور عقیدتی و زیربنایی و استدلالی. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۸ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گمانه‌زنی و اعتماد به حدس‌ها، یکی از عوامل گمراهی است. ۲. ملاک حقانیّت راه خـداست، نه اکثریت عددی. ۳. پیروی از نظر و رأی اکثریت غیرمتخصـص، لازم نیست؛ چون گاهی انسان را منحرف می‌سازد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و هفـدهم سوره‌ی انعام به آگاهی بیش‌تر خـدا از افراد اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۷. إِنَّ رَبَّکَ هُوَ أَعْلَمُ مَن یَضِلُّ عَن سَبِیلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِینَ براستی که پروردگارت خود، به کسـی که از راهش گمراه گشـته، دانـاتر است؛ و (همچنین) او به (حـال) ره یافتگـان داناتر است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «خـدا دانـاتر است.»، اشاره به آن است که انسان‌هـا بـا عقـل خود حقایقی را درک می‌کننـد و هـدایت و گمراهی را می‌فهمنـد، اما قلمرو شـناخت عقل بشـری محـدود است و گاهی هم دچار خطا می‌شود و نیاز به راه‌نمایی و رهبری دارد، اما خـدا با علم بی‌کران و خطاناپـذیر خود به همه‌ی امور داناتر است. ۲. خدا گمراهان و هدایت یافتگان «۱» را بهتر از همه می‌شناسد؛ زیرا هدایت و گمراهی امری درونی است که در بسیاری از موارد، اطلاع از آن (به ویژه در مورد منافقـان) مشـکل است؛ از این رو هر کس می‌توانـد ادعـای خلاـف واقع کنـد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۱۹۹ آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. خـدا را به دانـایی و اعلمیت بشناسـید. ۲. (ادعاهای بی‌مورد نکنیـد که) خـدا از حال هـدایت یافتگان و گمراهان آگاه‌تر است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و هیجدهم سوره‌ی انعام به رنگ الهی غذای مؤمنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۱۸. فَکُلُواْ مِمَّا ذُکِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَیْهِ إِن کُنتُم بِئَایَتِهِ مُؤْمِنِینَ پس اگر به آیـات او ایمان داریـد، از (گوشت) آنچه نام خـدا (به هنگام سر بریدن) بر آن برده شده، بخورید! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. یکی از عبادت‌های مشرکان عرب آن بود که حیوانات را برای بت‌هـا قربانی می‌کردنـد و از گوشت آنها به عنوان تبرّک می‌خوردنـد و از آن‌جا که این عمل قسـمتی از آداب بت‌پرستی و شـرک بود، قرآن کریم با آن به مبارزه برخاست «۱» و اشاره کرد که از گوشت‌هایی که به نام غیرخدا سربریده شده، نخورید. «۲» ۲. ایمان تنها در ادّعا، گفتار و عقیـده نیست، بلکه بایـد در صـحنه‌ی عمل نیز آشـکار گردد؛ از این رو، کسـی که به خـدا ایمان دارد، تنها از گوشت‌هایی می‌خورد که نام خـدا بر آنها برده شـده است. تفسیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۲۰۰ ۳. اعلام نام خدا، در هنگام سـر بریـدن حیوان، یکی از معیارهـای حلاـل بودن گوشت است. این به خـاطر تـأثیرات معنوی و اخلاـقی و تحکیم پایه‌ی توحیـد و نفی شرک است که در اعلاـم نـام خـدا وجود دارد. آری، غـذای مؤمنـان نیز جهت‌دار است، بلکه لاـزم است مسـلمانان در همه‌ی امور، جهت خدایی داشـته باشند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. توحیـد، تنها یک مسألـه‌ی ذهنی نیست، بلکه در عمل کرد انسان هویـدا می‌شود. ۲. تغذیه‌ی حلال، نشانه‌ی ایمان است. «۱» ۳. غـذای خود را جهت‌دار کنید و رنگ الهی به آن بزنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و

نوزدهم سوره‌ی انعام قوانین مربوط به گوشت حیوانات را توضیح می‌دهد و با اشاره به نقش هوای نفس و جهل در گمراهی می‌فرماید: ۱۱۹. وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُواْ مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُم مَّا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيراً لَّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ وشما را چه شده که از (گوشت) آنچه نام خدا بر آن برده شده، نمی‌خورید؟! و حال آنکه بیقین (خدا) آنچه را بر شما حرام کرده، برایتان تشریح نموده است! مگر آنچه را که به (خوردن) آن ناچار شدید، (که در این صورت حرام نیست.) و قطعاً بسیاری (از مردم)، بخاطر هوس‌هایشان بدون هیچ دانشی (دیگران را) گمراه می‌سازند؛ براستی که پروردگارت، خود به (حال) تجاوزکاران داناتر است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۱ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه نیز هم‌چون آیه‌ی قبل، بر خوردن گوشت تأکید می‌ورزد، اما این دستور واجب نیست، بلکه مقصود بیان مفهوم جمله است؛ «۱» یعنی از گوشت‌هایی بخورید که نام خدا بر آن برده شده و از غیر آن نخورید، که حرام است. «۲» ۲. اضطرار به خوردن گوشت‌های حرام، گاهی در اثر گرفتاری در بیابان و یا گرسنگی شدید و یا مجبور شدن انسان به وجود می‌آید، که در این صورت، استفاده از گوشت‌هایی که نام خدا بر آنها برده نشده، در حدّ ضرورت جایز است؛ چرا که حفظ جان انسان مهم‌تر است. ۳. یکی از عوامل گمراهی انسان‌ها، هواپرستی جاهلانه است؛ البته هواپرستی غالباً با نادانی و جهل توأم است، اما آیه‌ی فوق، برای تأکید بیش‌تر، این دو را همراه یک‌دیگر آورده است. ۴. علم حقیقی با هواپرستی سازگار نیست و هر جا که با هم سازگار شوند، روشن می‌شود که آن نوعی جهل است، نه علم. ۵. در تفسیرها آمده که آیه‌ی فوق اشاره به این است که مشرکان عرب در مورد خوردن گوشت‌های حیوانات مرده، چنین استدلال می‌کردند که آیا ممکن است حیواناتی را که خودمان می‌کشیم حلال بدانیم، اما آنچه را که تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۲ خدای ما کشته است، حرام بدانیم؟ چرا شما مسلمانان از حیواناتی که پروردگارتان کشته است نمی‌خورید؟ «۱» این استدلال مشرکان نوعی سفسطه بود؛ چرا که خدا حیوان مرده را سر نبریده است تا با حیوان سر بریده مقایسه شود؛ علاوه بر، حیوان مرده کانون بیماری‌هاست و غالباً گوشت آن فاسد است از این رو خوردن آن ممنوع است. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. حرام و حلال، رنگ الهی داشته باشد (و تحریم‌های بی‌اساس نکوهیده است). «۳» ۲. هواپرستی و نادانی از عوامل گمراهی مردم است. ۳. تجاوزکاران تحت نظر خدا هستند (و به حسابشان رسیدگی خواهد شد). ۴. در جایی که جان شما در خطر است، می‌توانید از غذای حرام بخورید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیستم سوره‌ی انعام در مورد گناهان آشکار و پنهان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۲۰. وَذَرُواْ ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُواْ يَقْتَرِفُونَ و گناه را، آشکار و پنهانش را رها کنید، [چرا] که کسانی که گناه را کسب می‌کنند، بزودی در برابر آنچه همواره بدست می‌آوردند، مجازات خواهند شد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۳ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. تعبیر «ظاهر و باطن» ممکن است اشاره به گناهان آشکار و پنهان «۱» و یا گناهانی باشد که با اعضای بدن انجام می‌گیرد، در مقابل گناهان درونی، مثل عقیده به شرک. یعنی مفهوم آیه‌ی فوق وسیع است و یک قانون کلی را بیان می‌کند که همه‌ی این موارد را شامل می‌شود. ۲. تعبیر «کسب گناه» اشاره‌ی لطیفی دارد به این که مردم هم‌چون بازرگانانی هستند که در بازار جهان گام می‌نهند و سرمایه‌ی عمر، عقل و جوانی و نیروهای خود را هزینه می‌کنند و به‌جای آن سعادت و افتخار و یا گناه و عذاب کسب می‌کنند. ۳. تعبیر «به زودی جزای خود را خواهند دید.»، ممکن است اشاره به این باشد که قیامت هر چند در نظر بعضی دور است، در حقیقت بسیار نزدیک است. و یا اشاره به این باشد که اکثر مردم، در همین زندگی دنیا، قسمتی از نتایج اعمال زشت خویش را به صورت واکنش‌های فردی و اجتماعی دریافت می‌کنند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام به تربیت و پاکی ظاهری و باطنی، هر دو توجه دارد. ۲. مجازات‌های الهی، پیامد عملکرد شماست. ۳. دست از گناه بردارید، چه آشکارا و چه پنهان. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۴ ۴. دست‌آورد شما در زندگی، گناه‌آلود نباشد (وگرنه گرفتار پیامدهای آن می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و یکم سوره‌ی انعام بار دیگر بر قوانین خوردن گوشت پافشاری می‌کند و با هشدار در مورد توطئه‌های شیطانی می‌فرماید: ۱۲۱. وَلَا تَأْكُلُواْ مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ

الشَّیطِینَ لَیُوحُونَ إِلَی أَوْلِیَائِهِمْ لِیُجَـدِلُوکُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّکَمْ لَمُشْـرِکُونَ و از (گوشت) آنچه نام خـدا بر آن برده نشده، نخورید! و قطعاً این (کار) نافرمانی است؛ و قطعاً شـرورهای (شیطان صفت) به سوی دوستانشان اشاره سریع پنهانی القاء می‌کنند، تا با شما ستیز کنند، و اگر از آنان اطاعت کنید قطعاً شـما مشرکید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حیوانی که بدون ذکر نام خدا سـر بریده شود، حرام است و خوردن گوشت آن جایز نیست. ۲. وحی به معنای اشاره‌ی سریع و مخفیانه است و در این‌جا مقصود از وحی، همان اشارات سریع و مخفیانه و الهام‌هایی است که شـیطان‌ها و شیطان‌صفتان «۱» به دوسـتان خود می‌کنند تا با مسـلمانان مجادله و بحث و ستیز نمایند. «۲» تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۵ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بردن نام خدا در هنگام سـر بریدن حیوانات، تشـریفات نیست، بلکه امری لازم است که ترک آن گناه و نافرمانی است. ۲. اطاعت از الهامات شـیطانی، انسان را به شرک می‌کشاند. ۳. بحث و ستیز در قوانین الهی از حربه‌هـای شـیطانی است. ۴. در غـذا خوردن، تعهّـد دینی و مرزهـای اعتقادی را رعایت کنیـد. ۵. مواظب توطئه‌های شیطـانی باشـید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و بیست و دوم سـوره‌ی انعـام به دو گروه مؤمنـان نـورانی و کـافران ظلمـانی اشـاره می‌کنـد و بـا بیان نقش احیاگری ایمان می‌فرمایـد: ۱۲۲. أَوَ مَن کَانَ مَیْتـاً فَأَحْیَیْنهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُـوراً یَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ کَمَن مَّثَلُهُ فِی الظُّلُمتِ لَیْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا کَذلِکَ زُیِّنَ لِلْکفِرِینَ مَا کَانُواْ یَعْمَلُونَ و آیا کسـی که مرده بود، و او را زنـده کردیم، و نوری برایش قرار دادیم که بوسـیله آن در (میـان) مردم راه برود، هماننـد کسـی است که مَثَل او در تاریکی‌هـاست در حالی که از آن بیرون آمـدنی نیست؟! این گونه برای کـافران آنچه را همواره انجام می‌دادنـد، آراسـته شـده است. شأن نزول: حکایت شـده است که ابو جهل، از دشـمنان سرسـخت اسـلام، روزی پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله را سـخت آزار داد و حمزه، عموی شـجاع پیامبر، از ماجرا اطلاع یافت و با ابوجهل به سـختی برخورد کرد و کسی جرئت نکرد از ابو جهل دفاع کند. بعد از این ماجرا، حمزه خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسـید و مسلمان شد. این افسر رشید اسلام تا واپسین دم حیات از آیین اسلام دفاع کرد و در این راه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۶ شـربت شـهادت نوشـید. آیه‌ی فوق در باره‌ی این حادثه فرود آمد. «۱» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. در این آیه کـافران به مردگانی تشبیه شده‌انـد که در تاریکی به سر می‌برنـد و مؤمنان به زنـدگانی تشبیه شده‌انـد که نور دارند. آری؛ مؤمنان با نور ایمان زنده می‌شوند و کافران هم‌چون مردگان متحرک هستند. «۲» ۲. در قرآن کریم «مرگ» و «حیات» اعم از مادی و معنوی است؛ یعنی گاهی مرگ به معنای مرگ معنوی و کفر آمده و حیات به معنای ایمان به کار رفته است. آری؛ ایمان یک عقیده‌ی خشک و الفاظ تشـریفاتی نیست، بلکه به منزله‌ی روحی است که در کالبـد بی جان افراد دمیـده می‌شود و چشم آنها را بینا و گوش آنها را شـنوای حقـایق می‌کنـد، به طوری که آثـار حیـات در تمام شـئون زنـدگی انسان مؤمن هویـدا می‌شود. ۳. از تعـبیر «مـا او را زنـده کردیم.»، اسـتفاده می‌شود که هر چند ایمان آوردن با کوشش خود انسان صورت می‌گیرد، تا کششی از طرف خدا نباشد، کوشش‌های انسان به جایی نمی‌رسـد. آری؛ ارشاد و هدایت در حقیقت کار خداست. «۳» تا که از جانب معشوق نباشد کششـی کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد ۴. مقصود از «نور» در آیه‌ی فوق چیست؟ ممکن است منظور، قرآن یا تعلیمات پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و یا همان درک تازه و روشن‌بینی خاصـی باشـد که ایمان به انسان می‌بخشد و افق دید او را گسترش می‌دهد تا از بسیاری از اشـتباهات مصون بماند. ۵. در احادیث متعددی حکایت شده که مقصود از نور در آیه‌ی فوق، ولایت، امامت و امام علی علیه السـلام است که مردم به وسـیله‌ی آنها هـدایت می‌شوند و هر کس آنها را نشـناسد در تاریکی می‌ماند. «۱» روشن است که این گونه روایـات برخی مصادیق کامل نور را در آیه‌ی فوق بیان می‌کند، ولی معنای آیه منحصر به این موارد نیست. ۶. مقصود از جمله‌ی «همانند کسی که مَثَل او در تاریکی‌هاست.»، یا آن است که این افراد چنان در تاریکی بدبختی فرو رفته‌اند که وضـعشان ضـرب المثلی شده است و یا مقصود آن است که از هستی این افراد چیزی جز یـک شـبح و قـالب و مثـال و مجسـمه باقی نمانـده است و هیکلی بی‌روح و مغزی بی‌فکر دارند. «۲» ۷. در آیه‌ی فـوق، واژه‌ی «نور» مفرد ولی واژه‌ی «ظُلُمـات» جمع است؛ زیرا ایمـان یـک حقیقت است و منبع نور، خدای واحد است و نور رمز وحدت و یگانگی است، اما کفر سرچشـمه‌ی پراکندگی و تفرقه است و ظلمت‌های گوناگون، هم‌چون

شرک، جهل و خرافات را شامل می‌شود؛ حق یکی است اما باطل‌ها بسیارند. ۸. در آیه‌ی فوق بیان شده که اعمال زشت کافران برای آنان آراسته شده تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۸ است؛ یعنی با تکرار اعمال زشت، تدریجاً از زشتی آنها در نظرشان کاسته می‌شود و کم‌کم به صورت کار خوبی جلوه می‌نماید. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ایمان حیات‌آفرین است (و انسان و جامعه را زنده و شاداب می‌کند). ۲. کافران مردگان متحرک هستند. ۳. کفر انسان را به تاریکی‌ها و کژبینی سوق می‌دهد. ۴. اگر می‌خواهید از تاریکی‌ها به سوی نور بروید، ایمان آورید. ۵. با نور الهی (ایمان و قرآن) زنده و پویا شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و سوم سوره‌ی انعام به نقش خلافکاران بزرگ در فساد شهرها و خود فریبی آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۳. وَكَذلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكبِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُواْ فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ و این گونه در هر آبادی گناهکاران بزرگش را قرار دادیم، تا (سرانجام کارشان این شد) که در آنجا به فریب (مردم) پرداختند؛ و [لی جز خودشان را فریب نمی‌دهند و حال آنکه (با درک حسّی) متوجه نمی‌شوند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل به ابو جهل و ستیز او با اسلام اشاره شد و در این آیه اشاره شده که وجود ابو جهل چیز تازه‌ای نیست و در هر شهری، در برابر حق، چنین مهره‌های فاسدی وجود دارند. ۲. هر کاری با استفاده از امکانات الهی صورت می‌گیرد و خدا سرچشمه‌ی تمام قدرت‌ها و علت العلل است؛ پس همه‌ی کارها را می‌توان به خدا نسبت داد. به همین دلیل در آیه می‌فرماید: «ما در هر شهری بزرگان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۰۹ گناهکار قرار دادیم.» ۳. مفاسد و بدبختی‌های اجتماعی از سردمداران فاسد ملت‌ها سرچشمه می‌گیرد و آنان سرانجام «۱» با انواع نیرنگ‌ها، راه خدا را دگرگون می‌سازند و راهزنِ راه حق می‌شوند و با بندگان خدا نیرنگ می‌بازند. «۲» ۴. سردمداران کفر به خودشان نیرنگ می‌زنند؛ زیرا سرمایه‌های وجودی خویش را در مسیری به کار می‌برند که نه تنها سودی به حال آنها ندارد، بلکه بار مسئولیت آنها را بیش‌تر می‌کند. گر شود بیمار، دشمن با طبیب ور کند کودک عداوت با ادیب در حقیقت رهزن جان خودند راه عقل و جان خود را خود زدند (مولوی) ۵. سردمداران فاسد نه تنها به خود زیان می‌رسانند، بلکه در نادانی هم هستند و نمی‌دانند که به خود نیرنگ می‌زنند و این جهل مرکب است. نیست خفاشک عدوّ آفتاب او عدوّ خویش آمد در حجاب (مولوی) آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مکر و تزویر، حربه‌ی خلافکاران بزرگ است. ۲. آموزه‌ی جامعه‌شناختی آیه آن است که عوامل فساد جامعه را در خلافکاران بزرگ جست وجو کنید. ۳. پیام روان‌شناختی آیه آن است که رهبران خلافکار، خودفریب و گرفتار جهل مرکّب هستند. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۰ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و چهارم سوره‌ی انعام به انتصابی بودن مقام رسالت و بهانه‌تراشی سردمداران کفر و کیفر آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۴. وَإِذَا جَآءَتْهُمْ ءَايَةٌ قَالُواْ لَن نُّؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَآ أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُواْ صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدُ بِمَا كَانُواْ يَمْكُرُونَ و هنگامی که آیه‌ای برای آنان بیاید، می‌گویند: «ایمان نمی‌آوریم، تا اینکه همانند چیزی که به فرستادگان خدا داده شده، به ما (هم) داده شود.» خدا داناتر است که رسالتش را کجا قرار دهد؛ بزودی کسانی را که خلافکاری کردند، به سزای اینکه همواره فریبکاری می‌کردند، در پیشگاه خدا خواری و عذابی شدید خواهد رسید. شأن نزول: حکایت شده که ابو جهل می‌گفت: ما و طایفه‌ی بَنی عبد مناف، در همه چیز با هم رقابت داشتیم، تا این‌که آنان ادعا کردند که پیامبری از میان ما برخاسته که به او وحی می‌شود؛ اما ممکن نیست که ما به او ایمان آوریم، مگر این‌که بر ما نیز همان‌گونه وحی شود. «۱» این آیه فرود آمد و با اشاره به این سخنان باطل، به آنها پاسخ داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اعطای مقام رسالت، وابسته به آمادگی روحی، پاکی ضمیر، فکر بلند، سجایای اصیل انسانی و تقوای فوق العاده‌ی افراد است و با این ویژگی‌هاست تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۱ که فرد به مقام عصمت می‌رسد و کسی جز خدا از آن مقام اطلاع ندارد، زیرا صفتی باطنی و درونی است؛ به همین دلیل، انتخاب پیامبران به دست خداست و خدا می‌داند که این رسالت را در چه جایی قرار دهد و به چه کسی عنایت کند. ۲. سردمداران کفر می‌خواستند با کارهای خلاف خود مقام و بزرگی خود را حفظ کنند، ولی در پیشگاه الهی به شدت تحقیر خواهند شد و از آن‌جا که تلاش آنان در راه باطل، شدید بود، عذاب آنان نیز شدید خواهد بود.

آری؛ جرم افراد بـا کیفر الهی تناسب دارد. ۳. در واژه‌ی «جرم» اشاره‌ی لطیفی وجود دارد و آن این که انسان در ذات خود پیونـدی بـا حق و پاکی و عـدالت دارد و جرم و خلافکاری و گناه، انسان را از این فطرت الهی جـدا می‌سازد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مقام نبوّت، انتصـابی آگاهـانه است (نه دل‌خواه افراد). ۲. کـافران، در برابر رهبران الهی بهانه‌تراشـی می‌کننـد. ۳. نتیجه‌ی خلافکـاری و استکبار در برابر رهبران الهی، ذلّت در پیشگاه خداست. ۴. نیرنگ‌بازی نکنیـد که گرفتار عـذاب شدید می‌شوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و بیست و پنجم سوره‌ی انعام به امدادهای الهی برای حق‌طلبان و سـلب توفیق از حق‌ستیزان اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۲ ۱۲۵. فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلمِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ ٠ صَدْرَهُ ضَيِّقاً حَرَجاً كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَآءِ كَذلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَايُؤْمِنُونَ و هر کس را که خـدا بخواهـد راهنماییش کنـد، سـینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام می‌گشاید؛ و هر کس را که بخواهد (بخاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وا نهد، سینه‌اش را تنگِ تنگ می‌کند، گویـا می‌خواهـد در آسـمان بالاـ برود؛ این گونه خـدا پلیـدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورنـد قرار می‌دهـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصـود از این آیه فراهم سـاختن مقـدمات هـدایت برای گروهی است که خود را برای پـذیرش حق آمـاده می‌کننـد، و از بین بردن زمینه‌ی هـدایت برای کسانی که با کردار خود، عـدم آمادگی خویش را اعلام کرده‌انـد؛ پس در حقیقت این مقـدمات و هـدایت و گمراهی را خودشان خواسـته‌اند و در پیمودن مسیر هدایت و گمراهی مجبور نیسـتند. ۲. واژه‌ی «سـینه» در این آیه کنـایه از روح و فکر انسان است و مقصود از گشاده ساختن آن، همان وسـعت روح و بلندی فکر و گسترش افق عقل آدمی است. «۱» آری؛ پذیرش حق، به ایثار و گذشـتن از منافع شخصـی نیاز دارد، که جز صاحبان ارواح وسیع و افکار بلنـد برای آن آمادگی ندارنـد. این نکته‌ی روان‌شـناختی مهمی اسـت که قرآن بیـان کرده است. ۴. کـافران لجوج، فکرشـان بسیار کوتـاه و روحشان کوچک و ناتوان است و کم‌ترین گذشتی در زندگی ندارند. «۲» آری؛ ضیق صدر (: تنگی سینه) یکی از کیفرهای الهی است. ۵. شرح صدر یکی از مواهب الهی است که به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داده شده تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۳ بود. «۱» حکایت شده: هنگامی که آیه‌ی فوق فرود آمـد، از پیامبر صـلی الله علیه و آله پرسـیدند، شـرح صـدر چیست؟ پیامبر فرمودند: «نوری است که خدا در قلب هر کس بخواهد می‌افکند و در پرتو آن، روح او وسـیع و گشاده می‌شود.» باز پرسـیدند: آیا شـرح صدر نشانه‌ای دارد که با آن شناخته شود؟ فرمودنـد: «آری نشانه‌اش توجه به سـرای جاویـدان و دامن برچیدن از زَرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ است، پیش از آن‌که مرگ فرا رسـد.» «۲» آری کسـی که به ضـیق صـدر و تنگی روح و کوتاهی فکر مبتلا شود، نمی‌توانـد جز دنیا را ببینـد، ولی کسـی که شـرح صـدر و روح گشـاده و فکری بلنـد دارد، حقایق جهان دیگر را به‌راحتی می‌پـذیرد و برای آن آماده می‌شود. ۶. در حـدیثی نیز از امام صادق علیه السـلام حکایت شـده که خـدا هنگامی که بخواهـد به کسـی خیری عطا کنـد، به او شـرح صدر برای اسـلام می‌دهـد؛ و هنگامی که چنین شد، زبانش به حق گشوده می‌شود و قلبش با حق پیوند می‌خورد؛ پس طبق حق عمل می‌کند و هنگامی که این‌گونه شـد اسـلام او کامل می‌شود و اگر با این حال بمیرد از مسـلمانان حقیقی است. اما هنگامی که خـدا نخواهد به کسـی خیری عطا کنـد، او را به حال خود وا می‌گـذارد، پس سـینه‌اش تنگ می‌شود و اگر حق را به زبان بگویـد، قلبش با آن پیوند نمی‌خورد و در نتیجه، بدان عمل تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۴ نمی‌کند .... «۱» ۷. در این آیه انسان‌های بی‌ایمان به کسانی تشبیه شده‌اند که می‌خواهند در آسـمان بالا روند. این تشبیه چند وجهِ شبَه دارد: الف) رفتن به آسـمان کار مشکلی است و پذیرش حق نیز برای کافران لجوج مشـکل است. ب) رفتن به آسـمان سبب سختی تنفس می‌شود، چون اکسیژن در لایه‌های بالای جوّ زمین کم‌تر است؛ پذیرش حق برای انسان‌های کافر نیز سبب تنگی سینه می‌شود. ۸. صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: «بیان این تشبیه در آن روز که هنوز این واقعیت علمی (تنگی نفس در آسـمان، در اثر کمبود اکسـیژن) به ثبوت نرسیده بود، در حقیقت از معجزات علمی قرآن محسوب می‌شود.» «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قبول حق نیاز به زمینه‌ی درونی و ظرفیت روحی دارد که خـدا به انسان‌های مؤمن عطا می‌کند. ۲. کم‌ظرفیتی روحی، نوعی پلیـدی درونی است که انسان‌هـای بی‌ایمـان گرفتار آن می‌شونـد. ۳. اگر هـدایت الهی را

می‌طلبید، در پی شرح صدر (و ظرفیت‌های وحی بالاتر) باشید. ۴. مطالب را با مثال‌های محسوس برای مردم بیان کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۵ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و ششم سوره‌ی انعام به راه مستقیم الهی و رابطه‌ی آیات الهی با بیداردلی اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۶. وَهـذَا صِرطُ رَبِّکَ مُسْتَقِیماً قَدْ فَصَّلْنَا الْآیتِ لِقَوْمٍ یَذَّکَّرُونَ و این راه راست پروردگار توست؛ بیقین آیات (خود) را برای گروهی که پند می‌گیرند، تشریح کردیم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود از راه مستقیم الهی در این آیه، «اسلام و قرآن» و یا «سنت الهی در مورد امداد حق‌طلبان و سلب توفیق از حق‌ستیزان» است که در آیه‌ی قبل مطرح شد. ۲. آیات الهی برای همه‌ی انسان‌ها آمده و بیان شده اما گروهی که بیداردل و اهل تذکّر و توجه باشند، از آن بهره می‌برند و افراد غافل کم‌تر استفاده می‌کنند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. راه راست و آیات الهی برای بیداردلان واضح است. ۲. اگر می‌خواهید از آیات الهی بهره ببرید، بیداردل و اهل توبه و تذکر باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هفتم سوره‌ی انعام به موهبت‌های الهی بیداردلان نیک‌کردار اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۷. لَهُمْ دَارُ السَّلـمِ عِنـدَ رَبِّهِـمْ وَهُـوَ وَلِیُّهُـم بِمَـا کَانُواْ یَعْمَلُـونَ برای آنان نزد پروردگارشان سرای سلامت خواهد بود؛ و به [پاداش آنچه همواره انجام می‌دادند، او سرپرست (و یاور) آنهاست. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۶ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان وقتی در آرامش است که رهبر و سرپرست او شخصی کریم و عادل و مکان او نیز امن باشد. برای انسان‌های بیداردل، هم خانه‌ی امن و امان فراهم آمده و هم این افتخار نصیب آنان شده که سرپرستی‌شان با خدا باشد؛ البته همه‌ی این پاداش‌ها به خاطر اعمال نیک مؤمنان بیداردل است. ۲. واژه‌ی «سلام» در اصل به معنای سلامتی از هر آفت ظاهری و باطنی است و سلامت حقیقی فقط در بهشت است؛ چون در آن‌جا بقای بدون فنا، غنای بدون فقر، عزّت بدون ذلت، و سلامت بدون ناراحتی و بیماری است. «۱» در آن جا از جنگ، خون‌ریزی، خشونت، رقابت‌های ناسالم و طاقت فرسا، دروغ و تهمت و حسد و کینه و غم و اندوه خبری نیست و از هر نظر آرامش در انتظار انسان است. ۳. تعبیر «نزد پروردگارشان» نوعی لطف و مرحمت الهی را می‌رساند که این خانه‌ی سلامت، در نزد پروردگار آنهاست؛ و در «سایه‌ی لطف پروردگار بودن» از نعمت‌های دیگر بالاتر است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بیداردلان، در سایه‌ی لطف الهی و تحت سرپرستی اویند. ۲. بهشت را به بها می‌دهند (نه به بهانه). ۳. اگر الطاف الهی را می‌طلبید، بیداردل و نیک‌کردار باشید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و هشتم سوره‌ی انعام به سودجویی گمراهان از همدیگر و فرجام عذاب‌آلود آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۷ ۱۲۸. وَیَوْمَ یَحْشُرُهُمْ جَمِیعاً یمَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَکْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ وَقَالَ أَوْلِیَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَآ أَجَلَنَا الَّذِی أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاکُمْ خلِدِینَ فِیهَآ إِلَّا مَا شَآءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ و در روزی که (خدا) همه آنان را گرد می‌آورد، (می‌گوید:) ای گروه (شیاطینِ) جنّ، بیقین از انسان (ها پیروان) فراوان یافتید. و پیروان آنان از میان انسان [ها] می‌گویند: « [ای پروردگار ما! برخی از ما از برخی [دیگر] بهره برداری کردیم؛ و به سرآمدمان که برای ما مقرّر داشتی، رسیدیم.» (خدا) می‌گوید: «آتش جایگاه شماست؛ در حالی که در آن ماندگارید، مگر آنچه خدا بخواهد.» براستی که پروردگارت فرزانه‌ای داناست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه صحنه‌ای از قیامت را یادآوری می‌کند که گروه‌هایی «۱» از شیطان‌های جن و انسان‌های پیرو آنان در برابر هم ایستاده‌اند و از آنان پرسش می‌شود. حکایت این جریان به آنان هشدار می‌دهد که تنها به این چند روز زندگی دنیا ننگرند و به پایان کار نیز بیندیشند. ۲. واژه‌ی «جِن» در اصل به معنای موجود ناپیداست و «ابلیس»، همان شیطان معروفی که آدم علیه السلام را فریب داد، نیز از جنس جن «۲» و رئیس شیطان‌هاست. آری؛ جن‌ها هم مثل انسان‌ها مکلّف و مختار هستند و کیفر و پاداش دارند. ۳. شیطان‌های جنّی و انسان‌های پیرو آنها از همدیگر بهره می‌برند؛ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۸ یعنی آن رهبران فاسد بر آنان حکومت می‌کنند و به وسیله‌ی پیروان خویش، اهداف خود را دنبال می‌کنند و انسان‌های منحرف نیز بر اثر وسوسه‌های شیطانی از کارهای زشت خود لذت می‌برند. ۴. جمله‌ی «مگر آنچه خدا بخواهد.»، یا اشاره به آن است که خدا هر گاه بخواهد می‌تواند عذاب را تغییر دهد و سلب قدرت از او نشده است و یا اشاره به آن است که برخی از این افراد استحقاق عذاب طولانی ندارند و ممکن است

مشمول عفو الهی قرار گیرند. «۱» ۵. وقتی مرگ همه‌ی افراد رسید و رستاخیز برپا شد، «۲» دادگاه و بازخواست الهی علنی است و همه‌ی انسانها و جن‌ها یک‌جا جمع‌آوری می‌شوند. ۶. در پایان آیه‌ی فوق دو صفت «حکمت» و «علم» خدا آورده شده که شاید اشاره به آن باشد که بخشش بر اساس حکمت و حساب است و خدا به خوبی از موارد آن آگاه است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رستاخیز روزگرد آمدن همگان و پاسخ‌گویی و کیفر گمراهان است. ۲. انگیزه‌ی شیطان‌صفتان و پیروان آنها، کام‌گیری و بهره‌برداری از هم‌دیگر است. ۳. اراده‌ی الهی آزاد و براساس حکمت و علم است. ۴. اگر می‌خواهید گرفتار عذاب الهی نشوید، پیرو و دوست شیطان نباشید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۱۹ قرآن کریم در آیه‌ی صد و بیست و نهم سوره‌ی انعام به سنت الهی در مورد ستمگران اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۲۹. وَكَذلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظلِمِينَ بَعْضاً بِمَا كَانُواْ يَكْسِبُونَ و اینگونه برخی ستمگران را به (سزای) آنچه همواره بدست می‌آوردند، بر برخی [دیگر] می‌گماریم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. پیروان شیطان‌ها «ظالم» اند؛ چه ظلمی بالاتر از این‌که انسان، با قبول رهبری شیطان‌صفتان، خود را از تحت ولایت خدا خارج سازد. ۲. صحنه‌ی رستاخیز صحنه‌ی واکنش‌ها و عکس العمل‌هاست و آنچه در آن‌جا وجود دارد، انعکاسی از اعمال ما در این دنیاست؛ هر کس در دنیا از ولایت خدا خارج شود و تحت ولایت شیطان‌ها قرار گیرد، در آخرت نیز تحت ولایت همان‌ها قرار می‌گیرد. ۳. آیه‌ی فوق اشاره به این سنت الهی است که سرانجام، ستمکاران در درّه‌ی بدبختی سقوط خواهند کرد و نتیجه‌ی اعمال خویش را خواهند دید. ۴. برخی از مفسران آیه‌ی فوق را مربوط به دنیا و تسلط ستمگران بر همدیگر دانسته‌اند و برآن‌اند که کام‌جویی‌ها، زمینه‌ساز سلطه‌ی ستمگران است و این نتیجه‌ی رفتار خود مردم است. ۵. در احادیث آمده است: کسانی که امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنند و کسانی که حقوق مالی خمس و زکات را نپردازند و کسانی که به ستمگران کمک کنند، کیفرشان تسلّط ستمگران بر آنان است.«۱» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۰ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (گاهی) تسلّط ستمکاران بر افراد، نتیجه‌ی کردار آنهاست. ۲. ستمکاران را به ستمکاران واگذارید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی‌ام سوره‌ی انعام به اتمام حجت الهی بر مردم اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۰. يمَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايتِى وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هذَا قَالُواْ شَهِدْنَا عَلَى أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُواْ عَلَى أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُواْ كفِرِينَ (در قیامت خدا می‌فرماید:) ای گروه جنّ و انسان! آیا فرستادگانی از شما برایتان نیامد که آیات مرا برای شما حکایت می‌کردند، و به شما نسبت به ملاقات این روزتان هشدار می‌دادند؟! (آنان) می‌گویند: «بر زیان خودمان گواهی می‌دهیم.» و زندگی پست (دنیا) آنان را فریب داد. و به زیان خودشان گواهی می‌دهند که آنان (خود) کافر بودند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. سدّ بزرگ راه سعادت انسان‌ها، دل‌بستگی و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر مظاهر جهان ماده است که انسان را به زنجیر اسارت می‌کشاند و او را به هر گونه ستم و خودخواهی و طغیان فرا می‌خواند. ۲. جن‌ها مثل انسان‌ها مکلّف هستند و فرستادگانی به سوی آنان رفته‌اند که می‌بایست به ندای آنان پاسخ مثبت می‌دادند و ایمان می‌آوردند. پیامبران و فرستادگان جن، ممکن است از جنس خود آنها بوده باشند- همان‌طور که در برخی احادیث اشاره شده است «۱»- و یا پیامبران بشر مأمور تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۱ دعوت آنان شده باشند. ۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای همه‌ی انسان‌ها و جن مبعوث شده‌اند و قرآن و اسلام برای همه حجت بوده است. این حقیقت از آیات سوره‌ی جن و برخی احادیث به خوبی استفاده می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. فریبکاری دنیا مانع پندپذیری است و افراد را به کفر می‌کشاند. ۲. به هشدارهای رهبران الهی و آیات خدا توجه کنید (تا در رستاخیز پشیمان نشوید). ۳. رهبران و مبلغان دینی آیات الهی را بر مردم بخوانند و در مورد رستاخیز به آنان هشدار دهند (تا حجّت تمام شود). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و یکم سوره‌ی انعام به یک سنت و قانون کلی الهی در مورد نابودی شهرها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۱. ذَلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظلْمٍ وَ أَهْلُهَا غفِلُونَ این (اتمام حجت بدان سبب است) که پروردگارت نابود کننده (مردم) آبادی‌ها به ستم نبوده، در حالی که اهلش غافل باشند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مقصود آیه آن است که خدا ستمکاران را، در حال غفلت و پیش از فرستادن پیامبران و اتمام حجت، مجازات

نمی‌کند؛ و یا این است که خدا افراد غافل را از روی ستم کیفر نمی‌دهد؛ چون کیفر دادن افراد در حال غفلت ظلم است و خدا برتر از آن است که ستم کند. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۲ البته مانعی ندارد که آیه به هر دو معنا اشاره داشته باشد. ۲. آیه‌ی فوق به این سنت و قانون کلی الهی اشاره دارد که خدا نخست با فرستادن پیامبران راه را نشان می‌دهد و هشدار می‌دهد و اتمام حجت می‌کند و چنانچه مردم پس از آن انکار و لجاجت کردند، کیفرشان می‌دهد. این سنت الهی است و در آیات دیگر قرآن نیز مطرح شده است. «۱» ۳. کیفرهای الهی به خاطر مقام ربوبیت خداست؛ یعنی ربّ بودن و تربیت نمودن و پرورش بندگان اقتضا دارد که گاهی برخی افراد را مجازات کند تا دیگران درس عبرت بگیرند و تربیت شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عذاب بدون بیان و هشدار، ناپسند و ستم است. ۲. افراد غافل را تنبیه نکنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۳

غفلت و راه‌کارهای زدودن آن

الف) اقسام غفلت: ۱. غفلت از خدا (گمراهی) (اعراف، ۱۷۹)؛ ۲. غفلت از آیات و نشانه‌های الهی (یونس، ۷ و ۹۲)؛ ۳. غفلت از آخرت (روم، ۷). ب) عوامل غفلت‌زا: ۱. تفکّر نکردن و ژرف‌اندیش نبودن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۲. به چشم بصیرت ننگریستن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۳. (حقایق را) نشنیدن و به گوش جان نسپردن (اعراف، ۱۷۹)؛ ۴. به اموال و فرزندان مشغول شدن (و دنیا را هدف خود قرار دادن) (منافقون، ۹)؛ ۵. تسلط شیطان بر انسان (مجادله، ۱۹ و مائده، ۹۱). ج) عوامل بیداری و راه‌کارهای نجات از غفلت: ۱. به یاد خدا افتادن و زیاد ذکر گفتن (اعراف، ۲۰۱ و احزاب، ۴۱)؛ ۲. تقوا و پارسایی (اعراف، ۲۰۱)؛ ۳. توجه به آیات الهی (بقره، ۲۲۱)؛ ۴. یادآوری نعمت‌های الهی (احزاب، ۹)؛ ۵. تفکر در مثال‌های قرآن (ابراهیم، ۵)؛ ۶. کتاب الهی (قصص، ۴۳)؛ ۷. توجه به هشدارهای پیامبران (قصص، ۴۶)؛ ۸. خردورزی (آل‌عمران، ۷ و بقره، ۲۶۹)؛ ۹. مشکلات و مصایب (اعراف، ۱۳۰)؛ ۱۰. نماز (طه، ۱۴). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۴ قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و دوم سوره‌ی انعام به فرجام نیکوکاران و بدکاران اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۲. وَ لِکلٍّ دَرَجتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَ مَا رَبُّک بِغَفِلٍ عَمَّا یَعْمَلُونَ و برای هر یک (از این گروه‌ها) رتبه‌هایی است، (که ناشی می‌شود) از آنچه انجام دادند؛ و پروردگارت از آنچه انجام می‌دهند غافل نیست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. آیه بار دیگر به این حقیقت اشاره دارد که تمام مقام‌ها و مراتب انسان، نتیجه‌ی کردار خود اوست. قیامت که بازار مینو نهند منازل به اعمال نیکو دهند (سعدی) ۲. در آیه‌ی فوق با بیان علم الهی و عدم غفلت خدا از اعمال انسان‌ها، به این مطلب اشاره دارد که خدا همه را می‌داند و به هر کس آنچه را لیاقت دارد می‌دهد. ۳. مقصود از «درجه» در آیه‌ی فوق تنها مراتب رُشد و کمال نیست، بلکه مراحل سقوط (: درکات) را هم شامل می‌شود. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سعادت و شقاوت شما وابسته به کردار خودتان است (پس بنگرید که چه می‌کنید). ۲. اعمال خود را همواره تحت نظارت پرودگار بدانید (و به هوش باشید). *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۵ قرآن کریم در آیات صد و سی و سوم و صد و سی و چهارم سوره‌ی انعام با اشاره به صفات الهی و قطعی بودن وعده‌های او و هشدار به انسان‌های خلافکار می‌فرماید: ۱۳۳ و ۱۳۴. وَ رَبُّک الْغَنِیُّ ذُو الرَّحْمَهِْ إِن یَشأْ یُذْهِبْکمْ وَ یَستَخْلِف مِن بَعْدِکم مَّا یَشاءُ کَمَا أَنشأَکم مِّن ذُرِّیَّهِْ قَوْمٍ ءَاخَرِینَ* إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَاتٍ وَ مَا أَنتُم بِمُعْجِزِینَ و پروردگارت توانگر [و] دارای رحمت است؛ اگر بخواهد، شما را (از میان) می‌برد؛ و هرگونه بخواهد بعد از شما جانشین می‌سازد؛ همان گونه که شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورد.* قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود، آمدنی است؛ و شما عاجز کننده (خدا) نیستید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه هشداری است به گناهکاران است که باید در همین دنیا نیز بیم داشته باشند؛ چرا که هلاک کردن آنان برای خدا بسیار آسان است. او می‌تواند آنها را هلاک کند و انسان‌های دیگری را جانشین آنها سازد. ۲. در آیه‌ی فوق دو صفت «توانگری و رحمت الهی» بیان شده است که اشاره به این دارد که تغییر اقوام براساس بی‌نیازی خدا از آنهاست و اگر شما را هلاک نکرده به خاطر لطف اوست. ۳. خدا از همه چیز حتی از عبادات ما بی‌نیاز است؛ پس دستورات عبادی او، برای رشد خود ماست. ۴. ربوبیّت و مربی بودن و پرورش دیگران،

همراه با بی‌نیازی مربی و عطوفت و مهربانی او مطلوب است. ۵. کسی را می‌توان عاجز کرد که قدرتش از قدرت انسان کم‌تر باشد، اما تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۶ خدایی که قدرت بی‌نهایت دارد، هیچ‌گاه عاجز و ناتوان نمی‌شود «۱» و به تمام وعده‌های خود، از جمله جای‌گزینی اقوام، می‌توانـد عمل کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. بقای اجتماعات بشری به اراده‌ی الهی بستگی دارد. ۲. خـدا تـوانگری مهربـان است که می‌خواهـد شـما را تربیت کنـد. ۳. (خـدا را نیازمنـد خـود و عبـادت و هـدایت خویش ندانیـد که) جای‌گزینی ملت‌ها برای خـدا آسان است. ۴. وعده‌های الهی تخلف‌ناپذیر است و شـما نمی‌توانید مانع او شوید. ۵. به قدرت الهی و ناتوانی خود توجه کنید (و نافرمانی ننمایید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و پنجم سوره‌ی انعام از زبان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به مشرکان هشـدار می‌دهـد و می‌فرماید: ۱۳۵. قُلْ یَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلی مَکانَتِکمْ إِنی عَامِلٌ فَسوْف تَعْلَمُونَ مَن تَکُونُ لَهُ عَقِبَةُ الـدَّارِ إِنَّهُ لا یُفْلِحُ الظلِمُونَ بگو: «ای قوم [من ! هر چه مقـدور شـماست انجام دهیـد، که من (هم) انجام می‌دهم. و در آینـده خواهیـد دانست چه کسـی فرجـام (نیکِ) سـرای (آخرت) برایش خواهـد بود؛ براستی که سـتمکاران رسـتگار نمی‌شونـد.» نکته‌ها و اشاره‌ها: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۷ ۱. این آیه به مخالفان سـتمگر اسـلام هشدار می‌دهد که خدا شما را رها کرده تا هر چه می‌توانیـد انجام دهیـد، ولی از عاقبت کار خویش بهراسیـد؛ زیرا به سـعادت و رسـتگاری نخواهیـد رسید و به‌جای فرجام نیک، فرجام عـذاب‌آلودی خواهیـد داشت. ۲. ظالمـان سـرانجام به رسـتگاری، پیروزی و سـعادت نمی‌رسـند؛ چرا که ظلم برخلاف قانون عـدالت عمومی جهان آفرینش است و فرجامش شـکست و دوزخ است. ۳. آیه‌ی فوق خطاب به «مشـرکان کافر» است، ولی به‌جای واژه‌ی «کـافرون» از واژه‌ی «ظالمون» اسـتفاده شـده است. این تعبیر نشان می‌دهـد که کفر و انکار حق، نوعی ظلم آشکار است. «۱» آری؛ کـافر هم به خویشـتن سـتم نموده و خود را از رشـد و کمال باز داشـته و هم به جامعه‌ی بشـری سـتم نموده و به انحراف مردم کمک کرده است. ۴. ملاک موفقیت، سرانجام کار و حُسن عاقبت است، نه جلوه‌های زودگذر فعلی. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. (کفر و) ستمکاری، فرجام نیکی برای انسان رقم نمی‌زند. ۲. موفقیت افراد را با ملاک فرجام نیکو و رستگاری محک بزنید. ۳. ای رهبران و مبلغان دینی! در برابر کافران لجوج و ستمگر موضع‌گیری منفی کنید و آنان را رها سازید و به آنها هشدار دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و سـی و شـشم سوره‌ی انعام آداب خرافی مشـرکان را نکوهش می‌کنـد و می‌فرمایـد: ۱۳۶. وَ جَعَلُـوا للَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الأَنْعَم نَصِیباً فَقَالُوا هَذَا للَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشرَکائنَا فَمَا کانَ لِشرَکائهِمْ فَلا یَصِلُ إِلی اللَّهِ وَ مَا کانَ للَّهِ فَهُوَ یَصِلُ إِلی شرَکائهِمْ ساءَ مَا یَحْکمُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۸ و (مشـرکان) برای خدا، سـهمی از آنچه (او) از زراعت و دام‌ها آفریده، قرار دادنـد؛ و بر اساس پنـدارشان گفتند: «این (سـهم) برای خداست، و این (سـهم دیگر) برای شـریکان (یعنی بت‌های) ماست.» و آنچه برای شـریکانشان بود، پس به خـدا نمی‌رسـد، و [لی آنچه برای خـدا بود، پس آن به شـریکانشان می‌رسـد، چه بـد داوری می‌کنند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. حکایت شده که مشـرکان مقداری از محصولات کشاورزی و حیوانات خود را برای خدا قرار می‌دادند و برای مهمان‌ها و فقرا مصـرف می‌کردند و مقداری را هم برای بت‌ها قرار می‌دادند و آن را به خادمان بت‌ها می‌بخشـیدند (و خودشان هم از این قربانی‌ها اسـتفاده می‌کردنـد). «۱» آنـان اگر می‌دیدنـد سـهم خـدا بهتر شـده است، آن را با سـهم بت‌ها تعویض می‌کردنـد و می‌گفتنـد: «خـدا نیازی به این امور نـدارد.» و این به خاطر محبت شدیـد آنها به بت‌ها بود «۲» و نشان می‌دهـد که آنها برای خدا به اندازه‌ی بُتی بی‌جان ارزش قایل نبودند. آیه‌ی فوق به این عقاید و خرافات اشاره کرده، آنها را سـرزنش و محکوم می‌کند. این‌گونه عقاید و عادات انحطاط فکری بزرگی به شـمار می‌آید. «۳» ۲. تعبیر «شُرکائِنا» می‌رساند که آنان بت‌ها را شریکِ اموال و سرمایه‌ی زندگی خویش می‌دانسـتند. تعبیر «از آنچه خدا خلق کرده است.»، در حقیقت اشاره‌ای به ابطال عقیده‌ی مشرکان است؛ چون چیزی که مخلوق خـداست، اصل آن برای خـداست و نمی‌توان از آن سـهمی برای خـدا قرار داد و دیگران را شـریک او گردانیـد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۲۹ ۳. در آیه‌ی فوق آمده است: «آنچه مال شریک‌های آنان بود به خدا نمی‌رسید و آنچه برای خدا بود به شـریکان آنها می‌رسـید.» برخی از مفسـران برآن‌اند که این جمله ادامه‌ی سخن مشرکان است و مقصود آن است که هرگاه بر اثر

حادثه‌ای آسیبی به سهم خدا می‌رسید، می‌گفتند: مهم نیست و خدا بی‌نیاز است، اما اگر به سهم بت‌ها آسیبی می‌رسید، از سهم خدا به جای آن قرار می‌دادند و می‌گفتند بت‌ها نیاز بیش‌تری دارند. «۱» احتمال دارد این جمله معترضه و سخن خدا باشد و مقصود آن است که «آنچه برای بت‌ها قرار دادند که به خدا نمی‌رسد و آنچه را هم برای خدا قرار دادند، به خاطر شرك ورزیدن و عدم خلوص نیّتشان، به خدا نمی‌رسد و خدا آن را برای شریك‌ها و بت‌های آنان وا می‌گذارد.» همان‌طور که در برخی احادیث آمده است، خدا می‌فرماید: «من شریک خوبی هستم؛ هرکس برای من و غیر من عمل کند، (همه‌ی) آن عمل را برای غیر خودم وا می‌گذارم.» «۲» ۴. گرچه کشاورزان و دامداران در پرورش دام‌ها و زراعت نقش دارند، اما نقش اصلی از آنِ خداست که خالق آنهاست. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شرك‌ورزی ریشه در خرافات و داوری‌های ناپسند دارد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۰ ۲. خدا کارهای شرك‌آلود را نمی‌پذیرد. ۳. شرك نورزید که کارهای نیك شما نیز بر باد می‌رود. ۴. از آفریده‌های خدا برای خدا قرار ندهید و شرك نورزید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هفتم سوره‌ی انعام به فرزندکشی و پیامدهای منفی آن اشاره کرده، می‌فرماید: ۱۳۷. وَ کَذَلِك زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشرِكينَ قَتْلَ أَوْلَدِهِمْ شرَكاؤُهُمْ لِيرْدُوهُمْ وَ لِيَلْبِسوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْترُونَ و اینگونه (علاقه‌ها به) شریکانشان (: بت‌ها) کشتن فرزندانشان را برای بسیاری از مشرکان آراستند، تا (سرانجام) آنان را به هلاکت افکندند؛ و تا (در نهایت) دینشان را بر آنان مشتبه ساختند. و اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، آن را انجام نمی‌دادند؛ پس آنان را با آنچه (به دروغ) می‌بندند، واگذار! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان فرزندانشان را نذر بت‌ها می‌کردند، یا برای آنها قربانی می‌نمودند، آری؛ جامعه‌ی انسانی، بدون تربیت الهی و ارتباط با خدا، آن‌قدر سقوط می‌کند که حتی فرزندان خود را پای بت‌های سنگی و چوبی قربانی می‌کند و آن را نوعی عبادت به شمار می‌آورد. قرآن کریم با این خرافات مبارزه کرد. ۲. مقصود از آراستن و زینت دادن اعمال، یا آن است که به خاطر علاقه به بت‌ها دست به فرزندکشی می‌زدند. یا این‌که خادمان بت‌ها مردم را به کشتن و قربانی کردن فرزندانشان تشویق می‌کردند. و یا این‌که زنده به گور کردن دختران که در میان طایفه‌ی «بنی تَمیم» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۱ رایج شده بود، پیام بت‌ها معرفی می‌شد. «۱» البته مانعی ندارد که هر سه مطلب مقصود آیه باشد. ۳. در این آیه بیان شده که فرزندکشی چند پیامد دارد: الف) موجب هلاکت انسان‌ها می‌شود؛ چون نسل انسان را نابود می‌سازد. ب) فرزندکشی برای بت‌ها خرافه‌ای است که اگر با عنوان یك آیین دینی مطرح شود، آموزه‌های اصیل دینی را زیر سؤال می‌برد. ج) فرزندکشی گناهی است که موجب رها و سرگردان شدن انسان می‌گردد؛ یعنی زمینه‌های هدایت و توفیق را از بین می‌برد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. آراستن خرافات، عامل هلاکت و سقوط انسان‌ها و مشتبه شدن دین و التقاط است. ۲. خدا هدایت اجباری مردم را نمی‌خواهد (و آنان را در انتخاب راه حق و باطل آزاد گذارده است). ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی وقت خود را صرف مشرکان لجوج نسازند (بلکه به سراغ افراد مستعد بروند). ۴. با فرزندکشی مبارزه کنید که خرافه است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و سی و هشتم سوره‌ی انعام نمادهای فرهنگ جاهلی عرب را برشمرده و ریشه‌یابی می‌نماید و با آنها مبارزه می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۸. وَ قَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا يَطعَمُهَا إِلا مَن نَّشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعَمٌ حُرِّمَت ظهُورُهَا وَ أَنْعَمٌ لا يَذْكُرُونَ اسمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْترَاءً عَلَيْهِ سيَجْزِيهِم بِمَا كانُوا يَفْترُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۲ و (مشرکان) بر اساس پندارشان گفتند: «این، دام‌ها و زراعتی (که مخصوص بت‌هاست، برای همه) ممنوع است؛ که [نباید] از آنها بخورد، جز کسی که ما می‌خواهیم؛ و (اینها) دام‌هایی است که (سوار شدن بر) پشت آنها ممنوع شده است؛ و (نیز) دام‌هایی است که (هنگام سر بریدن) نام خدا را بر آنها نمی‌بُردند؛ در حالی که به او (دروغ) می‌بندند (و می‌گفتند: این احکام، همه از ناحیه اوست.) بزودی (خدا) آنان را بخاطر آنچه همواره (به دروغ) می‌بستند، کیفر می‌دهد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه نیز برخی از افکار و عقاید و اعمال خرافی عصر جاهلیت عرب را به تصویر می‌کشد و فرهنگ زمانه‌ی مشرکان صدر اسلام را معرفی و با آن مبارزه می‌کند تا اصلاح شود. ۲. مشرکان گوشت برخی حیوانات و برخی محصولات کشاورزی را بر خود و دیگران حرام کرده بودند؛ «۱» چون

آنهـا را سـهم بت‌ها قرار داده بودنـد و فقط خادمان بت‌ها و بت‌خانه‌ها حقّ اسـتفاده از سـهم بت‌ها را داشـتند. در آیه‌ی ۱۳۶ سوره‌ی انعام نیز به این سهم اشاره شد. ۳. مقصود از حیواناتی که سوار شدن بر آنان حرام بود ظاهراً همان حیواناتی است که با عنوان «سائبهٔ و حام» در آیه‌ی ۱۰۳ مائده از آنها نام برده شد؛ یعنی حیواناتی که به خاطر تولید فرزندان زیاد، مورد حمایت قرار می‌گرفتند و آزاد می‌شدنـد و کسـی حق سوار شـدن بر آنها را نداشت. ۴. ممکن است مقصود از حیوانـاتی که نـام خـدا بر آنان برده نمی‌شـد، همان حیواناتی باشد که در هنگام سر بریدن، نام بت‌ها بر آنها برده می‌شد و تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۲۳۳ یا حیواناتی که سوار شـدن بر آنها را برای حج ممنوع کرده بودند. «۱» در هر دو صورت این حکم خرافی و بـدون دلیـل بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مبنای خرافـات، پنـدار و تهمت زدن به خـداست. ۲. قرآن بـا فرهنگ‌هـای خرافی مخـالف است و مبارزه می‌کنـد. ۳. بـا خرافات جاهلی و فرهنگ‌هـای غلـط مخالفت کنیـد و آنها را افشا نماییـد. ۴. تهمت‌زننـدگان بر خـدا در امـان نیسـتند و به زودی کیفر اعمـال خود را می‌بیننـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و سـی و نهم سوره‌ی انعـام به برخی دیگر از سـخنان خرافی مشـرکان و نمادهـای فرهنگ زمانه‌ی عرب اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۳۹. وَ قَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لا یَطعَمُهَا إِلا مَن نَّشاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ أَنْعَمٌ حُرِّمَت ظهُورُهَا وَ أَنْعَمٌ لا یَذْکُرُونَ اسمَ اللَّهِ عَلَیْهَا افْترَاءً عَلَیْهِ سیَجْزِیهِم بِمَا کانُوا یَفْترُونَ و (مشـرکان) گفتند: «آنچه در شـکم این دام‌هاست، مخصوص مردان ماست، و بر همسـران ما ممنوع است؛ و [لی اگر مردار باشد، پس آنان (هم) در آن شریکند.» بزودی (خدا) کیفر وصف آنان را به ایشان می‌دهـد؛ [چرا] که او فرزانه‌ای داناست. تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۲۳۴ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم در این آیه نیز، یکی دیگر از نمادهـای فرهنگ جاهلی عرب را برمی‌شـمارد و با آن مبارزه می‌کنـد؛ قرآن در پی نفی عناصـر منفی فرهنگ زمانه و جای‌گزینی عناصـر الهی به‌جای آن، یعنی فرهنگ‌سازی جدید است. ۲. مشرکان جنین زنده‌ی حیوانات را می‌خوردند، ولی به جنین مرده‌ی حیوانـات میـل زیـادی نداشـتند؛ از این رو همسـران خـود را در خوردن آن شـریک می‌کردنـد. ولی اولًا، این حکم هیچ‌گونه فلسـفه و دلیلی نداشت؛ ثانیاً، بسیار زشت و زننده بود که همسران خود را در گوشتی که غالباً فاسد بود شریک می‌کردند؛ و ثالثاً، این حکم نوعی تبعیض آشـکار، میان جنس مرد و زن بود. «۱» ۳. مقصود از «وَصْف» در آیه‌ی فوق همان توصـیفی بود که مشـرکان از خدا می‌کردند و این‌گونه تحریم‌ها را به او نسبت می‌دادند. و یا منظور همان صفت و حالتی است که بر اثر تکرار گناه، در شـخص گناهکار پیدا می‌شود و او را مستحق مجازات می‌نماید؛ که در این صورت، آیه اشاره به تجسّم اعمال و حالات انسان به صورت کیفرهـای الهی در قیامت است. «۲» ۴. «صـفت حکیم و علیم» در پایـان آیه اشـاره به این است که خـدا از کردار و گفتار و تهمت‌های ناروای آنان با خبر است و بر اساس حکمت آنان را مجازات می‌کنـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن با عناصر منفی فرهنگ زمانه‌ی عرب مخالف است. ۲. با سـخنان و عقاید خرافی مبارزه کنید. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۵ ۳. با تبعیض‌های ناروا بین زن و مرد مبـارزه کنیـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و چهلم سـوره‌ی انعـام نمادهـای فرهنـگ خرافی و جـاهلی را سـرزنش می‌کنـد و می‌فرماید: ۱۴۰. قَدْ خَسرَ الَّذِینَ قَتَلُوا أَوْلَـدَهُمْ سفَهَا بِغَیرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَـا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْترَاءً عَلی اللَّهِ قَدْ ضـلُّوا وَ مَـا کـانُوا مُهْتَدِینَ بیقین کسانی زیان کردند، که فرزندانشان را از روی سـبک سـری بدون هیچ دانشـی کشـتند؛ و آنچه را خدا به آنان روزی داده بود ممنوع کردنـد، در حـالی که بر خـدا (دروغ) می‌بسـتند؛ بیقین گمراه شدنـد، و ره یـافته نبودنـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم، با تمام قامت و رساترین دلیل‌ها، در برابر خرافات عرب جاهلی ایستاد و فرهنگ زمانه را اصلاح کرد. این آیه نیز فرزندکشی و ممنوعیت برخی غـذاها را محکوم و به دلایل منطقی این محکومیت اشاره می‌کند. ۲. از ابن عباس، شاگرد تفسیری امام علی علیه السـلام، حکایت شـده که گفت: اگر کسـی بخواهد مقدار عقب‌ماندگی اقوام جاهلی را بداند، آیات سوره‌ی انعام را بخواند. «۱» ۳. در ایـن آیه برای مشـرکانی که فرزنـدان خـود را می‌کشـتند، چنـد ویژگی و پیامـد برمی‌شـمارد که عبارت‌انـد از: الـف) سـفاهت و سبک‌سـری؛ ب) نادانی و انجام دادن کارهای غیر علمی؛ تفسیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۲۳۶ ج) زیانکـاری که شامل زیان‌های عاطفی، اجتماعی و معنوی می‌شود؛ د) گمراهی و هـدایت نشـدن. ۴. آیه‌ی فوق در مورد تحریم نابه‌جـای برخی حیوانات و غـذاها،

مشـرکان را نکوهش می‌کنـد و چنـد نکته را تذکر می‌دهد: الف) این‌ها نعمت‌های خدا برای آنان و لازمه‌ی حیاتشان بود، ولی آنها قانون خـدا را زیر پا گذاشـتند و نعمت‌های الهی را برخود حرام کردنـد. ب) مشـرکان این‌گونه تحریم‌ها را به خدا نسبت دادند، در حالی که خـدا چنین دسـتوری نـداده بود و این تهمت بر خـدا بود. ج) این تهمت‌ها و تحریم‌ها برخاسـته از گمراهی بود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. عقایـد و اعمال خرافی برخاسـته از گمراهی و موجب زیانکاری انسان است. ۲. کارهای سبک‌سرانه و غیرعلمی نکنید که زیانکار می‌شوید. ۳. غـذاهای حلال را بر خود حرام نکنیـد که نوعی تهمت بر خـداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و چهل و یکم سوره‌ی انعام به یادآوری نشانه‌های خدا در صحنه‌ی طبیعت می‌پردازد و اسراف را ممنوع اعلام می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۱. وَ هُوَ الَّذِی أَنشأَ جَنَّتٍ مَّعْرُوشتٍ وَ غَیرَ مَعْرُوشتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مخْتَلِفاً أُکلُهُ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُتَشبِهاً وَ غَیرَ مُتَشبِهٍ کلُوا مِن ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ ءَاتُوا حَقَّهُ یَوْمَ حَصادِهِ وَ لا تُسرِفُوا إِنَّهُ لا یحِب الْمُسرِفِینَ و اوست که باغ‌هایی (با درختان) داربست دار، و بدون داربست و درخت خرما، و زراعت با خوردنی‌های متفاوت، و زیتون و انار، همگون و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۷ ناهمگون را پدید آورد. از ثمر [ات آن، بـه هنگـامی که به بـار می‌نشـیند، بخوریـد؛ و حـق آن را به روز برداشـتش بپردازیـد؛ و زیـاده‌روی نکنیـد؛ [چرا] که او اسرافکاران را دوست ندارد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه از نشانه‌های خدا در صـحنه‌ی طبیعت یاد شده است که چگونه از آب و خـاک، میوه‌های متنوع و باغ‌های رنگارنگ با درختان برافراشـته و غیربرافراشـته سـر برآورده است. «۱» برگ درختـان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار ۲. یادآوری میوه‌هایی از قبیل نخل، زیتون و انار، یا به خاطر اهمیت و فواید آنها و یا از باب ذکر مثال و مصـداق است. البته درخت انار و زیتون، با این که از نظر ظاهری تشابه دارند، از نظر میوه و خواص غذایی با هم تفاوت دارنـد. ۴. «اسـراف» به معنـای تجـاوز از حـدّ اعتـدال است و در این جـا می‌تواننـد به معنای اسـراف در خوردن یا اسـراف در بخشـش باشـد؛ یعنی بخشـش‌های شـما طوری نباشـد که خود و فرزنـدانتان فقیر شویـد. در روایات اهل‌بیت علیهم السـلام نیز به این مطلب اشاره شـده است. «۲» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۸ ۵. تعبیر «از میوه به هنگامی که به ثمر نشـست، بخوریـد.» ممکن است اشاره به این باشد که به مجرد این که میوه‌ها و ثمرات درختان و زراعت آشکار می‌شود، خوردن آنها جایز است، اگر چه حقّ مسـتمندان را هنوز نپرداخته باشند، ولی موقع درو محصول و چیدن میوه‌ها، باید حقوق مستمندان را بپردازند. ۶. مقصود از حقّی که بایـد در موقع درو محصول و چیـدن میوه پرداخت، زکـات نیست؛ چون حکم زکـات در سال دوم هجری فرود آمـد و سوره‌ی انعام مکی است. پس مقصود همان انفاق‌های مسـتحبی است که به بینوایان داده می‌شود؛ یعنی هنگامی که بینوایان در موقع چیدن میوه‌ها حاضـر شدند، چیزی از میوه‌ها را به آنان بدهید. به اسـتحباب این عمل در روایات اهل‌بیت علیهم السلام نیز اشاره شده است. «۱» ۷. تعـبیر «یوم» (: روز) در آیه‌ی فوق ممکن است اشـاره به آن باشـد که بهتر است چیـدن میوه‌هـا و درو محصول در روز انجـام شود تا مسـتمندان نیز حاضر شوند و قسمتی به آنها داده شود؛ یعنی هم‌چون افراد بخیل، شبانه این کار را انجام ندهند که کسی باخبر نشود. در روایـات اهـل بیت علیهم السـلام نیز بر این مطلب تأکیـد شـده است. «۲» ۸. میوه‌هـا را نارس مصـرف نکنیـد و از میوه‌هایی که به صورت طبیعی رسـیده است بخورید. «۳» آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. بـا مطـالعه در مورد درختـان، باغ‌ها، زراعت‌ها و میوه‌ها و تنوع آنها، تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۳۹ درس خداشناسی بیاموزید. ۲. در چیدن محصولات و مصرف آنها، حقّ محرومان را بپردازید. ۳. اسـراف و زیاده‌روی نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. *** قرآن کریـم در آیه‌ی صد و چهل و دوم سوره‌ی انعام با اشاره به فواید حیوانات، نسـبت به پیروی از شـیطان هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۴۲. وَ مِنَ الأَنْعَمِ حَمُولَةً وَ فَرْشاً کلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللَّهُ وَ لا تَتَّبِعُوا خُطوَتِ الشیْطنِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِینٌ و (او کسی است که) از دام‌ها (حیوانات بزرگ) باربر، و حیوانات کوچک (ی که از پشم آنها فرش می‌بافنـد، آفرید.) از آنچه خدا به شـما روزی داده است بخورید؛ و از گام‌های شـیطان پیروی ننمایید؛ [چرا] که او دشمنی آشکار برای شماست. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه به دو نعمت الهی اشاره شده که نشانه‌های خدا هستند: یکی حیوانات بزرگ باربر و دوم حیوانات کوچک که از پشم و پوست آنها فرش‌هایی به دست می‌آیـد «۱» و از گوشت آنها مصرف می‌کنیم که

آن هم رزق الهی است. ۲. شیطان از سیاست گام به گام استفاده می‌کند و وسوسه‌های شیطانی، انسان را گام به گام از خدا دور می‌کند «۲» و کم‌کم گرفتار خرافات و انحراف می‌سازد؛ برای مثال، نخست افراد را به مجالس گناه و گناهان کوچک تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۰ می‌کشاند و سپس به سوی گناهان بزرگ‌تر سوق می‌دهد تا این که به کفر و شرک می‌رساند. ۳. در آیه‌ی فوق به دشمنی آشکار شیطان با انسان اشاره شده که از آغاز خلقت انسان دشمنی خود را اعلان و حتی با انسان اعلام جنگ کرد «۱» ولی با این حال برخی از انسان‌ها فریب او را می‌خورند و گام به گام در دام او گرفتار می‌آیند. «۲» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. شما سر سفره‌ی خدا هستید؛ پس، از دشمنان او پیروی نکنید. ۲. سیاست شیطان، انحراف تدریجی و گام به گام شماست (پس مواظب باشید). ۳. با مطالعات زیست‌شناسی، خداشناس‌تر شوید. ۴. دشمن اصلی خود را بشناسید و از او پیروی نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و سوم سوره‌ی انعام برای ردّ خرافات و تحریم‌های بت‌پرستان، چهار جفت از حیوانات حلال گوشت را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴۳. ثَمَنِيَةَ أَزْوَجٍ مِّنَ الضأْنِ اثْنَينِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَينِ قُلْ ءَالذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَينِ أَمَّا اشتَمَلَت عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَينِ نَبِّئُونى بِعِلْمٍ إِن كنتُمْ صدِقِينَ هشت زوج (از دام‌ها آفرید) از میش دو تا و از بُز دو تا؛ بگو: «آیا [خدا] دو نر را حرام کرده، یا دو ماده را؟! یا آنچه رَحِم دو ماده آن را در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۱ برگرفته است؟! اگر راستگویید (و بر تحریم اینها دلیلی دارید،) بر اساس علم به من خبر دهید!» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. اصل در مورد چهارپایان، جواز و اباحه و حلال بودن گوشت آنهاست و ممنوعیت و حرمت گوشت هر حیوان دلیل خاص می‌خواهد. ۲. قرآن کریم در مقابل تحریم‌های بی‌دلیل گوشت برخی حیوانات توسط مشرکان ایستاده است و با بیان روشن و صریح از آنان دلیل می‌طلبد، تا خرافات و فرهنگ غلط جاهلیت را از جامعه بزداید. ۳. در این آیه از هشت زوج یاد شده است «۱» که مقصود، یا چهار نوع حیوان نر و چهار نوع حیوان ماده است «۲» و یا چهار جفت حیوان اهلی و وحشی؛ همان‌طور که در برخی روایات از اهل‌بیت علیهم السلام حکایت شده است. «۳» ۴. در هنگام خبر دادن از حلال و حرام الهی، علم (عادی) لازم است؛ یعنی سخنی که همراه با دلیل اطمینان‌بخش باشد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. ممنوعیت و تحریم هر حیوانی دلیل می‌خواهد (وگرنه خرافه است). ۲. از خرافه‌پرستان و مخالفان اسلام دلیل بخواهید. ۳. دلایل علمی را معیار صحت مطالب قرار دهید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۲ قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و چهارم سوره‌ی انعام برای مبارزه با خرافات مشرکان، چهار جفت دیگر از حیوانات حلال گوشت را برمی‌شمارد و می‌فرماید: ۱۴۴. وَ مِنَ الابِلِ اثْنَينِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَينِ قُلْ ءَالذَّكرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَينِ أَمَّا اشتَمَلَت عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَينِ أَمْ كنتُمْ شهَدَاءَ إِذْ وَصامُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْترَى عَلى اللَّهِ كذِباً لِّيُضِلَّ النَّاس بِغَيرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لا يهْدِى الْقَوْمَ الظلِمِينَ و از شتر دو تا و از گاو (هم) دو تا (آفرید؛) بگو: «آیا [خدا] دو نر را حرام کرده یا دو ماده را؟! یا آنچه رحم دو ماده آن را در برگرفته است؟! یا هنگامی که خدا شما را به این (تحریم) سفارش کرد، (شما) شاهد بودید؟! و چه کسی ستمکارتر است از کسی که بر خدا دروغ بسته، برای اینکه مردم را بدون هیچ دانشی گمراه سازد؟! براستی که خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی‌کند.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. قرآن کریم با تمام قامت و با بیانی روشن، به مبارزه با خرافات فرهنگ زمانه می‌پردازد. این آموزه‌ای راهبردی برای پیروان قرآن است که در برابر خرافات و تحریم‌های نابه‌جا و فرهنگ‌های غلط بایستند و مبارزه کنند. ۲. حرام نمودن گوشت حیوانات، تنها به دست خدایی است که آفریدگار آنهاست و این از طریق وحی الهی فهمیده می‌شود که مشرکان بت‌پرست به آن دسترسی ندارند؛ از این‌رو از آنان پرسش می‌شود: شما که دلیل نقلی ندارید، آیا ادعا می‌کنید که به هنگام صدور این دستورات حاضر بوده‌اید؟ و البته جواب این پرسش نیز منفی است؛ پس ثابت می‌شود که مشرکان در مورد خرافاتی که ادعا می‌کردند، هیچ دلیلی نداشتند و دروغ‌گو بودند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۳ ۳. دروغ بستن به خدا یکی از بزرگ‌ترین ستم‌هاست؛ «۱» چون اولًا، ستم به مقام مقدس پروردگار است، و ثانیاً ستم به بندگان خداست که گمراه می‌شوند، چون دروغ بستن بر خدا، یکی از وسایل گمراه کردن مردم است، و ثالثاً، ستم بر خویشتن است، چون شخص دروغ‌گو خود را گرفتار عذاب می‌کند. «۲» ۴. هدایت و گمراهی جنبه‌ی اختیاری دارد و عوامل و مقدمات آن، از خود

انسان شروع می‌شود. هنگامی که کسی ستم کرد خدا حمایت و هدایت خود را از او دریغ می‌دارد، و او در بیراهه‌ها سرگردان می‌شود و هدایت نمی‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. نسبت ناروا به خدا دادن و تحریم‌های نابه جا، گناه و ستمکاری است. ۲. با دروغ‌پردازی جاهلانه مردم را به گمراهی نکشانید. ۳. اگر می‌خواهید از هدایت الهی بهره ببرید، ستمکاری نکنید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و پنجم سوره‌ی انعام به برخی از حیوانات حرام گوشت و موارد استثنا اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۴۵. قُل لا أَجِدُ فی مَا أُوحِیَ إِلیَّ محَرَّماً عَلی طاعِمٍ یَطعَمُهُ إِلا أَن یَکُونَ مَیْتَهً تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۴ أَوْ دَماً مَّسفُوحاً أَوْ لَحْمَ خِنزِیرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسقاً أُهِلَّ لِغَیرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنِ اضطرَّ غَیرَ بَاغٍ وَ لا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّک غَفُورٌ رَّحِیمٌ بگو: «در آنچه به سوی من وحی شده، هیچ (غذای) حرامی بر خورنده‌ای که آن را می خورد، نمی‌یابم! جز اینکه مرداری باشد یا خونِ ریخته شده، یا گوشت خوک، چرا که این (ها) پلید است، یا (حیوانی که) از روی نافرمانی، [به هنگام سر بریدن، نامِ غیر خدا بر آن بانگ زده شده است.» و [لی کسی که ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، پس (گناهی بر او نیست)؛ چرا که پروردگارت، بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. گوشت‌های حرام دو دسته‌اند: نخست گوشت‌هایی که به خاطر پلیدی و زیان‌های بهداشتی و تنفر طبع انسان حرام شده‌اند که به آنها رِجس گفته می‌شود، مثل گوشت خوک و مردار؛ دوم گوشت‌هایی که ممکن است زیان بهداشتی نداشته باشند، اما از نظر اخلاقی و معنوی حرام‌اند، چون نشانه‌ی بیگانگی از خدا و دوری از مکتب توحیداند، مثل گوشتی که در هنگام سر بریدن نام غیرخدا بر آن برده شده، «۱» که با عنوان فِسقْ «۲» از آن یاد شد. «۳» ۲. مقصود از «پلید» چیزی است که مایه‌ی تنفر طبع انسان است؛ مثل مردار، خون و گوشت خوک، که منبع آلودگی‌ها و سرچشمه‌ی زیان‌های مختلف بهداشتی است «۴» و خوردن آنها در اسلام ممنوع شده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۵ ۳. هرگاه انسان گرسنه شد و غذای حلال نداشت و ناچار شد، می‌تواند از گوشت‌ها و غذاهای حرام استفاده کند، به شرط آن‌که لذّت‌جویی نکند و بیش از اندازه‌ی ضروری مصرف ننماید. «۱» ۴. حرمت و ممنوعیت گوشت مردار و خون در قرآن چهار مرتبه مطرح شده است؛ دوبار در سوره‌های مکی و دوبار در سوره‌های مدنی، که به ترتیب نزول، این اولین مرتبه‌ی آن است. «۲» ۵. آیه می‌فرماید: چیزهای حرام، در میان غذاها و حیوانات، این‌ها هستند، نه خرافاتی که مشرکان بافته‌اند (غذاهای حرام و حیوانات حرام‌گوشت دیگری نیز وجود دارد که در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل‌بیت آمده است). «۳» ۶. اصل در حیوانات، حلال بودن آنهاست، مگر آن‌که از قرآن یا سنت، حرام بودن حیوانی ثابت شود. ۷. خون ریخته شده حرام است، اما خون‌هایی که در لابه‌لای موی‌رگ‌ها و گوشت‌ها باقی می‌ماند، حرام نیست. شاید حکمت این حکم آن باشد که خون ریخته شده معمولًا در معرض هوا و میکرب قرار می گیرد، اما خون تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۶ داخل گوشت این‌گونه نیست؛ علاوه بر آن‌که جدا کردن خون‌های مویرگ‌ها بسیار مشکل است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اصل، حلال بودن غذاهاست مگر آن‌که دلیلی بر حرمت آن بیابید. ۲. از غذاهای غیربهداشتی و آلوده به خرافات دوری گزینید. ۳. قانون اهم و مهم را رعایت کنید؛ حفظ جان انسان مهم‌تر از حکم حرمت مردار و خوک است. ۴. از موارد استثنای قانون سوء استفاده نکنید؛ حتی در هنگام ضرورت نیز، کام‌جویی و زیاده‌روی در خوردن چیزهای حرام ممنوع است. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و ششم سوره‌ی انعام به مجازات یهودیان با ممنوعیت برخی غذاها اشاره می کند و می‌فرماید: ۱۴۶. وَ عَلی الَّذِینَ هَادُوا حَرَّمْنَا کلَّ ذِی ظفُرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَیْهِمْ شحُومَهُمَا إِلا مَا حَمَلَت ظهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَایَا أَوْ مَا اخْتَلَط بِعَظمٍ ذَلِک جَزَیْنَهُم بِبَغْیِهِمْ وَ إِنَّا لَصدِقُونَ و بر کسانی که یهودی شدند، هر (حیوان) ناخن‌داری را حرام کردیم؛ و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم؛ مگر آنچه بر پشت آن دو و یا بر روده‌هاست، یا آنچه با استخوان درآمیخته است؛ این را به سزای ستم کردنشان به آنان کیفر دادیم؛ و قطعاً ما راستگوییم. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل سخن از بدعت‌ها و خرافات مشرکان بود که برخی غذاها و حیوانات را بدون دلیل بر خود حرام کرده بودند، سپس آیه‌ی قبل، غذاها و حیوانات حرام گوشت را از منظر اسلام برشمرد و این آیه غذاها و حیواناتی را بر شمرده است که بر یهودیان حرام شده بود، تا روشن شود که احکام خرافی تفسیر قرآن مهر جلد

ششم، ص: ۲۴۷ مشرکان با قوانین دین یهود نیز سازگار نیست. ۲. تمام حیواناتی که سم‌چاک «۱» نیستند، اعم از چهارپایان یا پرندگان، بر یهودیان حرام شده بود و نیز «پیه» گاو و گوسفند بر آنان حرام شد. در تورات کنونی نیز همین مطالب اجمالًا آمده است. «۲» ۳. این غذاها و حیوانات بدان سبب بر یهودیان حرام شد که آنان مرتکب ستمکاری شدند. از آیات سوره‌ی نساء استفاده می‌شود که سبب تحریم این غذاها چند چیز بوده است که عبارت‌اند از: ستم بر بینوایان، جلوگیری از دعوت پیامبران، رباخواری و خوردن به ناحق اموال مردم. «۳» ۴. جمله‌ی «ما راست‌گویانیم.» در آیه‌ی فوق، ممکن است اشاره به این نکته باشد که حقیقت مطلب در مورد ممنوعیت این غذاها، همین بود که ما گفتیم، نه آن که برخی یهودیان به دروغ بیان می‌کنند. «۴» ۵. احکام الهی از یک دیدگاه به سه بخش تقسیم می‌شوند: الف) احکامی که بر اساس مصلحت و مفسده‌ی واقعی قرار داده شده‌اند؛ مثل اکثر احکام دین اسلام که این‌گونه است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۸ ب) احکامی که برای امتحان افراد صادر می‌شود؛ مثل دستور سر بریدن اسماعیل علیه السلام. ج) احکامی که جنبه‌ی کیفری دارد و از عذاب‌های خدا به شمار می‌آید؛ مثل ممنوعیت برخی غذاها بر یهودیان که در آیه‌ی فوق برشمرده شد. «۱ » ۶. یکی از کیفرهای خدا برای ملت‌های سرکش و ستمکار، قرار دادن تنگناهای معیشتی و اقتصادی است که از طریق وضع قوانین صورت می‌پذیرد؛ البته روشن است که در میان هر ملتی افراد نیکوکار و ستمکار هستند، ولی هنگامی که ستمکاران غالب شدند، یا از طرف نیکوکاران منع نشدند، همگی گرفتار کیفر می‌شوند. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. محاصره‌ی اقتصادی یکی از شیوه‌های تنبیه ستمکاران است. ۲. بر یهودیان ستمکار سخت بگیرید تا مجازات شوند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هفتم سوره‌ی انعام با بشارت رحمت الهی و هشدار به مخالفان می‌فرماید: ۱۴۷. فَإِن كَذَّبُوكَ فَقُل رَّبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَسِعَةٍ وَ لا يُرَدُّ بَأْسهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ و (ای پیامبر) اگر تو را تکذیب کنند، پس بگو: «پروردگار شما، صاحب رحمتی گسترده است؛ و [لی سختیِ (مجازات) او از گروه خلافکاران دفع شدنی نیست.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به خوبی عظمت تعلیمات قرآن را روشن می‌کند که پس از این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۴۹ همه خلافکاری مشرکان، باز هم آنان را طرد نمی‌کند، بلکه نخست راه بازگشت را می‌گشاید. ۲. اشاره به رحمت وسیع الهی و تعبیر محبت‌آمیز «پروردگار شما» برای تشویق مخالفان به بازگشت به سوی خدا و توبه است. ۳. آخرین جمله‌ی آیه‌ی فوق، برای جلوگیری از جسارت و طغیان مخالفان اسلام، آنان را با مجازات الهی تهدید می‌کند. یعنی در این آیه از شیوه‌ی تشویق و تهدید با هم استفاده شده است تا در مخاطب تأثیر روانی و تربیتی بیش‌تری داشته باشد. این شیوه‌ی تربیتی قرآن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رحمت خدا بر عذاب او مقدم است. ۲. ای رهبران الهی! آماده‌ی شنیدن تکذیب مخالفان باشید. ۳. با مخالفان دین هم، برخوردی خیرخواهانه و تشویق‌آمیز داشته باشید. ۴. ای مربیان تربیتی و مبلغان دینی و رهبران الهی! برای تربیت و هدایت مردم، هم از تشویق استفاده کنید و هم از تهدید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و هشتم سوره‌ی انعام به بهانه‌جویی مشرکان برای فرار از مسئولیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۸. سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشرَكُوا لَوْ شاءَ اللَّهُ مَا أَشرَكْنَا وَ لا ءَابَاؤُنَا وَ لا حَرَّمْنَا مِن شىْءٍ كَذَلِك كَذَّب الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ حَتى ذَاقُوا بَأْسنَا قُلْ هَلْ عِندَكم مِّنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِن تَتَّبِعُونَ إِلا الظنَّ وَ إِنْ أَنتُمْ إِلا تخْرُصونَ کسانی که شرک ورزیدند، بزودی می‌گویند: «اگر (بر فرض) خدا می‌خواست، ما و پدرانمان شرک نمی‌ورزیدیم، و هیچ چیزی را ممنوع تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۰ نمی‌کردیم.» کسانی (هم) که پیش از آنان بودند همین گونه، (پیامبران را) تکذیب کردند، تا سرانجام (طعم) سختیِ (مجازات) ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست، پس آن را برای ما بیرون آورید.» [شما] جز از گمان پیروی نمی‌کنید، و جز این نیست که شما حدس می‌زنید، (و دروغ می‌بافید). نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مفسران قرآن در مورد جمله‌ی «اگر خدا می‌خواست ما مشرک نمی‌شدیم.»، دو احتمال داده‌اند: الف) مشرکان به جبر عقیده داشتند و می‌گفتند هر کاری که ما می‌کنیم، به خواست خدا و بر اساس جبر است. «۱» ب) مشرکان مدعی بودند، سکوت خدا در برابر بت‌پرستی و تحریم غذاها، دلیل بر رضایت اوست؛ چرا که اگر او راضی نبود می‌بایست به نوعی ما را از این کارها بازمی‌داشت. «۲ » ۲. مشرکان می‌خواستند با بهانه‌ی جبرگرایی از

مسئولیت‌های خویش فرار کننـد و خود را از گناهانشان تبرئه کننـد و همه چیز را به خواست خدا نسبت دهند، در حالی که وجدان هرکس گواهی می‌دهـد که انسان در اعمال و افکار خویش آزاد است و همین مشـرکان هیچ‌گاه مجرمی را به دلیل جبرگرایی، رها نمی‌کردند. ۳. مشـرکان بایادآوری این‌که پدران ما نیز مشـرک بودند، می‌خواستند عقاید خویش را باستانی و با دوام جلوه دهند و بگویند: این شرک و احکام خرافی ما چیز تازه‌ای نیست و همواره چنین بوده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۱ ۴. این آیه از مشـرکان دلیل علمی می‌طلبد و آنان را به خاطر گمانه‌زنی و پیروی از حدس و گمان سـرزنش می‌کند. آری؛ این افتخار اسـلام و قرآن است که از مخالفـان خود نیز مـدرک و دلیل می‌طلبـد، یعنی هر انسانی بایـد تابع دلیل باشـد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. جبرگرایی، نوعی گمانه‌زنی است که دلیل علمی ندارد. ۲. مشرکان با جبرگرایی اعمال و عقاید خرافی خود را توجیه می‌کنند، ولی فرجام آنان عـذاب‌آلود است. ۳. رهـبران الهی واکنش‌هـای مخالفـان را پیش‌بینی کننـد و آمـاده‌ی پاسخ‌گویی بـه شـبهات آنـان باشـند. ۴. از خرافه‌پرستان و مشـرکان دلیل علمی بخواهید (تا محکوم شوند). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و چهل و نهم سوره‌ی انعام به دلیل رسای الهی و قدرت او اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۴۹. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ فَلَوْ شاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ بگو: «پس فقط دلیل رسا برای خـداست. و اگر (بر فرض خـدا) می‌خواست، حتماً همه شـما را (به اجبـار) راهنمـایی می‌کرد.» نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. یکی از فـواید حجت «۱» و دلیل روشن آن است که جلوی عذرتراشـی را می‌گیرد و راه هرگونه بهانه‌جویی را می‌بنـدد و کسـی نمی‌توانـد بگوید: «نمی‌دانستم» یا این‌که «خدا با سکوت خویش اعمال کسی را امضا کرده است.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۲ از امام صادق علیه السـلام حکایت شـده که خـدا در روز رسـتاخیز به انسان می‌فرمایـد: آیا می‌دانستی؟ اگر بگویـد: آری، می‌فرماید: چرا به آنچه می‌دانستی عمل نکردی؟ و اگر بگویـد: نمی‌دانسـتم، می‌گویـد: چرا یاد نگرفتی تا عمل کنی؟ در این موقع فرو می‌مانـد و این اسـت معنای حجت بالغه «۱» (و دلیل رسا). «۲» ۲. از امام کاظم علیه السـلام حکایت شده که «خدا بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و حجت پنهـان. حجت آشـکار پیـامبران و امامان هسـتند، و حجت پنهان، عقل‌ها هسـتند. «۳» ۳. در برخی احـادیث از امـام باقر علیه السـلام حکـایت شـده که فرمود: «مـا (اهل بیت) حجت رسا هستیم.» «۴» روشن است که این‌گونه احـادیث مصـادیق بارز و مجسّـم حجت را بیان می‌کننـد. ۴. اگر خـدا بخواهـد، می‌توانـد «۵» تمـام انسان‌هـا را به اجبار هـدایت کنـد، ولی چنین ایمانی فاقـد ارزش و برخلاف حکمت و مصـلحت است و نمی‌تواند رشد و تکامل و سـعادت انسان را تضـمین کند. آری؛ فضلیت و تکامل انسان در آن است که راه هدایت را با اراده و اختیار خویش بپیماید. تفسـیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۲۵۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برنامه‌های الهی بر اساس دلیل رسا استوار است. ۲. خدا، هدایت اجباری و سلب آزادی بشر را نمی‌خواهد. ۳. مبلغان دینی و رهبران الهی برنامه‌ها را براسـاس دلیل رسا و اختیار بشـر بنیان نهنـد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و پنجاهم سوره‌ی انعام با اشاره به دلیل‌خواهی اسـلام و نقش هواپرستی در انحرافات می‌فرماید: ۱۵۰. قُلْ هَلُمَّ شهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِن شهِدُوا فَلا تَشهَدْ مَعَهُمْ وَ لا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِئَايَتِنَا وَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالاخِرَةِ وَ هُم بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ بگو: «گواهانتان را بیاورید، آن کسانی که گواهی می‌دهند، در واقع خـدا این (ها) را حرام کرده است!» و اگر آنان (به دروغ) گواهی دهنـد، تو با آنان گواهی مَده؛ و پیروی مکن از هوس‌های کسانی که آیات ما را تکـذیب کردنـد، و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورنـد و آنان که برای پروردگارشان همتا قرار می‌دهنـد. نکته‌هـا و اشاره‌ها: ۱. چرا این آیه در ابتـدا از مشـرکان گواهی می‌طلبـد و در انتهـای آیه شـهادت آنـان را نمی‌پـذیرد؟ در دادگـاه، شهـادت معتبر و بی‌طرفـانه پـذیرفته می‌شود، اما گواهی یکی از دو طرف دعوی به نفع خودش، پـذیرفته نمی‌شود؛ چون این گواهی عین ادعای اوست، همان‌طور که گواهی دروغ‌پردازان پذیرفته نمی‌شود؛ و گواهی مشرکان هر دو اشکال فوق را دارد. ۲. تکذیب‌ها و تحریم‌های غذاها توسط مشـرکان، احکامی ساختگی تفسـیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۴ است که از هوس‌های آنان سرچشـمه می‌گیرد و انکار کردن قیامت، هواپرستی و شـرک‌ورزی آنها، «۱» گواه این مطلب است. ۳. آیه‌ی فوق به پیامبر صـلی الله علیه و آله هشـدار می‌دهد که پیرو هوس‌های مشـرکان نباشد. این هشدار در حقیقت به مردم است و در ظاهر خطاب به پیامبر اسـلام صـلی الله

علیه و آله گفته شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام دین منطق و برهان است و حتی از مخالفان خود نیز دلیل و گواه می‌طلبد. «۲» ۲. هواپرستی سرچشمه‌ی انحرافات عقیدتی و اجتماعی است. ۳. در مقام داوری، هر گواهی‌ای مفید نیست. گواهی مدعی به نفع خود و نیز گواهی دروغ‌گویان را نپذیرید. ۴. مواظب باشید که گواهی دروغ دیگران شما را به اشتباه نیندازد و پیرو هوس‌های آنان نشوید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و یکم سوره‌ی انعام قوانین اصولی پروردگار یا فرمان‌های پنج‌گانه‌ی خدا را بیان می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۱. قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَا تُشرِكُوا بِهِ شيْئاً وَ بِالْوَلِدَيْنِ إِحْسناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلَدَكم مِّنْ إِمْلَقٍ نحْنُ نَرْزُقُكمْ وَ إِيَّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَوَحِش مَا ظهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْس الَّتى حَرَّمَ اللَّهُ إِلا بِالْحَقِّ ذَلِكمْ وَصاكُم بِهِ لَعَلَّكمْ تَعْقِلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۵ بگو: «بیایید، آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، (برایتان) بخوانم (و پیروی کنیم): اینکه هیچ چیزی را شریک او قرار ندهید؛ و به پدر و مادر نیکی کنید؛ و فرزندانتان را از فقر نکشید؛ ما، شما و آنان را روزی می‌دهیم؛ و نزدیک [کارهای زشت نشوید، آنچه آشکار است از آنها، و آنچه پنهان است؛ و شخصی را که خدا (کشتن او را) حرام کرده است، جز به حق نکشید؛ این (چیزی است که خدا) شما را به آن سفارش کرده، تا شاید شما خردورزی کنید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در این آیه و آیات بعد، ده قانون اساسی و خردپسند مطرح شده است که پنج مورد در این آیه آمده است: ممنوعیت شرک، لزوم نیکی به پدر و مادر، ممنوعیت فرزندکشی، ممنوعیت اعمال زشت آشکار و پنهان و ممنوعیت آدم‌کشی. ۲. دستورات پنجگانه‌ای که در آیه‌ی فوق آمده و در اسلام مورد توجه گسترده واقع شده، مخصوص اسلام نیست، بلکه در ادیان الهی دیگر نیز وجود داشته است؛ همان طور که نمونه‌ی ناقص آن را در ده فرمان تورات می‌بینیم. «۱» ۳. قوانینی که در آیه‌ی فوق آمده است از مستقلّات عقلیه به شمار می‌آید؛ یعنی مطالبی است که عقل انسان به روشنی آنها را درک می‌کند و می‌پذیرد. در پایان آیه نیز آمده است «تا شاید خردورزی کنید.» «۲» ۴. آیه‌ی فوق، پس از بیان ممنوعیت شرک، بلافاصله نیکی به پدر و مادر را ذکر نمود و حتی آن را قبل از دستورات مهم دیگر آورد. این نشان دهنده‌ی اهمیت حقّ پدر و مادر از منظر اسلام است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۶ ۵. جالب این است که موارد شرک، قتل فرزند، قتل افراد و اعمال زشت را به صورت نهی بیان کرد، ولی در مورد پدر و مادر نفرمود آنان را اذیت نکنید، بلکه امر کرد و فرمود: «به آنان نیکی کنید.»؛ یعنی نه تنها آزار آنان حرام است، بلکه نیکی به پدر و مادر لازم است. چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ‌افکن و پیل تن گر از عهد خُردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من نکردی در این روز بر من جفا که تو شیرمردی و من پیرزن (سعدی) ۶. به پدر و مادرتان، بدون واسطه و مستقیماً، خودتان نیکی کنید. این تعبیر علاوه بر آن‌که نکته‌ای عاطفی در بردارد، اهمیت موضوع را بیش‌تر می‌رساند. «۱» ۷. مردم دوران جاهلیت، دختران خویش را به خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند و فرزندان پسر خویش را نیز به خاطر فقر به قتل می‌رساندند. خدا آنها را از این کار بازداشت و فرمود رزق آنها با خداست. متأسفانه در عصر ما نیز اعمال جاهلی به نوعی دیگر تکرار می‌شود و برخی افراد، کودکان خود را در مرحله‌ی جنینی سِقْط می‌کنند و بهانه‌های واهی و جاهلانه‌ای می‌آورند و گاهی نیز به کمبود مواد غذایی استدلال می‌کنند. مخور هول ابلیس تا جان دهد هر آن کس که دندان دهد نان دهد (سعدی) ۸. در آیه‌ی فوق آمده بود که «به گناهان زشت «۱» نزدیک نشوید.» این تعبیر شدت پرهیز و دوری را می‌رساند و در مورد گناهانی مثل عمل منافی عفت (زنا) به کار می‌رود که نزدیک شدن به آنها وسوسه‌انگیز است و انسان را به انحراف می‌کشاند. ۹. در آیه‌ی فوق بیان شده که به «گناهان زشت آشکار و پنهان» نزدیک نشوید. برخی از مفسران، گناهان آشکار را مفاسد ظاهر اجتماعی و گناهان پنهان را آلودگی‌های روحی و درونی انسان می‌دانند که اسلام می‌خواهد انسان از هر دو نوع آلودگی نجات یابد. ۱۰. در برخی احادیث از امام باقر علیه السلام حکایت شده که «مقصود از گناه آشکار، عمل منافی عفت (زنا) است و منظور از گناه پنهان، دوستی‌های نامشروع و مخفی است.» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق‌های روشن آیه را بیان می‌کنند، ولی مفهوم آیه منحصر در این امور نیست. ۱۱. آیه‌ی فوق و آیات بعد چیزهای حلال و جایز را برنشمرده، بلکه حرام‌ها را بیان نموده است؛ چرا که

اصل در همه چیز حلال بودن آنهاست، مگر چیزهایی که ثابت شود حرام و ممنوع‌اند. ۱۲. تعبیر «پروردگارتان بر شما حرام کرد.»، می‌تواند اشاره به آن باشد که ممنوعیت‌هایی که در آیه آمده است، جنبه‌ی پرورشی و تربیتی برای انسان دارد که از مقام ربوبیت خدا ناشی شده است. ۱۳. کشتن دیگران جایز نیست (و از گناهان کبیره است) مگر به حق باشد؛ یعنی اگر کسی قاتل باشد، قصاص و کشتن او، با شرایط خاص، جایز تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۸ بلکه گاهی لازم است؛ چون حق است و از خون‌ریزی‌های دیگر جلوگیری می‌کند و سبب امنیت جامعه می‌شود؛ پس معیار خوب و بد بودن قتل، حق بودن یا نبودن آن است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. گناهان اساسی که در اسلام ممنوع شده، سفارش الهی و مورد قبول خرد انسان است. ۲. انحرافات عقیدتی (مثل شرک)، اخلاقی (مثل پدر و مادر آزاری) و اجتماعی ممنوع است. ۳. از قوانین و محرمات الهی پیروی کنید (نه از خرافات). ۴. فقر را بهانه‌ای برای فرزندکشی قرار ندهید که خدا روزی‌دهنده‌ی همه‌ی شماست. ۵. به زشت‌کاری نزدیک نشوید (که گرفتار آن می‌شوید). *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و دوم سوره‌ی انعام چهار قانون اساسی دیگر را بیان می‌کند و با اشاره به عدالت اقتصادی و گفتاری و شیوه‌ی برخورد با یتیمان می‌فرماید: ۱۵۲. وَ لاـ تَقْرَبُوا مَالَ الْیَتِیمِ إِلا بِالَّتی هِیَ أَحْسنُ حَتی یَبْلُغَ أَشدَّهُ وَ أَوْفُوا الْکَیْلَ وَ الْمِیزَانَ بِالْقِسطِ لاـ نُکَلِّف نَفْساً إِلاـ وُسعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ کانَ ذَا قُرْبی وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِکمْ وَصاکُم بِهِ لَعَلَّکمْ تَذَکَّرُونَ و به ثروت یتیم، نزدیک نشوید، جز به آن (روشی) که آن نکوتر است، تا به حدّ رشدش برسد؛ و پیمانه و ترازو را بر طبق دادگری، کاملًا ادا کنید؛ هیچ شخصی را جز به اندازه تواناییش، تکلیف نمی‌کنیم؛ و هنگامی که سخنی می‌گویید، پس عدالت را رعایت نمایید، و گر چه در مورد نزدیکان (شما) بوده باشد؛ و به پیمان خدا وفا کنید؛ این [ها] است که [خدا] شما را تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۵۹ به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما متذکّر شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیه‌ی قبل پنج قانون اساسی و خردپسند بیان شد و اینک در این آیه نیز چهار قانون دیگر از این منشور جهانی الهی را بیان می‌شود که عبارت‌اند از: الف) «جز به قصد اصلاح، به مال یتیمان نزدیک نشوید، تا هنگامی که به حدّ بلوغ برسند». ب) «حق پیمانه و وزن را با عدالت ادا کنید.» (و کم فروشی نکنید). ج) «به هنگام سخن گفتن (در داوری و شهادت و مانند آن) عدالت را رعایت کنید (و از مسیر حق منحرف نشوید)، هر چند در مورد خویشاوندان شما باشد». د) «به پیمان الهی وفا کنید «۱» و آن را نقض نکنید». ۲. آیه‌ی فوق از ما می‌خواهد که در مورد حقوق و اموال یتیمان به بهترین روش عمل کنیم؛ به طوری که سود مادی و معنوی او تأمین شود؛ یعنی اموال او هم نگه‌داری گردد و هم رشد یابد و نیز مصالح او رعایت گردد و وسایل رشد یتیم فراهم شود. ۳. اگر یتیمان به رشد کافی رسیدند، می‌توان اموال آنها را در اختیار خودشان گذاشت. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از «رشد» همان زمان بلوغ است و چنانچه پس از بلوغ رشد کافی نکرد و سفیه یا ضعیف (العقل) بود، سرپرست یتیم مالش را به او ندهد. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۰ ۴. قرآن کریم چند بار کم‌فروشی را منع کرده است و قوم حضرت شعیب، به خاطر این گناه، گرفتار عذاب شدند. «۱» ۵. اصولی هم‌چون «رعایت عدل و وفای به عهد»، در نهاد و فطرت آدمی نهفته است و هر کس آنها را می‌پذیرد و فقط یادآوری به او کافی است؛ زیرا این‌ها قوانین خردپسند و اساسی است. «۲» در برخی احادیث آمده است که این آیات سوره‌ی انعام از آیات محکم قرآن است و نسخ و تغییر در آن راه نیافته است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. رعایت حال کودکان بی‌سرپرست، عدالت اقتصادی، عدالت گفتاری و وفای به پیمان، از امور ضروری است. ۲. در مورد یتیمان دقت کنید و به بهترین روش عمل کنید (تا حقوق آنان تأمین شود). ۳. عدالت، معیاری اساسی در امور اقتصادی و سخن گفتن است. ۴. تکلیف انسان‌ها به اندازه‌ی توانایی آنهاست (پس هر که تواناتر است، تکلیفش سنگین‌تر است). ۵. هرکس به اندازه‌ی توانایی خود عدالت اقتصادی را رعایت کند، که خدا چیزی فراتر از توان انسان نمی‌خواهد. ۶. در گفتارها (و شهادت و داوری) تحت تأثیر عواطف خویشاوندی قرار نگیرید (و رابطه را بر ضابطه مقدم ندارید) و عدالت را زیر پا نگذارید. «۳» *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۱ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و سوم

سوره‌ی انعام قانون اساسی دیگری را بیان می‌کند و با اشاره به عوامل وحدت و اختلاف می‌فرماید: ۱۵۳. وَ أَنَّ هَذَا صِرَطِی مُستَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سبِیلِهِ ذَلِكُمْ وَصاكُم بِهِ لَعَلَّكمْ تَتَّقُونَ و این راه راست من است؛ پس از آن پیروی کنید؛ و از راه‌ها [ی دیگر] پیروی نکنید، که شما را از راه او پراکنده می‌سازد؛ این [ها] است که [خدا] شما را به آن [ها] سفارش کرده، تا شاید شما [خود را] حفظ کنید.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در دو آیه‌ی قبل و این آیه، مجموعاً ده قانون زیربنایی و خردپسند اسلام بیان شده است. این قوانین از نفی شرک، که سرچشمه‌ی همه‌ی اختلافات و مفاسد و محرمات الهی است، شروع شد و با نفی اختلاف، که نوعی شرك عملی است، پایان یافت. ۲. راه مستقیم خدا یکی بیش‌تر نیست، اما راه‌های انحرافی متعدد است. راه مستقیم ما را به یك مقصد می‌رساند که همان خداست و موجب وحدت مردم می‌شود، ولی راه‌های انحرافی ما را به مقاصد غیر الهی و شرك‌آمیز می‌رساند و موجب اختلاف مردم می‌شود. ۳. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که «راه مستقیم (راه) پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و امامان از فرزندان او هستند.» «۱» روشن است که این‌گونه احادیث در حقیقت بیان مصداق کامل و روشن راه مستقیم است. ۴. در روایات تاریخی آمده است که دو تن از بزرگان مدینه به شهر مکه آمدند و به سفارش مشرکان، پنبه در گوش خود گذاشتند تا صدای پیامبر تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۲ اسلام صلی الله علیه و آله را نشنوند، اما در هنگام طواف پشیمان شدند و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند و به سخنان او گوش دادند. آن حضرت آیات سه‌گانه‌ی فوق را بر آنان خواندند. آنان منقلب شدند و مسلمان گشتند و از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درخواست نماینده‌ای برای تبلیغ در مدینه کردند. ایشان «مُصعَب بن عُمیر» را همراه آنها فرستادند و سرانجام چهره‌ی مدینه دگرگون شد. «۱» ۵. برخی مفسران از «ابن مسعود»، صحابه بزرگوار، حکایت کرده‌اند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای توضیح آیه‌ی فوق از روش نمایشی و تصویری استفاده کردند؛ یعنی با دست، خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: «این راه مستقیم است که یکی بیش‌تر نیست.» سپس خطوطی به اطراف ترسیم کردند و فرمودند: «این‌ها راه‌های متعددی است که به هر یك از آنها، شیطانی دعوت می‌کند.» آن‌گاه آیه‌ی فوق را قرائت کردند. «۲» ۶. تعبیر «این چیزی است که خدا شما را به آن سفارش می‌کند.»، در آیات سه‌گانه‌ی فوق سه بار آمده است. با این تفاوت که در مرتبه‌ی اول با جمله‌ی «شاید تفکر کنید.» و در مرتبه‌ی دوم با جمله‌ی «شاید متذکر شوید.» و در مرتبه‌ی سوم با جمله‌ی «شاید خودنگه‌دار و با تقوا شوید.» همراه شده است. این تعبیرات، گویا اشاره به آن است که انسان هنگام دریافت قانون، در مرحله‌ی اول، درك و تعقّل می‌کند، در مرحله‌ی بعد، یادآوری و جذب می‌کند و در مرحله‌ی سوم، با خودنگه‌داری و تقوا، عمل می‌کند. «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۳ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پیروی از راه مستقیم الهی، زیربنای وحدت جامعه‌ی بشری است. ۲. پیروی از راه‌های متفرق و غیرالهی، سبب تفرقه‌ی مردم می‌شود. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و چهارم سوره‌ی انعام به تورات و ویژگی‌ها و اهداف آن اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۴. ثُمَّ ءَاتَیْنَا مُوسی الْكِتَب تَمَاماً عَلی الَّذِی أَحْسنَ وَ تَفْصِیلًا لِّكلِّ شیْءٍ وَ هُدًی وَ رَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ یُؤْمِنُونَ سپس به موسی کتاب [الهی دادیم، برای اینکه (نعمت خود را) بر کسی که نیکی کرده تمام کنیم؛ و هر چیزِ (مورد نیاز) را تشریح کنیم، و رهنمود و رحمتی باشد؛ تا شاید آنان به ملاقات پروردگارشان ایمان بیاورند. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. خدا نخست به پیامبران پیش از موسی علیه السلام، قوانین دهگانه‌ای را ابلاغ کرد، سپس به موسی کتاب الهی داد و این برنامه‌ها و تمامی مطالب لازم را در آن شرح داد؛ «۱» یعنی این قوانین دهگانه‌ی خردپسند، که در سه آیه‌ی قبل بیان شد، اصول اساسی ادیان بزرگ بوده است. ۲. آیین موسی علیه السلام تمام و کامل بود؛ زیرا هر دینی برای مردم زمان خود کامل و جامع است و خدا دین ناقص نازل نمی‌کند؛ اما هر آیینی که در یك زمان کامل بود، نسبت به زمان‌ها و مردم عصر بعد ناقص است؛ مانند برنامه‌ی آموزشی دبستان که در جای خود کامل است، اما نسبت به برنامه‌ی دبیرستان ناتمام است و دلیل آمدن پیامبران متعدد با کتاب‌های مختلف، همین است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۴ البته دین اسلام که آخرین دین است، یك دین کامل و همیشگی برای همه‌ی بشریت است. ۳. در تورات، هر آنچه برای هدایت مردم زمان موسی علیه

السلام لازم بود، تشریح شده است. آری؛ تورات اصلی، برای نیکوکاران که به بهترین صورت به آن عمل می‌کردند، مظهر رحمت و هدایت الهی بود. «۱» ۴. مقصود از ملاقات پروردگار، ملاقات حسّی و دیدن با چشم نیست؛ چرا که خدا جسم نیست تا دیده شود؛ مقصود یک نوع شهود باطنی و ملاقات معنوی و روحانی است که بر اثر تکامل انسان، در قیامت صورت می‌گیرد. برخی مفسران بر آنانـد که مقصود مشاهده‌ی پاداش‌ها و کیفرهای خدا در جهان دیگر است. البته مانعی ندارد که هر دو معنا مقصود آیه باشد. «۲» ۵. مسائل مربوط به قیامت در تورات اصلی به اندازه‌ی کافی بیان شده بود و در تورات کنونی نیز، در موارد نادری، به معاد اشاره شده است، «۳» اما به نظر می‌رسد که در اثر تحریف دنیاپرستان، اکثر مطالب مربوط به «معاد» حذف شده است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. یکی از اهداف پیامبران الهی «معادباوری» است. ۲. کتاب‌های آسمانی مظهر رحمت الهی و موجب هدایت مردم است. ۳. اگر رحمت و هدایت می‌طلبید، از کتاب‌های الهی پیروی کنید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۵

ده فرمان قرآن

قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و پنجم سوره‌ی انعام به قرآن و ویژگی‌های آن و عوامل رحمت‌آفرین اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۵. وَ هَذَا کِتَبٌ أَنزَلْنَهُ مُبَارَکٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ اتَّقُوا لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ و این کتابی خجسته است که آن را فرو فرستادیم؛ پس از آن پیروی کنید، و خود را از مخالفت آن حفظ کنید، باشد که شما (مشمول) رحمت شوید. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در واژه‌ی «مبارک» دو عنصر نهفته است: یکی قوی و ثابت بودن و دوم رشد دایمی داشتن. قرآن هم دارای مطالبی اساسی و استوار است و هم با گذشت زمان اسرار آن کشف و مطالب جدید آن جلوه‌گر می‌شود. «۱» ۲. قرآن فقط کتاب دیدنی و خواندنی نیست، بلکه برنامه‌ی عمل انسان است و اگر از آن پیروی شود، سعادت انسان را تأمین می‌کند. ۳. دو چیز سبب می‌شود که باران رحمت الهی بر انسان ببارد: یکی پیروی از قرآن و دیگری تقوا و خودنگه‌داری؛ به عبارت دیگر، اطاعت از حق و اجتناب از باطل. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. برکت و رحمت از ویژگی‌های قرآن است. ۲. قرآن را برنامه‌ی زندگی و مقتدای خود قرار دهید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و ششم سوره‌ی انعام به نقش قرآن در پاسخ‌گویی به بهانه‌های مشرکان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۵۶. أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْکِتَب عَلَی طائفَتَینِ مِن قَبْلِنَا وَ إِن کُنَّا عَن دِرَاستِهِمْ لَغَفِلِینَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۶ (ما قرآن را فرو فرستادیم مبادا) بگویید: «کتاب [الهی تنها بر دو دسته پیش از ما [: یهودیان و مسیحیان فرود آمد، و در واقع ما از (مطالعه و) درس آنان غافل بودیم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. ممکن بود که مشرکان بهانه بگیرند که اگر از فرمان خدا سرپیچی کردیم، به خاطر آن بود که کتاب او در دست دیگران بود و به دست ما نرسیده بود. ولی خدای متعال در آیه‌ی فوق پاسخ قاطعی به این بهانه‌جویی‌ها می‌دهد و یادآور می‌شود که ما قرآن را برای شما فرو فرستادیم تا کسی نتواند بهانه‌تراشی کند. ۲. «درس» یکی از مراحل استفاده از کتاب‌های الهی است و عناصری هم‌چون بقای اثر، تمرین، مطالعه‌ی مکرر و کهنه شدن مطلب در آن نهفته است. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. با نزول قرآن، حجت بر همگان تمام شده است و بهانه‌تراشی سودی ندارد. ۲. از درس و مطالعه‌ی مکرر کتاب‌های الهی غافل نشوید. *** تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۷ قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هفتم سوره‌ی انعام بار دیگر به بهانه‌های مشرکان پاسخ داده و با هشدار به آنان می‌فرماید: ۱۵۷. أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَیْنَا الْکِتَب لَکُنَّا أَهْدَی مِنهُمْ فَقَدْ جَاءَکم بَیِّنَةٌ مِّن رَّبِّکمْ وَ هُدًی وَ رَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن کَذَّب بِئَایَتِ اللَّهِ وَ صدَف عَنهَا سَنَجْزِی الَّذِینَ یَصدِفُونَ عَنْ ءَایَتِنَا سوءَ الْعَذَابِ بِمَا کانُوا یَصدِفُونَ یا [مبادا] بگویید: «ما اگر (بر فرض) کتاب [الهی هم بر ما فرو فرستاده می‌شد، حتماً از آنان ره یافته‌تر بودیم.» پس بیقین، دلیل روشنِ (قرآن)، و رهنمود و رحمتی از جانب پروردگارتان برای شما آمد. و چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را دروغ انگاشته، و از آن روی برتابد؟! بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب روبرتافتنِ (بدون دلیل) شان، با عذاب بدی کیفر خواهیم داد! نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه، منعکس کننده‌ی حسّ خود برتربینی مشرکان و ادعای بی‌اساس آنهاست، که نژاد عرب را از دیگران

برتر می‌دانستند و می‌گفتند: اگر کتابی الهی بر ما فرود آید، ما از دیگران هدایت یافته‌تریم، «۱» اما قرآن کریم در برابر این ادعاها می‌ایستد و پاسخ قاطعی به آنان می‌دهد. ۳. تکرار تعبیر «روی گرداندن» «۲» به خاطر روشن ساختن این حقیقت است که تمام گرفتاری‌های مشرکان از روی‌گردانی بدون فکر آنها از آیات الهی سرچشمه می‌گیرد و اگر دست کم، به عنوان یک پژوهشگر، به جست و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۸ جو و تفکر می‌پرداختند، گرفتار این عذاب شدید نمی‌شدند. «۱» ۲. در آیه‌ی فوق به سه ویژگی و صفت قرآن کریم اشاره شده است: الف) بیّنه، یعنی قرآن دلیل روشن و روشنگر است. «۲» ب) هُدیً، یعنی قرآن مایه‌ی هدایت و راه‌نمایی انسان‌هاست. ج) رَحمةً، یعنی قرآن منشأ رحمت و نزول برکات الهی است. ۴. روی‌گردانی از قرآن کریم و تکذیب آیات الهی، ستم به خویشتن و جامعه است؛ چرا که با این کار انسان هم خود را از رشد و کمال محروم می‌سازد، و هم سبب محرومیت مردم از این چشمه‌ی رحمت و هدایت می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. قرآن، دلیلی روشن، هدایتگر، رحمت‌زا و اتمام حجّت بر بهانه‌جویان است. ۲. یکی از بزرگ‌ترین ستم‌ها روی برتافتن از قرآن کریم و تکذیب آیات الهی است. ۳. با وجود قرآن بهانه‌جویی نکنید. ۴. روی برتافتن از قرآن فرجامی عذاب‌آلود دارد. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و هشتم سوره‌ی انعام به برخی دیگر از بهانه‌های مشرکان و عواقب آنها اشاره کرده، می‌فرماید: تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۶۹ ۱۵۸. هَلْ یَنظرُونَ إلا أن تَأْتِیَهُمُ الْمَلَئکَةُ أَوْ یَأْتیَ رَبُّک أَوْ یَأْتیَ بَعْض ءَایَتِ رَبِّک یَوْمَ یَأْتی بَعْض ءَایَتِ رَبِّک لا یَنفَعُ نَفْساً إِیمَنهَا لَمْ تَکُنْ ءَامَنَت مِن قَبْلُ أَوْ کَسبَت فی إِیمَنهَا خَیراً قُلِ انتَظِرُوا إِنَّا مُنتَظِرُونَ آیا انتظاری غیر از این دارند که فرشتگان به سویشان آیند، یا پروردگارت بیاید، یا برخی از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟! (امّا) روزی که برخی از نشانه‌های پروردگارت (پدید) آید، شخصی که قبلًا ایمان نیاورده، یا در ایمانش نیکی کسب نکرده است، ایمان آوردنش سودی نخواهد داشت. بگو: «منتظر باشید! که ما (هم) منتظریم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. مشرکان در حقیقت انتظار امر محالی را می‌کشیدند؛ چون آمدن خدا و مشاهده‌ی او امری محال است. «۱» آنان بهانه‌تراشی می‌کردند تا ایمان نیاورند. ۲. در آستانه‌ی رستاخیز، که نشانه‌های هولناک قیامت نمایان می‌شود و یا هنگامی که بلاهای دنیوی نازل می‌گردد، «۲» همه‌ی افراد از ترس ایمان می‌آورند و به انجام کارهای نیک مایل می‌شوند، اما این ایمانِ اجباری و اضطراری سودی ندارد. حتی کسانی که فقط ایمان آورده، ولی عمل نیک انجام نداده‌اند نیز ایمانشان سودی نخواهد داشت. ۳. ایمان بدون عمل نیک، سبب نجات انسان نمی‌شود؛ اگر کسی تمام دستورات دینی را زیر پا بگذارد و در طول عمر خود به آنها عمل نکند، این تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۰ دلیل روشنی است بر نداشتن ایمان واقعی. ۴. در برخی احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است که مقصود از آیه‌ی فوق، روز قیام امام مُنتظَر، حجةً بن الحسن عسگری (عج) است؛ سپس بعضی آیات و نشانه‌هایی را که در آیه‌ی فوق بیان شده، بر نشانه‌های قیام امام عصر (عج) تطبیق کرده‌اند. «۱» البته این‌گونه احادیث برخی مصادیق روشن آیه‌ی فوق را بیان می‌کنند، ولی الفاظ آیه مطلق است و می‌تواند شامل نشانه‌های قیامت و ظهور امام عصر (عج) و غیر آن باشد. و شاید ظهور امام عصر (عج) نیز یکی از مصادیق آیات الهی و نشانه‌های نزدیک شدن قیامت است. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. مشرکان بهانه‌جو بودند، نه حقیقت‌جو؛ و از این رو درخواست‌های نامعقول می‌کردند. ۲. مخالفان تا دیر نشده است ایمان بیاورند، که در آستانه‌ی قیامت، ایمان و عمل اضطراری سودی ندارد. ۳. مخالفان دین منتظر (عذاب الهی) باشند. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و پنجاه و نهم سوره‌ی انعام به تفرقه افکنان در دین هشدار می‌دهد و می‌فرماید: ۱۵۹. إِنَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینهُمْ وَ کانُوا شِیَعاً لَّست مِنهُمْ فی شیْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلی اللَّهِ ثُمَّ یُنَبِّئُهُم بمَا کانُوا یَفْعَلُونَ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۱ در حقیقت کسانی که دینشان را پراکنده ساختند، و گروه گروه گردیدند، تو هیچ چیزی (از رابطه) با آنان نداری؛ کارشان تنها با خداست؛ سپس [خدا] از آنچه همواره انجام می‌دادند، با خبرشان می‌سازد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در آیات قبل سخن از راه مستقیم الهی بود و این‌که راه پیامبر صلی الله علیه و آله راه مستقیم توحید است که همیشه یگانه است در این آیه برای تأکید بر همان مطلب، اشاره کرده که تو با تفرقه‌افکنان و کسانی که از راه‌های مختلف در دین بدعت می‌گذارند، ارتباطی نداری؛ چون آنان با مکتب و راه یگانه‌ی تو

ارتباطی ندارنـد. راه آنان، راه تفرقه است و راه تو راه توحید و یگانگی. ۲. آیه‌ی فوق ممکن است اشاره به مشـرکان باشد که دچار اختلاف و تفرقـه در آییـن خـود شـده بودنـد، و یـا اشـاره به گروههـای تفرقه‌افکن امت پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله که بر اثر تعصبات و ریاست‌طلبی‌ها، به تفرقه روی آوردند. «۱» آیه‌ی فوق با احتمال اول سازگارتر است، «۲» اما محتوای آن یک مطلب عام است که شامـل همه‌ی تفرقه‌انـدازان می‌شود. «۳» ۳. در برخی احـادیث اهـل بیت علیهم السـلام آمـده است که مقصود از گروه‌های مـذکور در آیه، کسـانی هسـتند که از راه امـام علی علیه السـلام جـدا و به گروه‌های مختلفی تقسیم شدنـد. «۴» در برخی دیگر از احادیث آمده است که مقصود، گمراهان و شـبهه‌افکنان تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۲۷۲ و بدعت‌گذاران امت اسـلام هستند. «۱» البتـه این‌گـونه احـادیث، در حقیقـت، برخی مصـادیق بـارز آیه را بیـان می‌کنـد و مـوجب انحصـار محتـوای آیه در افراد خـاص نمی‌شود و آیه شامل همه‌ی تفرقه افکنان مسلمان و غیر مسلمان می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هرگـونه تفرقـه افکنی بیزار است. ۲. انشعـاب‌های مـذهبی و دسـته‌بندی‌های اجتمـاعی، ریشه در انحرافات و بـدعت‌هایی دارد که ربطی به بنیان‌گذار دین ندارد. ۳. رهبران الهی از تفرقه‌افکنان دوری گزینند. ۴. تفرقه‌افکنی نکنید که سروکارتان با خداست. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و شصـتم سوره‌ی انعام به قانون ده برابر شـدن پاداش کار نیک و قانون کیفر مساوی گناه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۰. مَن جَاءَ بِالحَسـنَةِ فَلَهُ عَشـرُ أَمْثَالِهَا وَ مَن جَاءَ بِالسـیِّئَةِ فَلا یجْزَی إلا مِثْلَهَا وَ هُمْ لا یُظلَمُونَ هر کس (کار) نیکی آورد، پس برایش ده برابر مثل آن (پاداش) است؛ و هر کس (کار) بـدی بیاورد، پس جز هماننـد آن کیفر نخواهـد شد؛ و آنان مورد سـتم واقع نمی‌شونـد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. در قرآن‌کریم پـاداش کارهـای نیک چنـد گونه بیان شـده است. در آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی قَصَص می‌خوانیم که پـاداش کـار خیر بهـتر از آن است. در آیه‌ی فوق می‌خوانیم که پـاداش کـار نیـک ده برابر آن است؛ در آیه‌ی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۳ ۲۴۵ سوره‌ی بقره می‌خوانیم که پاداش کار نیکِ انفاق هفتصد برابر می‌شود؛ و در آیه‌ی ۱۰ سوره‌ی زُمَر می‌خوانیم که اسـتقامت و صبر، پـاداش بی‌حسـاب دارد. این اختلاف مراتب پـاداش به خـاطر اختلاف درجـات افراد و کیفیت اخلاص و مقـدار تلاش آنهاست، که پاداش ده برابر حـداقل آن است؛ همان‌طور که در برخی احادیث اهل‌بیت علیهم السـلام اشاره شـده که مراتب پایین پاداش برای مسـلمان، و مراتب بالای آن برای مؤمن است و هر چه ایمان قوی‌تر باشـد، پاداش بیش‌تر می‌شود. «۱» ۲. جمله‌ی «هر کس کاری آورد»، اشاره دارد که کار نیک و بد انسان در قیامت از او جدا نمی‌شوند، و همواره با اوست. از این تعبیر اسـتفاده می‌شـود که موضـوع آیه‌ی فـوق در دادگـاه عـدل الهی تحقق می‌یابـد، و گر نه، در دنیـا ممکن است گناهـان انسـان بخشوده و یا تبـدیل به نیکی شود. «۲» ۳. خـدا نهایت لطف را به بنـدگان دارد که همه‌ی امکانات را در اختیارشان قرار می‌دهد و به کـار نیـک آنـان ده برابر پـاداش می‌دهـد در حالی که برای نافرمانی‌شان کیفر مساوی می‌دهـد. آری؛ خـدا در پاداش دادن براساس فضل و بخشـش خود و در کیفر دادن بر اساس عدل خود عمل می‌کند و بر کسی ستم روا نمی‌دارد. ۴. ابوذر غفاری از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله حکایت کرده که فرمودنـد: خـدا می‌فرمایـد: کارهای نیک را ده برابر پاداش می‌دهم یا بیش‌تر، و کارهای بد را تنهـا یـک برابر کیفر می‌دهم، یا می‌بخشم؛ پس وای به حال آن کس که یکان او بر دهگان او پیشـی گیرد «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۴ (یعنی گناهـانش از نیکی‌هایش افزون شود). ۵. در آیه‌ی فوق آمـده است که «کیفر کار بـد به همان اندازه است.»؛ پس چرا کیفر خوردن یـک روز روزه‌ی مـاه مبـارک رمضـان، شـصت روز روزه است؟ در این‌گونه مجازات‌هـا، میـان گنـاه و کیفر مساوات عددی نیست، بلکه کیفیت عمل معیار است؛ یعنی احترام یک روز روزه‌ی ماه رمضان به اندازه‌ای است که با شصت روز از ماه‌های دیگر برابری می‌کنـد؛ همان‌گونه که کارهای نیک در ماه رمضان نیز ثواب بیش‌تری دارد. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. خدا به شما لطف دارد و به کـار نیـک شـما پـاداش بیش‌تری می‌دهـد. ۲. خـدا سـتمکار نیسـت و در مجـازات افراد، کیفر را مسـاوی گنـاه قرار می‌دهد. ۳. کـار نیک کنیـد تا ده برابر جایزه بگیریـد. ۴. هر کس را بـه انـدازه‌ی خلافکـاری‌اش کیفر دهیـد، نه بیش‌تر. *** قرآن کریم در آیه‌ی صـد و شـصت و یکم سوره‌ی انعـام به پیام اصـلی ادیان الهی، یعنی توحیـد و حق‌گرایی اشاره می‌کنـد و می‌فرمایـد:

۱۶۱. قُلْ إِنَّنِی هَدَاخ رَبی إِلی صرَطٍ مُّستَقِیم دِیناً قِیماً مِّلَّهَْ إِبْرَهِیمَ حَنِیفاً وَ مَا کانَ مِنَ الْمُشرِکِینَ بگو: «در حقیقت پروردگارم مرا به راه راست راهنمایی‌ام کرده؛ که دینی استوار [و] آیینِ ابراهیم حق گراست؛ و [او] از مشرکان نبود.» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۵ نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. واژه‌ی «قل» (بگو) که در آیه‌ی فوق آمده و در قرآن کریم، به ویژه سوره‌ی انعام، زیاد تکرار شده است، نشان می‌دهد که اولًا، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خود سخن نمی‌گوید، بلکه حامل پیام الهی است. ثانیاً، این واژه نشان دهنده‌ی حفظ اصالت قرآن توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که هیچ گونه تغییری در الفاظ قرآن نمی‌داد و حتی کلمه‌ی امر «قل» (بگو) را برای ما بازگو می‌کرد. ثالثاً، در سوره‌ی انعام که خطاب به مشرکان است، این تعبیر نوعی پاسخ الهی به انحرافات و توقعات بی‌جای مشرکان است. ۲. عرب‌ها به ابراهیم علیه السلام علاقه‌ی خاصی داشتند و حتی آیین خود را با عنوان آیین ابراهیم معرفی می‌کردند. آیه‌ی فوق این پندار آنها را باطل کرد و فرمود ابراهیم مشرک نبود، بلکه او فردی حق‌گرا و دارای دینی استوار بود. «۱» ۳. در حدیثی از امام حسین و امام سجاد علیه السلام و امام باقر آمده است که ما و شیعیان ما بر دین ابراهیم هستیم. «۲» روشن است که این‌گونه احادیث مصداق روشن و کامل آیه را بیان می‌کند. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۶ آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. سخنان و راه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نظرهای شخصی او نیست، بلکه متن وحی الهی است. ۲. اساس ادیان الهی و راه اصلی پیامبران یکی است که همان توحید و حق‌گرایی است. ۳. رهبران و مبلغان دینی هدف و پیام خود را به روشنی برای مردم بیان کنند. ۴. به راه پیامبران بزرگ الهی و راه توحید بروید و از شرک دوری گزینید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و دوم و صد و شصت و سوم سوره‌ی انعام ترنم توحید را در تمام زندگی سریان می‌دهد و می‌فرماید: ۱۶۲ و ۱۶۳. قُلْ إِنَّ صلاتی وَ نُسکِی وَ محْیَای وَ مَمَاتی للَّهِ رَب الْعَلَمِینَ* لاـ شریک لَهُ وَ بِذَلِک أُمِرْت وَ أَنَا أَوَّلُ الْمُسلِمِینَ بگو: «براستی نمازم و [سایر] عباداتم و زندگی‌ام و مرگم، برای خدایی است، که پروردگار جهانیان است.* هیچ همتایی برای او نیست؛ وبه این (کار) مأمور شدم؛ و من نخستین مسلمانم.» نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. انسان می‌تواند ترنم توحید را در سراسر زندگی و مرگ خویش جاری سازد و در همه‌ی کارهای زندگی‌اش قصد قربت کند و آنها را برای خدا انجام دهد، تا همه کارهایش نوعی عبادت به شمار آید. ۲. عبادات و زندگی و مرگ انسان برای خداست، ولی این‌ها فایده‌ای برای پروردگار ندارد؛ چون او نیازمند اعمال ما نیست؛ پس تنها سود آن برای خود تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۷ انسان است و موجب تکامل او می‌گردد. «۱» ۳. یادآوری نماز به صورت ویژه و جدا کردن آن از مناسک و عبادات «۲» دیگر، نشان‌دهنده‌ی اهمیت نماز و اخلاص در آن است. ۴. این آیه خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله است، اما از آن جا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله الگو و اسوه‌ی ماست، ما نیز می‌توانیم مثل او، همه‌ی هستی، مرگ و حیات و عباداتمان را برای خدا قرار دهیم. ۵. در آیات قرآن بر مسلمان بودن و تسلیم بودن پیامبران الهی تأکید شده است. نوح علیه السلام می‌گوید: «من مأمورم که از مسلمانان باشم.» «۳» ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام می‌گویند: «خدایا ما را برای خودت مسلمان قرار بده.» «۴» و یوسف علیه السلام می‌گوید: «مرا مسلمان بمیران.»، «۵» ولی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌گوید: «من اولین مسلمان هستم.» «۶» ۶. واژه‌ی «مُسلِم» به معنای کسی است که در برابر فرمان خدا تسلیم باشد و اولین مسلمان بودن پیامبر صلی الله علیه و آله، یا از نظر کیفیت و اهمیت اسلام ایشان تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۸ است، که از همگان بالاتر است، یا این‌که او اولین فرد از امت اسلام بود که پیشگامی کرد و مسلمان شد و یا این‌که در عالم ارواح، پیامبر اسلام اولین کسی بود که به دعوت حق پاسخ مثبت داد و تسلیم شد. «۱» آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. اخلاص در کارها، زندگی و مرگ توحیدی و دوری از شرک، از دستورات الهی است. ۲. رهبران الهی در پیمودن راه و عمل به فرمان الهی پیش‌گام باشند. ۳. هم‌چون رهبر اسلام، ترنم توحید را در سراسر زندگی خویش جاری سازید. ۴. همه‌ی هستی خود را نثار دوست کنید و از غیر او روی‌برتابید. *** قرآن کریم در آیه‌ی صد و شصت و چهارم سوره‌ی انعام به دو قانون کلی و سنت الهی در مورد دست‌آورد انسان‌ها و لزوم مسئولیت‌پذیری آنها اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۴. قُلْ أَ غَیرَ اللَّهِ أَبْغِی رَبًّا وَ هُوَ رَب کلِّ شیْءٍ وَ لا

تَکْسِبُ کلُّ نَفْسٍ إِلاـ عَلَیهَا وَ لاـ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَی ثُمَّ إِلَی رَبِّکم مَّرْجِعُکمْ فَیُنَبِّئُکم بِمَا کُنتُمْ فِیهِ تخْتَلِفُونَ بگو: «آیا جز خدا، پروردگاری بجویم، در حالی که او پروردگار هر چیزی است؟! و هیچ شخصی جز بر زیان خویش (گناهی) کسب نمی‌کند؛ و هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را برنمی‌دارد؛» سپس فرجام شما فقط به سوی پروردگارتان است؛ و شما را (نسبت) به آنچه همواره در آن اختلاف می‌کردید، خبر خواهد داد. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. برخی از مفسران حکایت کرده‌اند که گروهی از مشرکان خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله رسیدند و گفتند: «تو از آیین ما پیروی کن، اگر آیین ما خطا بود، گناه تو بر گردن ما باشد.» آیه‌ی فوق به آنان پاسخ داد که هیچ‌کس بار گناه دیگری را به دوش تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۷۹ نمی‌کشد. «۱» ۲. مضمون این آیه، قانون کلی است که هیچ کس بدون جهت و ارتباط، بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و هر کس مسئول اعمال خویش است. عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت من اگر نیکم و گر بد، تو برو خود را باش هر کسی آن درَوَد عاقبت کار که کشت (حافظ) اما گاهی ممکن است انسان عامل و سبب عمل دیگران شود و در کیفر یا پاداش آن شریک گردد؛ برای مثال، طبق احادیث، هر کس در بنیان‌گذاری سنت و روش نیک یا بدی دخالت داشته باشد، در پاداش و کیفر تمام کسانی که بدان عمل می‌کنند شریک خواهد بود. «۲» ۳. در این آیه به یک قانون کلی دیگر نیز اشاره شده که «هرکس عمل بدی انجام می‌دهد، جز علیه خودش نیست؛ و کیفر عمل بد را خودش تحمّل خواهد کرد.» این قانون کلی با احادیث فراوانی که در مورد اهدای ثواب یا نیابت در اعمال نیک برای مردگان یا دیگران آمده است، منافات ندارد؛ چرا که: اولًا، این اعمال نیک و اهدای ثواب به نفع دیگران است- نه به ضرر آنان- پس از موارد آیه خارج است. و ثانیاً، پاداش کارهای نیک افراد بر دو گونه است: قسم اول، تکامل روح و جان است که قابل واگذاری به غیر نیست، و قسم دوم، ثواب آن است که در تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۰ برابر عمل به نیکوکار تعلق می‌گیرد، که این ثواب قابل هدیه دادن به مردگان و دیگران هست. «۱» ۴. یکی از روش‌های تربیتیِ قرآن آن است که از وجدان‌های انسان‌ها پرسش می‌کند و پاسخ آن را به عهده‌ی شنونده می‌گذارد. همان‌طور که در آیه‌ی فوق می‌پرسد: آیا غیر از خدا پروردگاری طلب کنم، در حالی که او پروردگار و مربی هر چیزی است؟ آری؛ خدا پروردگار و مربی همه چیز است و این همان توحید در رُبُوبیت نامیده می‌شود. آموزه‌ها و پیام‌ها: ۱. پروردگاری را انتخاب کنید که پروردگار جهانیان است. ۲. از افشاگری رستاخیز بهراسید و اختلاف نکنید. ۳. مسئولیت عمل هر کس با خود اوست. ۴. خلافکاری نکنید که فقط به زیان خود شماست. *** قرآن کریم در آخرین آیه‌ی سوره‌ی انعام به ارزش و موقعیت انسان در جهان و امتحان آدمیان با تفاوت‌های آنان اشاره می‌کند و می‌فرماید: ۱۶۵. وَ هُوَ الَّذِی جَعَلَکمْ خَلَئفَ الأَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَتٍ لِّیَبْلُوَکُمْ فی مَا ءَاتَاکمْ إِنَّ رَبَّک سرِیعُ الْعِقَابِ وَ إِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِیمُ و او کسی است که شما را جانشینانی (در) زمین قرار داد؛ و رتبه‌های برخی از شما را بر برخی [دیگر] برتری داد، تا شما را در [مورد] آنچه به شما داده، بیازماید؛ براستی که پروردگارت زود کیفر است؛ و قطعاً او تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۱ بسیار آمرزنده [و] مهرورز است. نکته‌ها و اشاره‌ها: ۱. این آیه به ارزش و موقعیت انسان در جهان اشاره کرده تا انسان‌ها ارزش خود را بدانند و در برابر بت‌های گوناگون سجده و کرنش نکنند؛ پس آیه‌ی فوق تکمیل کننده‌ی مباحث آیات قبل در مورد نفی شرک است. ۲. تفاوت‌های انسان‌ها به دو دسته تقسیم می‌شود: بخش اول، تفاوت‌هایی است که بر اثر تبعیض، بی‌عدالتی، نابرابری، ستم و فقدان امکانات به وجود می‌آید که سبب فقر و ثروت، علم و جهل، و بیماری و سلامتی گروهی از مردم می‌شود. این تفاوت‌ها غالباً زاییده‌ی استثمار، استعمار و ستمِ ستمکاران است و مقصود آیه‌ی فوق این تفاوت نیست. این‌ها تبعیض‌هایی است که بر بشر تحمیل شده و باید از بین برود. بخش دوم تفاوت‌ها مربوط به ساختمان وجودی افراد و استعدادها و امکانات درونی آنان است؛ انسان‌ها هم‌چون اندام یک گیاه هستند که ساقه، برگ، گل و ریشه دارد و هر کدام در جای خود نیکو و تکمیل کننده‌ی یک‌دیگرند و اگر در جامعه‌ی انسانی این تفاوت‌ها وجود نداشته باشد و همه‌ی مردم یکسان باشند، یک جامعه‌ی بی‌روح و مرده تشکیل می‌شود که فاقد تکامل و تحرّک است. این گونه تفاوت‌ها

مقصود آیه‌ی فوق است. ۳. هـدف از آزمایش انسان‌ها در برنامه‌های الهی، همان «تربیت و پرورش» است؛ یعنی هر انسانی بر اساس وظیفه‌ای که به عهده دارد، با استعداد متفاوتی ایجاد شده و در همان راستا تربیت و تکامل می‌یابد و امتحان خود را پس می‌دهد. ۴. قرآن کریم بارهـا از انسـان به عنـوان «خلیفه و نماینـده‌ی خـدا در زمین» یـاد کرده است. «۱» این تعبیر اشـاره به مقـام والای انسان و موقعیت ویژه‌ی او در تفسیر قرآن مهر جلد شـشم، ص: ۲۸۲ جهان دارد. «۱» برخی از مفسـران برآنانـد که مقصود از تعبیر فوق در این آیه، جانشـین شـدن انسان‌های هر عصـری، به جای انسان‌های گذشـته است. «۲» ۵. تعبیر خلیفه و جانشـین و نماینـده‌ی خـدا در زمین، می‌تواند بیان کننده‌ی این حقیقت باشد که انسان مالک حقیقی ثروت‌ها، استعدادها و مواهب الهی نیست که هرگونه بخواهد در آنهـا تصـرف کنـد، بلکه نماینـده و جانشـین خـداست و فقـط در قلمروی که او اجـازه داده حق تصـرف دارد؛ از این روست که اسـلام، هم در مورد درآمـد ثروت و هم در مورد مصـرف آن نظارت و قانون‌گـذاری می‌کنـد و در اقتصاد اسـلامی برای این موارد قیود و شـرایطی گذاشـته شـده است. آموزه‌هـا و پیام‌ها: ۱. انسـان خلیفه و جانشـین حـاکم جهـان است (نه اسیر جهان). ۲. مواهب، اسـتعدادها و امتیـازات انسان‌هـا (برای فخرفروشـی و تکبر نیست، بلکه) وسـیله‌ی آزمـایش انسان‌هاست. ۳. خـدا هـم زودکیفر و هم آمرزنده و بخشایش‌گر است (تا شـما مستحق کدام‌یک باشید). ۴. در طول زنـدگی، خود را در حال آزمایش بدانید (و تلاش کنید که موفق شوید). «۳» تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۳

منابع

«کل مجلدات تفسیر مهر» ۱. آداب الصلوهٔ، امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۲. ۲. آشنائی با قرآن (ده جلدی)، مرتضی مطهری، تهران- قم، انتشارات صدرا، چاپ هیجدهم، ۱۳۸۲ ش. ۳. احصاء العلوم، فارابی، بی نا، بی تا. ۴. احیاء علوم الـدین، محمـد بن محمد غزالی، بیروت، دار احیاء التراث العربی. ۵. ارشـاد القلوب الی الصواب، دیلمی، حسن بن ابی الحسن، انتشارات شـریف رضـی، چاپ اول، ۱۴۱۲ قمری. ۶. اسـباب النزول، ابوالحسن علی بن احمـد الواحدی النیشابوری، المکتبهٔ العصریه، بیروت، ۱۴۲۵ ق. ۷. اسـلام و هیئت، سید هبهٔالدین شهرستانی، مطبعهٔ الغری فی النجف، بی تا. ۸. اصول الفقه، محمد رضا مظفر، انتشارات المعارف الاسلامیهٔ، تهران، چهار جلد در دو مجلد، ۱۳۶۸ ش. ۹. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۱ ش. ۱۰. اطلس القرآن، دکتر شوقی ابوخلیل، دارالکفر المعاصر بیروت و دارالفکر دمشق، ۱۴۲۳ ق. ۱۱. اعجاز القرآن و بلاغت محمد صـلی الله علیه و آله، مصـطفی صادق رافعی، ترجمه عبدالحسین ابن الدین، بنیاد قرآن، ۱۳۶۱ ش. ۱۲. اعجـاز قرآن، محمدحسـین طباطبـائی، قم، بنیـاد علمی و فکری علامه طباطبائی، ۱۳۶۲ ش. ۱۳. اعلام القرآن، دکتر محمـد خزائلی، موسـسه انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۸۰ ش. تفسـیر قرآن مهر جلـد شـشم، ص: ۲۸۴ ۱۴. اعلام الوری بأعلم المهـدی، امین الاسـلام طبرسـی، ابوعلی فضـل بن حسن، (صاحب مجمع البیان)، انتشارات دارالکتب الاسـلامیهٔ، قم، چاپ سوم، بی تا. ۱۵. الاتقان فی علوم القرآن، جلال الـدین عبـدالرحمن بن ابی‌بکر السـیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق. ۱۶. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسـی، نشـر مرتضـی، مشهد، ۱۴۰۳ قمری (نســخه حاضـر از چـاپ ۱۴۰۱ قمری مؤســسه جـواد، بیروت عکســی برداری شـده اسـت). ۱۷. الاختصاص، شـیخ مفیـد، محمـد بن محمـد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفیـد قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۸. الارشـاد فی معرفهٔ حجـج اللّه علی العباد، شـیخ مفیـد، محمد بن محمد بن نعمان، کنگره جهانی هزاره مفید قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۱۹. الاستبصار فیمـا اختلـف من الاخبـار، محمـد بن حسن شـیخ طوسـی، دارالکتب الاسـلامیه، تهران، چـاپ سوم، ۱۳۹۰ قمری. ۲۰. الامالی، شـیخ صـدوق ابوجعفر، محمـد بن علی بن حسـین بن موسـی بن بابویه قمی، انتشارات کتابخانه اسـلامیه (منشورات اعلمی، بیروت)، نوبت چهارم، اصلاحات ۱۳۶۲. ۲۱. الامالی، شـیخ طوسی، محمد بن حسن، انتشارات دارالثقافهٔ، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ قمری. ۲۲. الامالی، شـیخ مفیـد، محمـد بن محمـد بن نعمـان، کنگره جهانی هزاره مفیـد قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ه. ق. ۲۳. البیان فی تفسـیر القرآن، سـید

ابوالقاسم خوئی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۹۴ ق. ۲۴. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵ ش. ۲۵. التفسیر الاثری الجامع، محمدهادی معرفت، موسسهٔ التمهید، قم، الطبعهٔ الاولی، ۱۳۸۳ ش. ۲۶. التفسیر المنسوب الی الامام الحسن بن علی العسکری علیه السلام، قم، موسسهٔ الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق، ۱ جلدی. ۲۷. التفسیر لکتاب اللّٰه المنیر، محمد الکرمی، قم، مطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۴۰۲ ق، ۷ جلدی. ۲۸. التفسیر و المفسّرون، دکترمحمدحسین ذهبی، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م. ۲۹. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، محمد هادی معرفت، مشهد، دانشگاه علوم تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۵ اسلامی رضوی، ۱۴۱۸ ق. ۳۰. التمهید فی علوم القرآن، همو، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق. ۳۱. التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دوم، ۱۳۹۸ قمری (۱۳۵۷ شمسی). ۳۲. التوحید، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ ش. ۳۳. الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیانه، محمود صافی، دار الرشید دمشق و موسسه الامیان بیروت، بی‌تا. ۳۴. الجعفریات (الاشعثیات)، محمد بن محمد بن اشعث، مکتبهٔ النینوی الحدیثهٔ، تهران، بی‌نو، بی‌تا. ۳۵. الخصال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ قمری. ۳۶. قرآن و علم امروز، الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد اللّٰه مبشری، قرآن و علم امروز، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران، ۱۳۶۲ ش. ۳۷. الدرّ المنثور فی تفسیر الماثور، جلال الدین عبدالرحمن ابن ابی‌بکر السیوطی، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق. ۳۸. الرسالهٔ الذهبیهٔ (طب الرضا علیه السلام)، امام رضا علیه السلام، انتشارات خیام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۲ قمری. ۳۹. البرهان فی علوم القرآن، الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبداللّٰه، دار المعرفهٔ، بیروت، چهار جلد، ۱۴۱۰ ق. ۴۰. الصحیفهٔ السجادیه، امام زین العابدین علیه السلام، نشر الهادی، ۱۳۷۶ قمری. ۴۱. الصراط المستقیم الی ستحقی التقدیم، علی بن یونس نباطی بیاضی، انتشارات کتابخانه حیدریه نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۸۴ قمری. ۴۲. الضوء و اللون فی القرآن الکریم، نذیر حمدان، دمشق- بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۲۲ ق. ۴۳. الغدیر فی الکتاب و السنهٔ و الادب، عبدالحسین احمد الامینی النجفی، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۷۸ ق. ۴۴. الکافی، ثقهٔ الاسلام کلینی، محمد بن یعقوب، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۴۵. المحاسن، برقی، احمد بن ابی عبداللّٰه، دارالکتب الاسلامیهٔ، چاپ دوم، ۱۳۳۰، هجری شمسی (۱۳۷۱ قمری). تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۶ ۴۶. المسند، احمد بن محمد ابن حنبل، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۵ ق. ۴۷. المفردات فی غریب القرآن، ابوالقاسم حسین بن محمد راغب اصفهانی، تهران، المکتبهٔ الرضویه، ۱۳۳۲ ش. ۴۸. اولین دانشگاه وآخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک‌نژاد، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۵۰ ش. ۴۹. اهداف و مقاصد سوره‌ها، دکتر شحاته، ترجمه سید محمدباقر حجّتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی. ۵۰. اهل البیت فی الکتاب المقدس، احمد الواسطی، مطبعهٔ الصدر ۱۹۹۷ م. ۵۱. بحارالانوار الجامعهٔ لدرر اخبار الائمهٔ الاطهار علیهم السلام، علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، مؤسسهٔ الوفاء بیروت، لبنان، بی‌نو ۱۴۰۴ قمری. ۵۲. بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، انتشارات کتابخانه آیهٔاللّٰه مرعشی نجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۵۳. بوکای، موریس، ترجمه مهندس ذبیح اللّٰه دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۵ ش. ۵۴. پرواز در ملکوت مشتمل بر آداب الصلوهٔ، امام خمینی، سید احمد فهری، نهضت زنان مسلمان، تهران، ۱۳۵۹ ش. ۵۵. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، رشت، کتاب مبین، چاپ سوم، ۱۳۸۱. ۵۶. پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ نهم، ۱۳۷۵ ش. ۵۷. تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ ق. ۵۸. تأویل الآیات الظاهرهٔ فی فضائل العترهٔ الطاهرهٔ، حسینی استر آبادی، سید شرف الدین علی، موسسه نشر الاسلام، وابسته به جامعه مدرسین قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۵۹. تحریر الوسیله، روح اللّٰه موسوی خمینی قدس سره، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، بی‌تا، چاپ دوم. ۶۰. تحف العقول عن آل

الرسول صلی الله علیه و آله، حرانی حسن بن شعبه، مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ قمری. ۶۱. تفسیر آسان (منتخب از تفاسیر معتبر) محمدجواد نجفی، تهران، کتاب فروشی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۷ اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۶۴ ش، ۱۵ جلدی. ۶۲. تفسیر اثنی عشری، حسین بن احمد الحسینی الشاه عبدالعظیمی، (م ۱۳۸۴ ق)، تهران، انتشارات میثاق، چاپ اول، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۴ ش. ۶۳. تفسیر احسن الحدیث، سید علی اکبر قرشی، تهران، واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت، ۱۲ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۴. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب (م ۱۴۱۱ ق) تهران، انتشارات اسلام، چاپ سوم، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۶۵. تفسیر الامام العسکری علیه السلام، منسوب به امام عسکری علیه السلام، انتشارات مدرسه امام مهدی علیه السلام، قم، اول، ۱۴۰۹ قمری. ۶۶. تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم حسینی بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ش. ۶۷. تفسیر التبیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن الحسن علی الطوسی (م ۴۶۰ ق) قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۹ ق. ۶۸. تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن الکریم، شیخ محمد السبزواری النجفی (م ۱۴۱۰ ق)، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۷ جلدی، ۱۴۰۲ ق. ۶۹. تفسیر الجواهر الثمین فی تفسیر الکتاب المبین، سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، کویت، مکتبهٔ الالفین، ۶ جلدی، ۱۴۰۷ ق. ۷۰. تفسیر الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی جوهری، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی. ۷۱. تفسیر الحبری، ابو عبداللّه الکوفی الحسین بن الحکم بن مسلم الحبری، (م ۲۸۶) بیروت، موسسهٔ آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۰ جلدی، ۱۴۰۸ ق. ۷۲. تفسیر العیاشی، محمد بن مسعود ابن عیاش السلمی قندی المعروف بالعیاشی، مؤسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ ق. ۷۳. تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنهٔ، محمد صادقی تهرانی، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۳۰ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۷۴. تفسیر القرآن الکریم (تفسیر شبر) سید عبداللّه شبر (م ۱۲۴۲ ق)، بیروت، دارالبلاغه للطباعهٔ و النشر و التوزیع، ۱ جلدی، ۱۴۱۲ ق. ۷۵. تفسیر القرآن الکریم، سید مصطفی خمینی (م ۱۳۹۷ ق) تهران، چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۴ جلدی، ۱۳۶۲ ش. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۸ ۷۶. تفسیر القرآن الکریم، صدرالمتألهین محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی، (م ۱۰۵۰ ق) قم، انتشارات بیدار، چاپ دوم، ۷ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۷۷. تفسیر الکاشف، محمدجواد مغنیه (م ۱۴۰۰ ق) بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۹۸۱ م. ۷۸. تفسیر المعین، مولی نورالدین محمد بن مرتضی کاشانی (م بعد ۱۱۱۵ ق) قم، نشر کتابخانه آیهٔاللّه مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳ جلدی. ۷۹. تفسیر المنار (تفسیر القرآن الحکیم)، محمد رشید رضا، بیروت، دارالمعرفهٔ، الطبعهٔ الثانیهٔ. ۸۰. تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبائی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا، چاپ دوم. ۸۱. تفسیر الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز، علی بن الحسین بن ابی‌جامع العاملی (م ۱۱۳۵ ق) قم، دار القرآن الکریم، ۱ جلد، ۱۴۱۳ ق. ۸۲. تفسیر انوار العرفان فی تفسیر القرآن، ابوالفضل داورپناه، تهران، انتشارات صدر، ۹ جلدی، ۱۳۷۵ ش. ۸۳. تفسیر انوار درخشان در تفسیر قرآن، سید محمد حسینی الهمدانی، تهران، کتابفروشی لطفی، ۱۸ جلدی، ۱۳۸۰ ق. ۸۴. تفسیر بیان السعادهٔ فی مقامات العباد، حاج سلطان محمد الجنابذی ملقب به سلطان علیشاه (م ۱۳۲۷ ق) تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۴ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۸۵. تفسیر پرتوی از قرآن، سید محمود طالقانی (م ۱۳۵۸ ش) تهران، شرکت سهامی انتشار، ۶ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۸۶. تفسیر تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، عبداللّه جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۸۰ ش. ۸۷. تفسیر تقریب القرآن الی الاذهان، سید محمد الحسینی الشیرازی، بیروت، موسسه الوفاء، ۳۰ جلدی در ۱۰ مجلد، ۱۴۰۰ ق. ۸۸. تفسیر ثعلبی (الکشف و البیان)، احمد بن محمود ثعلبی (م ۴۲۷ ق) بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق. ۸۹. تفسیر جامع، سید ابراهیم بروجردی، تهران، انتشارات صدر، چاپ سوم، ۷ جلدی، ۱۳۴۱ ش. ۹۰. تفسیر جلاء الاذهان و جلاء الاحزان (تفسیر گازر)، ابوالمحاسن حسین بن حسن تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۸۹ جرجانی (م، اواخر قرن نهم)، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۰ جلدی، ۱۳۳۷ ش. ۹۱. تفسیر جوامع الجامع، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (م ۵۴۸ ق) تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۱۲ ق. ۹۲. تفسیر حجهٔ التفاسیر و بلاغ الاکسیر (تفسیر بلاغی)، سید عبدالحجهٔ بلاغی، قم، چاپ حکمت، چاپ اول، ۱۰ جلدی،

۱۳۴۵ ش. ۹۳. تفسیر خسروی، شاهزاده علیرضا میرزا خسروانی (م ۱۳۸۶ ق) تهران، چاپ اسلامیه، ۸ جلدی، ۱۳۹۷ ق. ۹۴. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش. ۹۵. تفسیر روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، میرزا محمد ثقفی تهرانی، تهران، انتشارات برهان، چاپ دوم، بی‌تا، ۵ جلدی. ۹۶. تفسیر روشن، حسن مصطفوی، تهران، انتشارات سروش، ۲ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۷. تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ابوالفتوح رازی، (م ۵۵۲ ق) مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴ جلدی، ۱۳۷۴ ش. ۹۸. تفسیر سوره حمد، روح اللّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۸۱ ش. ۹۹. تفسیر شریف لاهیجی، بهاءالدین محمد شیخ علی الشریف اللاهیجی، (م ۱۰۸۸ ق)، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۴ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۰. تفسیر صافی، فیض کاشانی، بیروت، موسسهٔ الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۲ ق. ۱۰۱. تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، جعفر سبحانی، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق علیه السلام، (انتشارات توحید)، ۱۳۷۱ ش. ۱۰۲. تفسیر عاملی، ابراهیم عاملی، مشهد، کتاب فروشی باستان، و تهران، کتابخانه صدوق، ۸ جلدی، ۱۳۶۳ ش. ۱۰۳. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قمی، علی بن ابراهیم، موسسه دارالکتاب، قم، سوم، ۱۴۰۴ قمری، کتاب حاضر نسخه عکسی از چاپ دوم نشر مکتبه المهدی نجف می باشد که بیروت نیز از آن عکس گرفته است. ۱۰۴. تفسیر علی بن ابراهیم القمی، (م حدود ۳۰۷ ق) قم، موسسه دارالکتاب للطباعهٔ و تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۰ النشر، چاپ سوم، ۲ جلدی. ۱۰۵. تفسیر فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی (اواخر قرن سوم هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق. ۱۰۶. تفسیر فی ظلال القرآن، سید قطب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعهٔ الخامسهٔ. ۱۰۷. تفسیر قرطبی، (الجامع لاحکام القرآن) محمد بن احمد قرطبی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق. ۱۰۸. تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، فخرالدین رازی، بیروت، دارالکتب الاسلامیه. ۱۰۹. تفسیر کشاف عن حقائق غوامض التنزیل، محمود بن عمر الزمخشری، بیروت، ادب الحوزه، دارالمعرفهٔ، دارالکتب، ۱۴۰۰ ق. ۱۱۰. تفسیر کشف الاسرار و عدهٔ الابرار (تفسیر خواجه عبداللّه انصاری)، احمد بن محمد میبدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶ ش. ۱۱۱. تفسیر کشف الحقایق عن نکت الایات و الدقائق، محمد کریم العلوی الحسینی الموسوی، تهران، حاج عبدالمجید- صادق نوبری، چاپ سوم، ۲ جلدی، ۱۳۹۶ ق. ۱۱۲. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمدرضا القمی المشهدی، (قرن ۱۲ هجری) تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴ جلدی، ۱۳۶۶ ش. ۱۱۳. تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی (امین الاسلام)، تهران، المکتبهٔ الاسلامیه، ۱۳۹۵ ق. ۱۱۴. تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن (کنز العرفان)، بانوی اصفهانی (امین اصفهانی- م ۱۴۰۴ ق) تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۰ جلدی، ۱۳۶۱ ش. ۱۱۵. تفسیر مقتنیات الدرر و ملتقطات لثمر، سیدعلی الحائری الطهرانی (م ۱۳۴۰ ق) تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۲ جلدی، ۱۳۲۷ ش. ۱۱۶. تفسیر من وحی القرآن، محمدحسین فضل اللّه، دار الزهراء، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۱۷. تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، ملافتح اللّه کاشانی (م ۹۹۸ ق)، تهران، کتابفروشی اسلامیه، چاپ دوم، ۱۰ جلدی، ۱۳۴۴ ش. ۱۱۸. تفسیر من هدی القرآن، سید محمدتقی مدرس، بی‌جا، دارالهدی، ۱۸ جلدی، ۱۴۰۶ ق. ۱۱۹. تفسیر مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، سید عبدالاعلی الموسوی السبزواری، نجف اشرف، مطبعهٔ الاداب، ۴ جلدی، ۱۴۰۴ ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۱ ۱۲۰. تفسیر مواهب علیه (تفسیر حسینی)، حسین واعظ کاشفی (م ۹۱۰ ق)، تهران، کتاب فروشی اقبال، چاپ اول، ۴ جلدی، ۱۳۱۷ ش. ۱۲۱. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم، ۱۳۷۳ ش. ۱۲۲. تفسیر نورالثقلین، عبدالعلی بن جمعه العروسی حویزی، قم، المطبعهٔ العلمیهٔ، ۱۳۸۳ ش. ۱۲۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۴ ش. ۱۲۴. تفسیر نهج البیان عن کشف معانی القرآن، محمد بن الحسن الشیبانی، (قرن هفتم) تهران، موسسه دائرهٔالمعارف اسلامیهٔ، ۱ جلد، ۱۴۱۲ ق. ۱۲۵. تنبیه الخواطر و نزههٔ النواظر المعروف (مجموعهٔ ورم)، ورام بن ابی فراس، انتشارات مکتبهٔ الفقیه، قم. کتاب حاضر

نسخه عکسی از انتشارات دار صعب و دار التعارف بیروت به سال ۱۳۷۶ قمری است. ۱۲۶. تنزیه الانبیاء و الائمهٔ علیهم السلام، علم الهدی سید مرتضی، انتشارات شریف رضی، قم، بی نو، ۱۲۵۰ قمری. ۱۲۷. تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، شیخ طوسی، محمد بن حسن، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ شمسی. ۱۲۸. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۴ شمسی. ۱۲۹. جامع الاخبار، شعیری، تاج الدین محمد، انتشارات رضی قم، چاپ دوم، ۱۳۶۳ شمسی. ۱۳۰. جواهر القرآن غزالی، بیروت- دمشق، المرکز العربی الکتاب، بی‌تا. ۱۳۱. جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، روح اللَّه خمینی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۳۷۵ ش. ۱۳۲. چهل حدیث، امام خمینی، بی‌جا، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ اول، بی‌تا. ۱۳۳. خدا از دیدگاه قرآن، سید محمد حسینی بهشتی، انتشارات بعثت، تهران، بی‌تا. ۱۳۴. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ش. ۱۳۵. دراسات قرآنیه، المبادی العامه لتفسیر القرآن الکریم، محمدحسین علی الصغیر، تهران مکتبهٔ الاسلامی، ۱۴۱۲ ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۲ ۱۳۶. الطب فی القرآن الکریم، دیاب، دکتر عبد الحمید و دکتر احمد قرقوز، مؤسسهٔ علوم القرآن، دمشق، الطبعهٔ السابعهٔ، ۱۴۰۴ ق. و نیز تحت عنوان طب در قرآن، ترجمه علی چراغی، انتشارات حفظی بی تا، تهران. ۱۳۷. دیوان حافظ، شمس الدین محمد حافظ شیرازی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۶ ش. ۱۳۸. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع الثانی، سید محمود الآلوسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۵ ق. ۱۳۹. روح عرفانی روح اللَّه، محمدرضا رمزی اوحدی، تهران، مؤسسهٔ توسعه فرهنگ قرآنی، ۱۳۷۸ ش. ۱۴۰. روزه درمان بیماری‌های روح و جسم، سید حسین موسوی راد لاهیجی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۴ ش. ۱۴۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن؛ بابائی و دیگران، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۴۲. روش‌ها و گرایش‌های تفسیری؛ حسین علوی مهر، انتشارات اسوه، سال ۱۳۸۱. ۱۴۳. روش‌های تفسیر قرآن، دکتر سیدرضا مؤدّب، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش. ۱۴۴. خلقت انسان در بیان قرآن، سبحانی، ید اللّه، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، ۱۳۵۱ ش. ۱۴۵. سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، دارالاسوهٔ للطباعهٔ و النشر، طهران، ۱۴۱۶ ق. ۱۴۶. سیره ابن هشام (السیرهٔ النبویه)، عبدالملک بن هشام، بیروت، المکتبهٔ العربیهٔ، ۱۴۱۹ ق. ۱۴۷. شرح دعای سحر، امام خمینی، ترجمه سید احمد فهری، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۵۹ ش. ۱۴۸. شرح نهج‌البلاغه، عبدالحمید بن هبهٔ اللَّه، ابن ابی‌الحدید، طهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹ ش. ۱۴۹. شواهدی التنزیل، حاکم حسکانی (ابن حذاء، ابن حداد)، عبیداللَّه قضی، تحقیق: محمدباقر محمودی، موسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ قمری. ۱۵۰. صحیح بخاری، ابوعبداللَّه محمدبن اسماعیل الخاری، بیروت، داراحیاء الثراث العربی، چهار جلدی، ۱۴۰۰ ه. ق. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۳ ۱۵۱. صحیفه نور، روح اللَّه موسوی خمینی قدس سره، تهران، موسسهٔ تنظیم و نشر آثار امام خمینی. ۱۵۲. الفرقان و القرآن، عبدالرحمن العک، شیخ خالد، الفرقان و القرآن، الحکمهٔ للطباعهٔ والنشر، سوریه، ۱۴۱۴ ق. ۱۵۳. عدهٔ الداعی، ابن فهد حلی، جمال الدین ابوالعباس، احمد بن محمد حلی، انتشارات دارد الکتاب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ قمری. ۱۵۴. علل الشرایع، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات مکتبهٔ الداوری، قم، کتاب حاضر عکس انتشارات، کتابخانه حیدریه، نجف، به سال ۱۳۶۸ قمری است. ۱۵۵. علم و دین، ایان باربوی، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ش. ۱۵۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جهان، بی‌جا، بی‌نو، ۱۳۷۸ قمری. ۱۵۷. غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ قمری. ۱۵۸. فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری، قم، مجمع الفکر الاسلامی، چهار جلدی، ۱۴۱۹ ق. ۱۵۹. فرهنگ خاص علوم سیاسی، حسن علیزاده، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۰. فقه القرآن، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، کتابخانه آیهٔ اللَّه مرعشی نجفی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ قمری. ۱۶۱. فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاکر، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات

قدیانی، ۱۳۷۰ ش. ۱۶۲. قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیهٔ، تهران، ۱۳۵۲ ش. ۱۶۳. قاموس کتاب مقدس، جمیز هاکس، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش. ۱۶۴. قرآن ناطق، بی آزار شیرازی، عبدالکریم، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش. ۱۶۵. قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ‌دوم، بی‌تا. ۱۶۶. قرب الاسناد، حمیری عبداللّه بن جعفر، انتشارات نینوی، تهران، (چاپ فعلی سنگی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۴ است در چاپخانه اسلامیه به چاپ رسیده است). ۱۶۷. قصص الانبیاء علیهم السلام، راوندی کاشانی، قطب الدین ابوالحسن (ابوالحسین) سعید، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس روضی، چاپ اول، ۱۴۰۹ قمری. ۱۶۸. کتاب مقدس (تورات و انجیل)، مترجم انجمن کتاب مقدس، ایران، چاپ دوم، ۱۹۸۷ م. ۱۶۹. کشف الغمهٔ فی معرفهٔ الائمهٔ علیهم السلام، اربلی علی بن عیسی، انتشارات مکتبهٔ بنی هاشمی، تبریز، بی‌نو ۱۳۸۱ قمری. ۱۷۰. کفایهٔ الاصول، آخوند محمدکاظم خراسانی، قم، موسسهٔ النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ ق. ۱۷۱. کمال الدین و تمام النعمهٔ، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات دارالکتب الاسلامیهٔ قم، چاپ دوم، ۱۳۹۵ قمری. ۱۷۲. کنزالفوائد، کراجکی، ابوالفتح، انتشارات دارالذخائر، قم، اول، ۱۴۱۰ قمری. ۱۷۳. گلستان سعدی، کتاب فروشی برادران علمی، بی‌جا، ۱۳۶۶ ش. ۱۷۴. لباب النقول فی اسباب النزول، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر السیوطی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۲۳ ق. ۱۷۵. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، آداب الحوزه، ۱۴۰۵ ق. ۱۷۶. مبانی فلسفه علی اکبر سیاسی، تهران، دانشگاه تهران. ۱۷۷. مبانی و روش‌های تفسیری، عباسعلی عمید زنجانی، تهران، چاپ چهارم انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۱۷۸. متشابه القرآن و مختلفه، ابن شهر آشوب آملی مازندرانی، رشید الدین محمد، انتشارات بیدار، ۱۳۲۸ قمری. ۱۷۹. مثنوی معنوی، (مثنوی معنوی براساس نسخه نیکلسون) جلال الدین محمد بن محمد مولوی، راستین، جانبی ۱۳۷۵ ش. ۱۸۰. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، محدث نوری، حسین، تحقیق و نشر موسسه آل البیت علیهم السلام، قم، اول، ۱۴۰۸ قمری. ۱۸۱. تکامل در قرآن، مشکینی اردبیلی، آیهٔ اللّه علی، بی تا، ترجمه حسینی نژاد، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران. ۱۸۲. آموزش فلسفه، مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، دو جلد، ۱۳۶۸ . ۱۸۳. معارف قرآن، محمد تقی مصباح یزدی، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۷ ش، ۵۲۰ ص. ۱۸۴. معانی الاخبار، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۵ قمی، مؤسسه انتشارات اسلامی‌وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری. ۱۸۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۷۹ ق. ۱۸۶. مکارم الاخلاق، طبرسی (فرزند صاحب مجمع البیان) رضی الدین حسن بن فضل، انتشارات شریف رضی، چهارم، ۱۴۱۲ قمری. ۱۸۷. منطق ترجمه قرآن، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۶ ش. ۱۸۸. منطق تفسیر قرآن (۲)، روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۵ ش. ۱۸۹. منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر، محمد علی رضائی اصفهانی، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۷ ش. ۱۹۰. من لایحضره الفقیه، التوحید، شیخ صدوق ابوجعفر، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ قمری. ۱۹۱. نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، مهاجری، مسیح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۳ ش. ۱۹۲. میزان الحکمه، محمدی ری‌شهری، مرکز النشر مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ق. ۱۹۳. مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نجفی، گودرز، نشر سبحان، تهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۴. نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، محمد علی رضائی اصفهانی و همکاران، قم، دار الذکر، ۱۳۸۴ ش. ۱۹۵. جهان دانش، فرهنگ دانستنیها، نژاد، محمد، انتشارات بنیاد، چاپ هفتم، ۱۳۷۴ ش. ۱۹۶. نگاهی به ادیان زنده جهان، حسین توفیقی، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، ۱۳۷۷ ش. ۱۹۷. دانش عصر فضا، نوری، آیهٔ اللّه حسین، نشر مرتضی، قم، ۱۳۷۰ ش. ۱۹۸. نهج البلاغه، امام علی علیه السلام، تدوین، سید رضی، انتشارات دارالهجرهٔ، قم (نسخه صبحی صالح). ۱۹۹. نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام، ترجمه محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹ ش. ۲۰۰.

وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعهٔ، محمد بن الحسن حرّ عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق. ۲۰۱. هفت آسمان، بهبودی، محمد باقر، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۷ فهرست کتاب‌های منتشر شده دکتر محمد علی رضائی اصفهانی ردیف نام کتاب‌انتشارات‌سال ۱ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (دو چاپ) سوره ۲۱۳۷۵ شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه‌دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم (بوستان کتاب) ۳۱۳۷۶ رابطه علم و دین در غرب‌پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ۴۱۳۷۹ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (چهار چاپ) (دو جلد) کتاب مبین- انتشارات تفسیر و علوم قرآن ۵۱۳۸۰ آموزه‌های تربیتی عاشورا (دو چاپ) شهید مسلم ۶۱۳۸۰ انس با قرآن (دو چاپ) شهید مسلم ۷۱۳۸۰ روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن (دو چاپ) مرکز جهانی علوم اسلامی ۸۱۳۸۲ مناهج و اتجاهات للتفسیر القرآن‌مرکز جهانی علوم اسلامی ۹۱۳۸۳ شگفتی‌های اعجازآمیز قرآن‌نشر معارف ۱۳۸۳ ۱۰ نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم‌دار الذکر ۱۱۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۱ ترنم مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۲۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۲ شمیم مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۳۱۳۸۴ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۳ باران مهر) تفسیر و علوم قرآن ۱۴۱۳۸۴ تفسیر مقدماتی‌مرکز جهانی علوم اسلامی ۱۵۱۳۸۴ تفسیر قرآن مهر (سوره‌ی یوسف) تفسیر و علوم قرآن ۱۶۱۳۸۵ تفسیر قرآن مهر (سوره‌ی توبه) تفسیر و علوم قرآن ۱۷۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۵) علوم مهرتفسیر و علوم قرآن ۱۸۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۶) دانش مهرتفسیر و علوم قرآن ۱۹۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۷) روابط دختر و پسر (۱) تفسیر و علوم قرآن ۲۰۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۸) روابط دختر و پسر (۲) تفسیر و علوم قرآن ۲۱۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۹) پیامبر مهر (۱) تفسیر و علوم قرآن ۲۲۱۳۸۵ پرسش و پاسخ‌های قرآنی (ج ۱۰) پیامبر مهر (۲) تفسیر و علوم قرآن ۲۳۱۳۸۵ منطق ترجمه قرآن‌مرکز جهانی علوم اسلامی ۲۴۱۳۸۶ شگفتی‌ها و اعجازهای علمی قرآن‌تفسیر و علوم قرآن ۱۳۸۶ تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۸ فهرست ترجمه کتاب‌های دکتر محمد علی رضائی اصفهانی ردیف‌نام کتاب‌زبان‌مترجم ۱ منطق تفسیر (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن‌عربی‌قاسم بیضاوی (کعبی) ۲ منطق تفسیر (۲) روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن‌اردوغلام محمد ۳ انس با قرآن‌تایلندی محمد شریف ۴ آموزه‌های تربیتی عاشوراتایلندی محمد شریف ۵ انس با قرآن‌اردوسید باقر رضا کاظمی ۶ شگفتی‌های و اعجازهای علمی قرآن‌آذری‌مقصود سائل اف ۷ تفسیر قرآن مهر (سوره‌ی یوسف) آذری‌سید طهماسب جواد زاده ۸ روابط دختر و پسر (۱ و ۲) آذری‌رامیل عظیم اف ۹ تفسیر مقدماتی‌آذری‌طغرل بابایف ۱۰ منطق تفسیر قرآن (۱) مبانی و قواعد تفسیر عربی ابو خمسین و ازرقی ۱۱ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۱ و ۲) عربی‌ساعدی ۱۲ آموزه‌های تربیتی عاشورا اردو هندی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۲۹۹ انتشارات تفسیر و علوم قرآن تقدیم می‌کند: الف: کتاب‌های منتشر شده: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱) ترنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۲) شمیم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۳) باران مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۴. پرسش‌های قرآنی جوانان (۴) شبنم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۵. پرسش‌های قرآنی جوانان (۵) دانش مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۶. پرسش‌های قرآنی جوانان (۶) علوم مهر- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۸- ۷. پرسش‌های قرآنی جوانان (۷ و ۸) روابط دختر و پسر (۱ و ۲)- محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۰- ۹. پرسش‌های قرآنی جوانان (۹ و ۱۰) پیامبر مهر (۱ و ۲)- محمدعلی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۱. فلسفه احکام (۲) حکمت‌ها و اسرار نماز- احمد اهتمام ۱۲. آموزه‌های عاشورا- محمدعلی رضایی‌اصفهانی ۱۳. تفسیر قرآن‌مهر، سوره یوسف علیه السلام- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۴. تفسیر قرآن‌مهر، سوره توبه- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۵. تفسیر قرآن‌مهر، ج ۱، سوره حمد و بقره (تا آیه‌ی ۱۴۱)- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۶. تفسیر قرآن‌مهر، ج ۲، سوره بقره (از آیه‌ی ۱۴۲ تا آخر)- محمدعلی

رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۷. تفسیر قرآن‌مهر، ج ۳، سوره آل عمران- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۸. تفسیر قرآن‌مهر، ج ۴، سوره نساء- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۱۹. تفسیر قرآن‌مهر، ج ۵، سوره مائده- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲۰. مراحل انس با قرآن- دکتر محمد فاکر میبدی ۲۲- ۲۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (جلد ۱ و ۲)- دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی ۲۳. مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، دکتر محمدجواد اسکندرلو ۲۴. قرآن و هنر، دکتر علی نصیری ۲۵. قرآن و بهداشت روان، دکتر احمد صادقیان ۲۶. اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و محسن ملاکاظمی ۲۷. قرآن و ریاضیات، سید مرتضی علوی تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰۰ ب: کتاب‌های در دست انتشار: ۱. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۱)، مهدویت در قرآن، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۲. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۲)، مهر مهدوی، محمد علی رضایی اصفهانی و جمعی از پژوهشگران ۳. پرسش‌های قرآنی جوانان (۱۳)، قرآن و خاورشناسان، دکتر محمد حسن زمانی ۴. فلسفه احکام (۱) حکمت‌ها و اسرار احکام بهداشتی اسلام- احمد اهتمام ۵. فلسفه احکام (۳) خداشناسی از راه کیهان‌شناسی- احمد اهتمام ۶. ترجمه آموزشی قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۷. ترجمه تفسیری قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی و جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه ۸. قرآن و علوم پزشکی- حسن رضا رضایی ۹. قرآن و مدیریت- محسن ملاکاظمی ۱۰. سیمای سوره‌های قرآن- محمدعلی رضایی‌اصفهانی ۱۱. تفسیر جوان، محمد علی رضایی اصفهانی ۱۲. امام حسین پیشوای روشنایی‌ها، دکتر علی نصیری یادآوری: مراکز پخش کتاب‌های فوق در صفحه شناسنامه همین کتاب آمده است. تفسیر قرآن مهر جلد ششم، ص: ۳۰۱ شیوه‌های خرید کتاب‌های انتشارات الف: خرید حضوری: به مراکز پخش که در شناسنامه کتاب موجود است مراجعه فرمایید. ب: خرید غیرحضوری: ۱. از طریق فاکس: ۷۷۳۹۰۰۲- ۰۲۵۱ ۲. بوسیله نامه: با آدرس‌های مراکز پخش، موجود در شناسنامه کتاب مکاتبه فرمایید. تذکرات: ۱. کتاب‌های فوق جهت ترویج فرهنگ قرآنی و دینی آماده‌سازی شده است، از این رو با حداقل قیمت در اختیار قرآن دوستان قرار می‌گیرد. ۲. برای هر یک از این کتاب‌ها مسابقه علمی طراحی شده که در جلسات، ارس و ... قابل اجراست. ۳. در صورتی که مایل به خرید کتاب‌های فوق هستید مبلغ آن را به شماره حساب جاری ۱۰۱۰۵۳ ۱۵۳۱ بانک تجارت شعبه صفائیه قم به نام آقای نصراللّه سلیمانی واریز و فیش آن را برای ما ارسال کنید تا کتاب‌ها به آدرس شما پست شود. (هزینه پست به عهده مرکز است)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف :دفاع از

حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیتهای گسترده مرکز : الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و... ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر

که او را زنـده کنـد و از کفر به ایمـان، ارشـاد کنـد، گویی همه مردم را زنـده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشـیرهای تیز بکشد». مسـند زید: امام حسـین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».